



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا  
علیها یصی

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# حقیقت

۲۲

تعمیر و تجدید  
سازمانی امام خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۴	صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۲۲
۱۴	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۲۷	مقدمه:
۳۶	در جمع علمای اعلام و حجج اسلام در نجف اشرف
۳۷	ما و شما که دنیا نداریم تا سر این دنیا اختلاف را داشته باشیم
۳۸	عالم اگر خدای نخواستہ منحرف شد ، یک امت را منحرف می کند
۴۳	این دسته بندی ها فسق است ، حوزه را ضایع می کند
۴۷	پاسخ به نامه یکی از دانشجویان خارج از کشور
۴۸	پاسخ به نامه یکی از افاضل حوزه علمیه قم
۵۰	پاسخ به نامه شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی
۵۳	پاسخ به نامه آقای ابوجهاد
۵۵	پاسخ به نامه پراحساس کودک ۱۱ساله ای که پس اندازش را به جبهه های جمگ تحمیلی هدیه کرده است
۵۶	تلگراف به شاه
۵۹	حکم انتصاب ثقه الاسلام آقای صادق احسان بخش در مورد انجام امور حسبیه و شرعیه
۶۱	فرمان به ثقه الاسلام آقای صادق خلخالی
۶۲	پاسخ به مصاحبه علم نخست وزیر رژیم پهلوی
۶۵	تلگراف به شاه
۶۶	تلگراف به اسدالله علم
۶۸	نامه به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی
۷۰	تلگراف به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی
۷۲	نامه به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی
۷۵	نامه به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی

- ۷۵ ..... اشاره
- ۷۸ ..... نامه به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی
- ۸۰ ..... نامه به مرحوم حجت الاسلام آقای خلخالی
- ۸۲ ..... نامه خطاب به همسرشان
- ۸۴ ..... نامه به دانشجویان
- ۸۶ ..... نامه به ثقة الاسلام آقای محمد حسین انزابی
- ۸۸ ..... نامه به ثقة الاسلام آقای مجدالدین مصباحی
- ۹۰ ..... نامه به آیت الله آقای آخوند
- ۹۲ ..... نامه به حضرت آیت الله آقای بنی صدر
- ۹۴ ..... پاسخ به نامه جمعی از اهالی قم در مورد تهیه ذغال فقرا از سهم امام
- ۹۵ ..... نامه به علمای حوزه علمیه قم
- ۹۶ ..... پاسخ به طومار طلاب اصفهانی مقیم قم
- ۹۷ ..... نامه به علمای آذربایجانی حوزه علمیه قم
- ۹۸ ..... نامه به علمای حوزه علمیه اصفهان
- ۹۹ ..... نامه به علمای شیرازی مقیم قم
- ۱۰۱ ..... نامه به علمای حوزه علمیه نجف آباد
- ۱۰۳ ..... نامه به شهید ثقة الاسلام آقای سعیدی
- ۱۰۵ ..... فرمان به ثقة الاسلام آقای محمد یزدی
- ۱۰۷ ..... نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی
- ۱۰۹ ..... نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی
- ۱۱۳ ..... نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی
- ۱۱۴ ..... در جمع روحانیون نجف
- ۱۱۵ ..... نامه به یکی از مقامات روحانی
- ۱۱۷ ..... نامه به ثقه الاسلام آقای یزدی
- ۱۱۹ ..... نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی
- ۱۲۱ ..... نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی

- ۱۲۳ ..... نامه به ثقة الاسلام آقای محمد یزدی
- ۱۲۵ ..... نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی
- ۱۲۷ ..... نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی
- ۱۲۹ ..... نامه به اهالی محل مسجد امام موسی بن جعفر
- ۱۳۱ ..... نامه به حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی
- ۱۳۴ ..... نامه به دانشجویان پارسی زبان امریکا و کانادا
- ۱۳۷ ..... فرمان به ثقة الاسلام آقای صادق خلخالی
- ۱۳۹ ..... نامه به حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی
- ۱۴۱ ..... نامه در مورد وکالت حجت الاسلام حاج شیخ حسینعلی منتظری برای اخذ دستگردان نمودن وجوه شرعیه
- ۱۴۳ ..... پاسخ به نامه ثقة الاسلام آقای محمد یزدی
- ۱۴۵ ..... نامه تسلیت به شهید حجت الاسلام آقای مطهری
- ۱۴۷ ..... پاسخ به نامه آقای جلال الدین فارسی
- ۱۵۰ ..... نامه به اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا
- ۱۵۳ ..... نامه به آقای جلال الدین فارسی
- ۱۵۸ ..... پاسخ به نامه ثقة الاسلام آقای صادق خلخالی
- ۱۶۰ ..... پیام به مناسبت اوضاع اسفناک لبنان
- ۱۶۲ ..... پاسخ به نامه آقای جلال الدین فارسی
- ۱۶۵ ..... در جمع گروهی از ایرانیان در پاریس
- ۱۶۵ ..... قیام ریشه دار و بی سابقه ملت ایران به منظور احیای احکام اسلام
- ۱۶۵ ..... پیوند تمامی جناح های ایران از الطاف خداوند تبارک و تعالی
- ۱۶۶ ..... فریاد استقلال طلبانه مردم در نفی ارزش های طاغوتی و اقدامات استعمارگران
- ۱۶۸ ..... منطق ملت تحقق یک رژیم عدالت پیشه است
- ۱۶۹ ..... خواست بحق مردم ، قطع ید غارتگران از منابع و ذخایر ایران
- ۱۷۰ ..... همه مکلفید که تا آخرین نفس بر علیه دستگاه ظلم تبلیغ و افشاگری کنید
- ۱۷۲ ..... در دیدار با گروهی از ایرانیان در حومه پاریس
- ۱۷۲ ..... یک وجود مطلق روحیه مردم را فعال و قوی و متحرک کرده است

- ۱۷۴ ..... الان ملت ، بچه دوازده ساله اش مقابل پاسبان می ایستد ، می گوید مرگ بر شاه
- ۱۷۵ ..... هیچ دستی نمی تواند این جور یک ملتی را تغییر بدهد ، این دست خداست
- ۱۷۸ ..... در دیدار با گروهی از جوانان دختر و پسر فرانسوی علاقمند به اسلام
- ۱۸۰ ..... مصاحبه خبرنگار روزنامه انگلیسی ابرور
- ۱۸۲ ..... نامه به حضرات علمای اعلام و حجج اسلام و سایر طبقات و اهالی هندوستان
- ۱۸۳ ..... مصاحبه خبرنگار روزنامه دانمارکی
- ۱۸۵ ..... مصاحبه خبرنگاران روزنامه لبنانی الهدف و رادیو اطریش
- ۱۸۷ ..... مصاحبه خبرنگار خبرگزاری فلسطینی وفا
- ۱۹۲ ..... مصاحبه خبرنگار مجله آمریکایی تایم
- ۱۹۵ ..... پاسخ به نامه آقای ابوجهاد
- ۱۹۶ ..... مصاحبه خبرنگاران رادیو مونت کارلو و ۱۸ روزنامه جنوب فرانسه
- ۲۰۲ ..... تسلیت به تائله مرحوم ثقه الاسلام آقای عاشوری
- ۲۰۳ ..... مصاحبه خبرنگار مجله آمریکایی تایم
- ۲۰۵ ..... فرمان به حجت الاسلام آقای حاج شیخ صادقی خلخالی
- ۲۰۶ ..... مصاحبه خبرنگار روزنامه سنگاپور ، استریت تایمز
- ۲۱۱ ..... مصاحبه خبرنگار مجله آلمانی اشترن
- ۲۱۳ ..... مصاحبه تلویزیون فرانسه
- ۲۱۶ ..... تلگرام به آیت الله شریعتمداری
- ۲۱۷ ..... تشکر پس از بازگشت به ایران
- ۲۱۸ ..... دیدار با نمایندگان بازاریان و کسبه
- ۲۲۱ ..... نامه حضرت آیت الله آقای گلپایگانی
- ۲۲۳ ..... فرمان به حجت الاسلام آقای شیخ عباس واعظ طبسی
- ۲۲۴ ..... پیام به کارکنان اعتصابی صنعت نفت
- ۲۲۵ ..... پیام به ملت ایران
- ۲۲۶ ..... دستور العمل در مورد فعالیت های تجاری
- ۲۲۸ ..... فرمان به حجت الاسلام آقای فضل الله محلاتی



- ۲۲۹ ..... فرمان به حجت الاسلام آقای صادق خلخالی
- ۲۳۰ ..... در جمع اعضای هیأت کویتی
- ۲۳۰ ..... در جمع اعضای هیأت کویتی
- ۲۳۳ ..... شاه سابق پیغام داد که مملکت را تسلیم شما می کنم و من فقط شاه باشم در صورت !!
- ۲۳۴ ..... ما نمی توانیم خیانت های رژیم شاه را بشمریم
- ۲۳۵ ..... اتکال به خدا بکنید تا جبرئیل امین با شما همراه باشد
- ۲۳۸ ..... فرمان به ثقة الاسلام آقای مقدم
- ۲۳۹ ..... پیام به دانشجویان مقیم خارج از کشور
- ۲۴۱ ..... فرمان به آقای حاج طرخانی
- ۲۴۲ ..... تلگراف تسلیت به حجت الاسلام و المسلمین آقای طالقانی
- ۲۴۳ ..... فرمان انتصاب حجت الاسلام آقای انواری به امامت مسجد جامع نارمک
- ۲۴۴ ..... پیام به مسلمانان ترکیه
- ۲۴۶ ..... انتصاب حجت الاسلام آقای محمد حسینی کاشانی
- ۲۴۷ ..... دیدار با گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی قم
- ۲۴۸ ..... پیام به پاسداران انقلاب
- ۲۴۸ ..... سربازان و پاسداران فداکار اسلام ایدهم الله تعالی
- ۲۴۹ ..... در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی
- ۲۵۰ ..... نامه به حضرت آیت الله آقای سید علی خامنه ای
- ۲۵۲ ..... فرمان به حجت الاسلام آقای مشکینی جهت رسیدگی به اوضاع محلی شهر اردبیل
- ۲۵۳ ..... پاسخ به نامه حجت الاسلام آقای کرمی
- ۲۵۵ ..... فرمان به حجت الاسلام آقای محمد یزدی
- ۲۵۶ ..... در دیدار با برادران مسلمان کشور صحرا
- ۲۵۷ ..... در جمع گروهی از بانوان
- ۲۵۸ ..... تلگرام به حجت الاسلام آقای جواد غروی
- ۲۶۰ ..... فرمان به ثقة الاسلام آقای صادق احسان بخش
- ۲۶۱ ..... در دیدار با دانشجویان مدرسه عالی شمیران

- ۲۶۲ ----- در دیدار با کارگران چیت سازی تهران
- ۲۶۳ ----- پیام رادیو تلویزیونی به مناسبت روز جهانی کارگر
- ۲۶۸ ----- فرمان به حجج اسلام آقایان احسان بخش و ضیائی
- ۲۶۹ ----- فرمان به دادستان دادگاه انقلاب اسلامی در مورد محدود شدن مجازات اعدام
- ۲۷۱ ----- پاسخ به نامه ثقة الاسلام آقای صادق خلخالی
- ۲۷۲ ----- پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی
- ۲۷۴ ----- فرمان به ثقة الاسلام آقای محمود دعائی
- ۲۷۵ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای حاج میرزا حسین نوری
- ۲۷۶ ----- در جمع پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی لرستان
- ۲۷۷ ----- تأیید انتصاب حجت الاسلام آقای فاضل اصفهانی جهت رسیدگی به اوضاع شهرستان قائن
- ۲۸۰ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای احمدآذری دادستان دادرسی انقلاب اسلامی تهران
- ۲۸۱ ----- در جمع پرسنل هوانیروز و گروه کثیری از مردم
- ۲۸۳ ----- نامه به حجت الاسلام آقای امامی
- ۲۸۴ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی
- ۲۸۵ ----- پیام به علمای کرمانشاه (باختران)
- ۲۸۶ ----- پاسخ به تلگرام حجت الاسلام آقای حسین رحمانی
- ۲۸۷ ----- دیدار با اعضای شورای انقلاب سازمان الفتح
- ۲۸۹ ----- در جمع علمای شهرستان تقده و اعضای خانواده های شهدای اهل سنت
- ۲۸۹ ----- وقتی از اسلام نگرانی ندارید ، از نهضت اسلامی هم نباید نگرانی داشته باشید
- ۲۸۹ ----- همه با هم تفاهم کنید و اختلافات را کنار بگذارید
- ۲۹۰ ----- همه اصلاحات تابع این است که آرامش باشد در مملکت
- ۲۹۲ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای عبدالستار محمدی میانجی
- ۲۹۴ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای اسماعیل فردوسی
- ۲۹۵ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای طاهری
- ۲۹۶ ----- فرمان در مورد اعزام دو روحانی به اقلید
- ۲۹۷ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای اسدالله مدنی

- ۲۹۸ ----- مصاحبه خبرنگار آمریکایی
- ۳۰۱ ----- مصاحبه خبرنگار هفته نامه آمریکایی تایم
- ۳۰۶ ----- پیام به جنبش های آزادیبخش جهان
- ۳۰۷ ----- در جمع کارکنان پالایشگاه تهران و جهاد سازندگی مازندران
- ۳۰۷ ----- ما سرفرازیم در عالم برای اینکه قیام کردیم بر ضد طاغوت
- ۳۰۷ ----- همان طور که مردانه قیام کردید و شکستید آن سد شیطانی را مردانه باقی باشید
- ۳۰۹ ----- پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای خویی
- ۳۱۰ ----- پاسخ به تلگرام رئیس جمهور الجزایر
- ۳۱۱ ----- پاسخ به تلگرام آقای حافظ اسد رئیس جمهور سوریه
- ۳۱۲ ----- پاسخ به تلگراف حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی
- ۳۱۳ ----- پاسخ به تلگراف حضرت آیت الله آقای شریعتمداری
- ۳۱۴ ----- پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی
- ۳۱۶ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای عباس واعظ طبسی
- ۳۱۷ ----- پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی
- ۳۱۸ ----- پاسخ به تگراف حضرت آیت الله آقای شیرازی
- ۳۱۹ ----- پیام درباره لزوم دیدار ملت از بازماندگان شهدای اسلام
- ۳۲۰ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای ربانی شیرازی جهت رسیدگی به اوضاع منطقه فارس
- ۳۲۲ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای سید محمد خاتمی
- ۳۲۴ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای مهدی کروی
- ۳۲۵ ----- پاسخ به استعلام آقای سیفیان (شهردار) در باره اراضی موات
- ۳۲۷ ----- پیام در تقدیر از رزمندگان اسلام (جانبازان)
- ۳۲۸ ----- پاسخ به نامه حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری در رابطه باتشکیل شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم
- ۳۲۹ ----- پاسخ به نامه دانش آموزان سرخپوست یکی از مدارس راهنمایی امریکا
- ۳۳۰ ----- خطاب به کارمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۳۳۱ ----- بیانات در جمع اعضای شورای نگهبان
- ۳۳۳ ----- پاسخ به درخواست رئیس سازمان بهزیستی کشور (دکتر فیاض بخش)

- ۳۳۴ ----- استجازه وزیر بهزیستی (دکتر فیاض بخش) در مورد عضویت آقای مهدوی کنی در شورای بهزیستی کشور
- ۳۳۵ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای باریک بین
- ۳۳۶ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای محمد علی صدوقی
- ۳۳۷ ----- پاسخ به تلگرام تسلیت حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی
- ۳۳۸ ----- پاسخ به پیشنهاد جانشین رئیس ستاد مشترک (سرتیب فلاحی) در مورد تعیین فرماندهو جانشین نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران
- ۳۴۰ ----- پاسخ به نامه حضرت آیت الله آقای عبدالله شیرازی
- ۳۴۱ ----- پاسخ به نامه هیأت نظارت بر انتخابات تکمیلی شورای عالی قضایی
- ۳۴۲ ----- موافقت با انتصاب سرهنگ صیادشیرازی بعنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۳۴۳ ----- نامه به هیأت نظارت بر انتخابات شورای عالی قضایی
- ۳۴۵ ----- پاسخ به نامه حضرت آیت الله آقای عبدالله شیرازی
- ۳۴۷ ----- حکم تفویض اختیارات نیروهای انتظامی به وزیر کشور (حجت السلام آقای ناطق نوری)
- ۳۴۹ ----- انتصاب آقای عسکراولادی به عضویت هیأت بنیاد ۱۵ خرداد
- ۳۵۰ ----- انتصاب حجت الاسلام آقای صانعی به سمت نمایندگی امام در شورای عالی بازسازی مناطق جنگی
- ۳۵۱ ----- تلگرام به حضرت آیت الله گلپایگانی
- ۳۵۲ ----- پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی
- ۳۵۳ ----- پاسخ به سؤال آیت الله موسوی اردبیلی در مورد تعزیر
- ۳۵۵ ----- سپاس به مناسبت سالگرد جنگ
- ۳۵۷ ----- انتصاب حجت الاسلام آقای سید حسن طاهری خرم آبادی به سمت نمایندگی امام در کشور پاکستان
- ۳۵۹ ----- انتصاب حجت الاسلام آقای محمد صادق احسان بخش به سمت نمایندگی امام در استان گیلان
- ۳۶۰ ----- پاسخ به نامه رئیس دیوان عالی کشور در مورد عفو عمومی
- ۳۶۱ ----- پیام به مناسبت ۲۲ بهمن
- ۳۶۲ ----- فرمان به حجت الاسلام آقای حیدرعلی جلالی
- ۳۶۳ ----- استجازه حجت الاسلام آقای کروی
- ۳۶۵ ----- نامه در مورد صدا و سیما
- ۳۶۶ ----- انتصاب حجت الاسلام آقای حسینی میانه جی به سمت نمایندگی امام در استان لرستان
- ۳۶۸ ----- پیام به خانواده شهدا ، اسرا و جانبازان

- ۳۸۱ ..... نامه ی عارفانه به خانم فاطمه طباطبائی
- ۳۸۹ ..... پاسخ به پیشنهاد آیت الله موسوی مبنی بر وحدت رویه در تعیین کیفر جرم های مشابه
- ۳۹۷ ..... نامه عارفانه به حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی
- ۳۹۷ ..... اشاره
- ۴۰۱ ..... پسرم!
- ۴۰۵ ..... نامه به حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور در مورد سرپرستی کمیته های انقلاب اسلامی
- ۴۰۷ ..... فرمان به حجت الاسلام آقای اسماعیل فردوسی پور
- ۴۱۰ ..... وصیت به حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی
- ۴۱۹ ..... نامه عارفانه به خانه فاطمه طباطبائی
- ۴۲۴ ..... پاسخ به نامه وزیر کشور (آقای محتشمی) در مورد نهضت آزادی
- ۴۲۶ ..... پاسخ به نامه حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی در مورد اعضای هیات اجرایی انتخابات تهران
- ۴۲۷ ..... پاسخ به درخواست آقای محتشمی وزیر کشور مبنی بر اظهار نظر حضرت امام (ره)
- ۴۲۸ ..... پاسخ به نامه یکی از اعضای هیات نظارت در مورد رفع ابهام نسبت به کلمه شکایت یا گزارش
- ۴۳۰ ..... نامه به حجت الاسلام آقای امامی در مورد انتخابات
- ۴۳۲ ..... نامه به آقای موسوی (نخست وزیر) در خصوص کتابخانه عمومی حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی
- ۴۳۴ ..... نامه به حجت الاسلام آقای فاضل هرنندی
- ۴۳۵ ..... پاسخ به نامه اعضای ستاد مرکزی هیات های واگذاری زمین در مورد تعیین نماینده ولی امر در این ستاد
- ۴۵۳ ..... درباره مرکز

## مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 - مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964: ؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964: ؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

**اشاره**

کتابخانه ملی افغانستان  
شماره ثبت کتابخانه: ۶۶۰۹  
شماره ثبت کتاب: ۱۳۳۳۳۳۳۳



# صحف نور

مجموعه صحف  
زینب و پیامی ایام  
قدس ترا

جلد بیست و دوم  
مستدرک



مادون کره نقلی کتابخانه



کتابخانه عمومی ابن مسکویه

شماره ثبت ۶۰۲۳

تاریخ ثبت ۷۲/۶/۳



۹۵۵

۱۰۹۴

۷۴۵۵ خ

۲۲ ج



سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

نام کتاب ..... صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (قدس سره الشریف)

تهیه و تدوین ..... انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

توزیع ..... انتشارات سروش

چاپ اول ..... ۱۳۷۱



با همکاری انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران





۳۴	تلگرام به شهید حجت الاسلام والمسلمین حاج سید مصطفی خمینی ۱۳۴۳/۸/۱۳
۳۶	نامه به شهید حجت الاسلام والمسلمین حاج سید مصطفی خمینی ۱۳۴۳/۸/۱۹
۳۹	نامه به شهید حجت الاسلام والمسلمین حاج سید مصطفی خمینی ۱۳۴۳/۸/۱۹
۴۲	نامه به شهید حجت الاسلام والمسلمین حاج سید مصطفی خمینی ۱۳۴۳/۸/۲۳
۴۴	نامه به مرحوم حجت الاسلام آقای خلخالی ۱۳۴۳/۱۰/۳
۴۶	نامه خطاب به همسرشان ۱۳۴۳/۱۲/۱۵
۴۸	نامه به دانشجو یان ۱۳۴۴
۵۰	نامه به نقة الاسلام آقای محمد حسین انزایی ۱۳۴۴/۸/۲
۵۲	نامه به نقة الاسلام آقای مجدالدین مصباحی ۱۳۴۴/۸/۸
۵۴	نامه به آیت الله آقای آخوند ۱۳۴۴/۸/۱۶
۵۶	نامه به آیت الله آقای بنی صدر ۱۳۴۴/۹/۲
۵۸	پاسخ به نامه جمعی از اهالی قم در مورد تهیه ذغال فقرا از سهم امام ۱۳۴۴/۹/۱۴
۵۹	نامه به علمای حوزه علمیه قم ۱۳۴۴/۹/۱۶
۶۰	پاسخ به طومار طلاب اصفهانی مقیم قم ۱۳۴۴/۹/۲۰
۶۱	نامه به علمای آذربایجانی حوزه علمیه قم ۱۳۴۴/۹/۲۲
۶۲	نامه به علمای حوزه علمیه اصفهان ۱۳۴۴/۹/۲۳
۶۳	نامه به علمای شیرازی مقیم قم ۱۳۴۴/۹/۲۳
۶۵	نامه به علمای حوزه علمیه نجف آباد ۱۳۴۴/۹/۲۴
۶۷	نامه به شهید نقة الاسلام آقای سعیدی ۱۳۴۴/۱۱/۱۵
۶۹	فرمان به نقة الاسلام آقای محمد یزدی ۱۳۴۵/۲/۲۷
۷۱	نامه به شهید نقة الاسلام آقای سعیدی ۱۳۴۵/۳/۱۹
۷۳	نامه به شهید نقة الاسلام آقای سعیدی ۱۳۴۶/۱/۲۶
۷۵	مخاطب مشخص نشد ۱۳۴۶/۱/۲۶
۷۷	نامه به شهید نقة الاسلام آقای سعیدی ۱۳۴۶/۴/۲۸
۷۸	بیانات در جمع روحانیون نجف ۱۳۴۶/۶/۱۷
۷۹	نامه به یکی از مقامات روحانی ۱۳۴۷
۸۱	نامه به نقة الاسلام آقای یزدی ۱۳۴۷/۳/۵
۸۳	نامه به شهید نقة الاسلام آقای سعیدی ۱۳۴۷/۱۲/۲۹
۸۵	نامه به شهید نقة الاسلام آقای سعیدی ۱۳۴۸/۵/۳

۸۷	نامه به نفع الاسلام آقای محمد یزدی	۱۳۴۸/۶/۴
۸۹	نامه به شهید نفع الاسلام آقای سعیدی	۱۳۴۸/۸/۲۷
۹۱	نامه به شهید نفع الاسلام آقای سعیدی	۱۳۴۸/۱۱/۲۸
۹۳	نامه به اهالی محل مسجد امام موسی بن جعفر (ع)	۱۳۴۹/۳/۷
۹۵	نامه به حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی	۱۳۴۹/۳/۱۹
۹۸	نامه به دانشجویان پارسی زبان امریکا و کانادا	۱۳۴۹/۶/۱
۱۰۱	فرمان به نفع الاسلام آقای صادق خلخالی	۱۳۴۹/۶/۱۹
۱۰۳	نامه به حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی	۱۳۴۹/۱۰/۷
۱۰۵	نامه در مورد وکالت حجت الاسلام آقای حسینعلی منتظری برای اخذ و دستگردان نمودن وجوه شرعیه	۱۳۴۹/۱۰/۱۹
۱۰۷	پاسخ به نامه نفع الاسلام آقای محمد یزدی	۱۳۵۰/۱/۵
۱۰۹	نامه تسلیت به شهید حجت الاسلام آقای مطهری	۱۳۵۰/۱۲/۱۰
۱۱۱	پاسخ به نامه آقای جلال الدین فارسی	۱۳۵۵/۸/۱
۱۱۴	نامه به اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا	۱۳۵۶/۵/۴
۱۱۷	نامه به آقای جلال الدین فارسی	۱۳۵۶/۸/۱۳
۱۱۹	مخاطب مشخص نشد	۱۳۵۶/۹/۱۶
۱۲۱	پاسخ به نامه نفع الاسلام آقای صادق خلخالی	۱۳۵۶/۱۲/۱۰
۱۲۳	پیام به مناسبت اوضاع اسفناک لبنان	۱۳۵۷/۱/۲
۱۲۵	پاسخ به نامه آقای جلال الدین فارسی	۱۳۵۷/۲/۳۱
۱۲۷	پاسخ به نامه آقای جلال الدین فارسی در مورد تعیین محل اقامت	۱۳۵۷/۷/۲۴
۱۲۸	بیانات در جمع گروهی از ایرانیان در پاریس	۱۳۵۷/۷/۲۸
۱۲۸	قیام ریشه دار و بی سابقه ملت ایران به منظور احیای احکام اسلام	
۱۲۸	پیوند تمامی جناح های ایران از الطاف خداوند تبارک و تعالی	
۱۲۹	فریاد استقلال طلبانه مردم در نفی ارزش های طاغوتی و اقدامات استعمارگران	
۱۳۱	منطق ملت تحقق یک رژیم عدالت پیشه است	
۱۳۲	خواست بحق مردم، قطع يد غارتگران از منابع و ذخایر ایران	
۱۳۳	همه مکلفید که تا آخرین نفس بر علیه دستگاه ظلم تبلیغ و افشاگری کنید	
۱۳۵	بیانات در دیدار با گروهی از ایرانیان در حومه پاریس	۱۳۵۷/۸/۱۰
۱۳۷	الان ملت، بچه دوازده ساله اش مقابل پاسبان می ایستد، می گوید مرگ بر شاه	
۱۳۸	هیچ دستی نمی تواند این جور یک ملتی را تغییر بدهد، این دست خداست	
۱۴۱	بیانات در دیدار با گروهی از جوانان دختر و پسر فرانسوی علاقمند به اسلام	۱۳۵۷/۸/۱۸
۱۴۳	مصاحبه خبرنگار روزنامه انگلیسی ایزرور	۱۳۵۷/۸/۲۰

۱۴۵	نامه به حضرات علمای اعلام و حجج اسلام و سایر طبقات و اهالی هندوستان	۱۳۵۷/۹/۴
۱۴۶	مصاحبه خبرنگار روزنامه دانمارکی	۱۳۵۷/۹/۵
۱۴۸	مصاحبه خبرنگاران روزنامه لبنانی الهدف و رادیو اتریش	۱۳۵۷/۹/۹
۱۵۰	مصاحبه خبرنگار خبرگزاری فلسطینی وفا	۱۳۵۷/۹/۲۴
۱۵۵	مصاحبه خبرنگار مجله آمریکایی تایم	۱۳۵۷/۹/۳۰
۱۵۸	پاسخ به نامه آقای ابوجهاد	۱۳۵۷/۱۰/۳
۱۵۹	مصاحبه خبرنگاران رادیو مونت کارلو و ۱۸ روزنامه جنوب فرانسه	۱۳۵۷/۱۰/۷
۱۶۴	تسلیت به عائله مرحوم نقة الاسلام آقای عاشوری	۱۳۵۷/۱۰/۱۴
۱۶۵	مصاحبه خبرنگار مجله آمریکایی تایم	۱۳۵۷/۱۰/۲۰
۱۶۷	فرمان به حجت الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی	۱۳۵۷/۱۰/۲۴
۱۶۸	مصاحبه خبرنگار روزنامه سنگاپور، استریت تایمز	۱۳۵۷/۱۰/۲۵
۱۷۳	مصاحبه خبرنگار مجله آلمانی اشترن	۱۳۵۷/۱۰/۲۶
۱۷۵	مصاحبه تلویزیون فرانسه	۱۳۵۷/۱۰/۲۹
۱۷۸	تلگرام به آیت الله شریعتمداری	۱۳۵۷/۱۱/۱۵
۱۷۹	تشکر پس از بازگشت به ایران	۱۳۵۷/۱۱/۱۷
۱۸۰	دیدار با نمایندگان بازاریان و کسبه	۱۳۵۷/۱۱/۱۹
۱۸۳	نامه به حضرت آیت الله آقای گلپایگانی	۱۳۵۷/۱۱/۲۰
۱۸۵	فرمان به حجت الاسلام آقای شیخ عباس واعظ طبسی	۱۳۵۷/۱۱/۲۵
۱۸۶	پیام به کارکنان اعتصابی صنعت نفت	۱۳۵۷/۱۱/۲۷
۱۸۷	پیام به ملت ایران	۱۳۵۷/۱۱/۲۷
۱۸۸	دستور العمل در مورد فعالیت های تجاری	۱۳۵۷/۱۱/۲۸
۱۹۰	فرمان به حجت الاسلام آقای فضل الله محلاتی	۱۳۵۷/۱۲/۱
۱۹۱	فرمان به حجت الاسلام آقای صادق خلخالی	۱۳۵۷/۱۲/۵
۱۹۲	بیانات در جمع اعضای هیأت کویته	۱۳۵۷/۱۲/۵
۱۹۲	این تحول روحی تحفه ای است که خدای تبارک و تعالی از عالم بالا برای ما به هدیه فرستاد	
۱۹۵	شاه سابق پیغام داد که مملکت را تسلیم شما می کنم و من فقط شاه باشم در صورت	
۱۹۶	ما نمی توانیم خیانت های رژیم شاه را بشمریم	
۱۹۷	انکال به خدا بکنید تا جبرئیل امین با شما همراه باشد	
۲۰۰	فرمان به نقة الاسلام آقای مقدم	۱۳۵۷/۱۲/۹
۲۰۱	پیام به دانشجویان مقیم خارج از کشور	۱۳۵۷/۱۲/۱۴
۲۰۲	فرمان به آقای حاج طرخانی	۱۳۵۷/۱۲/۱۵
۲۰۴	تلگرام تسلیت به حجت الاسلام والمسلمین آقای طالقانی	۱۳۵۷/۱۲/۱۹
۲۰۵	فرمان انتصاب حجت الاسلام آقای انواری به امامت مسجد جامع نارمک	۱۳۵۷/۱۲/۲۳
۲۰۶	پیام به مسلمانان ترکیه	۱۳۵۷/۱۲/۲۴

۲۰۷	۱۳۵۷/۱۲/۲۸	نامه به خانواده شهید رحمانپور
۲۰۸	۱۳۵۸	انتصاب حجت الاسلام سید محمد حسینی کاشانی
۲۰۹	۱۳۵۸/۱/۲	دیدار با گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی قم
۲۱۰	۱۳۵۸/۱/۵	پیام به پاسداران انقلاب اسلامی
۲۱۱	۱۳۵۸/۱/۷	بیانات در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی
۲۱۲	۱۳۵۸/۱/۱۱	نامه به حضرت آیت الله آقای سیدعلی خامنه‌ای
۲۱۴	۱۳۵۸/۱/۱۲	فرمان به حجت الاسلام آقای مشکینی جهت رسیدگی به اوضاع محلی شهر اردبیل
۲۱۵	۱۳۵۸/۱/۱۴	پاسخ به نامه حجت الاسلام آقای کریمی
۲۱۷	۱۳۵۸/۱/۱۸	فرمان به حجت الاسلام آقای محمد یزدی
۲۱۸	۱۳۵۸/۱/۱۹	بیانات در دیدار با برادران مسلمان کشور صحرا
۲۱۹	۱۳۵۸/۱/۲۱	بیانات در جمع گروهی از بانوان
۲۲۰	۱۳۵۸/۱/۲۶	تلگرام به حجت الاسلام آقای جواد غروی
۲۲۲	۱۳۵۸/۲/۱	فرمان به نطقه الاسلام آقای صادق احسان بخش
۲۲۳	۱۳۵۸/۲/۷	بیانات در دیدار با دانشجویان مدرسه عالی شمیران
۲۲۴	۱۳۵۸/۲/۷	بیانات در دیدار با کارگران جیت سازی تهران
۲۲۵	۱۳۵۸/۲/۱۱	پیام رادیو تلویزیونی به مناسبت روز جهانی کارگر
۲۳۰	۱۳۵۸/۲/۲۱	فرمان به حجج اسلام آقایان احسان بخش و ضیایی
۲۳۱	۱۳۵۸/۲/۲۳	فرمان به دادستان دادگاه انقلاب اسلامی در مورد محدود شدن مجازات اعدام
۲۳۳	۱۳۵۸/۲/۲۵	پاسخ به نامه نطقه الاسلام آقای صادق خلخالی
۲۳۴	۱۳۵۸/۳/۸	پاسخ به تلگرام آیت الله آقای شیرازی
۲۳۶	۱۳۵۸/۳/۱۰	فرمان به نطقه الاسلام آقای محمود دعایی
۲۳۷	۱۳۵۸/۴/۲	فرمان به حجت الاسلام آقای حاج میرزا حسین نوری
۲۳۸	۱۳۵۸/۴/۵	بیانات در جمع پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی لرستان
۲۳۹	۱۳۵۸/۴/۱۱	تأیید انتخاب حجت الاسلام آقای فاضل اصفهانی جهت رسیدگی به اوضاع شهرستان قائن
۲۴۱	۱۳۵۸/۴/۱۴	فرمان به حجت الاسلام آقای احمد آذری دادستان داسرای انقلاب اسلامی تهران
۲۴۲	۱۳۵۸/۴/۱۹	بیانات در جمع پرسنل هوانیروز و گروه کتیری از مردم
۲۴۴	۱۳۵۸/۴/۲۴	نامه به حجت الاسلام آقای امامی
۲۴۵	۱۳۵۸/۵/۱	فرمان به حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی
۲۴۶	۱۳۵۸/۵/۳۰	پیام به علمای کرمانشاه (باختران)
۲۴۷	۱۳۵۸/۶/۲	پاسخ به تلگرام حجت الاسلام آقای حسین رحمانی
۲۴۸	۱۳۵۸/۶/۲۴	دیدار با اعضای شورای انقلاب سازمان الفتح
۲۵۰	۱۳۵۸/۶/۲۶	بیانات در جمع علمای شهرستان نقده و اعضای خانواده های شهدای اهل سنت
۲۵۳	۱۳۵۸/۷/۱	فرمان به حجت الاسلام آقای عبدالستار محمدی میانچی
۲۵۵	۱۳۵۸/۷/۸	فرمان به حجت الاسلام آقای اسماعیل فردوسی

فرمان به حجت الاسلام آقای طاهری ۱۳۵۸/۸/۲	۲۵۶
فرمان در مورد اعزام دو روحانی به اقلید ۱۳۵۸/۸/۶	۲۵۷
فرمان به حجت الاسلام آقای اسدالله مدنی ۱۳۵۸/۸/۱۲	۲۵۸
مصاحبه خبرنگار آمریکایی ۱۳۵۸/۸/۲۸	۲۵۹
مصاحبه خبرنگار هفته نامه آمریکایی تایم ۱۳۵۸/۹/۹	۲۶۲
پیام به جنبش های آزادیبخش جهان ۱۳۵۸/۱۰/۱۵	۲۶۷
بیانات در جمع کارکنان بالایشگاه تهران و جهاد سازندگی مازندران ۱۳۵۸/۱۰/۱۹	۲۶۸
پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای خوبی ۱۳۵۸/۱۱/۵	۲۷۰
پاسخ به تلگرام رئیس جمهور الجزایر ۱۳۵۸/۱۱/۱۰	۲۷۱
پاسخ به تلگرام آقای حافظ اسد رئیس جمهور سوریه ۱۳۵۸/۱۱/۳۰	۲۷۲
پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی ۱۳۵۸/۱۲/۱۵	۲۷۳
پاسخ به تلگرام آیت الله آقای شریعتمداری ۱۳۵۸/۱۲/۱۶	۲۷۴
پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی ۱۳۵۸/۱۲/۱۸	۲۷۵
فرمان به حجت الاسلام آقای عباس واعظ طبسی ۱۳۵۹/۱/۱۵	۲۷۷
پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی ۱۳۵۹/۲/۱۱	۲۷۸
پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی ۱۳۵۹/۴/۱۸	۲۷۹
پیام درباره لزوم دیدار ملت از بازماندگان شهدای اسلام ۱۳۵۹/۷/۵	۲۸۰
فرمان به حجت الاسلام آقای ربانی شیرازی جهت رسیدگی به اوضاع منطقه فارس ۱۳۵۹/۷/۹	۲۸۱
فرمان به حجت الاسلام آقای محمد خاتمی ۱۳۵۹/۸/۲۵	۲۸۳
فرمان به حجت الاسلام آقای مهدی کروی ۱۳۵۹/۹/۲	۲۸۵
پاسخ به استعلام آقای سیفیان (شهردار) درباره اراضی موات ۱۳۵۹/۱۱/۲۵	۲۸۶
پیام تقدیر از رزمندگان اسلام (جانبازان) ۱۳۵۹/۱۲/۱۴	۲۸۸
پاسخ به نامه حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری در رابطه با تشکیل شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم ۱۳۵۹/۱۲/۲۰	۲۸۹
پاسخ به نامه دانش آموزان سرخپوست یکی از مدارس راهنمایی آمریکا ۱۳۶۰	۲۹۰
خطاب به کارمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۰	۲۹۱
بیانات در جمع اعضای شورای نگهبان ۱۳۶۰	۲۹۲
پاسخ به درخواست رئیس سازمان بهزیستی کشور (دکتر فیاض بخش) در مورد استفاده از سهم امام برای رفع مشکلات مجروحین و معلولین با نظارت جناب حجت الاسلام آقای مهدوی کنی ۱۳۶۰/۲/۲۰	۲۹۴
استجازه وزیر بهزیستی (دکتر فیاض بخش) در مورد عضویت آقای مهدوی کنی در شورای بهزیستی کشور ۱۳۶۰/۲/۲۱	۲۹۵
فرمان به حجت الاسلام آقای باریک بین ۱۳۶۰/۴/۹	۲۹۶
فرمان به حجت الاسلام آقای محمد علی صدوقی ۱۳۶۰/۵/۳	۲۹۷
پاسخ به تلگرام تسلیت حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی ۱۳۶۰/۶/۱۸	۲۹۸



- باسخ به پیشنهاد جانشین رئیس ستاد مشترک (سرتیپ فلاحی) در مورد تعیین فرمانده و جانشین نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۰/۶/۲۱ ۳۹۹
- باسخ به نامه حضرت آیت الله آقای عبدالله شیرازی ۱۳۶۰/۷/۱ ۳۰۱
- باسخ به نامه هیأت نظارت بر انتخابات تکمیلی شورای عالی قضایی ۱۳۶۰/۷/۳ ۳۰۲
- موافقت با انتصاب سرهنگ صیاد شیرازی به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۰/۷/۹ ۳۰۳
- نامه به هیأت نظارت بر انتخابات اعضای شورای عالی قضایی (به دنبال نامه حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری) ۱۳۶۰/۷/۱۲ ۳۰۴
- باسخ به نامه آیت الله آقای عبدالله شیرازی ۱۳۶۰/۱۲/۹ ۳۰۶
- حکم تفویض اختیارات نیروهای انتظامی به وزیر کشور (حجت الاسلام ناطق نوری) ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ ۳۰۸
- انتصاب آقای عسگر اولادی به سمت عضویت هیأت بنیاد ۱۵ خرداد ۱۳۶۱/۲/۲۹ ۳۱۰
- انتصاب حجت الاسلام آقای صانعی به سمت نمایندگی امام در شورای عالی بازسازی مناطق جنگی ۱۳۶۱/۳/۱۸ ۳۱۱
- تلگرام به حضرت آیت الله آقای گلپایگانی ۱۳۶۱/۵/۲۱ ۳۱۲
- باسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی ۱۳۶۱/۶/۶ ۳۱۳
- باسخ به سؤال آیت الله موسوی اردبیلی در مورد تعزیر ۱۳۶۱/۶/۲۲ ۳۱۴
- پیام به مناسبت سالگرد جنگ ۱۳۶۱/۶/۳۱ ۳۱۶
- انتصاب حجت الاسلام آقای حسن طاهری خرم آبادی به سمت نمایندگی امام در کشور پاکستان ۱۳۶۱/۸/۱۱ ۳۱۸
- انتصاب حجت الاسلام آقای محمد صادق احسان بخش به سمت نمایندگی امام در استان گیلان ۱۳۶۱/۱۰/۸ ۳۲۰
- باسخ به نامه رئیس دیوان عالی کشور در مورد عفو عمومی ۱۳۶۱/۱۱/۲۰ ۳۲۱
- پیام به مناسبت ۲۲ بهمن ۱۳۶۱/۱۱/۲۰ ۳۲۲
- فرمان به حجت الاسلام آقای حیدر علی جلالی ۱۳۶۱/۱۲/۲ ۳۲۳
- استیجازه حجت الاسلام کروی برای رفع مسایل و مشکلاتی که در ارتباط با خدمت به خانواده های شهدا و فرزندان آنان وجود دارد ۱۳۶۲/۳/۹ ۳۲۴
- نامه در مورد صدا و سیما ۱۳۶۲/۴/۴ ۳۲۶
- انتصاب حجت الاسلام آقای حسینی میانه جی به سمت نمایندگی امام در استان لرستان ۱۳۶۲/۴/۵ ۳۲۷
- پیام به خانواده شهدا، اسرا و جانبازان ۱۳۶۲/۶/۶ ۳۲۹
- نامه عارفانه به خانم فاطمه طباطبائی ۱۳۶۳/۳/۵ ۳۴۲
- باسخ به پیشنهاد آیت الله موسوی اردبیلی مبنی بر وحدت رویه در تعیین کیفر جرم های مشابه ۱۳۶۳/۴/۱۷ ۳۵۰
- نامه عارفانه به حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی ۱۳۶۳/۴/۲۶ ۳۵۸
- نامه به حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور در مورد سرپرستی کمیته های انقلاب اسلامی ۱۳۶۴/۸/۲۱ ۳۶۶
- فرمان به حجت الاسلام آقای اسماعیل فردوسی پور ۱۳۶۴/۱۰/۲۸ ۳۶۸

وصیت به حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی ۱۳۶۵/۸/۲۷ ۳۷۱

نامه عارفانه به خانم فاطمه طباطبائی ۱۳۶۵/۹/ ۳۸۰

پاسخ به نامه وزیر کشور (آقای محتشمی) در مورد نهضت آزادی بهمن ماه ۱۳۶۶ ۳۸۴

پاسخ به نامه حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی در مورد اعضای هیأت اجرایی انتخابات تهران ۱۳۶۶/۱۲/۲۹ ۳۸۶

پاسخ به درخواست آقای محتشمی وزیر کشور مبنی بر اظهار نظر حضرت امام در مورد ارائه کارت شناسایی رزمندگان، بیماران و نادمین جهت شرکت در انتخابات ۱۳۶۷/۱۱/۱۷ ۳۸۷

پاسخ به نامه یکی از اعضای هیأت نظارت در مورد رفع ابهام نسبت به کلمه شکایت یا گزارش ۱۳۶۷/۱۲/۷ ۳۸۸

نامه به حجت الاسلام آقای امامی در مورد انتخابات ۱۳۶۷/۲/۱۴ ۳۹۰

نامه به آقای موسوی (نخست وزیر) در خصوص کتابخانه عمومی حضرت آیت الله آقای مسرعینی نجفی ۱۳۶۷/۱۲/۲۴ ۳۹۲

نامه به حجت الاسلام آقای فاضل هرندی ۱۳۶۸/۲/۷ ۳۹۴

پاسخ به نامه اعضای ستاد مرکزی هیأت های واگذاری زمین در مورد تعیین نماینده ولی امر در این ستاد ۱۳۶۸/۲/۹ ۳۹۵

۳۹۶

۳۹۷

۳۹۸

۳۹۹

۴۰۰

۴۰۱

۴۰۲

۴۰۳

۴۰۴

۴۰۵

۴۰۶

۴۰۷

۴۰۸

۴۰۹

۴۱۰

۴۱۱

۴۱۲

۴۱۳

۴۱۴

۴۱۵

۴۱۶

۴۱۷

۴۱۸

۴۱۹

۴۲۰

۴۲۱

۴۲۲

۴۲۳

۴۲۴

۴۲۵

۴۲۶

۴۲۷

۴۲۸

۴۲۹

۴۳۰

۴۳۱

۴۳۲

۴۳۳

۴۳۴

۴۳۵

۴۳۶

۴۳۷

۴۳۸

۴۳۹

۴۴۰

۴۴۱

۴۴۲

۴۴۳

۴۴۴

۴۴۵

۴۴۶

۴۴۷

۴۴۸

۴۴۹

۴۵۰

۴۵۱

۴۵۲

۴۵۳

۴۵۴

۴۵۵

۴۵۶

۴۵۷

۴۵۸

۴۵۹

۴۶۰

۴۶۱

۴۶۲

۴۶۳

۴۶۴

۴۶۵

۴۶۶

۴۶۷

۴۶۸

۴۶۹

۴۷۰

۴۷۱

۴۷۲

۴۷۳

۴۷۴

۴۷۵

۴۷۶

۴۷۷

۴۷۸

۴۷۹

۴۸۰

۴۸۱

۴۸۲

۴۸۳

۴۸۴

۴۸۵

۴۸۶

۴۸۷

۴۸۸

۴۸۹

۴۹۰

۴۹۱

۴۹۲

۴۹۳

۴۹۴

۴۹۵

۴۹۶

۴۹۷

۴۹۸

۴۹۹

۵۰۰

۵۰۱

۵۰۲

۵۰۳

۵۰۴

۵۰۵

۵۰۶

۵۰۷

۵۰۸

۵۰۹

۵۱۰

۵۱۱

۵۱۲

۵۱۳

۵۱۴

۵۱۵

۵۱۶

۵۱۷

۵۱۸

۵۱۹

۵۲۰

۵۲۱

۵۲۲

۵۲۳

۵۲۴

۵۲۵

۵۲۶

۵۲۷

۵۲۸

۵۲۹

۵۳۰

۵۳۱

۵۳۲

۵۳۳

۵۳۴

۵۳۵

۵۳۶

۵۳۷

۵۳۸

۵۳۹

۵۴۰

۵۴۱

۵۴۲

۵۴۳

۵۴۴

۵۴۵

۵۴۶

۵۴۷

۵۴۸

۵۴۹

۵۵۰

۵۵۱

۵۵۲

۵۵۳

۵۵۴

۵۵۵

۵۵۶

۵۵۷

۵۵۸

۵۵۹

۵۶۰

۵۶۱

۵۶۲

۵۶۳

۵۶۴

۵۶۵

۵۶۶

۵۶۷

۵۶۸

۵۶۹

۵۷۰

۵۷۱

۵۷۲

۵۷۳

۵۷۴

۵۷۵

۵۷۶

۵۷۷

۵۷۸

۵۷۹

۵۸۰

۵۸۱

۵۸۲

۵۸۳

۵۸۴

۵۸۵

۵۸۶

۵۸۷

۵۸۸

۵۸۹

۵۹۰

۵۹۱

۵۹۲

۵۹۳

۵۹۴

۵۹۵

۵۹۶

۵۹۷

۵۹۸

۵۹۹

۶۰۰

۶۰۱

۶۰۲

۶۰۳

۶۰۴

۶۰۵

۶۰۶

۶۰۷

۶۰۸

۶۰۹

۶۱۰

۶۱۱

۶۱۲

۶۱۳

۶۱۴

۶۱۵

۶۱۶

۶۱۷

۶۱۸

۶۱۹

۶۲۰

۶۲۱

۶۲۲

۶۲۳

۶۲۴

۶۲۵

۶۲۶

۶۲۷

۶۲۸

۶۲۹

۶۳۰

۶۳۱

۶۳۲

۶۳۳

۶۳۴

۶۳۵

۶۳۶

۶۳۷

۶۳۸

۶۳۹

۶۴۰

۶۴۱

۶۴۲

۶۴۳

۶۴۴

۶۴۵

۶۴۶

۶۴۷

۶۴۸

۶۴۹

۶۵۰

۶۵۱

۶۵۲

۶۵۳

۶۵۴

۶۵۵

۶۵۶

۶۵۷

۶۵۸

۶۵۹

۶۶۰

۶۶۱

۶۶۲

۶۶۳

۶۶۴

۶۶۵

۶۶۶

۶۶۷

۶۶۸

۶۶۹

۶۷۰

۶۷۱

۶۷۲

۶۷۳

۶۷۴

۶۷۵

۶۷۶

۶۷۷

۶۷۸

۶۷۹

۶۸۰

۶۸۱

۶۸۲

۶۸۳

۶۸۴

۶۸۵

۶۸۶

۶۸۷

۶۸۸

۶۸۹

۶۹۰

۶۹۱

۶۹۲

۶۹۳

۶۹۴

۶۹۵

۶۹۶

۶۹۷

۶۹۸

۶۹۹

۷۰۰

۷۰۱

۷۰۲

۷۰۳

۷۰۴

۷۰۵

۷۰۶

۷۰۷

۷۰۸

۷۰۹

۷۱۰

۷۱۱

۷۱۲

۷۱۳

۷۱۴

۷۱۵

۷۱۶

۷۱۷

۷۱۸

۷۱۹

۷۲۰

۷۲۱

۷۲۲

۷۲۳

۷۲۴

۷۲۵

۷۲۶

۷۲۷

۷۲۸

۷۲۹

۷۳۰

۷۳۱

۷۳۲

۷۳۳

۷۳۴

۷۳۵

۷۳۶

۷۳۷

۷۳۸

۷۳۹

۷۴۰

۷۴۱

۷۴۲

۷۴۳

۷۴۴

۷۴۵

۷۴۶

۷۴۷

۷۴۸

۷۴۹

۷۵۰

۷۵۱

۷۵۲

۷۵۳

۷۵۴

۷۵۵

۷۵۶

۷۵۷

۷۵۸

۷۵۹

۷۶۰

۷۶۱

۷۶۲

۷۶۳

۷۶۴

۷۶۵

۷۶۶

۷۶۷

۷۶۸

۷۶۹

۷۷۰

۷۷۱

۷۷۲

۷۷۳

۷۷۴

۷۷۵

۷۷۶

۷۷۷

۷۷۸

۷۷۹

۷۸۰

۷۸۱

۷۸۲

۷۸۳

۷۸۴

۷۸۵

۷۸۶

۷۸۷

۷۸۸

۷۸۹

۷۹۰

۷۹۱

۷۹۲

۷۹۳

۷۹۴

۷۹۵

۷۹۶

۷۹۷

۷۹۸

۷۹۹

۸۰۰

۸۰۱

۸۰۲

۸۰۳

۸۰۴

۸۰۵

۸۰۶

۸۰۷

۸۰۸

۸۰۹

۸۱۰

۸۱۱

۸۱۲

۸۱۳

۸۱۴

۸۱۵

۸۱۶

۸۱۷

۸۱۸

۸۱۹

۸۲۰

۸۲۱

۸۲۲

۸۲۳

۸۲۴

۸۲۵

۸۲۶

۸۲۷

۸۲۸

۸۲۹

۸۳۰

۸۳۱

۸۳۲

۸۳۳

۸۳۴

۸۳۵

۸۳۶

۸۳۷

۸۳۸

۸۳۹

۸۴۰

۸۴۱

۸۴۲

۸۴۳

۸۴۴

۸۴۵

۸۴۶

۸۴۷

۸۴۸

۸۴۹

۸۵۰

۸۵۱

۸۵۲

۸۵۳

۸۵۴

۸۵۵

۸۵۶

۸۵۷

۸۵۸

۸۵۹

۸۶۰

۸۶۱

۸۶۲

۸۶۳

۸۶۴

۸۶۵

۸۶۶

۸۶۷

۸۶۸

۸۶۹

۸۷۰

۸۷۱

۸۷۲

۸۷۳

۸۷۴

۸۷۵

۸۷۶

۸۷۷

۸۷۸

۸۷۹

۸۸۰

۸۸۱

۸۸۲

۸۸۳

۸۸۴

۸۸۵

۸۸۶

۸۸۷

۸۸۸

۸۸۹

۸۹۰

۸۹۱

۸۹۲

۸۹۳

۸۹۴

۸۹۵

۸۹۶

۸۹۷

۸۹۸

۸۹۹

۹۰۰

۹۰۱

۹۰۲

۹۰۳

۹۰۴

۹۰۵

۹۰۶

۹۰۷

۹۰۸

۹۰۹

۹۱۰

۹۱۱

۹۱۲

۹۱۳

۹۱۴

۹۱۵

۹۱۶

۹۱۷

۹۱۸

۹۱۹

۹۲۰

۹۲۱

۹۲۲

۹۲۳

۹۲۴

۹۲۵

۹۲۶

۹۲۷

۹۲۸

۹۲۹

۹۳۰

۹۳۱

۹۳۲

۹۳۳

۹۳۴

۹۳۵

۹۳۶

۹۳۷

۹۳۸

۹۳۹

۹۴۰

۹۴۱

۹۴۲

۹۴۳

۹۴۴

۹۴۵

۹۴۶

۹۴۷

۹۴۸

۹۴۹

۹۵۰

۹۵۱

۹۵۲

۹۵۳

۹۵۴

۹۵۵

۹۵۶

۹۵۷

۹۵۸

۹۵۹

۹۶۰

۹۶۱

۹۶۲

۹۶۳

۹۶۴

۹۶۵

۹۶۶

۹۶۷

۹۶۸

۹۶۹

۹۷۰

۹۷۱

۹۷۲

۹۷۳

۹۷۴

۹۷۵

۹۷۶

۹۷۷

۹۷۸

۹۷۹

۹۸۰

۹۸۱

۹۸۲

۹۸۳

۹۸۴

۹۸۵

۹۸۶

۹۸۷

۹۸۸

۹۸۹

۹۹۰

۹۹۱

۹۹۲

۹۹۳

۹۹۴

۹۹۵

۹۹۶

۹۹۷

۹۹۸

۹۹۹

۱۰۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون صحیفه نور در معرض داوری جهانیان است. کتابی که تاریخ مدون انقلاب اسلامی و آینه درخشان یک زندگانی سرشار از ایمان و آزادی و تعهد به انسانیت و سال ارزشهای والای اسلامی و سراسر مبارزه با ظلم و زور و تزویر است. ما سعادت آن را داشته ایم که در عصر بزرگمردی زندگی کنیم که تاریخ را دگرگون ساخت و همانند خورشیدی بر تارک عصر ما و امت ما درخشید ما مبارزات و دادخواهیهای امام (ره) را گواه بوده ایم. خروشیدن و شجاعت، تواضع و فروتنی استواری و آرامش، ایمان و اعتقاد آن رادمرد تاریخ را شاهد بوده ایم و این حق فرزندان و نسل های آینده این مملکت و همه کسانی است که در پهنه گیتی قلب هایشان برای آزادی و آزادی می تپد که آن مرد خدا را بشناسند و او را آنچنان که او بود، درک کنند.

به راستی تبیین انقلاب، اسلامی بدون شناخت امام (ره) و تبیین و شناخت امام جز از طریق شناخت عمیق ویژگیهای انقلاب اسلامی که او بانی و بنیانگذارش بود میسر نیست. و امام و انقلاب شگفتی آفرینش را تنها با سخنان و رهنمودهای ارزشمند او میتوان شناخت راقم این محضر آن بزرگوار و افتخار شاگردی ر که نیکبختی د او را داشته است گواه است که هیچ سخنی بر زبان او جاری نشد مگر آن که در قلبش به ایمان داشت و هیچ چیز از ایمان عمیق قلب او برخوردار نشد مگر حقیقت، عشق به آن معبود یگانه و بندگانش که جلوه های ذات جمیل او هستند.

گذشته از اهمیت تاریخی سخنان امام از آنجا که او یک رهبر سیاسی و مذهبی بود، لذا سخنانش یک دوره معارف عملی و اجتماعی اسلامی و منبعث از احکام الهی است سخنان امام در حقیقت الهام گرفته از آیات قرآن کریم و روایات معصومان — علیهم السلام است سخنان امام بازتاب شخصیت استثنایی و ستودنی ایشان است. از ویژگیهای بارز این شخصیت نخست ایمان و اعتقاد به پروردگار بود. در هر کار، در هر حال و در هر سخن اعتقاد عمیق و خلل ناپذیر ایشان به، خداوند اعجاب برانگیز است.

سیزده

ص: 13

و نیز شهامت و استواری در بیان عقیده و پافشاری بر آن از دیگر جنبه های بارز شخصیت امام بود آنان که خفقان حاکم بر جامعه را در سالهای 42 تا 57 درک کرده اند میتوانند عظمت آن شهامت باور نکردنی را احساس کنند.

زمانی که دانشگاه ها تحریم بود و امام فرمود: «اسلام را به دانشگاه ها ببرید.» و شهید بهشتی برای اداره مسجد هامبورگ آلمان و شهید مطهری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به فعالیت پرداختند، آنان که حال و هوای حاکم بر فضای مجامع مذهبی آن زمان را لاج درک کرده و میشناسند میتوانند بفهمند که یک مرجع، مذهبی، چه شهامت و روشنفکری شگرفی دارد که چنین میگوید و چنین می اندیشد.

امام آنچه را احساس میکند فریاد بر می دارد چه احساس او نشأت گرفته از قلبی پاک و ضمیری روشن و آگاه و در ارتباط با پروردگار است. هنگامی که امام، در سالهای اخیر شطرنج و موسیقی موسیقی اصیل و ارزشمند که انسان را در جهت تحرک و تعالی سوق میدهد و نه خمودی و رکود را مجاز و مباح اعلام فرمود، و نیز برخورد آن بزرگوار با مسایل مربوط به بانوان و موافقت با مشارکت آنان در امور مملکت به گونه ای که شایسته زن مسلمان باشد بهت و حیرت همگان را برانگیخت.

با صحیفه «نور همه آنچه را که در این مختصر نمی گنجد و به گوشه هایی از آنها اشارت رفت میتوان تمام و کمال دریافت خوشبختانه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی به کاری ارزشمند و تاریخی دست زده است گردآوری و تدوین، سخنان رهنمودها و پیام های امام از قدیمی ترین سند مبارزاتی امام خمینی به تاریخ 11 جمادی الاول 1363 هجری قمری تا وصیتنامه سیاسی - الهی آن بزرگوار.

پیش از این تلاشهایی به طور مقطعی و موضوعی برای گردآوری بخشهایی از سخنان امام به عمل آمده بود. اما باید اذعان کرد که «صحیفه نور کتابی ست که همه آنچه را امام فرموده اند بدون کم و کاست و تحریف در بر میگیرد با دقت و وسواسی که شایسته چنین کار سترگی است. و از آنجا که امام در هر مورد و با توجه به هر رویداد و مسأله ای سخنانی فرموده و رهنمودهایی داشته اند و همه اینها در صحیفه نورانی ایشان گرد آمده است، لذا اغراق آمیز نیست اگر گفته شود این کتاب تاریخ مدون انقلاب اسلامی ست. این کتاب مشعلی فروزان برای تشخیص راه پرفراز و نشیبی ست که ما در پیش داریم و نیز راهنمایی برای نسلهای آینده که ویژگیهای انقلاب اسلامی را بشناسند و تداوم راه

مبارزه با ظلم و دستیابی به پیروزی و تجلی حقیقت را بیابند زبان انقلاب اسلامی را با گوش جان بشنوند و پیامش را درک کنند

صحیفه «نور» همچنین کتاب مرجعی ست برای تمامی کسانی که شوق تحقیق و تتبع در سر دارند؛ تحقیق در زمینه های مختلف و بسیار گسترده از احکام و آداب اسلام گرفته تا خفقان و ظلم و جور ستمشاهی و مبارزه با دیکتاتوری نقش استعمار و استبداد و چگونگی مبارزه با همه آنچه اصالت و ویژگی ناب اسلامی - انسانی را تهدید میکرد و چگونگی هدایت انقلابی پیروز به سوی ثبات و استقرار و چگونگی جلوگیری از انحراف انقلابی اصیل و بروز آفات معمولی که تاریخ انقلابهای دیگر به خود دیده اند؛ و سرانجام، پیروزی حق و گریز باطل به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنهای انقلاب امام خمینی واسطه ای است بین دو قیام مقدس قیام حضرت سیدالشهداء (ع) و قیام حضرت مهدی موعود (عج)». «آری بین این دو قیام واسطه ای میبایست که بشریت را به خود آورد و او را از زنگار از خود و از خدا بیگانگی برهاند و همه آنچه را شایسته و بایسته یک انسان و به ویژه یک انسان مسلمان است و می رفت تا در عصر حکومت صنعت بر فطرت رنگ ببازد و ناپدید، شود احیا کند و جلا بخشد.

صحیفه نور تاریخ انقلابی است که قیام حسین (ع) را به قیام مهدی (عج) پیوند می زند و بی تردید پایه و اساس چنین کار ارزشمندی حفظ امانت و رعایت همه زیر و بمهاست. خوشبختانه دست اندرکاران تدوین صحیفه نور این اصل مهم را مد نظر داشته و همچون مورخینی متعهد و مسؤول عمل کرده اند

این خط نوری که خمینی بزرگ در ظلمات تاریخ معاصر گشود از کدامین خورشید و منظومه اعتقادی سرچشمه گرفته است. خمینی که بود و چگونه فکر میکرد و چطور شد که در شرایطی که دیگران به تسلیم می اندیشیدند او تکلیف خود را چنین یافت که حتی بدون یک یار و یاور در راه خدا و حفظ اسلام قیام نمود و فریاد زد که تقیه برای حفظ اسلام است و وقتی که اسلام در خطر است تقیه چه مفهومی میتواند داشته باشد و این دقیقاً روح پیام حسین (ع) در حماسه سرخ عاشور است که با شنیدن آن ایران یکپارچه خروش شد نه خروش احساسی کوفه قبل از شهادت حضرت مسلم بلکه خروشی آگاهانه و لبریز از معرفت و شناخت و از خودگذشتگی که فداکارانه از پیام خمینی و خط خمینی

حمایت کرد و این خط سرخ را به لوح تاریخ معاصر نوشت.

«خمینی» رفت و از او به یادگار این صحیفه نور برجای مانده است. امروز دیگر بشریت از فیض دیدار روح خدا محروم است و ایران تا ابد در سوک او عزادار. اینک ما مانده ایم و ادامه این راه و گنجینه ای از خاطرات گرانها و صحیفه ای از رهنمودهای نورانی او.

در هر قدم از این راه که همان صراط مستقیم الهیست، پرتگاهی ست که سقوط از آن سقوط از قله بلند کرامت انسانی ست ثبات قدم در این راه به نیت خالص و اراده ای قوی بستگی دارد و امیدواریم خداوند این اخلاص و اراده را به همه فرزندان ایران و اسلام تحت هدایت مقام معظم ولایت امر عنایت فرماید.

از سوی دیگر پژوهندگان عرصه دانش و کاوشگران پهنه معرفت میتوانند از طریق صحیفه نور با ایدئولوژی حاکم بر انقلاب اسلامی آشنا شوند و به خطوط اصلی اسلام ناب محمدی (ص) پی ببرند و دریابند که چگونه اسلام به عصر حاضر و دوران جدید می نگرد و چه پاسخهایی برای مسایل انسان امروز دارد.

بی تردید این از مسؤولیت‌های خطیر همه نویسندگان، روشنفکران و دانشمندان است که با سیر و تفحص در افکار امام خمینی راه حرکت مبارزات آزادیبخش ملل مسلمان جهان را دقیق تر از گذشته ترسیم نمایند و از سبوی عشق ملکوتی امام جرعه جرعه در کام تشنه ملت های مظلوم و تحت ستم بریزند و آنها را سیراب نمایند.

همان گونه که رهبر معظم انقلاب در مقدمه شیوایی که بر جلد یک صحیفه نگاشته اند و بر ترجمه کتاب به زبانهای زنده دنیا تأکید فرموده اند این جانب نیز بار دیگر اهمیت این کار را یادآور می شوم با این امید که ترجمه آن راهنمای دیگر جوامع اسلامی باشد. و نیز به عنوان یک مسلمان ایرانی و به عنوان یکی از مریدان و شاگردان امام و به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران از کارکنان سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی که افتخار گردآوری و تدوین این مجموعه گرانقدر را داشته اند سپاسگزاری می کنم و توفیق آنان را آرزو دارم

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

صحیفه ی نور تاریخ مدون انقلاب اسلامیت و بازتاب مبارزات امام (ره) با استعمار و استبداد، از زمانهای دور تا مدرسه فیضیه نجف، اشرف، پاریس وطن اسلامی و تا آنگاه که پیروزی؛ و سپس هدایت و رهبری انقلاب و تا 13 خرداد 1368 بخوانید تا جاودان زیرا که مردانی چون امام تا جاودان زنده اند آن روز که سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی اقدام به گردآوری و تنظیم سخنان و رهنمودهای امام (ره) نمود بنا را بر این گذاشت که همهی آنچه را امام در طول زندگانی مذهبی و سیاسی خویش گفته و نوشته اند،

گردآورد و در معرض داوری تاریخ و نسلهای آینده قرار دهد. لازمه چنین، کاری یاری خواستن از همهی مقامات و نهادهایی بود که امکان داشت دستخط نوار و یا اعلامیه ای از حضرتشان در اختیار داشته، باشند در این کار دقتی در حد وسواس به کار رفت تا مبادا مجلدات صحیفه ی نور از سخنی نوشته ای و اشاره ای از سوی آن مرشد و مراد تهی بماند.

با توجه به آنکه مجلدات صحیفه نور به ترتیب تاریخ منتشر شده است از همان آغاز کار روشن بود که مجموعه ی صحیفه ی نور نیاز به تکمله خواهد داشت.

زیرا که گذشته از نوارها و نوشته هایی که در دست افراد بود و به دنبال تقاضای سازمان به مرور به ما می رسید و بخشی از آنها زمانی به دستمان میرسید که جلد مورد نظر چاپ و منتشر شده بود بسیاری از افراد و به ویژه نزدیکان امام نامه های خصوصی و نوشته هایی از آن بزرگوار داشتند که پس از رحلت ایشان در اختیار رسانه های گروهی قرار گرفت که ما نیز از آنها

بهره‌گرفتنیم و به هر روی مجموع این‌گونه مطالب تکمله‌ی صحیفه‌ی نور را تشکیل می‌دهد.

گذشته از نامه‌ها و مدارکی که از طریق افراد و نهادها به دست ما رسیده و نیز نامه‌ها و نوشته‌های خصوصی امام (ره) برای تدوین تکمله کتابها و نشریات زیر را نیز بررسی کرده و گاه از آنها بهره‌گرفته ایم. 1 - امام در برابر صهیونیسم\*\*\* دفتر سیاسی سپاه پاسداران

2 - بلاغ (3جلد)\*\*\* سازمان تبلیغات اسلامی

3 - پیام انقلاب (4جلد) گردآورنده: م - د - قاجار

4- پیامهای امام خمینی در شش ماهه اول و دوم - 1359 (2جلد)

ابتکار و تنظیم: مسعود نوری

5- پیامهای امام خمینی در شش ماهه اول و دوم - 1360 (2جلد)

6 - پیامهای امام خمینی در شش ماهه اول و دوم - 1361 (1جلد)

7- در جستجوی راه از کلام امام (22جلد)\*\*\* مؤسسه انتشارات امیر کبیر

8 - روح خدا در ولایت فقیه\*\*\* گردآورنده: دفتر مطالعات اسلامی

9- طلوع انقلاب اسلامی\*\*\* مرکز نشر دانشگاهی

10 - مجموعه‌ای از مکتوبات سخنرانیها پیامها و فتاوی امام خمینی گردآورنده: م \_\_\_ دهنوی

11 \_ مجموعه‌ای کامل از پیامهای امام خمینی\*\*\* سید عبدالرسول حجازی

12 - مجموعه مصاحبه‌های امام خمینی (جلد اول)

13 - ندای حق\*\*\* گردآورنده: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان

14 - نهضت امام خمینی\*\*\* تألیف: حمید روحانی

15 - نهضت روحانیون\*\*\* تألیف: علی دوانی

16 \_ نقش روحانیت در اسلام\*\*\* انتشارات دار الفکر

17 - روزنامه آیندگان

18 - روزنامه اطلاعات





20 - روزنامه جمهوری اسلامی

21 - نشریه جهاد سازندگی

22 - بولتن خبرگزاری پارس

23 - روزنامه صبح آزادگان

24 - روزنامه کیهان

25 - مجله کیهان بچه ها

علاوه بر اینها تعدادی جزوه در برگیرنده ی بعضی از سخنان و پیام های امام نیز برای آنکه صحیفه نور از مطلبی خالی نماند فیش برداری و با صحیفه نور مقابله شده است.

از آنجا که مخاطب امام آن مرد خدا و سیاست، آن بزرگمرد که نسل ما نیکبختی درک وجودش و برخورداری از راهبری و هدایتش را داشت - همواره و همواره توده ها بوده اند طبقه ای که انقلاب با تکیه بر شانه های استوار آنان پا گرفت و پیش میرود در همه ی مراحل تدوین صحیفه ی نور کوشش شده که آن ویژگی ناب بیان و کلام امام و آن صفا و سادگی محضرشان از لابلای سطور کتاب به خواننده منتقل شود. باشد که خواننده ی صحیفه، نور همراه با آن شور و جذبه ی وصف ناشدنی، خود را در محضر امام راحل خویش احساس کند.

بنیان کار برامانت و حفظ همهی فرموده ی امام است بدون هیچگونه و روش کار بهره گیری از یک روال منظم و هماهنگ است در نثر و ویراستاری حتی آنجا که امام کلماتی گفته و نیمه کاره رها کرده اند و مطلب دیگری فرموده اند آن کلمات پراکنده نیز حذف نشده و درون دو خط مورب به این شکل / مشخص شده است تنها مواقعی که امام طرز محاوره ای کلمات را به کار برده اند آن کلمات به صورت اصلی تغییر یافته اند؛ مانند «بهش» به شکل به آن» تغییر کرده و به تغییراتی در همین حد بسنده شده است. و هنگامی که بخشی از فرمایشات امام به طور نامفهوم در نوار ضبط شده و به هیچ روی نسخه ی دیگری از آن سخنرانی در دست، نبوده آن بخش نامفهوم با سه نقطه به این شکل ... مشخص شده است.

ص: 19

سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی بر این گمان است که از طریق تدوین صحیفه نور و ضمائیم آن خط امام را ساده و بی پیرایه بی هیچ واسطه ای پیش روی شیفتگان آن حضرت گذاشته و امانت تاریخ را در نهایت صداقت و احساس مسؤولیت به نسل حاضر و نسلهای بعد سپرده است با وسواس و دقتی که شایسته ی چنین کار سترگیست.

در اینجا بر خود فرض میدانیم که از همه ی دست اندرکاران تدوین این مجموعه ی گرانقدر یادی داشته باشیم؛ همه کسانی که از ابتدا یعنی نیمه دوم سال 1359 که این طرح به ابتکار معاونت فرهنگی وقت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شروع شد در انجام آن سهمی داشته اند.

اکنون بخش عمده ای از پیامها و رهنمودهای آن رهبر گرانقدر به عنوان میراث فرهنگی آن بزرگوار فراروی اندیشمندان و پژوهشگران و همه ی آنان که شیفته ی رهیابی به معارف اسلام ناب محمدی هستند قرار دارد به امید آنکه صحیفه ی نور یا به فرموده ی رهبر معظم انقلاب اسلامی صحیفه ی انقلاب چون مشعلی فروزان فراراه پویندگان خط امام در عصر حاضر و نسلهای آینده قرار گیرد و الهام بخش پژوهندگان و پویندگان راه او، باشد بی تردید با همه ی کوشش و دقتی که برای تدوین این مجموعه ی ارزشمند تاریخی به کار رفته آنچه فراهم آمده خالی از کاستی و اشتباه نیست سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی میکوشد به یاری پروردگار در چاپهای بعد کاستیهای موجود را برطرف کند با این امید که پی آمد این کوشش و تلاش آمیخته به شیفتگی و ارادت مورد پذیرش پروردگار است اسلامی و تاریخ قرار گیرد.

ومن

الله التوفیق

محمد حسین علی محمدی

رئیس سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

ص: 20



اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بنده می خواستم امروز مباحثه بکنم لکن دیروز دو نفر از آقایان آمدند و مطالبی گفتند که موجب تاسف شد و لازم شد که من یک تذکراتی به آقایان عرض بکنم . حتی بعضی \_ گفتند در پرده گفتند \_ که اگر یک جلوگیری نشود ، ممکن است که یک اختلاف شدید و یک زدو خورد راه بیفتد در بعضی موارد . و من نمی دانم که این اختلافات سر چی است ؟ سر دنیا هست ؟ شما که دنیا نداشتید . ما و شما که دنیا نداریم که سر دنیا این اختلافات را داشته باشیم . همه زندگی های ما را که روی هم بریزند آن همسر یک زندگی اشخاص مرفه نیست . برای امر خیلی مبتذل و خیلی پیش پا افتاده آیا لازم است که آقایان قیام بکنند و با هم جبهه بندی کنند؟ و خوف این برود که سه دسته از آقایان در بعضی موارد بریزند به جان هم ؟ شما احتمال نمی دهید که یک دستی در کار باشد برای اینکه این حوزه ها را مفتضح کند ، از این مفتضح تر؟ شما احتمال نمی دهید که دشمن دنبال این مطلب باشد و دست داشته باشد در این مسایل به طوری که شما ملتفت نشوید از پشت یک حجابی باشد با آن زرنگی هایی که اینها دارند و سیاستی که اینها دارند و خدعه ها و فریبی که اینها دارند یک دستی دنبال این مطلب باشد ، دست ناپاکی و بخواهد شما را در جامعه مفتضح کند و بعد از افتضاح از بین ببرد و مردم تشکر کنند بر اینکه این آخوندها از بین رفتند ، احتمال این معنا نمی رود؟ به صورت دیانت به صورت \_ عرض می کنم که \_ مقدسی ، به صورت ظاهرالصلاح اشخاصی وارد بشوند در بین شما ، یا اشخاصی اشخاص دیگری را که از خود شما هستند اغفال کنند و این اغفال شده ها در بین شما بیایند و یک مطالبی را پخش بکنند که به واسطه این مطالب یک مفسده هایی پیدا بشود علاوه بر این مفسده هایی که در حوزه ها انسان می بیند .

ما عددمان اصلش چند تاست ؟ / ما/ عدد ما که الان در نجف هستیم و در اعتاب مقدسه دیگر و در ایران و در سایر ممالکی که حوزه شیعه هست ، شما عددتان چند تاست ؟ به / یک / بیست هزار می رسد عدد شما؟ حوزه های ما به بیست هزار ، ما فرض می کنیم شما دویست هزار جمعیت باشید از آخوند ده و غیر ده و اینها ، دویست هزار جمعیت شما باشید ، این دویست هزار جمعیت اگر چنانچه با

هم بودند و اجتماع داشتند و همان طوری که اسلام دعوت کرده است اینها هم تبعیت می کردند از آنها خیلی کار بر می آمد، لکن دویست هزار نفری که، اگر نگوییم دویست هزار رای، آرای متشست و مختلف دارند هر کسی، هر جبهه ای به قول شما یک رای مستقلی دارد که روی آن رای جبهه های دیگر را می گوید اگر بنا شد جمعیت ما این طور شد که در داخل خودمان ما یکدیگر را مفتضح کردیم، پیرمردمان پیرمرد را، جوانمان جوان را، جوانمان پیرمرد را، پیرمردمان جوان را مفتضح کردیم و یک دست هایی هم در دنبال قضیه بود که علاوه بر این مفسده ای که هست و انسان می بیند، یک آشویی در حوزه ها به پا کند به اسم جبهه کذا و جبهه کذا و دنبال این آشوب یک نتیجه هایی، آنهایی که می خواهند این حوزه ها نباشند و اینها را مضر به حال خودشان می دانند، آنها یک نتایجی ببرند و با این نتیجه ملت هم به شما اظهار تاسف نکند، بگوید اینها وضعشان این بود که دیدید و وضعشان این است که می بینید.

من متاسفم که یک نفر جوان از اروپا آمده بود اینجا و یکی دو دفعه با من ملاقات کرد و شاید/ هفت هشت روز/ پنج شش روز، هفت هشت روز، یک همچو چیزی، خیلی کم اینجا بود، به یکی از آقایان گفته بود \_ به من صحبتی نکرد \_ به یکی از آقایان گفته بود که خوب شد که من که آخوندزاده ام آدم نجف، اگر یک کس دیگری می آمد و این وضع را می دید چه می کرد؟ من نمی دانم که در این چند روز، در این چهار پنج روز یک نفر، یک نفر آدم محصل خارجی که از سنخ ما هم نیست ولو پدرش از سنخ ماست خودش از صنف ما هم نیست، این در این حوزه مبارکه چی دیده است؟ با چه اشخاصی تماس پیدا کرده، اینها چه مطالبی به این آدم گفتند که باید اظهار تاسف کند. یک نفر آدم محصل جدید، اظهار تاسف کند از اینکه چرا وضع نجف این طور است. اگر یک دست هایی در کار باشد و شما را همان دست ها وادار کند که من از جبهه کذا و زید از جبهه کذا و آن از جبهه کذا، حتی در یک مدرسه شما با هم جبهه بندی کنید و خدای نخواستہ اگر راست باشد این مطلب، یک وقتی یک انفجاری در یک مدرسه پیدا بشود و از آن مدرسه هم به مدرسه دیگر سرایت کند و از آن طایفه هم به طایفه دیگر سرایت کند و دست های ناپاکی هم اینها را دامن بزند و این آتش را روشن کند، علاوه بر اینکه در دنیا ما کاذب می شویم و نجف ساقط می شود، نه من و شما تنها، یک حوزه هزار ساله دینی ساقط می شود، یک اشخاص عالم متدین که بحمدالله باز فراوانند، اینها هم در جامعه ساقط می شوند، علاوه بر این ما جواب خدا را چه بدهیم.

### **عالم اگر خدای نخواستہ منحرف شد، یک امت را منحرف می کند**

اینکه در روایات ما هست که اهل جهنم متاذی می شوند از بوی عالمی که به علمش عمل نکند، این برای چیست که عالم وضعش این طور است؟ این برای این است که فرق است ما بین عالم و غیر عالم، از جهاتی فرق است. عالم اگر خدای نخواستہ منحرف شد، یک امت را ممکن است منحرف بکند من خودم دیدم این مطلب را که در بعضی از شهرستان هایی که در ایام تابستان ما می رفتیم، بعضی از شهرستان ها را من می دیدم که اینها بسیار مادب به آداب شرع جامعه آنجا، مودب به آداب

هستند مثل محلات که آنوقت ها این جور بود ، انسان وقتی ملاحظه می کرد می دید که عالم خوبی دارد چند تا ملای متدین خوب اگر در یک جامعه ای ، در یک شهری چند نفر ملای متوجه به دیانت ، عاقل و عامل به علم خودش باشد ، لازم نیست موعظه کند اصلا خود وجود او موعظه است . ما اشخاصی را دیدیم که وجودشان در انسان تاثیر می کرد . ملاحی یک وقتی در قم بود که خود وجودشان ، اصل انسان وقتی نگاه می کرد به او ، همان نگاه موعظه بود از آن طرف ما الان می بینیم که ، تهران را که من یک قدری اطلاع دارم \_ محلات مختلف تهران فرق دارد \_ یک گوشه می بینید که یک آدم منحرف آنجا معمم است یا امام جماعت شده است ، یک طایفه ای را منحرف کرده است . این گندش چقدر است ؟ همان گند است که آنجا به مشام می رسد یک گندی است که ما در دنیا تهیه می کنیم ، نه یکی ، یک گندی را به ما اضافه بکنند ، این گند خود ماست . هر چه در عالم آخرت واقع می شود ، یک چیزی است که از اینجا ما تهیه کرده ایم و وارد می کنیم در عالم آخرت . به ما یک چیزی خارج از عملمان نمی دهند ، اعمال ماست اینها . وقتی بنا شد که یک عالمی مفسده جو باشد و یک حوزه را در معرض خطر قرار بدهد ، این گندش یک حوزه را ، بلکه یک امت را می گیرد و همین گند است که الان شامه ما درست نمی تواند ادراک کند ، وقتی که در جهنم رفتیم خدای نخواستہ ، آنجا ادراک می کند شم ها و این گندی که از این عالم بلند شده است و در دنیا این طور کرده ، آنجا مردم را متأذی می کند . و در همین روایت است که (اشد الناس حسره ) آنهايي هستند که دعوت می کنند اشخاص را به صلاح و خیر و آنها استجابت می کنند و عمل می کنند به قول این آدم و آنها در بهشت می روند . آن وقت خود این آدم عالمی است که به علم خودش عمل نمی کند و در جهنم می رود . آن شاید می بیند آنها را که آن بقال بود که به واسطه ارشاد من و به واسطه امر و نهی من الان وارد شده است در . . . . . و این منم که به واسطه اینکه عمل نکردم به علم خودم وارد شدم در این . این چقدر حسرت دارد . وظایف عالم خیلی زیاد است . همان طوری که آن همه تعریف از برای عالم شده است در روایات کریمه ، در قرآن هم تعریف شده است . وظایفی که در روایات شریفه ما وارد شده است مراجعه بفرمایید ، کتاب کافی را مراجعه بفرمایید ، کتاب وسایل را ، آن ابوابی که معد برای این چیزهاست ، مراجعه بفرمایید ، اصول کافی خصوصاً در این مساله ، در این مسایل مراجعه بفرمایید که آن وظایفی که از برای ملاحی است ، آن وظایفی که از برای اهل علم هست ، آن آدابی که از برای مفید و مستفید هست . آقا این اصطلاحات ، خدا می داند که این اصطلاحات یک . . . به عهده ماست ، خدا می داند که این اصطلاحات هر چه زیادتر شد اگر تهذیبی در کار نباشد ، به ضرر دنیا و آخرت جامعه مسلمین تمام می شود . اصطلاحات اثری ندارد . علم توحید اگر چنانچه . . . نباشد آن هوای نفس ، همان علم توحید برای انسان و بال خواهد شد . چه بسا اشخاصی که عالم به علم توحید بودند و منحرف کردند خلاقیتی را ، اشخاصی را منحرف کردند ، و حال اینکه عالم به علم توحید بودند . چه بسا اشخاصی که

همین اطلاعات شما را بهتر می دانستند لکن از باب اینکه انحراف داشتند وقتی که وارد شدند در یک جامعه ، منحرف کردند یک جامعه را از اموری که باید مواظبت بشود و نکته این است که عالم وضعش این طوری است / این است که سایر مردم / اصلا وضع این جور شده ، اگر ، یک بقالی یک خلافی بکند ، مردم می گویند فلان بقال آدم بدی است ، یک عطاری ، یک اداری ، یک کذا ، این طور می گویند لکن اگر یک آخوندی یک کاری را بکند ، می گویند آخوندها کذا/ این / نمی گویند که ، آخوند را تجزیه و تحلیل نمی کنند که در بین آخوند ، خوب ، اینها هم بشرند ، دو طایفه هستند ، یک طایفه شان مردم صالحی هستند یک طایفه شان هم مردم \_ نعوذبالله \_ غیر صالحی هستند ، اینجا تجزیه نمی کنند . اینجا اگر من یک کار بدی بکنم ، می گویند آخوندها کذا هستند . این لطمه اش به اسلام وارد می شود این لطمه اش به حوزه های دیناتی وارد می شود ، این لطمه اش به احکام اسلام وارد می شود . اگر چنانچه شما خودتان حذف کنید خودتان را و خود جامعه های علمی به جان هم بیفتند و هم را حذف کنند و فحش بدهند و تفسیق بکنند و تکفیر بکنند و \_ عرض بکنم \_ هیاهو درست کنند و امثال ذلک ، اگر ما خودمان را بشکنیم و خودمان را از بین ببریم ، در جامعه دیگر از قول ما اسلام قوت نمی گیرد . ما نمی توانیم پخش اسلام بکنیم .

این امانت است در دست ما آقا ، خدای تبارک و تعالی دینش را امانت در دست ما الان اشخاصی که در اینجا هستیم ، اشخاصی که در جاهای دیگر هستند امانت گذاشته خدا این دیانت را ، خیانت به این امانت نکنید . این جبهه بندی ها خیانت است . مگر شما از دو دین هستید؟ مگر مذهب شما شعب مختلفه دارد؟ مگر ملاهای شما هر کدام به یک دینی دعوت می کنند؟ جبهه بندی یعنی چه ؟ این دنبال آن ملا- ، آن دنبال آن ملا اینها غلط است ، اینها کفر است ، اینها از کبایر ، از اعظم کبایر است ، اگر چنانچه این . . . . در آن مترتب بشود ، نکنید اینطور . این اختلافات جزئی تر ، یک مطالب خیلی غیر ارزنده است ، خیلی مبتذل ، از جهت مادی حساب کنند هیچ نیست . مگر آقایان به شما چی می دهند ، پول سیگارتان را من در یک روزنامه ای ، مجله ای \_ کجا یادم نیست الان \_ یک وقتی دیدم که بودجه ای را که پاپ برای آن کشیشی که در واشنگتن دارد ، آن بودجه ای که برای همان کشیشی که در واشنگتن است ، آنوقت من یادم است که حساب کردم حساب کردیم دیدیم شد/ قلم / یک قلمی بود که از تمام بودجه ای که حوزه های شیعه دارند بیشتر بود . شما چیزی ندارید که سر آن دعوا کنید ، سر دیانت است دیانت هم که دعوا ندارد . الحمدلله دیانت دارید ، اما دیانت که دعوا ندارد . سر همه اینها به دنیا بر می گردد . انسان خودش را بازی می دهد که من در فلان جبهه که واقع شدم تکلیف شرعی اقتضا می کند . تکلیف شرعی اقتضا می کند که انسان اهانت کند به مسلمین ؟ اهانت کند به ملا؟ اهانت کند به \_ عرض می کنم که \_ همجنس خودش ؟! این تکلیف شرعی است ؟ ! دنیاست آقا اینها ، هواهای نفس است .

انسان اگر چنانچه در خلال تحصیلی که مشغول تحصیل است یک قدم هم برای تهذیب نفس



بردارد، این حوزه ها فاقد شدند این مطالب را نیست الان کسی که همه اش . . . هم نمی گویند، همه اش آن اشخاصی که حالا هم یک حوزه تهذیبی داشته باشند، یک حوزه اخلاقی داشته باشند، یک حوزه موعظه ای داشته باشند، یک دست های ناپاک اینها را ساقط کرده، یعنی این حوزه ها را ساقط کرده (ای آقا! فلانی اهل منبر است.) فلانی خوب اهل منبر باشد، حضرت امیر هم اهل منبر بود. اینها برای این است که این حوزه ها از این معنویاتی که دارند ساقط بشوند، مادیات هم که ندارند، یک آبرویی هم که در جامعه دارند که دولت ها از این آبرویی که اینها در جامعه دارند می ترسند، از من و جناب عالی که نمی ترسند، من و شما که قدرتی نداریم. اگر از یک آخوندی، از یک مرجعی بترسند، نه از دعای او می ترسند و نه از نفرین او می ترسند، کی آنها اعتقاد به دعا و نفرین دارند؟ آنها از ملتها می ترسند می ترسند که اگر اهانتی به فلاخن بکنند، ملت ها بر آنها چه بشود. اگر ما به جان هم بیفتیم و من آن را تکفیر کنم، او من را تکفیر کند، هر دومان ساقط بشویم. خوب در بین ملتها هم، ملت هم از دست ما می رود، چنانچه رفته است حالا، یک مقدار کمی اش مانده، باقی اش از بین رفته. همه اش، وقتی که انسان می شنود از اشخاصی اشکال بر این است که آخوندها این جورند و این جورند. در خصوص نجف یک زوایدی هست که در سایر جاها نیست، این از مختصات نجف است. حوزه، حوزه قدیمی هزار ساله است. دیگر حوزه ها، حوزه های جدید هستند. حوزه در جوار حضرت امیر واقع شده است. دیگران در جوار حضرت امیر نیستند. خوب، ما باید یک قدری مطالعه کنیم در وضع زندگی این مرد بزرگ. ما ادعا می کنیم شیعه هستیم، چه شیعه ای؟! خوب آن زهد دارد، من که ندارم، باز شیعه ام؟! او تقوا دارد، ما نداریم، باز شیعه هستیم؟! او وضع زندگی اش چطور است، ما نداریم، باز هم شیعه هستیم. . . . آخر شیعه باید یک مشایعتی از او کرده باشد، یک تبعیتی از او کرده باشد تا شیعه باشد من می ترسم که وقتی رسید به اینجایی که موت آمد برای ما، ما از این، از این مذهب شیعه و از این اسلام و از این / اینها اصل خارج بشویم و خدای نخواستہ از این دنیا برویم. اگر بنا باشد که اعمال ما این طور باشد که وضع زندگی ما، وضع اعمال ما این نحو باشد که انسان ملاحظه می کند، بترسید از اینکه خدای نخواستہ در آخر عمر وقتی که چیز شد در یک روایتی هست که وقتی که نفس به اینجا رسید یا نفس به اینجا رسید (و اشاره به حلقوم کرد) عالم دیگر برایش توبه نیست برای اینکه در آیه شریفه فرموده است که آنهایی که عمل می کنند به جهالتین، آنها برایشان توبه است. وقتی که عالم حالا که مهلت دارد، توبه می تواند بکند، اما به شما سند دادند که از این مجلس می توانید بیرون بروید؟ شاید صاعقه آمد. سندی ندادند که، به شما سند دادند که تا فردا زنده هستید؟ شاید نبودید. به ما سند داده اند که تا ده سال دیگر زنده هستیم؟ خوب، شاید نبودیم. اگر جوان ها به فکر نباشند و به فکر نیفتند، ما به پیری رسیده ایم و مصیبت را می دانیم آقا من که حالا آمدم به شما عرض می کنم، نه اینکه خود من یک آدمی هستم، آدم شدن، مرحوم آقای آشیخ می گفت

محال است، من عرض کردم که سنم یک قدری از شما زیادت است و شما وقتی به سراغ منبر می آید اینجا، حرف من را گوش کنید، از این جهت به شما عرض می کنم، تا جوان هستید می توانید یک کاری انجام بدهید، ریشه های فساد در قلب جوان ضعیف است. هر چه بزرگ شد، آن روایت را ملاحظه کردید، من سابقاً دیدم که قلب انسان نقطه سفید است بعد که / چیز می کند / گناه می کند نقطه سیاهی پیدا می شود که هر چه گناه زیاد بشود سیاهی اش سیاهتر می شود. این جوان قلبش لطیف است، ملکوتی است لکن وقتی که وارد شد در این جامعه ها، وارد شد در این چیزها کم کم خدای نخواستہ اطلاعات پیدا می کند، دائماً یک کاری می کند، یک شب و روزی از او نمی گذرد الا اینکه یک کار \_ نعوذ باللہ \_ خلافی می کند. خوب، آن یک نقطه سودا در قلبش پیدا می شود، نه در این قلب، در آن قلبی که نفسانی و روحانی است، کم کم این نقطه سیاه زیاد می شود. وقتی که به پیری رسید و قلبش سیاه شده است او نمی تواند به این زودی ها آن قلب را برگرداند به حال اول لکن شما جوان ها می توانید، قدرت دارید، قدرت جوانی دارید. از این طرف قدرت جوانی دارید، از آن طرف این امور در شما ضعیف است الان. هر چه سن شما اضافه بشود و هر قدمی که بردارید و برداریم به \_ روی \_ به طرف آخرت، آن چیزهایی که منافی است با سعادت انسان، زیاد می شود، قدرت هم کم می شود. به سن پیری که رسید نمی تواند دیگر، از او نمی آید توبه. خوب، توبه یک امری نیست که انسان بلفظ (اتوب الی اللہ) کارش درست بشود. ندامت است، این ندامت به این زودی ها نمی آید برای اشخاصی که پنجاه سال غیبت کرده، پنجاه سال فحش داده، او دیگر سقوط کرده در کفر و غیبت او نمی تواند، او تا آخر عمر مبتلاست. اما جوان ها که گاهی اتفاق می افتد، و نگذارید اتفاق بیفتد، اگر یک مجلسی دیدید که غیبت می کنند، در یک روایتی مثل اینکه هست که حضرت می فرماید پاشو از این مجلس، می گوید نمی شود، گفت اگر به پدرت فحش می داد پا نمی شدی که جلو بگیری؟ پا می شدی دیگر. مثل اینکه همچو روایتی هست. نگذارید غیبت بشود. ((السامع احد المغتائب)) این جور نیست که او غیبت می کند، منی هم که گوش می کنم (احد المغتائب) هستم. نگذارید که این مفسده ها پیدا بشود، خودتان را نصیحت کنید. آقا شما چند نفر جوانید که عمرتان را گذاشتید روی این کار، در صورتی که این کار برای شما یک منابع سرشاری ندارد، جوانی تان را دارید تلف می کنید، اگر چنانچه این جوانی را در راه خدا بدهید و در راه خدا تلف بکنید تلف نشده، برای شما باقی است. اگر چنانچه خدای نخواستہ شما هم مثل سایر اهل دنیا باشید، جوانی از دست تان برود، آنها دنیا را دارند، شما جوانی را دادید دنیا را هم ندارید، (خسرالدنيا والاخره). خوب، اینها دنیا را لااقل دارند. اگر بنا شد که حب دنیا و حب نفس در ما همچو غلبه کند که نگذارد حقایق را ببینیم، نگذارید واقعیات را ملاحظه کنیم، سر راه هدایت ما بشود، کم کم زیاد بشود این معنا تا آنجایی که گفته می شود که شیطان ایمان را می خواهد، همه وسایل برای این است که ایمان را از انسان بگیرد، این آخر امر ایمان را از دست ما بگیرد، کسی سند ندارد که من ایمانم همین طور صاف، زیرا شاید مستودع باشد.

من باید جدیت کنم، شما باید جدیت کنید، مهذب کنید خودتان را، موظفید علاوه بر تهذیب

خودتان ، رفقایان را هم مهذب کنید ، این جرم شما مثل جرم سایرین نیست . در روایت است . . . . اگر چنانچه عالم ارتکاب یک معصیتی بکند ، این جامعه را فاسد می کند (اذا فسد العالم فسد العالم) . این یک مطلب واضحی است که هر مقداری که شعاع وجودی آن عالم است همان مقدار فاسد می کند . الان عالم هایی پیدا می شود که در ، فرض کنید که یک جایی ، در تهران ، در جاهای دیگر پیدا می شود که همان جا که هستند یک محله را به گند زده اند . خوب گند این آخوند در آنجا یک محله را برده ، در جهنم هم گندش را همه می شنوند ، اذیت می کند همه را . وظیفه نداریم؟! آقا! این قرآن ، این قرآن کریم پیش ما امانت است ، ما وظیفه نداریم حفظ این قرآن کریم را بکنیم . حفظ این احکام اسلام را ما وظیفه نداریم بکنیم؟! وظیفه ما همان است که یک مطالب اصولی را بحث کنیم و تا آخر ، بعد از پنجاه سال که مطالب اصولی هم خیلی درست شده است وقتی که اخلاقش را \_ عرض می کنم که \_ آدابش را ، آداب دینی اش را اینها ، اینها نیست این طور . باید از اول این مطلب را شما در نظر داشته باشید ، شما جوانید ، می توانید ، از اول هر قدمی که برای علم برمی دارید همان قدر یک قدم هم برای تقوا بردارید ، برای تهذیب نفس بردارید ، برای اینکه هوای نفس را کم کنید بردارید .

### **این دسته بندی ها فسق است ، حوزه را ضایع می کند**

برای چی شما نزاع با هم دارید؟ آخر چه تان است؟ چه دشمنی ای با هم دارید شما؟ هر کدام از یک بلدی هستید ، همه تان هم اهل علم هستید و همه تان هم انشاء الله خوب هستید . چرا باید این طور باشد که بگویند که آقایان اگر چنانچه یک صحبتی نشود ، اگر چنانچه یک موعظه ای نشود ، ممکن است یک انفجاری حاصل بشود ، ممکن است که / به هم / به جان هم بیفتند . آخر چرا ، سر چی شما دعوا دارید؟ شما خیال می کنید دعوی شما ، دعوی بین دو نفر پهلوان است؟ دعوی شما پیش خدا اعظم از همه معاصی است / برای اینکه یک / از بسیاری معاصی است برای اینکه یک جامعه را شما به گند می زنید ، یک نجف را شما ساقط می کنید در نظر مردم . نجف اگر ساقط شد دیانت اسلام ساقط است . شما باید / با / وقتی که وارد اینجا می شوید ، وقتی اینجا هستید و از اینجا می خواهید بروید در یک شهر دیگری ، باید مردم آن شهر از علم شما ، از اخلاق شما ، از \_ عرض می کنم که \_ اعمال شما ، از همه اینها باید استفاده کنند و موعظه گیرند . شما خیال نکنید تا آخر عمر بتوانید با ریاکاری کارتان را درست کنید که / بیخود / من همه کارها را می کنم ولی می روم آنجا با ریا . نمی توانید ، بالاخره کشف می شود فساد . خوب ، فرض کنید توانستید ، چند سال عمر می کنید؟ چند سال با ریا و با تزویر و با خدعه و با فحش به مردم زندگی می کنید؟ صد و بیست سال؟ و حال اینکه صد و بیست ساله در بین ما نیست . مگر در بین مردم هم خیلی ، خیلی ، خیلی کم اند . حالا ما فرض می کنیم صد و بیست سال ، شما صد و بیست سال با خدعه و فریب توانستید یک زندگی ، چه زندگی ای؟ چه زندگی ای؟ یک زندگی طلبگی ،

یک زندگی مبتذل، ما فرض می کنیم یک زندگی مثل هارون الرشید، اینطور فرض می کنیم که یک زندگی ای شما بعد از صد و بیست سال عمر می کنید و یک زندگی ای پیدا می کنید مثل هارون الرشید. صد و بیست سال در مقابل غیرمتناهی چه نسبتی دارد؟ بعدش غیر متناهی معذیب اگر چنانچه به دیانت اسلام اعتقاد دارید. اگر اعتقاد انسان باقی ماند و این طور چیزها، خوب فشارها وارد می کند، خدای تبارک و تعالی عنایت دارد به بندگان خودش، عقل داده به اینها - عرض می کنم که - قوه اینکه بتواند خودش را تهذیب کند داده است، اکتفا به این نکرده، انبیا فرستاده است، کتاب فرستاده است، اولیا فرستاده است، مهدیین فرستاده است. اگر اینها تاثیر نکرد باز فشارهایی در دنیا به آنها وارد می کند. اینها عنایاتی است که از طرف حق تعالی است که فشار بر آنها وارد می کند، یوغ و خناق بر آنها وارد می کند، حبس شان می برد و - عرض می کنم که - جلویشان را در امور می گیرند، عمامه شان را بر می دارند، هزار اهانت ها می کنند اینها همه عنایاتی است که خدا بر شماها دارد و ما خودمان نمی فهمیم که اینها عنایت است. اگر چنانچه با این هم آدم نشد، در مرض ها فشارها بر او وارد می شود، اگر در آنجا هم نشد، (عندالذرع) فشار زیاد بر او وارد می شود، اگر آن هم نشد آن مهالک و آن عقباتی که در کار هست، در آن عقبات، در برازخ و در آن عقبات بر او چیز واقع می شود، اگر نشد در قیامت بر او یک فشارهایی وارد می شود، برای اینکه جهنم نرود. لکن اگر نشد، چطور؟ (اخراالدوا الکی) خدا نکند به او برسد. در روایتی هست که ((یلبثون فیه احقابا) این مال اشخاصی است که اهل - عرض می کنم که - هدایت هستند یعنی اشخاصی هستند که دیانتشان محفوظ است، برای من و جنابعالی، آنوقت هر حقب اش چند هزار سال. آقا شما الان یک سنگ گرمی را نمی توانید دستتان بگیرید، آتش است، بترسید از آتش، این آتش ها را از حوزه ها بیرون کنید، از قلب هایتان این اختلافات را بیرون بکنید، مهذب کنید خودتان را. شما می خواهید وارد بشوید در یک جامعه ای، تهذیب کنید آنها را. از شما که تهذیب بر نمی آید، کسی که خودش را نتواند اداره کند دیگران را می تواند؟ این دسته بندی ها غلط است، این دسته بندی ها فسق است، حوزه ها را ضایع می کند این کارها، دست بردارید از این لوطی گری ها.

من همه اش، خیلی خوف از این مطلب دارم که یک اشخاصی در بین این جمعیت ها پیدا می شود، پیدا شده باشد، ممکن هم هست که توی اینجا، توی مدرسه ها نباشد، توی مدرسه ها ممکن است اصل نباشد و همه اشخاص مهذب و خوب باشند لکن او به وسائط، وسائط به واسطه، واسطه به واسطه برسد به آنکه تکلیف شرعی درست کنند. تکلیف شرعی من این است که باید از/ چه بکنم، تکلیف شرعی او هم این است که باید چه بکند. با این تکلیف شرعی یک فسادی در حوزه نجف ایجاد بکنند. آنها از آدم می ترسند، می خواهند این آدمها ساقط بشوند. آنها می خواهند آدمها را ساقط کنند، آن دست ها بیاید حوزه ها را این طور کند که اگر یک جوانی که برای آتیه اسلام مفید هست یا اشخاصی

برای آتیه اسلام مفید هستند ، اینها ساقط بشوند در جمعیت که نتوانند دیگر فایده بدهند به اسلام و مسلمین . شما باید فایده بدهید به اسلام و الا یک موجود بی فایده ای که در اینجا باشد و نه درس بخواند ، نه درس بدهد ، نه هیچ ، این چه اثری دارد؟ اینها اگر چنانچه تحصیل کرده اند ، چه کرده اند آنهایی که در اینجا هیچ کاری ندارند ، خوب ، بروند مشغول کار بشوند ، مشغول تہذیب مردم بشوند . شما جوان ها باید خودتان را مهیا کنید برای آتیه ، آتیه شما بدتر از آتیه ماست ، ما آتیه مان تمام شد دیگر ، من چند سال دیگر هستم ؟ من هفتاد سالم است ، از ما تمام شد ، ما این نفس های آخر هستیم چند روز دیگر می گذرد و تمام می شود . شما برای آتیه اسلام باید به درد بخورید ، آتیه شما یک آتیه بدی است . باید مجهز بشوید ، دست های دشمن های کثیر برای شما هست از هر طبقه ، مجهز بشوید ، تہذیب کنید خودتان را آقا ، اخلاقتان را تہذیب کنید ، حب دنیا را از دلتان بیرون کنید ، این دنیای نداشتہ . آنها حب دنیا دارند ، دنیایش را هم دارند ، من و شما حبش را داریم ، آن مفسدہ اش را داریم ، آن مصلحتش را نداریم ، خودش را نداریم ، حبش را داریم . ((حب الدنیا راس کل خطیئہ ) (ماذنبان ضاریان . . . غنم هذا من الاولہ و هذا من الاخرہ ) ظاہرا از حب نفس است ، از حب دنیاست یک همچو چیزهایی . آن ، حالا اگر با این تعبیر هم نباشد ، واقع مطلب همین است . دین اسلام ، دین ما را از بین می برد این حب نفس ، این حب جاہ ، این حب مسند اینها دین را از بین می برد ، یک قدری فکر کنید کہ این حب را از دلتان بیرون بکنید . چیزی نیست . آخر این صحیح نیست کہ اینها حب دنیا داشته باشند آن ہم این دنیا .

من تکلیفم این بود کہ امروز بہ آقایان این مطالب را عرض بکنم و آن مقداری کہ از قبل من است ابلاغ بکنم بہ آقایان کہ آقایان خیلی توجہ داشتہ باشند این نحوه کارها کہ انجام می گیرد یا بنا دارند انجام بدهند یا امثال ذلک ، اینها بہ ضرر آبروی خودشان تنها تمام نمی شود ، بہ ضرر آبروی یک جامعہ تمام می شود ، بہ ضرر آبروی ملت تمام می شود ، بہ اسلام تمام می شود ، و شما خیلی مسئولید در این باب اگر چنانچہ جلوی مفسدہ را نگیرید . دست بردارید از این طور اختلافات جزئی و امثال این اختلافات جزئی کہ خیلی مبتذل است ، مبتذل ، خودمان این را نمی فهمیم چقدر مبتذلیم . ما یک اشخاصی هستیم کہ دنیا را راس خودمان کردیم حب نفس ما . . .

راجع بر دلت ، لکن دیدم دارک بر از این  
 مسود شده به هر چه مجموع قبل نرسیده چون  
 ایضا که انفرادی بسته شود و نیز افزون در  
 این امر که در این صورت  
 ایضا در ایران شایع گهر بود که اینها بنده بنامه خوانده  
 و نیز همین معنی اروپا را که برابر عدالت است و آب هم عدالت در  
 نیز همین که بنامند که از سلیمین معنی اروپا آمده بدون عدالت  
 برگشته اند و این نیز در لب با آنکه ملایب عدالت و آب هم  
 در این نیز شورش است از دست هاست بر این نگران خواندن  
 جوانان در این امر و این است این و این است در این  
 غلبه است و نوع این است و این را خود این است و این است  
 اروپا بنامه بنامه و این است و این است و این است و این است

## پاسخ به نامه یکی از دانشجویان خارج از کشور

اخیراً در ایران شایع کرده بودند که اینجانب اجازه ندادم نماینده دانشجویان مقیم اروپا را که برای ملاقات من آمده بودند، ملاقات حاصل شود. و نیز جمعی که به نمایندگی از مسلمین مقیم اروپا آمده اند، بدون ملاقات برگشته اند و از این قبیل مطالب، با آنکه مطلب، خلاف واقع بوده است و ممکن است این نحو شایعات از دستگاه باشد برای نگران نمودن جوانان دانشگاهی و ایجاد شکاف بین اینجانب و آنها، خوب است رفع این سوء تفاهم را خود آقایان دانشجویان مقیم اروپا بنمایند، چون دستگاه از این نحو امور استفاده می کند.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 11

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود، موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جناب عالی را خواستار است. حالت این جانب بحمدالله بد نیست، لکن برای حوزه علمیه قم نگران هستم. خوف آن است که اگر غیبت این جانب طولانی شود، آقایان فضلا تزلزلی پیدا کنند. از خداوند اصلاح امور را خواستارم. جناب عالی به حضرات افاضل ایدهم الله تعالی تذکر دهید که این جانب کمال میل دارم که بین آنها باشم و در شادی و غم آنها شریک باشم. فضلا و اعلام قم که حقا وفاداری خود را اثبات فرمودند، مایه امید این جانب می‌باشند و چشم من به وجود آنها روشن است. در اول وقت رفع منع، به خواست خداوند تعالی خود را در بین آنها خواهم دید.

مطلب دیگر که لازم است جناب عالی به هر وسیله که صلاح می‌دانید ابلاغ فرمایید در قم و تهران و جاهای دیگر، قضیه عدم وصول تلگرافات است از ایران. روز اول و دوم ورود، مقداری تلگراف واصل شد، الا نادری که یا آدرس مجهول بود یا امضا معلوم نبود، پس از آن ناگهان نامه و تلگراف قطع شد و معلوم شد جلوگیری شده است، از بعضی شهرستان‌ها هم خبر منع رسید. ممکن است منظور آنها این باشد که ایجاد نگرانی نمایند. جناب عالی و سایر موالی محترم، این نکته را تذکر دهید و ابلاغ فرمایید که تلگرافات اگر نرسید به این سبب بوده.

مطالبی که مرقوم شده بود، ملاحظه شد. از خداوند تعالی توفیق اعتصام در امور را خواهانم. از جناب عالی و سایر آقایان ملتمس دعای خیر برای حسن عاقبت هستم. صورت تلگرافی که فرستاده بودید ملاحظه شد، لکن اصلش نرسیده. از آقایان مدرسین و فضلا متشکرم و توفیق و تایید همه را از خداوند تعالی خواستارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی





بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود، موجب تشکر گردید. شرحی راجع به اوضاع اظهار نگرانی نموده بودید، با آنکه حق با شما است لکن اگر انسان در این اوضاع و احوال قیام به وظیفه کند و موفق به خدمت شود نگرانی ندارد. نگرانی آنجاست که به خدمت قیام نکند و از وظیفه \_ خدای نخواستہ \_ شانه خالی کند.

امید است ان شاء الله خداوند تعالی به امثال جناب عالی توفیق عنایت فرماید که در مقابل همه ناراحتی‌ها و ناگواری‌ها محکم بایستید و از پیش آمدها هر چه باشد مایوس نشوید. خداوند تعالی با شما است و با عمل به وظیفه تایید خواهد فرمود و بر فرض شکست صوری، فتح نهایی با اهل تقوا و عامل به وظیفه است. این ارباب و ابراق و فتح باب ظلم حاکی از ضعف است (وانما یحتاج الی الظلم الضعیف). جناب عالی در امور جاریه نگران نباشید و ضعف به خودتان راه ندهید، انشاء الله این امور موقتی است و آمد آن سر خواهد آمد.

اما راجع به مسائلی که مرقوم شده بود، راجع به رایو در صورتی که به هیچ وجه استفاده محرم از آن نشود، خرید و فروشش جایز است و اما استفاده‌های محلله مانع ندارد. راجع به ریش به همان احتیاط باقی هستم. راجع به دولت، مالک می‌دانم. و اگر مطالبی از این جانب مسموع شد بی‌مراجعه به خود من قبول نفرمایید چون اخیراً گویا افتراهایی بسته می‌شود و این آخرین دشمنی است. از جناب عالی رجای دعای خیر دارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 14





بسم الله الرحمن الرحيم

برادر محترم جناب آقای ابوجهاد عضو کمیته مرکزی الفتح و عضو شورای فرماندهی کل نیروهای عاصفه ایده الله تعالی مرقوم شریف واصل، از اظهار همدردی با ملت مظلوم ایران و احساس مسوولیت اسلامی در شرکت با خواسته های مشروع آنان کمال تشکر حاصل، از خداوند تعالی توفیق جناب عالی و سایر برادران اسلامی فلسطین را که در راه احقاق حق قیام نموده اند خواستارم.

من امیدوارم که نهضت اسلامی ایران که با ابعاد گسترده اش بی سابقه در طول تاریخ است، در کنار برادران مسلمان فلسطین به آرمان های انسانی و اسلامی خود برسند و بیرق ظلم و جنایت را برای همیشه سرنگون و پرچم با عظمت اسلام را در اهتزاز در آورند و همزمان با آن برادران ما دست جنایتکار اسرائیل و جرثومه فساد را قطع و پرچم پیروزی را بر فراز مسجد اقصی برقرار نمایند.

این جانب در طول مبارزات با شاه جانی اسرائیل را محکوم و یکی از مواد مخالفت با شاه را کمک به اسرائیل دشمن اسلام و انسانیت قرار دادم. ملت بزرگ ایران که در طول تاریخ از نظام منحط شاهنشاهی رنج برده و در پنجاه و چند سال سلطنت غیر قانونی سلسله پهلوی در زیر چکمه دژخیمان آن خرد شده و تمام مخازن و ثروت کشورش به دست جنایتکار شاه به باد فنا رفته و با طرح های خائنانه نفتخواران مفتخوار هر چه بیشتر به عقب رانده شده است، اکنون به خواست خداوند متعال به پا خاسته، و در طول و عرض مملکت با یک اراده مصمم، نابودی نظام شاهنشاهی را خواستار و حکومت جمهوری اسلامی را به جای آن خواهانند و خواست آنان که آزادی و استقلال و برقراری حکومت عدل است، امری است که سرلوحه حقوق بشر و مورد تایید جوامع انسانی است و بالاتر آنکه موافق رضای خدای بزرگ است، امید پیروزی نهایی در آن زیاد است. و بر انسان هایی که به فطرت اصلی خود باقی هستند کمک به آنان طبیعی است.

من از اینکه نهضت انقلابی آزادیبخش الفتح امکانات خود را در اختیار ما قرار داده و در نجات ملت مسلمان ما از دست تبهکار غارتگران بین المللی و وابستگان آنان کوشا است، تشکر می کنم و دست آنان را برادرانه می فشارم. من به حکم اخوت اسلامی از آنان به طور جد می خواهم که از کمک به فرقه های وابسته به چپ و راست که عامل بدبختی های مستضعفین می باشند، خودداری کنند و از

کمک های تبلیغاتی و غیر آن به برادران مسلم خود مضایقه نمایند . ما در صورت دست یافتن به قدرت از نهضت مقدس شما پشتیبانی می کنیم و اکنون نیز نفت را که مایه حیات اسرائیل غاصب است و شاه با دست خیانتکار خود برای ادامه جنگ با مسلمین به روی آنها گشود ، قطع نمودیم . ما در صورت تشکیل جمهوری اسلامی از یهودیان ایرانی که به فلسطین هجرت کرده و در شرایط تبعیض بسیار ناگواری تحت استثمار یهودیان اروپایی و امریکایی به سر می برند دعوت خواهیم کرد که به وطن خود برگردند و آزاده و محترمانه به زندگی خود ادامه دهند و از تعدیاتی که در زمان حکومت های جور بر آنان شده مصون خواهند بود .

من از مردم مسلمان و شیعیان جنوب لبنان که در راه استقلال و آزادی کشور خود و در دفاع از ملت مظلوم فلسطین کوشش می کنند و با تظاهرات خود در روز تاسوعا همبستگی خود را با ملت مسلمان و ستمدیده ایران اعلام نمودند ، تشکر می کنم و امیدوارم با اراده مصمم خود به مبارزه علیه اسرائیل ، دشمن اسلام و مسلمین ادامه داده همگام با نهضت اصیل و اسلامی برادران مسلمان خود در ایران و فلسطین همه غاصبین و استعمارگران را از کشور خود رانده و به خرابکاری و قتل و غارت آنان خاتمه دهند . عظمت اسلام و مسلمین را از خداوند تعالی خواستار و قطع ایادی اجانب را امیدوارم . درود من بر شما سرباز اسلام . توفیق و تایید شما را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

## پاسخ به نامه پراحساس کودک 11ساله ای که پس اندازش را به جبهه های جمگ تحمیلی هدیه کرده است

بسمه تعالی

فرزندم عزیزم! وجهی را که فرستاده بودید برای جبهه ها واصل شد. خیلی از روحیه شما عزیز خوشحال شدم ولی من خواهش می کنم این وجه را خودتان صرف کنید. من به جای شما خدمت به جبهه انشاءالله می کنم.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 19

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی

تلگراف مبنی بر آنکه اعلیحضرت بیش از هر کس در حفظ شعایر مذهبی کوشا هستند و تلگراف این جانب را برای دولت ارسال داشتند و توفیق این جانب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت عوام خواستار شدند، موجب تشکر گردید. البته ملت مسلمان ایران از اعلیحضرت همین انتظار را دارند. فرموده اعلیحضرت موافق است با آنچه از پیغمبر اسلام \_ صلی الله علیه وآله به ما رسیده (اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه فمن لم یفعل فعلیه لعنه الله) البته شغل روحانی، ارشاد و هدایت ملت است. مع الاسف با آنکه به آقای اسدالله علم در این بدعتی که می خواهد در اسلام بگذارد تنبه دادم و مفاشدش را گوشزد کردم، ایشان نه به امر خداوند قاهر گردن نهادند و نه به قانون اساسی و قانون مجلس اعتنا نمودند و نه امر ملوکانه را اطاعت کردند و نه به نصیحت علمای اسلام توجه نمودند و نه به خواست ملت مسلمان که طومارها و تلگرافات و مکاتیب بسیار آنها از اقطار کشور نزد این جانب و علمای اعلام قم و تهران موجود است وقعی گذاشتند و نه به اجتماعات انبوه قم و تهران و سایر شهرستان ها و ارشاد مفید خطبای اسلام احترامی قائل شدند.

آقای علم از نشر افکار عمومی در مطبوعات و انعکاس تلگرافات مسلمین و اظهار تظلم آنها به اعلیحضرت و علمای ملت جلوگیری کرده و می کند و بر خلاف قانون اساسی مطبوعات کشور را مختنق کرده و به وسیله مامورین در اطراف مملکت، ملت مسلمان را که می خواهند عرض حال خود را به اعلیحضرت و علمای ملت برسانند، ارباب و تهدید می کند. آقای علم تخلف خود را از قانون اسلام و قانون اساسی اعلام و بر ملا نموده. آقای اسدالله علم گمان کرده با تبدیل کردن قسم به قرآن مجید، را به کتاب آسمانی ممکن است قرآن کریم را از رسمیت انداخت و (اوستا) و (انجیل) و بعضی کتب ضاله را قرین آن یا به جای آن قرار داد. این شخص تخلف از قانون اساسی را به بهانه الزامات بین المللی شعار خود دانسته با آنکه الزامات بین المللی مربوط به مذهب و قانون اساسی نیست. تشبیه به الزامات بین المللی برای سرکوبی قرآن کریم و اسلام و قانون اساسی و ملت جرم بزرگ و ذنب لایغفر است.

این جانب به حکم خیرخواهی برای ملت اسلام، اعلیحضرت را متوجه می کنم به اینکه اطمینان



نفرمایید به عناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و خانه زادی می خواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده و به اعلیحضرت نسبت دهند و قانون اساسی را که ضامن اساسی ملیت و سلطنت است ، با تصویبنامه های خائنانه و غلط از اعتبار بپندازند تا نقشه های شوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند . انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید آقای علم را ملزم فرمایید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از جسارتی که به ساحت مقدس قرآن کریم نموده استغفار نماید و الا ناگزیریم در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکر دهم . از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آنها را از آشوب و انقلاب مسألت می نمایم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 21

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 مع اهل بيته الطيبين الطاهرين وبعد فبیت کتاب ما در علم و فقه در علم انجلیب المرحوم آقا شیخ  
 صادق حسینی غفر له است افاضه و کرامه اعالیه که در آن شرحیست فخر را مصروف  
 در تفسیر فخر در طالع نمودند و کچند نیز از مریدین مرقوم دانند مسلم استند از طرف حقیر  
 مجازند در تفسیر امور حسبیه در شرحی که تفسیر آن در علم نیست و اما امر و ناموس در شرحی  
 فخری شرحیست چنانچه فراه از فصاحت فقیر جامع اثر لطافت پس از برایش است  
 تفسیر امور نه کرده باریت حیات و نیز فجاب پشان مجازند در اخذ سهیل تا کین  
 و هیال سهم سادات را بمهر ستران و صرف لهم با یک امام علیه السلام را در اعانت  
 خویشانی بنحو فقار در صورت حیات و صرف یک کت از توبه را در ترویج دین است  
 تفسیر علم و علم کلمه حق و هیال و کت دیگر را نزد حقیر بار صرف در جزه علیه و ایز  
 ایزه بر قالی با ازی به لطف اصحاب من مددته استوکی و تمکد بمروده به قیاط دار چون  
 فباب ان تدبیر من اصحاب و کلمات و سلام علیه و هم در و جات کتایب ۲ شهر در ۱۳۸۰  
 رجب ۱۳۸۰

## حکم انتصاب ثقه الاسلام آقای صادق احسان بخش در مورد انجام امور حسبيه و شرعیه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين .

و بعد جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقه الاسلام ، الخطيب المحترم آقای آقا شيخ صادق احسان بخش \_ دامت افاضاته و كثر الله امثاله \_ كه مدتی عمر شريف خود را مصروف در تحصيل فضل و كمال نمودند و اکنون نیز از مروجين محترم و افاضل معظم هستند ، از طرف حقير مجازند در تصدی امور حسبيه و شرعیه كه تصدی آن در عصر غيبت ولی امر و ناموس دهر (عجل الله فرجه الشريف و جعلنا الله فداه ) از مختصات فقيه جامع الشرايط است ، پس از برای ایشان است تصدی امور مذكوره با رعایت احتیاط . و نیز جناب ایشان مجازند در اخذ سهمين مباركین و ایصال سهم سادات را به محل مقرر آن و صرف سهم مبارك امام علیه السلام را در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد در صورت احتیاج و صرف يك ثلث از بقیه را در ترویج دیانت مقدسه اسلام و علو كلمه حق و ایصال دو ثلث دیگر را نزد حقیر برای صرف در حوزه علمیه .

و اوصیه ایده الله تعالی : (بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه التقوی و التمسك بعروه الاحتیاط و ارجو من جنابه ان لاینسانی من صالح دعواته ) .

والسلام علیکم ورحمة الله وبركاته

روح الله الموسوی الخمينی



## فرمان به ثقه الاسلام آقای صادق خلخالی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوه والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين .

وبعد جناب مستطاب قدوه الاعلام و ملاذ الانام و ثقه الاسلام آقای آقا شيخ صادق خلخالی \_ دامت افاضاته و كثر الله تعالى امثاله \_ كه مدت ها عمر شريف را در تحصيل علوم شرعيه و فضائل نفسانيه صرف نموده اند و بحمد الله به كمال علم و فضل نايل گرديده اند ، از قبل حقير مجازند در تصدى امور حسبيه و شرعيه كه تصدى آن در عصر غيبت ولى امر \_ عجل الله فرجه الشريف \_ از مختصات فقيه جامع الشرايط است : (فله التصدى لما ذكر مع مراعات الاحتياط) و نيز جناب ايشان مجازند در اخذ سهم مبارك امام \_ عليه السلام \_ و صرف در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد و صرف ثلث از بقيه را در ترويج ديانت مقدسه و ايصال دو ثلث ديگر را نزد حقير براى صرف در حوزه مباركه علميه . و اوصيه ايده الله تعالى : (بما اوصى به السلف الصالح من ملازمه التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروه الاحتياط فى الدين و الدنيا و ارجو منه ان لا ينسانى من صالح دعواته و السلام عليه و على اخواننا المومنين و رحمة الله و بركاته ) .

روح الله الموسوى خمينى

## پاسخ به مصاحبه علم نخست وزیر رژیم پهلوی

بسم الله الرحمن الرحيم

به نظر اینجانب مصاحبه آقای نخست وزیر به هیچ وجه ارزش قانونی نداشت و نظر اینجانب را تامین نمود زیرا چیزی که در هیات دولت به صورت تصویبنامه در آمد، مصاحبه و درج در مطبوعات تاثیری در آن ندارد و آن تصویبنامه بر فرض قانونی بودنش به قوت خود باقی است و اما نکاتی که در تلگراف آقای نخست وزیر به آقایان علماً اعلام قم بود خیلی جالب است :

1\_ راجع به حلف به کتاب آسمانی می نویسد مراد قرآن مجید است، البته ما این تفسیر را از شخص ایشان برای تبرئه خودشان از هتک به قرآن کریم، به حکم اسلام پذیرفتیم لکن تفسیر ایشان از تصویبنامه به هیچ وجه ارزش قانونی ندارد و تصویب کتاب آسمانی به اطلاق خود که شامل سایر کتب منحرفه و ضاله است، در نظر آنها به قوت خود باقی است و نقش آقای نخست وزیر اغفال مردم است و همان خطر که برای قرآن مجید پیش آمده است به واسطه این تصویبنامه مخالف شرع و قانون، به دست خیانتکاران به دین و مملکت به قوت خود باقی است و هیچ مسلمانی نمی تواند قرآن مجید را در معرض خطر ببیند و سهل انگاری کند.

2\_ آنچه ایشان نوشته اند که در مجلس اقلیت های مذهبی به کتاب خودشان قسم یاد می کردند، اشتباه است و هیچ گاه کتاب منسوب به زردشت و سایر کتب منحرفه را در مجلس نمی آوردند، صورت قسم نامه نیز شاهد است که تمام وکلا به یک نحو قسم یاد می کردند.

3\_ به اینکه نوشته اند در مملکت اسلام انتخاب کننده و انتخاب شونده مسلمان است، ربطی به مفاد تصویبنامه ندارد و وعده اصلاح، الزام آور نیست و به هیچ وجه ارزش قانونی ندارد و ما را قانع نمی کند و اگر فرضاً آقای علم بنویسد این سه امر که در تصویبنامه مذکور است لغو است، باز ارزش قانونی ندارد زیرا چیزی که در هیات وزیران تصویب شد، به الغای آقای نخست وزیر لغو نمی شود و به قوت خود باقی است، بنابراین خطر بزرگی که برای اسلام و استقلال و کیان مملکت به واسطه این تصویبنامه که شاید به دست جاسوسان یهود و صهیونیست ها تهیه شده برای نابودی استقلال و بهم زدن اقتصاد مملکت، به قوت خود به نظر دولت آقای علم باقی است و دولت خود را ذیحق می داند که به آن عمل کند، هر چند مخالف قانون شرع یا قانون اساسی باشد یا برخلاف احساسات دینی و ملی بیست میلیون جمعیت ایران یا تمام مسلمین باشد زیرا تا در هیات وزیران تجدید نظر به عمل نیاید و

اصلاح نشود، به قوت خود باقی است و اینجانب در تعجب هستم که چرا آقایان وزرا زیر بار این مسوولیت بزرگ قانونی می روند و اقدام به تجدید نظر نمی کنند و نمی خواهند خود را در نزد ملت های بزرگ، متمدن و ملت خود را سربلند کنند. خضوع در مقابل مذهب و قانون، تجدید نظر در تصویب نامه ها و تسلیم مذهب و قانون شدن، علامت شهادت و تمدن است و موافق نزاکت بین المللی است و سرپیچی از قانون و سرسختی در مقابل خواست ملت، از عادات قرون وسطی و خلاف نزاکت است. و خوب است وزرای یک مملکت که نسل حاضر نشوند چنین معرفی شوند و عقب افتادگی و عدم رشد یک ملت بزرگ را ثابت کنند. با اعمال خلاف مذهب و قوانین، منع شدید مطبوعات در تمام کشور، جلوگیری از انعکاس این نهضت بزرگ ملی و قانونی بی سابقه یا کم سابقه، که یک ملت برای دفاع از مذهب و قانون اساسی قیام نموده و در تمام کشور هماهنگ شده اند، برای یک دولت مدعی تمدن، ننگ است، و ما احساس خجالت و سرشکستگی می کنیم در میان خبرگزاری ها و سفارتخانه های خارجی، و ما ملت ایران را از این گونه اعمال قرون وسطائی تبرئه می کنیم و تمام گناه را از معدودی تطمیع شده یا تهدید شده می دانیم. اشخاص شریف به مذهب مقدس خود و به قانون اساسی احترام می گذارند و از کارهایی که برای ملت و استقلال مملکت خطر دارد، اجتناب می کنند.

اینجانب حسب وظیفه شرعی به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می کنم، قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست هاست که در ایران به حزب بهائی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تایید عمال خود قبضه می کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شوون ساقط می کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است و دولت ها ناظر آن هستند و از آن تایید می کنند. ملت مسلمان تا رفع این خطرها نشود، سکوت نمی کند و اگر کسی سکوت کند در پیشگاه خداوند قاهر، مسوول و در این عالم محکوم به زوال است.

4\_ آنچه آقای نخست وزیر راجع به انتخاب زن ها تلگراف نموده اند، محل تعجب است، می گویند این انتخاب، مشابهت انتخاب شهرداری هاست که دخالت زن ها در آن تصویب شد و اعتراض نشد، اولاً انجمن های ایالتی و ولایتی قانون مستقل دارد و زن ها در آن قانون مستثنی هستند، آقای نخست وزیر قانون مجلس را نسبت به خود انجمن های ایالتی و ولایتی نادیده گرفته و به مشابه آن تشبیه کرده اند و خوب است خود ایشان این را هر تفسیر کنند و ثانیاً به طوری که مطلعین می گویند، قانون شهرداری ها از مجلس گذشته و در بعض کمیسیون های مجلس وارد شده و فرضاً که گذشته باشد ربطی به انجمن های ایالتی ندارد و ثالثاً اگر چیزی از مجلس گذشت و مخالف قانون اساسی بود، ارزش قانونی ندارد و این امر از هر مجلسی بگذرد مطرود و وکلای آن قابل تعقیب هستند.

5\_ نوشته اند که این موضوع عرفی است، اگر منظور آن است که مربوط به حکم شرع نیست، بسیار عجب است زیرا تمام موضوعات عرفیه در شرع حکم دارد و این آقایان از قوانین اسلام اطلاع ندارند و از حقوق اسلامی بی خبرند، حکم این موضوع عرفی را از علماً اسلام باید پرسید.

6\_ آنچه اخیراً نوشته اند که اگر حرام می دانید باید به مجلس رجوع کنید ، البته در موقعش به مجلس تذکر خواهند داد لکن باید به آقای نخست وزیر بگویم هیچ مجلسی و هیچ مقامی نمی تواند برخلاف شرع اسلام و مذهب جعفری ، تصویبی کند یا قانونی بگذراند ، رجوع نمائید به اصل دوم متمم قانون اساسی . بحمدالله ملت مسلمان و علمای اسلام زنده و پاینده هستند و هر دست خیانتکاری که به اساس اسلام و نوامیس مسلمین دراز شود قطع می کنند . (والله غالب علی امره )

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 28



تاریخ: 17/7/1341

## تلگراف به شاه

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی

پس از اهدای تحیت و دعا، به طوری که در روزنامه ها منتشر است، دولت در انجمن های ایالتی و ولایتی، اسلام را در رای دهندگان و منتخبین شرط نکرده و به زن ها حق رای داده است و این امر موجب نگرانی علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین است. بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام و آرامش قلوب است. مستدعی است امر فرمایید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگویی ملت مسلمان شود.

الداعی روح الله الموسوی

ص: 29

## تلگراف به اسدالله علم

بسم الله الرحمن الرحيم

تهران - جناب آقای اسدالله علم نخست وزیر ایران!

در تعطیل طولانی مجلسین دیده می شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مباین صریح قانون اساسی است ، مطمئن باشید تخلف از قوانین اسلام و قانون اساسی و قوانین موضوعه مجلس شورا برای شخص جناب عالی و دولت ایجاد مسوولیت شدید در پیشگاه مقدس خداوند قادر قاهر و نزد ملت مسلمان و قانون خواهد کرد . ورود زن ها به مجلسین و انجمن های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف قوانین محکم اسلام که تشخیص آن به نص قانون اساسی ، محول به علمای اعلام و مراجع فتواست و برای دیگران حق دخالت نیست و فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می دهند ، در این صورت حق رای دادن به زن ها و انتخاب آنها در همه مراحل ، مخالف نص اصل دوم از متمم قانون اساسی است و نیز قانون مجلس شورا مصوب و موشح ربیع الثانی 1325 قمری حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را در انجمن های ایالتی و ولایتی و شهرداری از زن ها سلب کرده است ، مراجعه کنید به مواد هفت و نه قانون انجمن های ایالتی و ولایتی و پانزده و هفده قانون انجمن بلدیة (شهرداری) ، در این صورت چنین حقی به آنها دادن ، تخلف از قانون است و نیز الغای شرط اسلام در انتخاب کننده و انتخاب شونده که در قانون مذکور قید کرده و تبدیل قسم به قرآن مجید را به کتاب آسمانی ، تخلف از قانون مذکور است و خطرهای بزرگی برای اسلام و استقلال مملکت دارد که یا غفلتا یا خدای نخواستہ عمدا اقدام به این امر شده است . اکنون که اعلیحضرت در خواست علمای اعلام را به دولت ارجاع فرموده اند و مسوولیت به دولت شما متوجه است ، انتظار می رود به تبعیت از قوانین محکم اسلام و قوانین مملکتی ، اصلاح این امر را به اسرع وقت نمایند و مراقبت کنید که نظایر آن تکرار نشود و اگر ابهامی در نظر جناب عالی است ، مشرف به آستانه قم شوید تا هر گونه ابهامی حضورا رفع شود و مطالبی که به صلاح مملکت است و نوشتنی نیست تذکر داده شود .

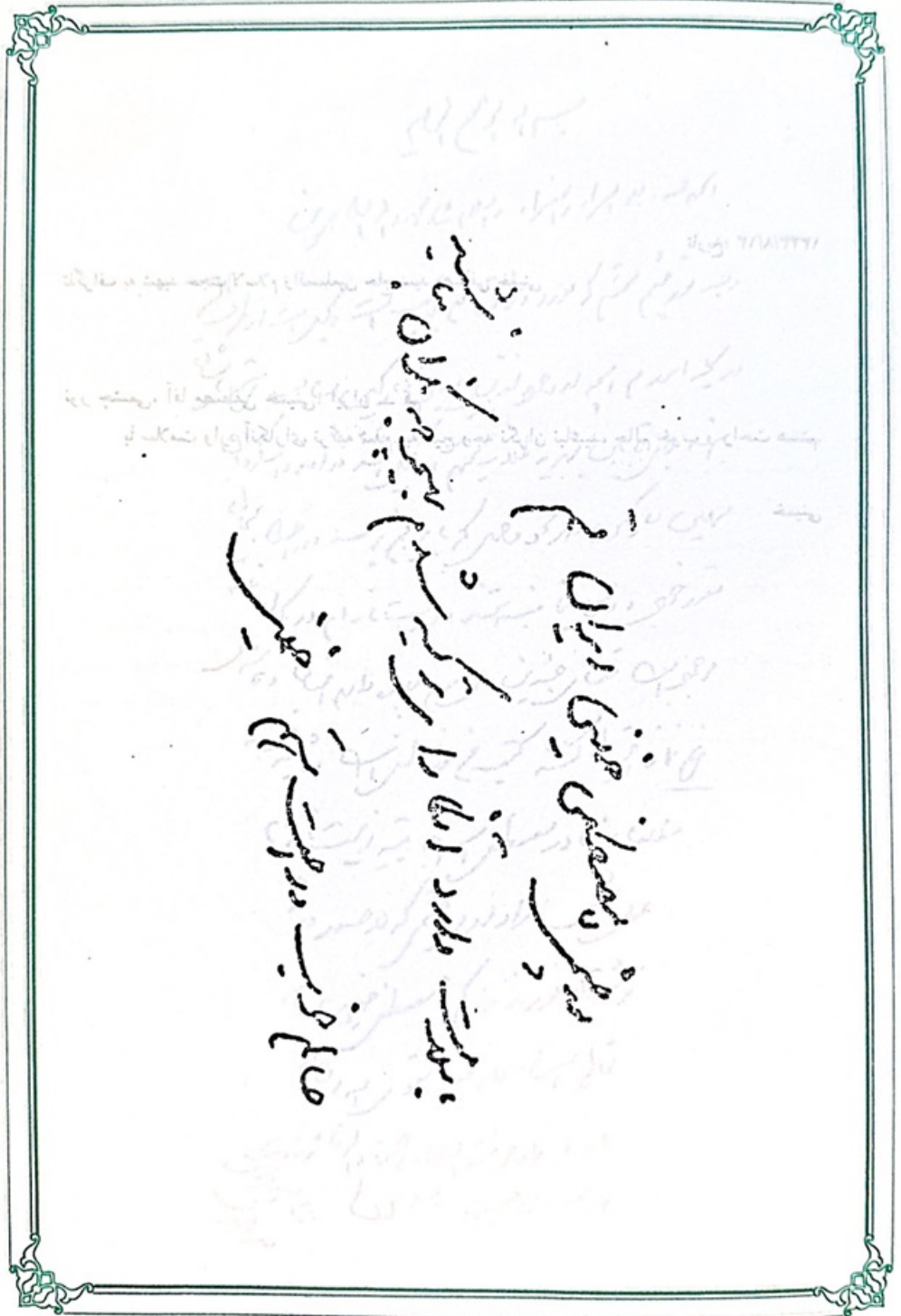
در خاتمه یادآور می شود که علمای اعلام ایران و اعتبار مقدسه و سایر مسلمین در امور مخالفه با شرع مطاع ساکت نخواهند ماند و به حول و قوه خداوند تعالی امور مخالفه با اسلام رسمیت نخواهد پیدا کرد .



### نامه به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی

نور چشم محترم آقا مصطفی ایده الله تعالی و وفقه لمرضاته

بحمدالله تعالی وله الشکر که قبل از ظهر روز چهارشنبه وارد آنکارا ترکیه شدم به سلامت ، هوای این جا بهتر از قم است ، شماها از جهت من نگران نباشید ، حالم خوب است و نگرانی بحمدالله نیست ، خداوند ان شأالله خیر مقدر فرماید . آنچه لازم است تذکر دهم علاوه بر آن که به جمیع خویشاوندان و بستگان پس از ابلاغ سلام ، سفارش کنید به صبر جمیل و عدم فزع ، به هیچ وجه تشبث نکنید . خداوند تعالی آنچه مقدر فرموده واقع خواهد شد . آنچه لازم است به شما تذکر دهم آن است که اگر رضای خداوند تعالی و رضای مرا می خواهید با مادر و خواهران و برادر و بستگان مطلقا حسن رفتار نمایید . همه محتاج به حسن سلوک شما هستند . تقاضا می کنم به همه خوش رفتاری نمایید . وقت حرکت گفته شد که اگر میل دارید ، خانواده بیایند مانع ندارد ، این جا هم تکرار شد ، لکن با کمال میلی که به ملاقات همه دارم راضی نیستم بیایند و بیایید زیرا به شماها و ایشان بد می گذرد در محل غربت . برای من وسایل راحت فراهم خواهد شد ان شأالله تعالی . لازم است چیزهایی را که می نویسم بدهید بیاورند ، بنا است از شما بیایند بگیرند و بیاورند . آنچه یادم است می نویسم و اگر چیزی را فراموش کردم شما بفرستید ، کتاب (مفاتیح ) ، (صحیفه سجادیه ) ، (مکاسب ) و (حواشی ) ، لباس از عبا و پیراهن و غیره . (قیچی ناخن گیری ، قیچی اصلاح ) (لازم نیست ) مهر و جانماز ، انگشترها این جا است . حوله هم بفرستید . برای این ماه وجه پیش آقای . . . است بگیرید شهریه را بدهید ، برای تتمه زغال هم بگیرید .



تاریخ : 13/8/1343

## تلگراف به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی

نور چشمی ، آقا مصطفی خمینی ! ایران - قم

با سلامت وارد آنکارای ترکیه شدم ، به هیچ وجه نگران نباشید ، حالم خوب و راحت هستم .

خمینی

ص: 34

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر نه بیایم و نه برآیم و نه ایستیم و نه درازیم و نه درازیم

و نه درازیم و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

در یک ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

بسته باریتیم و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

بسیار ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

تدریجاً و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

در یک ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

ملکتی و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

عمرش و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

نوشته فرزندش که ایستیم و نه ایستیم

تاریخش و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

امره و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم و نه ایستیم

## نامه به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على السراً والضراً والسلام على محمد واله الطاهرين .

و بعد نور چشم محترم که مورد وثوق این جانب است وکیل است از طرف حقیر در کلیه امورم . آنچه از وجوه از قبیل سهمین مبارکین مطالب هستم ، به ایشان بدهند برای تأمین شهریه طلاب محترم . و وکیل هستند در اخذ و دستگردان سهمین مبارکین و هر نحو وجهی که باید به من برسد و در اعطا به محال مقرر خود . و وصی این جانب هستند و وصیت نامه ام در یکی از دفاتر موجود است . قضای چندین سال صوم به عهده دارم احتیاطاً و دو سه سال هم نماز احتیاط کنند . کتب من از مصطفی است اثاثیه خانه مطلقاً از مادر مصطفی است . بقیه وصیت نامه ام عمل شود . مراد از نور چشمی که در صدر ورقه نوشته ام فرزند بزرگم آقا مصطفی خمینی \_ ایده الله تعالی \_ است (و اوصیه بتقوی الله و اطاعه امره و ارجومنه الدعأ فی الحیوة و الوفاة) .

روح الله الموسوی الخمينی





غم زنده دارم سداست بر به نوری بزرگوار که اهدا کرد  
 نه هرگز با به به به در کلهای گفته اگر فانیم در بگویم بفرست  
 کن و صبح به این است ن بفرماند که نشاید هیچ ایراد هرگز  
 از دست قواهی که نامم در دست بفرستد و در دست  
 هر که طالب است نه درستان دنیا است هم تمام دارند  
 عمر کنیم که در این کتب و کتب نور اهدا کرد  
 جس نبوت دعوت ما روح و آقا عورت هم در دست  
 مکاران هم بفرستد

بگذرد افروز بجهت هر خانه از سلام نفس نرسد

و السلام

بند و سبب راه

بفرستد

باید آنها را بفرستد

بار سفاقت با طرا را بفرستد بر به

لکن تر آن است که با زبان بفرستد

و السلام آنها است

## نامه به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

قم - به مصطفی خمینی برسد

نور چشمی، بحمدالله تعالی با سلامت قبل از ظهر روز حرکت از قم وارد آنکارا شدم، وله الشکر حالم خوب است، شماها نگران نباشید. آنچه از طرف خداوند تعالی مقرر شده است جمیل است. خداوند توفیق خدمت به همه ما عنایت فرماید. لازم است در موضوع مادر و خواهرها و احمد و بستگان به شما تاکید کنم، رضای خداوند و رضای من در حسن سلوک با آنها است. مادر خیلی احتیاج به خدمت دارد، باید از هر حیث، مادی و معنوی رضایت او را به دست آورید، نگذارید نگرانی پیدا کند، راحتی او را فراهم کنید. بنا است ما را به (بورسا) که علی المذكور یک شهر مذهبی است ببرند، اگر ممکن شد از آن جا هم اطلاع می دهیم. شما از سلامت خودتان مرا مطلع کنید. اگر ممکن شد کتابهای درسی فقه مرا یعنی (مکاسب) و (حواشی) را به وسیله سفارت ایران بفرستید. کاغذ هم بعد به وسیله سفارت باید بنویسید. تتمه پول زغال آقای طباطبایی را بدهید، شهریه را اگر ممکن شد بگیریید بدهید. از خوراکی، خشکبار از قبیل گز و پسته بفرستید مانع ندارد. باز هم تکرار می کنم که حالم خوب است و محتاج استراحت بوده و هستم جزئی وجهی به دخترها می دادم از وجه خمین و تتمه را از سهم سادات بدهید، شهریه مادر را بدهید، احمد را راضی نگه دارید، شهریه اش را بدهید. به من در تهران گفتند اگر خانواده را بخواهید می فرستیم، لکن صلاح نیست و این جا به ایشان بد خواهد گذشت. من هم از ناراحتی ایشان ناراحت خواهم شد. لباس لازم نیست بفرستید مگر عبا.

در خاتمه سلامت همه را طالب هستم، به همه دوستان و اصحاب سلام می رسانم و از همه امید عفو دارم. قهرا در وضع تخفیف داده می شود. از خداوند متعال حسن عاقبت و عافیت برای خودم و شماها خواستارم. به گماشتگان سلام برسانید.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

به حضرتین اخوین محترمین لدی الملاقات سلام مخصوص برسانید.

والسلام خمینی

(وسیله) و (حاشیه) را هم بفرستید شاید آنها را به وسیله پست هم برای سفارت ایران در آنکارا بفرستید برسد، لکن بهتر آن است که به سازمان رجوع شود و با اطلاع آنها باشند.

ص: 40

ثبت شد هم مقرر است  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 در صومعه کبیر حضرت علی علیه السلام در روز شنبه پنجم ماه ربیع الثانی  
 در آن روز که میگفت در عالم غیبت اگران می باشد آنچه تعهد است از جانب فرشته  
 جمید و در وقت شکر است قبل از کراه که دانسته شود که تا بوسیله زبان از بند  
 فخران مطلع نمائید و در صورت نوبت آنها کتاب کتاب و فرائد آنرا  
 با وسیله دعایه و در آنرا نیز سوره اگر چهار مرتبه از راه نوبت  
 و برای این روشها برینست لازم تذکر است که باید با مادر و تسبیح  
 با کلهای هر بانی و عطاوف رقتا نمائید مضمون غایت گنه مادر که  
 رفته و باز که بدانید اولیای آنرا از ایران بهتر است در هر  
 بار که بیخوابه گران بنامید در آن روز پنجشنبه و به نسبت بیخواب  
 بخوانید فرائد مبارک در حال حکم است و نغم احکم و صیت در آن است  
 که در صیت نامه نوشته است نزل هم مال مادر است کتب هم  
 مال است و تاریخ برار فرستاده سال لایحه و در هر روز از صومعه  
 استوار نمائید از فواد بر آن روزی که در تاریخ آن را فرستادم و در آن روز

## نامه به شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

نور چشم محترم مصطفی خمینی ایده الله تعالی و اعزه

من اکنون در (بورسا) ترکیه بحمدالله با سلامت زندگی می کنم و حالم خوب است ، نگران من نباشید . آنچه مقدر است از جانب خدای تعالی جمیل و مورد تشکر است . قبلا تلگرافی کردم و کاغذی نوشتم شما به وسیله سازمان از سلامت خودتان مطلع نمایید و در صورت موافقت آنها کتاب (مکاسب) و (حواشی) آن را با (وسیله) و (حاشیه) و (وسائل) را بفرستید ، اگر عبای زمستانی را هم بفرستید با چند پیراهن و شلوار بد نیست . لازم به تذکر نیست که باید با مادر و متعلقین با کمال مهربانی و عطوفت رفتار نمایید ، مخصوصا خدمت کنید به مادر که رضای خدای تعالی در آن است . هوای این جا از ایران بهتر است . در هر صورت برای من به هیچ وجه نگران نباشید و راضی نیستم به هیچ وجه تشبث به هیچ کس نمایید . خداوند تبارک و تعالی حاکم است و نعم الحکم . وصیت من همان است که در وصیتنامه نوشتم : اثاث منزل همه مال مادر است ، کتب همه مال شماست ، برای من پس از فوت چند (10) سال روزه و دو سه سال نماز استیجار نمایید . از خداوند تعالی توفیق شما و تاییدتان را خواستارم .

روح الله الموسوی خمینی

به همه متعلقین خصوصا مادر سلام برسانید ، هیچ نگران من نباشید حالم خوب است .

مسکنه بر فانی  
 صوبه جہانگیرہ میں  
 فنکارانہ اور  
 مصورانہ ہیں۔  
 ہر قسم کے فنکارانہ فنکارانہ  
 از وقت مجموع کہ رقص شریعت  
 ہر ایک ایسا ہے جو ہر ایک  
 ہم آرزو رکھتے ہیں جو ہر ایک  
 کو ان کے اپنے اپنے فنکارانہ  
 دارائی کے لئے ہر ایک ہر ایک  
 کا رعبہ کی کوئی چیز ہے  
 اور ان کے فنکارانہ فنکارانہ  
 واللہ اعلم  
 ہر ایک ہر ایک

## نامه به مرحوم حجت الاسلام آقای خلخالی

بسمه تعالی

حجت الاسلام آقای خلخالی دامت افاضاته به عرض عالی می رساند ان شاءالله مزاج شریف خالی از نقاهت است از قرار مسموع مکه مشرف شده بودید ، ان شاءالله زیارات شما مقبول است . حالت این جانب بحمدالله سلامت است و چند روزی است در اسلامبول هستم ، امروز حرکت می کنم به بورسا . جناب عالی و سایر دوستان نگران نباشید ، آنچه خداوند تعالی مقرر فرموده صلاح است و از آن متشکرم . خدمت حضرت حجت الاسلام آقای لواسانی اگر تا رسیدن مکتوب عتبات هستند ، سلام می رسانم . از جناب عالی تقاضای دعای خیر برای حسن عاقبت دارم .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 44





## نامه خطاب به همسرشان

خدمت مخدره محترمه والده مصطفی ابقاهاالله و صبرها \_ سلام می رساند .

ان شالله تعالی شماها به سلامت و سعادت بسر برید . این جانب بحمدالله تعالی سالم هستم ، هیچ نگرانی نداشته باشید . خداوند تعالی آنچه مقدر فرموده است صلاح است و واقع خواهد شد . (عسی ان تکرهوا شیئا وهو خیر لکم ) مصطفی هم بحمدالله سلامت است ، جای هیچ نگرانی نیست فقط از این که از شماها بی اطلاعم ، قدری نگران هستم ، همه را به خدای تبارک و تعالی می سپارم . تمام بچه ها و متعلقین آنها را سلام می رسانم . اگر این کاغذ رسید ، جواب زودتر بنویسید و بفرستید خدمت حضرت حجت الاسلام آقای حاج آقا فضل الله خوانساری ، شاید ایشان بتوانند به وسیله ای بفرستند . اگر جواب نوشتید ، تمام بچه ها به خط خودشان یکی دو کلمه بنویسند . به متعلقه مصطفی سلام برسانید و ایشان هم دو کلمه بنویسند . به حضرتین آقایان اخوان سلام می رسانم .

روح الله الموسوی الخمینی



## نامه به دانشجویان

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات دانشجویان عزیز اسلامی ایدهم الله تعالی

تلگراف محترم واصل و موجب تشکر شد . چون تلگراف این جانب ممکن است نرسد \_ زیرا بسیاری از تلگرافات را نرسانده اند \_ به وسیله مکتوب مبادرت به جواب شد . امید است خداوند تعالی به همه مسلمین خصوصا شما دانشجویان عزیز که سرمایه معنوی مملکت هستید ، توفیق خدمت به اسلام و کشور اسلام عنایت فرماید و با کوشش و سعی همه دست اجانب را از این کشور قطع فرماید . شما جوانان محترم کوشش کنید روح ایمان به خدای تعالی را در خود و دیگران تقویت نمایید که در سایه آن از ممالک اسلامی بتوانید دفاع کنید و از این وضع رقت بار خود و برادران خود را نجات دهید .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

سہ

فدت جناب بده در سلام خطبہ شریف محمد حسین از نوبہ اولیہ ص ۱۰۰

ببینید کہ جناب کے کہ حد در یک حد حیرت

عایت بعد از شکر گوید و چون چہاں دلم شد کہ حیرت

مگر فی روز نند و بدست بچو کہ کتی شد نصارتا کے

موقت آتی ز عشق بر وہیں شریعت سد سے مادہ عدد

کہنہ طیبہ اسلام حیرت رو مگر و کج و اسلام و کج

ز درار املح مگر ہست حیرت از نند چہ نہ مگر ہست

کہ ادا ایران برا اینا بن شدہ است نوعی از نند

وایع منظر ہذا برابر ابا دگرانہ و نند ہست جنالی

نیغ منظر را بہر کو خلع مسلمانہ بجزات امان و دیگرای

ابلیغ فراتر سے ہر کج

## نامه به ثقة الاسلام آقای محمد حسین انزابی

بسم تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقة الاسلام خطیب محترم آقای آقا شیخ محمد حسین انزابی دامت افاضاته

به عرض می رساند: تلگراف جناب عالی که حاوی تبریک ورود حقیر به عتبات عالیات بود، موجب تشکر گردید. و چون احتمال داده می شد که جواب تلگرافی را نرسانند، مبادرت به جواب کتبی شد. از خدای تعالی موفقیت آن جناب و عموم مروجین شریعت مقدسه را در اعلای کلمه طیبیه اسلام خواستار و ملتمس دعا هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله

از قرار اطلاع تلگرافات حقیر را نرساندند، چنانچه تلگرافاتی که از ایران برای این جانب شده است نوعاً نرساندند و این معنی ظاهراً برای ایجاد نگرانی و تفرقه است. جناب عالی این معنی را به هر نحو صلاح می دانید به حضرات آقایان و دیگران ابلاغ فرمایید.

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 50

سبحة

هدیة جناب نه پرسلام  
 بهمن مریانه  
 شکر گوید و چون طمع هوسر شد که مگر فایات هیرا  
 مینانند چنانچه وقت مگر فایات ایرا با پانزیند  
 رنه از جلوب مگر فی خود در شد انصار سار دولم  
 قویات جناب در خویسار و سمر با ستم در اسلام  
 در نه اسد در کج با سیم ۵ رجب ۸۵ هجری  
 روح ابراهیم

## نامه به ثقة الاسلام آقای مجدالدین مصباحی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای آقا مجدالدین مصباحی دامت افاضاته .

به عرض می رساند : تلگراف تبریک تشرف این جانب به اعتاب مقدسه موجب تشکر گردید . و چون اطلاع حاصل شد که تلگرافات حقیر را نمی رسانند \_ چنانچه نوعا تلگرافات ایران را به این جانب نرسانده اند \_ از جواب تلگرافی خودداری شد . از خدای متعال دوام توفیقات جناب عالی را خواستار و ملتزم دعا هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 52





## نامه به آیت الله آقای آخوند

بسمه تعالی

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب آیت الله آقای آخوند دامت برکاته

به عرض عالی می رساند تلگراف شریف که استفسار از حال حقیر فرموده بودید ، موجب تشکر گردید . و چون اطلاع رسید که تلگرافات حقیر را نمی رسانند \_ چنانچه نوعا تلگرافات ایران را به این جانب نرسانده اند \_ لذا از جواب تلگرافی خودداری شد . حال حقیر بحمدالله وله الشکر خوب و امید است خدای متعال از این به بعد هم خیر مقرر فرماید . ادامه فیوضات حضرت عالی را خواستار و ملتمس دعای خیر هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 54

نامہ بہ حضرت آیت اللہ العظمیٰ فی صدر  
 حضرت آیت اللہ العظمیٰ فی صدر دامت برکاتہ  
 این جانب پروردگار منجانب از خداوند  
 مستطاب تعالیٰ روحی و جسمانی  
 رسالتی را بنام شما  
 در مقام شکر و سپاس  
 شکر افاتی این جانب را  
 رسیدن بایمان و شکر  
 در مساندهای شما  
 بر این مقام  
 شکر افاتی این جانب را  
 رسیدن بایمان و شکر  
 در مساندهای شما  
 بر این مقام  
 شکر افاتی این جانب را  
 رسیدن بایمان و شکر  
 در مساندهای شما  
 بر این مقام

## نامه به حضرت آیت الله آقای بنی صدر

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای بنی صدر دامت برکاته

به عرض عالی می رساند: مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود مسعود و حاوی تفقد از این جانب بود موجب تشکر گردید. از قرار مسموع اخیرا عملی فرمودید و بحمدالله تعالی رفع نگرانی شده است، از خداوند تعالی سلامت و صحت و سعادت جناب مستطاب عالی را خواستار، حالت این جانب بحمدالله سلامت است، از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم. از جناب مستطاب عالی رجاء دعای خیر برای حسن عاقبت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

مرقوم شده بود تلگراف فرمودید، غالب تلگرافات و مکاتیب را از قرار مسموع نرساندند، چنانچه تلگرافات این جانب را نیز غالبا نرساندند. هر چه فکر کردم به خاطر نیامد که از جناب عالی تلگرافی رسیده باشد و به دفتر نیز مراجعه شد، چیزی نیافتیم. لکن اگر تلگراف رسیده باشد، حتما جواب داده ام و نرساندند.

۱۱۲۳۳۳

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ایمانی که در وضع حاضر بنام بطلد که با این حق فرستاده است و این قسم تم یا یا بر بطلد  
 و با بطلدی که در حال مردم و بعضی است به پناه دارم بطلد فخریستانی آنها که ان و ستا شرم  
 فخریستین بگرم و اما فی خیر خواه است ایران ای به هم نه تا ای تقاضا دارم که در هر استانی یا شهر استانی  
 بنده در مکر سخنان بگرم بفرموده باشم و در ارضی نشوند کمترین بی بضاعت و فقره به پناه فریاد  
 و فقره ساری بگردند و در خصم را ای خیر خواه تهران و قم تقاضا میکنم که خود را بر توبه و تقوی برسانند  
 متهم آن و در مکر هم دارم ای دست که غم این مسئولیت بزرگ بر آید و در هر دو تا  
 که با بطلدی که غایت فرموده خاطر حاضر جاننده ها که در وجه خیریت و توبه آئین همین امر شده  
 ناله قسم در زمین بر نصب جمیع بلاد ای به هم نه تا ای بگفته شست هم تا برک امام علیه السلام  
 در دست غلامت و ای بطلد که ای بگفته شست هم تا برک امام علیه السلام  
 در دست غلامت و ای بطلد که ای بگفته شست هم تا برک امام علیه السلام

و فی حق ما بیدارم و آخر سن و غنیمت بطلد و بطلدی را بیدارم و بطلد عظیم و عظیم  
 الصالحین و در هر دو تا ای بگفته شست هم تا برک امام علیه السلام



## پاسخ به نامه جمعی از اهالی قم در مورد تهیه ذغال فقرا از سهم امام

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب در وضع حاضر نمی توانم به طوری که مایل هستم خدمت به مستمندان محترم قم یا سایر بلاد بنمایم و با اطلاعی که از حال مردم بی بضاعت بی پناه دارم برای فصل زمستان آنها نگران و متأثرم . از متمکنین محترم و اهالی خیر خواه ملت ایران ایدهم الله تعالی تقاضا دارم که در هر استان یا شهرستانی هستند در فکر مستمندان محترم محل خود باشند و راضی نشوند محترمین بی بضاعت و فقرای بی پناه از سرما و سختی معاش رنج ببرند . و از خصوص اهالی خیر خواه تهران و قم تقاضای کمک موثر برای تهیه ذغال برای فقرای محترم آن دو مرکز مهم دارم . امید است از عهده این مسوولیت بزرگ به خوبی برآیند و خداوند تعالی را که به آنها تمکن عنایت فرموده ناظر و حاضر بدانند . و اگر از وجوه خیریه و تبرعیه تامین این امر نشد ، اهالی محترم و مومنین شریف جمیع بلاد \_ ایدهم الله تعالی مجازند ثلث سهم مبارک امام \_ علیه الصلوه والسلام را در تحت نظارت علمای اعلام محل اعلی الله کلمتهم یا معتمدین محترم ایدهم الله به مصرف مذکور برسانند . از خداوند تعالی توفیق و تایید عموم را خواستار و عظمت اسلام و مسلمین را امیدوارم .

والسلام علیهم وعلی عبادالله الصالحین ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

## نامه به علمای حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت حجج اسلام و علمای اعلام و مدرسین عظام و افاضل گرام حوزه علمیه قم ادام الله ایام برکاتهم

مرقوم محترم سرگشاده حضرات آقایان واصل و موجب تشکر گردید . رونوشت تلگرافی که در بدو ورود این جانب فرموده بودید نرساندند ، نیز واصل شد . از عواطف کریمه عموم ملت ایران و خصوص حوزه های علمیه ، بالاخص حوزه مقدسه قم صانها الله عن الحدثان تشکر حاصل ، امید است ان شاءالله خدمت همه طبقات به دیانت مقدسه اسلام ، منظور نظر مبارک ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد . این جانب از شدایدی که در این سنوات به ملت مسلمان ایران و خصوص اهل علم و متدینین وارد شده است ، رنج می برم . از خداوند تعالی نصرت و توفیق و تایید همگان را خواستار و عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم . مرجو آن که مشمول ادعیه خالصانه حضرات اعلام \_ اعلی الله کلمتهم \_ باشم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

## پاسخ به طومار طلاب اصفهانی مقیم قم

بسم الله الرحمن الرحيم

بخدمت ذی شرافت حضرات اعلام و افاضل عظام اصفهانی مقیم قم دامت افاضاتهم

مرقوم محترم آقایان که حاوی تفقد از این جانب و مشتمل برابر از عواطف کریمه بود، موجب تشکر گردید. امید است آقایان محترم و طبقه جوان از محصلین - ایدهم الله تعالی با توجه به ظایف سنگینی که ان شاء الله در آتیه به عهده آنها خواهد آمد و حفظ و صیانت اسلام و مصالح مسلمین به دست آنها سپرده خواهد شد، هم از حال، خود را برای این سنگر عظیم مجهز و مهیا فرمایند. و با مجاهده و تحکیم مبانی تقوا، حب دنیا و نفس را که راس تمام خطیئات است از قلب خود خارج نمایند تا مشکلات زندگانی بر آنها آسان شود و شدايد در راه خدمت به حق تعالی و احکام مقدسه اسلام در ذایقه آنها شیرین گردد. رنج ها و ناراحتی ها و ستم هایی که به حوزه های اسلام و حضرات اعلام و سایر برادران متدین ما وارد شده، گرچه ناگوار و بر دوش این جانب سنگینی می کند، لیکن از جهاتی به نفع اسلام و مسلمین بود و رحمت ها و الطاف الهیه بود که ملت اسلام را بیدار و طریقه سلف صالح را تاحدی تجدید نمود. این جانب در این تبعیدگاه ثانوی در تحت قباب مطهره دعاگوی اسلام و مسلمین و حوزه های علمیه و طبقه جوان زحمتکش رنج دیده می باشم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی



## نامه به علمای آذربایجانی حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت حضرات اعلام و افاضل عظام آذربایجانی های حوزه علمیه قم دامت افاضاتهم

مرقوم محترم آقایان که حاکی از عواطف کریمه و احساسات دینیه بود ، موجب تشکر شد . باید از تحمل مشاق و زحمات طاقت فرسای افاضل حوزه های علمیه عموماً و حوزه علمیه قم بالاخص حضرات آقایان تشکر و تقدیر کنم . این دنیا چه خوش و چه ناخوش خواهد گذشت و همه به سوی دار جزا خواهیم رفت ، چه بهتر که عمر کوتاه در راه خدمت به اسلام و مسلمین صرف کنیم تا در پیشگاه مقدس حق تبارک و تعالی سرفراز و در سلک خدمتگزاران در آییم . و وظیفه شما طبقه فضیله جوان که در آتیه پاسداران احکام اسلام هستید ، سنگین است . هم اکنون خود را مجهز برای پاسداری و به خدمت به اسلام و مسلمین فرمایید . از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و علمای اسلام و عزت دارین شما افاضل معظم را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

## نامه به علمای حوزه علمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت حضرات اعلام و افاضل عظام حوزه علمیه مبارکه اصفهان دامت افاضاتهم مرقوم محترم آقایان که در حال تبعید این جانب از ترکیه به عراق مرقوم شده بود و حاکی از ابراز عواطف کریمه و تاثر از تبعید این جانب بود، موجب تشکر گردید. این تبعیدها و حبس ها و زجرها که برای دفاع از احکام مترقیه اسلام و دفع تسلیط اجانب به بلاد مسلمین و جلوگیری از دستبرد به استقلال و تمامیت ارضی ممالک اسلامی، سیما مرکز تشیع که محط نظر مبارک امام عصر \_ ارواحنا فداه است می باشد، گوارا و موجب سرافرازی ملت مسلم است. حوزه های مقدسه علمیه و دانشگاه های قدیم و جدید و طبقه جوان ملت های بزرگ اسلام باید خودشان را مجهز کنند برای عصرهای تاریکی که پیش بینی می شود و اسلام محتاج به دفاع بیشتری است. این دنیا با همه فریبندگی بر ما و شما خواهد گذشت، چه بهتر که این عمرهای کوتاه و وقت های کم، صرف در خدمت به اسلام و مسلمین و استخلاص ممالک اسلامی از تحت فشار ظلم استعمار و استبداد گردد.

شما آقایان محترم با مجاهدات و تجنب از هواهای باطل، حب دنیا را از دل بیرون نمایید تا شایسته خدمت به احکام نورانی آسمانی گردید. این جانب در هر جا باشم دعاگوی ملل اسلامی و لا سیما ملت بی پناه ایران هستم و امید واثق دارم که خداوند تعالی با عنایت خاصی که به حوزه های دینیه دارد، قطع ید اشرار را بفرماید و ممالک اسلامی را از شرور محفوظ فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

## نامه به علمای شیرازی مقیم قم

بسم الله الرحمن الرحيم

مرقوم محترم آقایان که حاوی عواطف کریمه بود ، موجب تشکر گردید . این جانب از زحمات طاقت فرسای طوایف مختلف ملت مسلمان و خصوص حوزه های مقدسه علمیه بالاخص حضرات آقایان اعلام اعلی الله کلمتهم متشکرم . در این عصر که مع الاسف اجانب با سرعت و شدت پایگاه های تبلیغی و غیر تبلیغی را در ممالک اسلامی مستقر و محکم می نمایند و با تبلیغات ضد انسانی به دست مطبوعات و غیر آن احکام مترقی اسلام را در انظار برخلاف واقع معرفی می کنند و حوزه های علمیه و دینیه را که یگانه پایگاه حفظ عظمت اسلام و استقلال ممالک اسلامی است و تنها سد جلوگیری از تجاوز اجانب است در تحت فشار همه جانبه قرار داده اند ، وظیفه علمای اعلام و مبلغین عظام و افاضل گرام است که در کمال پایداری و استقامت از اسلام و حوزه های دینی دفاع فرمایند و با تبلیغات خود اسلام را به آن نحو که هست ، معرفی فرمایند . شما آقایان محترم که در آتیه وظیفه سنگینی به خواست خداوند تعالی خواهید داشت ، لازم است خود را مجهز نمایید و برای اعلامی کلمه حق مهبیای ناملايمات و سختی ها شوید تا موجبات سرفرازی ملت مسلم و علمای اسلام را فراهم نمایید . از خداوند تعالی توفیق و تایید کافه علمای اسلام و حضرات افاضل را خواستارم و عظمت اسلام و حوزه های مقدسه دینیه را امیدوارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

سبب اولی الامر

در وقت بروزت ما، بسلام و با فریاد و در حالی که در آن وقت

مردم آن آنی که در وقت بروزت ما، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

بفریاد و در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

و این است که در آن وقت، بفریاد و در آن وقت

## نامه به علمای حوزه علمیه نجف آباد

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت علمای اعلام و افاضل عظام شهرستان نجف آباد دامت برکاتهم

مرقوم محترم آقایان که رونوشت تلگرافی بود که مخبره نکرده بودند و حاوی عواطف کریمه نسبت به این جانب بود ، موجب تشکر گردید .  
تبعید این جانب به ترکیه و از آن جا به عراق موجب نگرانی نیست ، چون در راه ایفای وظیفه و برای دفاع از احکام اسلام و مصالح مسلمین  
و جلوگیری از نفوذ اجانب به ممالک اسلامی و دفع ظلم و ستمکاری صورت گرفت . امید است حضرات اعلام پیش از پیش خود را برای  
تفانی در راه احکام مقدسه اسلام و استقلال و تمامیت ممالک اسلامی مهیا و مجهز فرمایند و از پیش آمدهای ناگوار که در راه حق و  
حقیقت برای آنها رخ می دهد ، هراس به خود راه ندهند . این جانب در تحت قباب مطهره ائمه دین \_ علیهم صلوات الله و سلامه \_ توفیق  
عموم مسلمین و خصوص علمای اعلام و حماه اسلام را برای دفع فساد و قطع ید اجانب از بلاد اسلام از خداوند تعالی خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 65

۱۳ زیل ۱۲۱۱

بیمه

بیمه‌ریزان  
در آن برکت که مانع از نسیب در آن نیست

دارد و عرق سبزه است در آن است عبادت و نور و جودت بزرگوار

از عکاس بنی بر آتش که عبادت و نور و جودت بزرگوار

منفع نیست در عی نایب علم الله اعوان کنیم بر بنی نایب

تیکر در نسیب و احاطه که دستاورد عی از جودت بزرگوار

مدد و نسیب جز آنست که دستاورد عی از جودت بزرگوار

مانند بزرگ و بنی نایب که دستاورد عی از جودت بزرگوار

سایه از نسیب که دستاورد عی از جودت بزرگوار

بیکت تا نسیب از نسیب بجمع نسیب است در آن

دانشم برین نسبت دلپایانه که دستاورد عی از جودت بزرگوار

وان طور که عی از نسیب است در آن

لا اله الا الله که دستاورد عی از جودت بزرگوار

بیمه نسیب دارم در حضور و تقصیر دارم

بیمه نسیب دارم در حضور و تقصیر دارم

فخر استم از نسیب

ایستاده ضمیر دارم از نسیب بجمع نسیب است در آن  
دانشم برین نسبت دلپایانه که دستاورد عی از جودت بزرگوار  
وان طور که عی از نسیب است در آن  
لا اله الا الله که دستاورد عی از جودت بزرگوار  
بیمه نسیب دارم در حضور و تقصیر دارم  
بیمه نسیب دارم در حضور و تقصیر دارم  
فخر استم از نسیب

## نامه به شهید ثقة الاسلام آقای سعیدی

بسمه تعالی

به عرض می رساند :

مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج شریف و از روی عرق سیادت و دیانت صادر شده بود ، موجب تشکر گردید . از زحمات جناب عالی متشکرم . مطالبی که مرقوم شده بود چون جواب تفصیلی صلاح نیست ، شرحی به آقای علم الهدی اهوازی گفتم که به جناب عالی تذکر دهند و اجمالش آن که دستگاه های خارجی از قبیل سازمان ملل و غیره جز اشخاص دست نشانده نیستند که برای مصالح ممالک بزرگ و اغفال ممالک کوچک ایجاد شده است . و اشخاص سیاسی از ممالک اسلامی که در خارج زندگی می کنند ، تماس با آنها به صلاح روحانیت و اسلام نیست . و آنچه به من نسبت داده اند که قدری تند روی شده است ، همان طور که حدس زده اید دروغ است ، من کاری نکردم که تندروی باشد . از خداوند تعالی امید عفو دارم در قصور و تقصیر و از درگاه مقدسش توفیق خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم . از جناب عالی امید دعای خیر دارم در حسن عاقبت .

والسلام علیکم

از این که تهران تشریف برده اید از جهتی خوشوقت شدم چون مرکز از هر جا بیشتر محتاج به علمای عاملین دارد . مساعی جمیله جناب عالی مورد تقدیر و تشکر است .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 67

# بسم بر الرحم الرحيم

عظیم  
بسم بر اہم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآل محمد الطاهرين

وبعد جناب صاحب السلام وثناء السلام وثناء محمد وثناء آل محمد

بیت امامت از قبیل انبیاست چنانچه در امور عیسوی و غیره گفته اند

در عمرت و ایام عمرت تا آنکه از مرتفات تقیہ جامع سراپا

ندیدیم از ذکر مرعفات اهل بیت چنانچه در احوال و جوهر بر اهل بیت

ذکرات و جدول الملک و صرف آن در محضر شریعی و غیره جاری

همچو بر کام عیسی و صرف آن در محضر خودشان در محضر

و صرف ثلث و بیست و یک مرتبه در محضر شریعی و بیست و یک مرتبه در محضر

تقدیر یا ولادت غیر برابر صرف در محضر اعلی و اولی و اولی

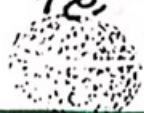
با اوصی به خلف اهل بیت و بیست و یک مرتبه در محضر اعلی و اولی

عبودت اهل بیت و بیست و یک مرتبه در محضر اعلی و اولی

من صالح دعوات و سلام علیه و علی اهل بیت و بیست و یک مرتبه

در محضر اهل بیت تا روز ۲۵ شهریور ۱۳۸۶

بسم بر اہم





## فرمان به ثقة الاسلام آقای محمد یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين

و بعد جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شیخ محمد یزدی خطیب محترم دامت افاضاته از قبل این جانب مجازند در امور حسبيه و شرعیه که تصدی آن در عصر غیبت ولی امر عجل الله تعالی فرجه از مختصات فقیه جامع شرایط است . (فله التصدی لما ذکر مع مراعات الاحتیاط) و نیز مجازند در اخذ و جوه شرعیه از قبیل زکوات و مجهول المالك و صرف آن در محل مقرر شرعی و نیز مجازند در اخذ سهم مبارک امام علیه السلام و صرف آن در اشاعه خودشان به نحو اقتصاد و صرف ثلث بقیه را در محل مقرر شرعی و ایصال دو ثلث دیگر را نزد حقیر یا وکلای حقیر برای صرف در حوزه های علمیه .

(و اوصیه ایده الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه التقوی و التجنب عن الهوی و التمسک بعروه الاحتیاط فی الدین و الدنیوار جو مننه ان لاینسانی من صالح دعواته والسلام علیه و علی اخواننا المومنین و رحمة الله و برکاته ) .

روح الله الموسوی الخمينی

۱۹ صفر ۸۶

بیماری

دکتر احمد

درد منی بزرگ است به سینه، لاله، و سینه و کتف

درد منی که تا کتف در سینه در زخم خراش از پای

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر  
درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر  
درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر  
درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر  
درد منی که در سینه لاله از سینه در زخم بود اگر

## نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی

بسمه تعالی خدمت جناب مستطاب سیدالعلمای الاعلام و ثقه الاسلام آقای سعید دامت افاضاته

مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و رفع خطر از آن بود، موجب تشکر گردید. شرحی گله از اوضاع فرموده بودید، اگر انسان به وظیفه الهیه موفق شود، نتیجه حاصل است، چه به نتیجه منظوره برسد یا نه. از امثال جناب عالی صبر و انتظار فرج مطلوب است و هیچ گاه از فضل الهی مایوس نباشید. ان شاءالله تعالی فرج نزدیک است. چه بسیار شود که خداوند تعالی به واسطه عنایاتی خاصه که دارد، انسان را مبتلا می کند به اموری که قهراً توجه او را به ذات اقدس خود جلب کند و چه بسا که رحمت ها به صورت قهر و غضب جاری می گردد. از خداوند تعالی بخواهید که ما را در راه وصول به مطالب الهیه ثابت نگه دارد و از گرفتاری ها که در راه هدف است، قلوب ما را محکم تر فرماید و از رحمت های خاصه خود ما را بی بهره نفرماید. (طوبی للمسجونین و المحرومین و العاقبه للمتقین فاصبر كما صبر اولوالعزم).

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 71

ع ۸۷

مردان

بمهر نرانی  
پرتو پرتو که در عرش است

و چه نرانی که در عرش است

بهر است به ناله در مع که ترکت دارید و جود نرانی

بهر در ناله استاده کرمی زار که پرتو پرتو است

که پرتو پرتو که بر تپان میزند که را با طبع نرانی

که پرتو پرتو خود سرشته به ناله و چه نرانی

و همه آن است به ناله و چه نرانی

و چه نرانی که در عرش است

خدا کی ۵۰۰ را خاتم فرود از نرانی

عس جانت را نرانی در عرش است

ایضا در عرش است  
بسم الله الرحمن الرحیم

## نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند مرقوم شریف که حاکی از عواطف کریمه بود ، موجب تشکر گردید . سلامت و توفیق جناب عالی را خواستار است . امید است ان شاءالله تعالی در محلی که تشریف دارید وجود موثری بوده و مورد استفاده عمومی قرار گیرید . آنچه مهم است آن است که انسان با هر منطقی که بتواند خدمت کند و ادای وظیفه نماید که پیش وجدان خود شرمنده نباشد ، وصول به مقاصد و عدم آن بسته به اراده الهیه و به ما تکلیفی نیست . و آنچه مسلم است این جوله‌ها پایان دارد و خداوند تعالی حفظ کیان اسلام را خواهد فرمود . از خداوند تعالی حسن عاقبت را خواستار است و از جناب عالی امید دعای خیر دارم .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 73

۸۷۴۴

پهل

مهرزاد - مرقع زینت که ملک از سلسله سراج محمد و قیصر محمد است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

بیدار است که گوید در پیش خدای را از فواید آله عتبات است

فردا به نام است و لایحه است

بسمه تعالی

به عرض می رساند : مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از این جانب بود موجب تشکر گردید ، سلامت و توفیق جناب عالی را از خداوند تعالی خواستار است . پایداری فضیلتی محترم حوزه علمیه قم و صبر بر شداید طبقه جوان موجب کمال امیدواری به بقای عظمت آنهاست . قیام مردان حق از اعصار قبل از اسلام دارید و اسلام توأم با مشکلات عظیمه بوده است که گرفتاری های شما آقایان محترم و فشارهای دستگاه جبار در قبال آنها سهل است مع ذلک با ملاحظه ظروف و مشکلات داخل و خارج باید از این پایداری تشکر کنم . با اطمینان نفس به شما آقایان محترم وعده فرج قریب می دهم . چه عمر من در این آخر وقت به آن برسد یا نه . آتشی که در کانون سینه ها و قلب ها روشن شده است ، خاموش شدنی نیست یا لااقل به این زودی خاموش نخواهد شد و ممکن است شماها شاهد انفجار عظیم آن باشید . (لیهلک من هلک عن بینه و یحی من حی عن بینه . ) مایوس نباشید و به خود یاس را راه ندهید ، قوی باشید و دیگران را تقویت کنید و توأسی به صبر و توأسی به حق کنید . خداوند با شما است .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 75

۸۷ / ۲

برای

بهر کمال ز رانم زانیت در رانم رانم باسی که در این

دو جلد در این کتب است این کتاب موقی و کویده

در کتب رهن و مالی با باران در صورتی که کتب کتب

در جلد اول در این کتب که برابر است با کتب کتب

تاغ و کاند کتب کتب کتب کتب کتب کتب

بهر کمال و غایت فرایر از این کتب

در کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب



تاریخ : 28/4/1346

## نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی

بسمه تعالی

به عرض می رساند مرقوم شریف و اصل ، مرقوم سابق هم واصل و جواب دادم ، امید است ان شاءالله تعالی موفق و موید باشید . در موضوع رفتن جناب عالی به آبادان ، در صورتی که تشخیص می دهید وجود شما در آن جا مفیدتر برای ترویج احکام اسلام باشد ، مانع ندارد . امید است خداوند تعالی توفیق خدمت به همه ما عنایت فرماید . از جناب عالی امید دعای خیر دارم .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 77

## در جمع روحانیون نجف

نقشه حکام تهران عمیق تر از آن است که ما تصور می کنیم، نقشه آنان از بستن مدرسه فیضیه و به زندان کشیدن علما و طلاب، برهم زدن حوزه علمیه قم و از بین بردن اسلام و روحانیت است. آنها نه اسلام را می خواهند و نه روحانیت را، چون می بینند با بودن روحانیت و اسلام نمی توانند دستورات اربابان خود را در مملکت اجرا کنند و ایران را به کلی به خارج وابسته کنند. آنها با جشن هایی که هر روز راه می اندازند و سلاح هایی که مرتب از این و آن می خرند، ولخرجی ها و گشادبازی هایی که هر روز می کنند، می خواهند ملت ایران را به فلاکت و ورشکستگی بکشانند و نعوذبالله گدای در خانه امریکا و اسرائیل سازند. لیکن مطمئن باشید که موفق نخواهند شد.

الحمدلله ملت بیدار است و روحانیت ایران هم به وظایف خود آشناست. روحانیت ایران را استعمار نتوانسته است خواب کند و فریب دهد و با این بیداری ان شاءالله دست های خائنین به اسلام و مملکت را قطع خواهند کرد. شما وظیفه دارید که از هر راه ممکن برادران خود را در ایران یاری کنید و در برابر مشکلاتی که دارید صابر باشید و استقامت کنید. همین اظهار همدردی و پشتیبانی شما از ملت مظلوم ایران اثر دارد. خداوند ان شاءالله همه را از خواب غفلت بیدار کند . . . .

والسلام علیکم

## نامه به یکی از مقامات روحانی

بسمه تعالی

حضور محترم . . . . حال مزاجی بحمدالله اکنون خوبست ، لکن اوضاع ایران خصوصا و سایر بلاد مسلمین عموما موجب تاسف است . با برنامه حساب شده برای کوبیدن اسلام به اسم اسلام پیش می روند و اولیای امر یا غافلند یا خدای نخواستہ بعضی از آنها تغافل می کنند . تاسف در سازش است که از اعمال بعضی موثرین ظاهر می شود ، ولی این امر نباید موجب سستی و سردی آقایان فاضل و طبقه ی جوان شود . خداوند تعالی با شماست و این عربده ها ان شاءالله خفه خواهد شد .

(بسمه تعالی والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر . ) آقایان افاضل در محافل خود تواصی به حق کنند و در راه حق تواصی به صبر کنند . من به شما اطمینان فیروزی می دهم ، اطمینان غلبه حق بر باطل می دهم . با احساسات یک ملت نمی توان مبارزه کرد ، لکن مهم امتحان باری تعالی است . والله (لتغربلن غربله ) . ماها را در این دیگ بزرگ طبیعت که باطنش جهنم است ریخته و زیر و بالا می کنند و به غلیان می آورند تا جهنمی ها ممتاز شوند . متوجه باشید خدای نخواستہ از جهنمی ها نشوید . سازش با ظالم جهنمی ، بزرگترین و بارزترین آثار جهنمی است ، شماها از آنها نباشید . از خداوند تعالی توفیق و تایید همه شما را خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 79



## نامه به ثقه الاسلام آقای یزدی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقه الاسلام آقای یزدی دامت افاضاته

مرقوم شریف و اصل ، سلامت و توفیق جناب عالی را خواستار است ، راجع به آقای علمی که در سیرجان تشریف دارند مجازند نصف وجوه را در آن جا صرف کنند و نصف دیگر را برسانند . راجع به مطلب دیگری که مرقوم شده بود تاکنون راه حل بی محذوری به نظر نرسانده اند و آنچه گفته شده است غیر صحیح بوده ، امید است خداوند تعالی اصلاح فرماید . این جانب با علاقه زیادی که به حوزه محترمه دارم و خدمت به آن جا را لازم می دانم ، مع ذلک راهی که بتوان بی مزاحمت به آقایان انجام داد ، نبوده است . (والی الله التکلان ) از جناب عالی امید دعای خیر دارم .

والسلام علیکم

ص: 81

بیت

بر زلفش چو طغرای رخسار کیم که کج باینجا بود دستش بر رخسار ابرو با آن رخسار  
 و نیز سر بر ۱۱۲ ۱۱۱ بود مهر سحر و صارت جلاله و اجرت است  
 از ادب و عفت نهید بید این مسلم است از در زلف و دولت است و از فرقی  
 بهر دست که بر بزم میرسد بهر حال کفن با بنایه در ادا و دولت منزلت  
 نقیبه ایم اگر در منزلت فرقی حال حاضر زلفه سره نرم این خیمه است از در ادا  
 فرقی مهر زلفه ابرو را که زلفه فرسوده را بر سر فرست است و تر کعبه  
 میروم از بزم مهر کیم ز بیم خیمه است به در بر کوشه دل بر است  
 بود و بر زلفه بر باد پسته در نظر ما که کج اراک الله در زلفه زلفه بر است  
 با سر کیم اگر نوار اچا بر تیر بر کشته و پر کینه کشته در منزلت کیم  
 و بر در زلفه ایم کیم اگر نوار اچا بر کشته و ایم جماعت ایم ایم  
 در زلفه با سر نوار و مسجد مردم بهر پسته را کینه است در وقت  
 منتفی اچا بر نوار دست جسمی طرف را که برید مع پسته آن  
 داریم در این ۱۱۰ در ادا و قباله زلفه و صارت جلاله  
 فرست است بهر دست و سر جبهه با سر صارت جلاله  
 در ادا کیم در چشم مهر و دانه کیم

اینک در این کتب حضرت خاتم الانبیا و اولاد  
 که این کتب است در اسلام با این کتب  
 این کتب است در اسلام با این کتب

## نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند دو طغرا مرقوم محترم که یکی بی تاریخ بود و مشتمل بر تقاضای اجازه برای آقای حسینی و دیگری مورخ 12/11/1 بود و اصل، سلامت و سعادت جناب عالی را خواستار است.

از اوضاع شکایت نموده بودید، آنچه مسلم است هر روز رو به وخامت است و با وضع خودمان امیدی نیست مگر به توجه غیبی ان شاءالله تعالی. لکن ما نباید در ادای وظایف، منتظر نتیجه قطعی باشیم، اگر در محضر مقدس حق تعالی عامل به وظیفه معرفی شویم، همین نتیجه است. از خداوند تعالی توفیق عمل به وظیفه را برای کافه مسلمین و خصوص اهل علم خواستار است. مرقوم شده بود (می‌خواستیم از مسجد اعراض کنم.) موجب تعجب است، انسان در پستی که مشغول خدمت است، باید با هر نامالیمی پایدار باشد.

در نظر دارم که به یکی از آقایان ائمه در زمان فشار برای تغییر لباس گفتم، اگر شما را اجبار به تغییر لباس کنند، چه می‌کنید؟ گفتند در منزل می‌نشینم و بیرون نمی‌آیم. گفتم اگر من را اجبار کنند و امام جماعت باشم، همان روز با لباس تازه مسجد می‌روم. باید پست‌ها را نگه داشت و در وقت مقتضی با اعراض دسته جمعی طرف را کوبید، مع‌الاسف نه آن را داریم و نه این را. از خداوند تعالی توفیق و سعادت جناب عالی را خواستار است. امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم.

اجازه را اتکالا- به معرفی حضرت آقای طالقانی و جناب عالی فرستادم. اگر با معظم له ملاقات دست داد، سلام این جانب را ابلاغ فرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

۱۰/۱۴/۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَفَعْتُ رُؤُوسَ الْمُسْلِمِينَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ

وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ  
وَأَسْرَعْتُ الْمَدَائِدَ



## نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و ثقه الاسلام آقای سعیدی دامت افاضاته

مرقوم شریف و اصل ، سلامت و سعادت جناب عالی را خواستار است . ورقه استغاثات نیز واصل شد . این جانب هر چه فکر می کنم صلاح نمی دانم این اوراق به این نحو چاپ و منتشر شود ، به جهاتی که الان مقتضی نیست تذکر دهم جناب عالی از انتشار آنها به این نحو خصوصا با عبارت پشت صفحه ان شأالله غمض عین می نمائید.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 85

۱۵ / ۲۴ / ۵۹

پنهان

مهرزبان  
رفع زینت و آفت و مهرش در

زلفش جواب را بستند صدع میرانم ایند که در

مهر طبعان پیداشد در صدر افکار جهان از نغمه

جان برآید بسبب بخت در سر مهرش

بست لبان بکلام آرزو بر لب زینت

ندارد به طعمه ای در زلفش فراد عجا

ز فراخ کفو از بکوه سر نمودی

در بر جان رفته اند دلورده بقاعده و شرح

مردم بهر بیت هزاره ز کز این

ایمان جوانان معین را از زلفش

عاشق حط فرید و الله اعلم

عاشق حط فرید

## نامه به ثقه الاسلام آقای محمد یزدی

بسمه تعالی

به عرض می رساند مرقوم شریف مدتی است واصل شده ، ولی فرستادن جواب را مستقیماً صلاح نمی دانستم . اینک که مسافر مورد اطمینان پیدا شد ، در صدد اظهار امتنان از تفقد جناب عالی برآمده ، امید است با سلامت و سعادت مقرون باشید . این جانب بحمدالله تعالی مزاجاً بد نیستم ، امید است از ادعیه خالصه آقایان وسایل آسایش روحی نیز فراهم شود . از این که جناب آقای مسعودی در سیرجان رفته اند و مورد استفاده واقع شده اند مسرور شدم . امید است خداوند به برکت انفس آقایان ، جوانان مسلمین را از شر مفسد حفظ فرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 87

۷ ص ۹۰

برای

بمنزله  
رخ برین دهر سرک درونی

خوبت بهت رایج بجزر که در دره جرف بوی بوی خود آن

بخوانه و آن نشوید (آن نکرده رخ بهت بهت و نکرده بجزر)

گفته اند کس هم نیست شب به صبح از کشتن باران باران این است

دهری در آنم کجا رایج بر آن سر که با سر در ده زرد کینه

علا بر گفته سر بهت رایج به سر که بهت که بهت است کینه

بجزر گفته ایم در آن که در جرف است وینه به در می است از آن

ز گفته گفته خود که در است و آن این است که گفته فرود بر این

بلیغ زینت با دانه در دره جرف است از دین در است بهت

میان در هم بهت در دره جرف است از دین در است بهت

چون زردی هیچ از زینت درون نیست

رایج برین سبب بر سر دانه بایه بر کوه سلسله بر این

در ده است بهت بر سر زینت رایج در بهت بر این زینت

در ده است بهت بر سر زینت رایج در بهت بر این زینت

## نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند : مرقوم شریف واصل ، سلامت و توفیق جناب عالی را خواستار است . راجع به چیزی که در ورقه جوف بود ، علی‌المحکی خود آقا نبوده اند و آقا زاده بوده اند . همان نحو که مرقوم شده است ، اشخاص ، رنگ دیگر به خود گرفته اند ، لکن مهم نیست شاید در این امور تخفیفی برای اوزار این جانب باشد (والله من ورائهم محیط) .

راجع به آن شخصی که با لباس غیر روحانی ترویج می‌کند ، مطالبی گفته شده است و من به هیچ وجه نظرم نیست که با ایشان ملاقات کرده باشم و چیزی گفته باشم . ولی اگر واقعا مرجع است و مفید ، چه داعی است که آقایان مخالفت کنند . فقط یک امر است و آن این است که گفته می‌شود می‌خواهند با این ترتیب بساط آخوندی را برچینند . اگر واقعا درست باشد ، این مفسده عظیمه لازم‌الدفع است . در هر صورت جناب عالی از قول این جانب مطلبی نفرمایید ، چون نزد من هیچ طرف قضیه روشن نیست .

راجع به حریق مسجدالاقصی و این که نباید تعمیر شود تا سلطه اسرائیل در کار است ، چیزی نوشته ام و در بعضی جراید این جا منتشر شده . از جناب عالی امید دعای خیر دارم .

و السلام علیکم ورحمة الله



## نامه به شهید ثقه الاسلام آقای سعیدی

بسمه تعالی

معروض می دارد : مرقومات شریفه واصل ، لکن مسافر برای جواب کمیاب است . اینک تصدیع می دهد ، مرقوم مفصل شما را مطالعه کردم ، قبلا هم تذکر دادم که جناب عالی در این اختلافات محلی وارد نشوید ، شما مشغول کار خودتان باشید ، صلاح دین و دنیای شما نیست با این نحو اشخاص طرف شوید . این جانب نمی توانم درباره اشخاص چیزی بنویسم ، شما خودتان اهل تشخیص هستید و می دانید اگر کسی ادعا کند که فلانی به من ارجاع نموده ، صحیح نیست . تاکنون در تهران به احدی ارجاع ننمودم و در غیر تهران ایضا . فقط همان سابق به یکی دو تا از مراجع که اکنون مرحوم شده اند ، ارجاع نموده ام ، سرکار هیچ در این موضوعات باور نکنید و باز تکرار می کنم در این مشاجرات وارد نشوید تا بتوانید به خدت خودتان به اسلام ادامه دهید .

والسلام علیکم

ص: 91





## نامه به اهالی محل مسجد امام موسی بن جعفر

بسمه تعالی

عموم مومنین محترم ساکن در محل مسجد مرحوم مبرور ثقه الاسلام آقای حاج سید محمد رضا سعیدی \_ رحمة الله علیه \_ مجازند در این که از سهم سادات عظام و سهم مبارک امام \_ علیه السلام \_ به مقدار مصارف متعارفه اقتصادی به ورثه ایشان بپردازند و مقتضی است کمال توجه را به صغار آن مرحوم که در راه اسلام و صلاح مسلمین مقتول گردید ، بنمایند . توفیق و تایید همه را از خداوند تعالی خواستار است .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 93



## نامه به حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی

بسمه تعالی

احمد عزیز!

ان شأله تعالی سلامت باشید . حال من بحمدالله خوب است و کسالت مزاجی ندارم ، البته کسالت روحی زیاد است . لازم است تذکر دهم که ممکن است در این اوقات در آن جا مسایلی مربوط به مرجع طرح شود یا خدای نخواستہ کشمکش بین جوان ها شروع شود ، شما و تمام دوستان این جانب باید از این مسایل برکنار باشید و یک کلمه دخالت نکنید . چنانچه در این جا نیز همین امر را سفارش داده ام ، البته اثبات و نفی ای نباید داشته باشید .

تایید و توفیق شما را خواستارم و از این که بحمدالله اشتغال دارید مسرورم و از مدرس شدن شما هم مشعوفم . خوب کاری است ، از اول همان طور که درس می خوانی و مباحثه می کنی تدریس هم بکن ولو برای یک نفر . ان شأله تعالی موفق باشید .

والسلام

ص: 95





## نامه به دانشجویان پارسی زبان امریکا و کانادا

بسمه تعالی

خدمت گروه دانشجویان پارسی زبان در آمریکا و کانادا

جزوه ای که به یاد جنایات 15 خرداد و قتل عامی که برای سرکوبی ملت ایران در مقابل استعمار تهیه شده بود، ملاحظه کردم. گرچه به واسطه دوری شما از محل جرم، بعض مطالب نارسا و بعض با واقع تطبیق نداشت، لکن اصول مطالب صحیح بود.

15 خرداد از خاطره ها محو نخواهد شد و باید در سالروز آن، هر چه بیشتر آن را زنده نگاه داشت. 15 خرداد که مصادف با 12 محرم بود، سند زنده مخالفت شجاعانه ملت ایران در مقابل استبداد عمال اجانب و در قبال استعمار چپ و راست بود و از شعله های فروزان نهضت سید مظلومان در مقابل دستگاه استبداد بنی امیه علیهم اللعنه بود، فداکاری ملت شجاع و متدین ایران در سایه فداکاری حضرت سیدالشهدا \_ علیه السلام \_ بود. باید در پناه قضیه بزرگ عاشورا مصیبت جانسوز 12 محرم و 15 خرداد زنده و جاوید بماند. این سند بزرگ را در قبال ادعاهای پوچ دستگاه جبار که ملت با ماست نباید فراموش کرد. مسلمان نمی تواند موافق و معاون دستگاه ظلم و ستم باشد، دستگاهی که احکام اسلام را یکی پس از دیگری محو نموده و می نماید، آنها که به این دستگاه سر سپرده و پیوسته اند، مشتی آلوده به شهوات ننگین بیش نیستند و ملت نجیب ایران از آنها بیزار است، چنانچه اولیای خداوند از آنها بیزارند.

شما جوانان تحصیل کرده در هر جا هستید وظایف خطیری دارید وظیفه دفاع از اسلام که به عهده هر فرد مسلم است، وظیفه دفاع از میهن و استقلال آن که از وظایف حتمیه اسلامی است، وظیفه شناساندن اسلام بزرگ به جوامع بشری، چه از ناحیه طرز حکومت و بسط عدالت آن و چه از ناحیه رفتار والی مسلمین با ملت و چه از کیفیت معامله والی با بیت المال مسلمین. شماها باید معرفی کنید اسلام را تا رژیم ها و حکومت ها بفهمند معنی حکومت و پاسداری از ملت را، تا جوامع بشری بدانند اسلام چه نحو حکومت می خواهد، تا افکار غلطی که به واسطه عمال استعمار به جوان های ما تحمیل شده است، تغییر کند. بکوشید و خود به احکام اسلام عمل کنید و دیگران را وادار به عمل کنید و پرده های ضخیمی که کج روان بر چهره نورانی اسلام افکنده اند برطرف کنید. ان شاءالله تعالی خداوند به شما توفیق خواهد داد.

در خاتمه باید از کوشش های شما جوانان و جوان هایی که در سایر

کشورها، دور از میهن به اسلام و ممالک اسلامی خدمت می کنند، تقدیر و تشکر کنم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

نامه شما در جوف یکی از جزوات به نظر من نرسیده بود، تازه آن را یکی از آقایان به من تسلیم کرد.

ص: 99





## فرمان به ثقه الاسلام آقای صادق خلخالی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقه الاسلام آقای خلخالی دامت افاضاته مرقوم شریف واصل گردید ، از تفقد از این جانب متشکرم . راجع به مطالبی که مرقوم شده است مهم آن که قضیه شهریه است عمل شده است لکن دو محذور در کار است که گمان ندارم ادامه پیدا کند ، یکی جلوگیری دستگاه است . مرقوم داشته اید کسی داعی ندارد به اشاعه . دواعی زیاد به اشاعه است . خواهید متذکر شد به نرسیدن وجوهات ، با این وضع که در کار است بعضی وکلای این جانب از خوف قبول وجه نمی کنند و اکثر قریب به اتفاق اشخاص مجاز ، با این که بعضی از آنها وجوه خوب دریافت می کنند لکن نمی رسانند و مال امام \_ علیه السلام \_ را مال خود می دانند یا بالاتر ، با این وضع گمان ندارم بشود ادامه داد لکن عجالتا برای امتحان عمل شد تا چه شود . راجع به زحمات آقایان طلاب ایدهم الله تعالی امید است خداوند تعالی به آنها توفیق و تایید عنایت فرماید . راجع به خلخال ، ان شاء الله لدی الاقتضا . از جناب عالی امید دعای خیر دارم .

والسلام علیکم

ص: 101



## نامه به حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی

احمد عزیزم!

بسمه تعالی

مرقوم شما به وسیله آقای علی واصل شد. سلامت شماها را خواهانم. راجع به مطلبی که مرقوم شده بود باید بگویم یک پول جگرک سفره قلمکار نمی خواد. من اکنون نفس های آخر عمر را می کشم و آنچه گرفتاری دارم کافی است و میل ندارم بیشتر کنم. زیادی کار به کلی وضع زندگانی را مختل کرده است. امید است ان شاءالله خداوند تعالی وسیله فراهم فرماید که بتوانم برای آخر عمر فکری بکنم. فکرهای شما بحمدالله تعالی جوان و سرشار از امید است و با فکر خسته و فرسوده من جور در نمی آید. آنچه از شما می خواهم آن است که با جدیت مشغول درس و بحث و به هیچ وجه غفلت ننمایید و در خلال تحصیل به تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی دیانت مقدسه کوشا باشید، تا بخواهید برای من فکر تشریفات و مشاورین و اصحاب باشید، من رفته ام. از قراری که از تهران نوشته اند معلوم نیست بتوانند به شهریه ادامه دهند، من هم حدس می زدم لکن آقایان چون درست اطلاع ندارند پشت سر هم می نویسند که زیاد کن، زیاد کن. داداش دوزخ روز سرماخوردگی داشت و تب مختصری و بحمدالله رفع شد و امروز و دیروز درس بود و این جا هم آمد، لکن دستش قدری درد می کند، ممکن است از اثر سرماخوردگی باشد و مهم نیست، ان شاءالله تعالی خوب می شود. به همشیره ها و خانم خودتان سلام برسانید. ان شاءالله سعید و خوش باشید.

پدرت

ص: 103

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين اجمعين

و بعد من بقیة العباد علیکم و علی آله و علی صحابه و علی ائمه

دست پا خفته و کبر ایجاب میباشند در افتاد و جبهه بر سره

همه با یک روی علیه السلام و امام در عظام و مجهول مالک و غیره

کسی که میخواهند در جبهه بر سره خود را ایجاب بر سره

ایشان بر سره افتاد ایشان و بقبر رسیده ایشان بر سره

و بقبر رسیده ایجاب است و نیز در کبر بقدر در دستگذا

نمودن در جبهه بر سره و اعمال بقدر که صلاح دانسته و خد

دار جبهه اینها با اوصی به نفس صالح من خفته است

و تمسک علی الله و تمسک عبودیه هر یک در این است

دار جبهه اینها با اوصی به نفس صالح من خفته است

غیر از اینها در جبهه بر سره و در جبهه بر سره

۱۱ نه در سال ۱۳۹۱ هجری قمری

## نامه در مورد وکالت حجت الاسلام حاج شیخ حسینعلی منتظری برای اخذ و دستگردان نمودن وجوه شرعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين . وبعد جناب مستطاب عمادالعلماء الاعلام و حجت الاسلام آقاي حاج شيخ حسينعلی منتظری دامت افاضاته وکیل این جانب می باشند در اخذ وجوه شرعیه از قبیل سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات عظام و مجهول المالک و غیرها . کسانی که می خواهند وجوه شرعیه خود را به این جانب برسانند ، به وسیله ایشان بفرستند . اخذ ایشان و قبض رسید ایشان به منزله اخذ و قبض رسید این جانب است . و نیز وکیل هستند در دستگردان نمودن وجوه شرعیه و امهال به قدری که صلاح دانستند و اخذ .

(واوصیه ایده الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه التقوی و التجنب عن الهوی و التمسک وعروه الاحتیاط فی الدین و الدنيا و ارجو من جنابه الدعاء والنصیحه و السلام علیه وعلى عباد الله الصالحین و رحمة الله وبرکاته ) .

روح الله الموسوی الخمينی



## پاسخ به نامه ثقة الاسلام آقای محمد یزدی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شیخ محمد یزدی دامت افاضاته

بسمه تعالی

مرقوم شریف واصل ، سلامت و توفیق جناب عالی را از خداوند تعالی خواستار است . امید است ان شاءالله تعالی حوزه علمیه قم و سایر مومنین از ارشاد و هدایت جناب عالی برخوردار باشند . آنچه اخیرا مورد تاسف این جانب است اختلافاتی است که نمی دانم با چه دستی در حوزه علمیه قم و بین اهل منبر بلکه محراب حادث شده است و همین نحو بین اهل علم تهران و اهل منبر آن جا حادث شده است ، همان نحو اختلافی که بین علمای مسیحی در وقتی که ممالک آنها را می گرفتند حاصل شد .

امروز که اصول احکام در دستبرد اجانب و نوکرهای آنها است به جای وحدت کلمه ، این نحو تفرق و توهین بعضی از بعضی و تکفیر بعضی موجب کمال تاسف است و کاشف از عدم رشد جامعه است . امثال جناب عالی کوشش کنید شاید موفق شوید آقایان را از این خواب گران بیدار کنید قبل از اینکه همه چیز آنها به باد رفته باشد ، اگر نرفته باشد . (والی الله تعالی المشتکی) .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی





## نامه تسلیت به شهید حجت الاسلام آقای مطهری

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و حجت الاسلام آقای مطهری دامت افاضاته

بسمه تعالی

به طوری که از مکه معظمه اطلاع رسید ، مرحوم حجت الاسلام آقای ابوی رحمة الله به رحمت ایزدی پیوسته اند . از خداوند تعالی علو درجات ایشان و صبر و اجر جناب عالی و سایر بستگان را خواستار است . به ایشان علاقه خاص داشتم . (انا انشأ الله تعالی الیه لاحقون ) از جناب عالی دعای خیر دارم .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 109

۲۸ مهر ۱۳۲۶

بسم الله

جنبان سرخس

مردم سرخس و مهر توین دقایق جنبان را از مردان عالی در سرخس

بیریت موفقی بنمایند که شروع نمودند و با تمام برکت

و خاصه جنبان روزی در صبح تیمور است

راجع به این که مردم سرخس مع لامل ایند از سرخس

دعای سران مسلمانان و فیاض بنفردان اینان را

در حال عی در نیند مکن بگویم برانم قدر که تا انداز برادر

بسیار کیم و در سرخس جنبان تا به طالع است

ای بر و کمد بنای تیریا به طالع یا در تبیلع

دایم بلور غری در سرخس و سرخس که بران

اسر باین خلیف در اینام داد و تغییر بار

صلح نیست از مردان عالی صلح بر در

عزیزان و اولاد که در سرخس  
تیمور است

## پاسخ به نامه آقای جلال الدین فارسی

جناب آقای فارسی ایده الله تعالی

بسمه تعالی

مرقوم شریف واصل ، توفیق و تایید جناب عالی را از خداوند تعالی خواستار است . امید است موفق به خدماتی که شروع نموده اید ، شده و به اتمام برسانید . زحمات جناب عالی ارزنده و موجب تقدیر است .

راجع به مطالبی که مرقوم شده است مع کمال الاسف از مسایل لبنان و عدم رشد سران مسلمین و خیانت بعضی از آنها این جانب اگر در حال عادی بودم . ممکن بود بتوانم خدمتی که تا اندازه سزاوار باشد بکنم ولی شاید جناب عالی تمام مطالب را مطلع نباشید ، ایادی و کلاً این جانب تقریباً یا مقطوع با قریب به قطع است و آنچه به طور غیر عادی می رسد چیزی نیست که بتوان با آن امری به این خطیری را انجام داد و تبعیض برای من صلاح نیست . از خداوند تعالی اصلاح امور را خواستار است .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی





## نامه به اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا

بسم الله الرحمن الرحيم

مرقوم شریف واصل ، نکته آن که این جانب خطاب به عموم نشریه دادم علاقه خاص به وحدت و همبستگی عموم مسلمین و خصوص طبقه جوان و دانشمندان عزیز در خارج و داخل کشور بوده است .

این جانب از وفاداری انجمن های اسلامی در خارج از کشور و از طبقه جوان داخل و خارج کشور در اهداف اسلامی که کفیل سعادت بشر در دنیا و آخرت و تا ابدیت است متشکرم . نفاق مشتی اوباش و عمال اجانب نباید آقایان را در مقصد عالی خود سست کند و مسلما نخواهد کرد . اسلام با این عناصر در طول تاریخ مواجه بوده و طبقه منافقین از صدراسلام تاکنون لکه ننگی بوده اند که خواسته اند مسلمانان حقیقی را از راه حق با حيله و تظاهر به اسلام باز دارند .

هم اکنون در عصر ما تظاهر به اسلام برای محو احکام مترقی آن سرلوحه برنامه شاه ایران و دارودسته منفعت پرست او است و مع الاسف این تظاهرات اسلام کش بهانه برای راحت طلبان سودجو است که می خواهند از زیر بار مسوولیت فرار کنند غافل از آن که کید آنها از نظر خداوند تعالی و بندگان بیدار متعهد مخفی نیست . با تظاهر به اسلام احکام اسلام را یکی پس از دیگری پایمال می کند تاریخ پر افتخار اسلام را محو و به جای آن تاریخ ننگین ستمکاران و جباران را جایگزین می کند . در ایران تظاهر به اسلام می کند و در مصاحبه خارجی می گوید مذهب هیچ نقشی در دولت ندارد . با سرکار بودن این عنصر ناپاک باید مذهب نقشی نداشته باشد . اگر مذهب نقشی داشت کاخ های این عناصر چپاولچی را به سر آنها خراب می کرد . اگر مذهب نقشی داشت این رژیم فاسد خیانتکار به ملت و اسلام را بر می چید . اسلام در دولت تو نقشی ندارد که تمام مخازن کشور را در اختیار دشمنان اسلام گذاشته ای برای چند روز زندگی ننگین . مذهب نقشی ندارد که از یک طرف کاخ های آسمانخراش مشتی مفتخوار و در کنار آن کوخ های محقر مساکین و فقرا و مومنین است . مذهب نقشی ندارد که علمای محترم آن در حبس و شکنجه به سر می برند و فرزندان اسلام چه دانشگاهی و چه دانشجویان علوم اسلامی مود هتک و لطم و شکنجه واقع می شوند . اگر مذهب نقشی داشت به مثل بستگان هیچ کاره تو مجال نمی داد که سلب آزادی از دوشیزگان دانشگاه و سایر مدارس کند . اگر اسلام نقشی

داشت به مثل شماها مجال نمی داد که زمزمه تغییر تعطیل جمعه مسلمان به تعطیل مسیحیان شود به عذر سودجویی .

تمام مصیبت های ما این است که در حکومت تو مذهب و اسلام نقشی ندارد . سرچشمه تمام مفاسد همین است ، سلب استقلال کشور و به صورت مستعمره در آمدن آن ، اختناق همه جانبه و گسترده در کشور ، انباشته شدن زندان ها از مردم آزاده ، فقدان وسایل اولیه زندگی ، چپاول رفتن مخازن کشور ، قبضه نمودن اسرئیل بازار را و مجال ندادن به بازرگانان غیر یهود همه و همه از آن است که مذهب در نزد شاه و دولت او نقشی ندارد .

اکنون وظیفه شما طبقه روشنفکر و جوان و سایر طبقات ملت از هر نوع و در هر شغل آن است که کوشش کنید که مذهب نقشی پیدا کند ، با وحدت کلمه و کنار گذاشتن اختلافات موسمی و مبارزات منفی و در موقعش مثبت می توان مذهب را صاحب نقش کرد و مشتی محکم به دهان یاوه سرایان زد . از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین و توفیق خدمتگزاران به اسلام و مسلمین را خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 115

۲۷ سپتامبر ۹۷

بیت

جنب بر عبدالله امین نازر خطه زانکه  
 رفتم زین که تنم عطف کریم و نیت در این وجه بود در حشر  
 کردید مدت و دست جانای در از مراد قایل خواستم  
 من امید دارم که این درج شکر حضرت گزار و سودن بر بار سلام  
 دله لدراد لقصانه وان لپی من لپالین بجه قایل طبقات مسین  
 خدود در ایران بخترا لاله گزاشیه اند و بیسویه قائم به شکر  
 نیت و امید است بزدر بنیویه مطلوبه که اجراء اهل دهر و کونیا که  
 دست جیران در زمین است بر سه و برکت زینده لاله  
 دد سوز اخراجات شلوده از زبان بر خرد و ملت خدوم  
 ملت ایران حکومت حق و عدالت مهدی درش بر کنه  
 از قریب رز زخات قایل بر اسان دادن  
 به عذ زلال تشکم داکر از م نایه ز کوریه

بخترا لاله گزاشیه  
 خدوم ملت خدوم  
 ملت ایران حکومت حق و عدالت مهدی درش بر کنه  
 از قریب رز زخات قایل بر اسان دادن  
 به عذ زلال تشکم داکر از م نایه ز کوریه



## نامه به آقای جلال الدین فارسی

جناب آقای جلال الدین فارسی حفظه الله تعالی

بسمه تعالی

مرقوم شریف که متضمن عواطف کریمه و تسلیت در این واقعه بود ، موجب تشکر گردید . سلامت و سعادت جناب عالی را از خداوند تعالی خواستارم .

من امید داشتم که این مرحوم شخص خدمتگزار و سودمند برای اسلام و مسلمین باشد ولی (لاراد لقضائه و ان الله لغنی عن العالمین) .

بحمدالله تعالی طبقات مسلمین خصوصاً در ایران به جنبش آگاهانه گرانیده اند و به هیچ وجه قائم به شخص یا اشخاص نیست و امید است به زودی به نتیجه مطلوبه که اجراً احکام الهی و کوتاهی دست جباران و مترفین است برسد و به برکت نویسندگان آگاه و دلسوز ، انحرافات مشهوده از میان برخیزد و ملت ها خصوص ملت ایران حکومت حق و عدالت اسلامی را مشاهده کنند (انه قریب مجیب) . از زحمات جناب عالی برای سامان دادن به جنگزدگان متشکرم و اگر از من تایید بخواهید کیفیت آن را مرقوم دارید تا انشاءالله مع الامکان عمل شود .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 117

بهر روز از این بیهودگی بیچاره بود در قفا و در آستانه

این بیهوده در این راه در این راه است از غم و آسایش که بخت و جلافت بخواند

نگذارد آن در این راه که در این راه است که در این راه است که در این راه است

زیر آنکه که در این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است

مسجد که بجز در این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است

این بیهوده بیهوده خواند که در این راه است که در این راه است که در این راه است

عربی که بجز در این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است

بهر روز از این بیهودگی بیچاره بود در قفا و در آستانه

اندر این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است

بهر روز از این بیهودگی بیچاره بود در قفا و در آستانه

بهر روز از این بیهودگی بیچاره بود در قفا و در آستانه

بهر روز از این بیهودگی بیچاره بود در قفا و در آستانه

بهر روز از این بیهودگی بیچاره بود در قفا و در آستانه

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند سلامت و توفیق جناب عالی را از خداوند تعالی خواستار است. این جانب در این حادثه لازم است از عموم آقایان که محبت و عطوفت نموده‌اند تشکر کنم، و چون برای هر یک میسر نیست که جداگانه و به نحو تفصیل عرض تشکر نمایم از جناب عالی که در این امر شریک هستید، مستدعی است که از حضراتی که در مسجد ارگ مجلس داشتند و از قرار مذکور تلگراف نموده‌اند از قبل این جانب به طور تلفنی یا هر نحو مقتضی می‌دانید تشکر کنید. من گرچه تشکر عرض نموده‌ام، لکن به خصوص آن آقایان محترم، چه روحانیون اعلام و چه خطبا و چه دانشمندان و مهندسین و دکترها و غیر هم لازم است اظهار امتنان و تشکر نمایم. و چون جناب عالی با همه روابط دارید و راه را خوب می‌دانید زحمت افزا می‌شوم. از خداوند سلامت و سعادت همه را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

بیت بنی برقیه ...

۱۴۰۱

بیت

در روز شنبه ...

کتابت ...

فهرست ...

معالم ...

این ...

مهر ...

مهر ...

خوب ...

نیت ...

سجده ...

و ...

سجده



## پاسخ به نامه ثقة الاسلام آقای صادق خلخالی

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقای آقاشیخ صادق خلخالی دامت افاضاته

بسمه تعالی

پس از سلام و تحیت مرقوم شما را که تنبھاتی عاقلانه و رندانه داشت مطالعه کردم، گمان نکیند غفلت دارم و آنچه تایید می کنم از روی اغماض از گذشته است. آنچه من اطلاع خصوصی دارم و نگفته ام، شما هم مطلع نیستید، لکن باید رعایت صلاح تا حدودی که مخالف مصالح عامه نباشد بشود. در غالب نوشته ها و گفته ها، در قشرهای مختلف، آنچه مورد نظرشان است انحراف اذهان از مجرم واقعی است. بیچاره آنها که ملزم به عمل هستند و متهم به خودسری، بیچاره آنها که به مقدار کفاف قتل عام نکرده اند باید محاکمه شوند و از درجه و شغل بر کنار. آن منطق دستگاه و این مطالب اینها مویذ همان کانه یک دست همه را اداره می کند. من حالم مقتضی نیست که بیش از این تصدیع دهم، الان در حال تب و سرماخوردگی هستم ولی مهم نیست. من شما را و شماها را فراموش نمی کنم و نمی توانم فراموش کنم. از خداوند تعالی اصلاح امور را خواهانم.

والسلام علیکم

ص: 121

۹۸ / ۲۴ / ۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اوضاع اینجا کنگره معتبر داده بر برادران ایمان مظلوم ما در همه خوب این خوب

کمال اثر تمام است اکنون ده هزار شکر جرات خجالت پیش بر این این جلودر

با هم او تو به و تا کنون در اینجا بر این خوب مرکز برادران ایمان مظلوم

مظلوم را در زمانه خود رانده و خانه آنها را خراب و در اسیر راه بر این شده و در

هدی غایب در تمام این خجالت به قدرت و جفا که این است و بیایید در

و در اوقات به قیام برآمده و ما بر این شیخ مصلحین را که مراد در تمام این

زمانه تنها که نبوده و این تا اثر از قیام این ابرقررتها باشد که برادران

ما در زمانه به پناهنده در آتش میسوزند و ما به با خطر بسیار هستند

لذت است همین خیر از هر طرفه ۱۱۱ مرم ابران که در خیرات پیش قدم هستند

در این امر جانی با بر وقت در نجات آوارگان به پناه ما خیرند و با هر وسیله

بگردد آنها بشانند و با هر وسیله در پیشه خواران را از بگمگس عدت خیرانه

در این نکته و اگر بخوانند از هم با که ایم بیدارم معرف آوارگان و بگمگس

کنند ما از تا شک صرف نمانند بهر است سران اول هدیه و ضرر و در آن

به دست کند در این بر این این مدهف در کوشش کنده و اگر کسی که خوف

آن است که خواران است این جریان در بر کوشش است به هر فرد از خواران

نقلی قطع ای در این شب و ما داران آن را خواران و دستمل در آن

طالع و این سخن استعالم سر به هر طرفی

## پیام به مناسبت اوضاع اسفناک لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم

اوضاع اسفناک لبنان و مصیبت های وارده بر برادران ایمانی مظلوم ما در ناحیه جنوب آن موجب کمال تاثر و تالم است . اکنون ده ها هزار لشکر جرار جنایت پیشه اسرائیل ، این جرثومه فساد با اسلحه ها و توپ ها و تانک ها و هواپیماها بر اراضی جنوب مرکز برادران ایمانی ما مسلط و اهالی مظلوم را از منازل خود رانده و خانه های آنها را خراب و مزارع را به آتش کشیده و دول اسلامی غالباً در مقابل این جنایات بی تفاوت و احياناً کمک کار به جنایات و یا به نشست و برخاست و مذاکرات بی نتیجه سرگرم هستند و مجاهدین شجاع فلسطین را که مردانه در مقابل اسرائیل مقاومت می نمایند تنها گذاشته و شاید این نمایشگر توطئه ای بین ابرقدرت ها باشد .

اکنون برادران ما و فرزندان بی پناهشان در آتش می سوزند و مواجه با خطرهای بسیار هستند . لازم است مسلمین خیر اندیش خصوصاً اهالی محترم ایران که در خیرات پیشقدم هستند در این امر حیاتی به اسرع وقت در نجات آوارگان بی پناه به پا خیزند و با هر وسیله ممکن به کمک آنها بشتابند و با احساس مسوولیت در پیشگاه خداوند تعالی از هیچ گونه مساعدت محترمانه دریغ نکنند و اگر بخواهند از سهم مبارک امام علیه السلام مصرف آوارگان و جنگزدگان کنند ، مجازند تا ثلث صرف نمایند . امید است سران دول اسلامی و خصوص دولت های عربی با وحدت کلمه در دفع اسرائیل این ماده فساد کوشش کنند و اگر مسامحه کنند ، خوف آن است که خدای نخواستہ این جریان در سایر کشورهای مشابه عمل شود . از خداوند متعال قطع ایادی اجانب و هواداران آنها را خواستار و استقلال دول اسلامی را خواهانم .

والسلام علی من اتبع الهدی

روح الله الموسوی الخمينی



بیت

پر از ابراهیم است برکت رقیق زینت و مهر سیرت و دین  
 جناب را در وقت برکت اگر کنی میشه با همت و نظارت  
 جناب را در این برکت تا جوده انصاف زنده شود  
 در وضع احوال طالب معرفه و طبع از سر کورین  
 جوان ایران در خارج در غرب و عجم ضعیف بود  
 و این جنب در مورد عمر در برتبه ان ملک  
 که بهادری در مقام تربیت از بلین نمود نظر  
 که انصاف در هر زمان هم از دعوای  
 در بر باد در نیت است  
 در حال سید علی حسینی در حال  
 در سال ۱۲۴۴

## پاسخ به نامه آقای جلال الدین فارسی

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت مرقوم شریف واصل سلامت و توفیق جناب عالی را خواستار است. اگر ممکن می شد با همت و نظارت جناب عالی و یا به مباشرت شما جزوه های مختصری نوشته شود در موضوع انحراف مکاتب مضره و طبع و نشر شود بین جوانان ایران و خارج و عرب و عجم خیلی به موقع است. و این جانب در صورت عمل در هزینه آن کمک می کنم ان شاء الله. کتاب هایی که مرقوم شده است من به اطمینان به صحت نظر شما مختصر و جهی فرستادم چون از وجوه شرعیه است لذا باید در خدمت مکتب اسلام باشد. از جناب عالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 125

۱۳۱۷۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۰۲

برادران ارجمند محبت رستم زینب و مهر توغی و دیگران

خوبترم در روزی که رستم همه بگو اینجانب بنادارم در صورتی

حق بی دلی در مورد رفاقت غایب و بی نهایت یک روز دوستی

روز بیاید برادران زینب و رستم و دیگران

دعای کند دستور است در بیان ممنوعه دارد که تا

نشم نمیدم از غرضی عالی تکرار کنیم در هر دو

اصلاح امور را خوبتر است در این

رعایت

تاریخ: 24/7/1357

بسمه تعالی

پس از اهدا سلام و تحیت مرقوم شریف واصل توفیق و سلامت جناب عالی را خواستارم . در موضوعی که مرقوم شده بود این جانب بنا دارم در صورت اقتضا حتی الامکان در سوریه اقامت نمایم و بناست یکی از دوستان همین چند روز بیاید برای ارزیابی این موضوع و مذاکره ممکن است با جناب عالی هم ملاقات کند و مشورت در لبنان محذوراتی دارد که تاملجا نشوم نمی روم . از عواطف جناب عالی تشکر می کنم و از خداوند تعالی اصلاح امور را خواستار هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 127

## در جمع گروهی از ایرانیان در پاریس

### قیام ریشه دار و بی سابقه ملت ایران به منظور احیای احکام اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

در حال حاضر چند تا از این اشخاصی که همه امید زندگی شان را در راه خدا داده اند، جوان هاشان را داده اند، رنج ها را کشیده اند و من مواجه بشوم با این صورت های انسانی، جز اینکه گاهی خودم یک احساس حقارتی بکنم، نمی توانم چیز دیگری بگویم. من همیشه این مطلب را در ذهنم بوده است که در مقابل ملت ایران که الان همه چیزشان را در راه اسلام می دهند و در مقابل این ذهنم بوده است که در مقابل ملت ایران که الان همه چیزشان را در راه اسلام می دهند و در مقابل این صورت های جوان از دست داده من خدمتی نکرده ام، نتوانسته ام دینم را به این... اشخاصی که برای خدا قیام کردند، نتوانسته ام دینی به اینها ادا کنم، جز اینکه در پیشگاه حق تعالی عذر تقصیر بخواهم که ما همه بندگان او هستیم، همه تسلیم در مقابل اراده او هستیم، همه جان نثار احکام مقدس او هستیم و ملت ایران امروز برای همین معنا که اسلام را زنده کند و احکام اسلام را زنده کند، قیام کرده است و قیامی کرده است که در تاریخ اسلام و در تاریخ ایران سابقه ندارد یک همچو قیام ریشه داری و اساس داری.

### پیوند تمامی جناح های ایران از الطاف خداوند تبارک و تعالی

هم ابعاد این قیام همه قشرها را گرفته است، اختصاص به یک دسته ای... دسته ای دیگری ندارد. سابق ایام اگر چنانچه یک قیامی می شد، مثلاً یک نهضتی بود، روحانیون مثلاً چیزند، جناح های سیاسی یا از طرف جناح های سیاسی بود، جناح های دیگر خارج بودند یا بازارها یک امری را می خواستند انجام بدهند، جناح های دیگری بی تفاوت بودند. امام امروز با دست خداوند تبارک و تعالی، با اراده حق تعالی، ایران تمام جناح هایش با هم پیوند کرده اند؛ جناح های سیاسی، جناح های \_عرض کنم\_ روحانی، بازاری، بچه های دبستانی و / مردهای / جوان های دانشگاهی، دبیرستانی همه باهم به راه افتاده اند و قیام کرده اند و همه یک مطلب را می خواهند. یک همچنین قیامی سابقه ندارد در تاریخ که تمام قشرها رویه یک جهت باشند. همه یک مطلب را کارش داشته باشند، فریادشان همه بلند باشد

و بگویند که (ما آزادی می خواهیم ، ما استقلال می خواهیم ) مقدمه آزادی / استقلالی / استقلال ، اینکه این سلسله خبیثه ای که ما را همیشه از اولی که روی کار آمده تا حالا جز اینکه برای ایران و برای اسلام ضرر داشته باشد ، کاری نکرده است ، این را ما نمی خواهیم . همه باهم ، بچه های کوچک الان وقتی که این بچه ها از دبستان خارج می شوند یا از دبیرستان خارج می شوند ، توی خیابان ها که راه می افتند و بروند منزل هایشان ، شعارشان ، شعار مرگ بر شاه است و این یک مساله ای نیست که / ما / دست بشر بتواند این طور مردم را با هم مجتمع کند و همه قشرها با هم به یک راه بروند این یک دست غیبی الهی است که باید ما به آن امیدوار باشیم .

### فریاد استقلال طلبانه مردم در نفی ارزش های طاغوتی و اقدامات استعمارگران

و من امیدوارم به اینکه این اجتماع که مثل سیل راه افتاده است هر چه در مقابلش هست ، اینها را بکند و از بین ببرد . هر قوه ای که باشد ، با . . . ملت وقتیکه قیام کرد و مطلبش هم مطلبی بود که حق بود ، یعنی بر هر یک از جوامع بشر این مطلب را عرضه بدارند ، همه حق می دهند به آنها ، می گویند شما چه می خواهید به اعتصابات را راه انداخته اید؟ چه می خواهید که جوانهایتان را دارید می دهید ، چه می خواهید که روحانیونتان را در محبس می کنند ، تبعید می کنند؟ چه کاری دارید که سیاسیونتان را می گیرند ، حبس می کنند و بازاری هایتان را زجر می دهند ، شکنجه می دهند؟ چه می خواهید که این قدر فریاد می زنید؟ می گویند که ما می خواهیم اسیر نباشیم تحت قدرت های بزرگ . ما می خواهیم که مملکت خودمان ، مال خودمان باشد و مملکت خودمان را خودمان اداره بکنیم . ما می خواهیم آزاد باشیم ، نه مثل آزادی که شاه به ما می دهد ، این آزادی که شاه به ما می دهد ، این برای خودش خوب است ، برای عا له خودش خوب است این جور آزادی . این آزادی که او می دهد مثل این . . . آشتی که دولت می کند ، خوب همه اش خونریزی است ، آزادی همه اش حبس است ، همه اش زجر است . ، اینها همه با هم دست به هم داده اند و با یکصدا دارند صدا می کنند که (ما آزادی و استقلال می خواهیم) . ما نمی خواهیم که وقتی می رویم سراغ . . . وقتی که می رویم سراغ . . . امریکایی ها بیایند اداره اش بکنند / مستشاران امریکایی / تحت نظارت مستشاران امریکایی باشند ، یک ارتش انگل درست کنند ، یک ارتشی که مال ایران را صرف در راه او بکنند و او تحت نظارت و تربیت مستشاران امریکایی برای امریکایی ها بخواهد کار بکند . وقتی که نظامش را می بینید یک همچو نظامی است ، وقتی که اصل آقای شاهش را می بینید ، او را هم متفقین اینجا گذاشته اند . خودش می گوید که متفقین صلاح دیدند که من باشم . پدرش را هم که انگلیس ها گذاشتند ، رادیو دهلی هم اعلام کرد این مطلب را در رابطه با جنگ . . . رادیو دهلی اعلام کرد این مطلب را که ما رضا شاه را آوردیم و بعد خیانت به ما کرد و می بریمش ، بردنش به جزیره موریس و به جهنم فرستادنش .

وقتی که فرهنگش را ملاحظه می کنیم، می بینیم که این فرهنگ، فرهنگ استعماری است، یعنی فرمایشی است، یعنی مامور کرده اند. ایشان می گوید که کتابی نوشته است: (ماموریت وطنم) درست می گوید که برای وطنش ماموریت دارد، از طرف امریکایی ها ماموریت دارد. اما ماموریت دارد این وطن را، این جوان های وطن را ضایع بکند، اینها را عقب بنشانند، مملکت را به حال عقب ماندگی نگه بدارد که در آن رشد حاصل نشود. در طبقه جوان رشد حاصل نشود که در مقابل امریکا بایستند و بگویند: آقا چه می گویند به جان ما. فرهنگش را که ملاحظه می کنید، می بینید که ما چقدرها سال است که مدرسه داریم، هفتاد سال تقریباً / از دارالفنون / عمر دارالفنون می گذرد تقریباً و چقدر سالهاست که ما دانشگاه داریم / اینها / و حالا یک لوزتین که می خواهد شاه عمل کند و بچه شاه عمل بکند، از آمریکا یا از جای دیگر باز طبیب می آورند و هر کسی قدرتی داشته باشد می رود خارج عمل می کند. اگر چنانچه یک مریضی باشد، او را در خارج مرضش را معالجه می کنند. پس معلوم می شود که ما نداشتیم. ما دانشگاه نداریم، اگر ما داشتیم که باید خودمان اداره کنیم خودمان را، ما باید طبیب از خودمان باشد. وقتی هم که می خواهند یک بنایی را درست کنند، یک سدی درست کنند، حتی یک اسفالتی بکنند، حتی یک جاده ای بکشند باز هم کارشناس های خارجی. اگر ما کارشناس داریم پس چرا از خارج می آوری؟ اگر داریم و می آوری خیانت می کنی. به اینها محول نمی کنی، خیانت می کنی اگر نداریم هم خیانت کردید، برای اینکه به ملت ما خیانت کردید که ما بعد از این همه سال حالا باز باید یک بنایی که درست می کنیم، سدی که درست می کنیم یک محلی که می خواهیم برای چیزی درست بکنیم، باید باز از خارج بیاوریم، از آمریکا و یا از اروپا کارشناس بیاوریم. به هر چیزش که شما نگاه بکنید، می بینید که لنگ است. به اقتصادش نگاه کنید مصیبت است. الان احتیاج مملکت ایران به خواربار در یازده ماه یا یازده ماه، این طور که کارشناسان می گویند یا یازده ماه و روز احتیاج به خارج دارد، یعنی یا سی روز یا سی و سه روز ایران می تواند که اداره بکند زراعتش یا کشتش، زراعتش اداره بکند ایران را، مابقی زاید بر سی روز یا سی و سه روز را باید از خارج بیاورند و می بینید که دارند از خارج می آورند. اصلاحات ارضی آقا به اینجا منتهی شد که یک بازاری درست کرد برای آمریکا که آمریکا چیزهایی که باید بریزد دور به ایران بفروشد. نفت ما را که دارند این طور می برند، بعد از سی سال دیگر (به قول شاه) بعد از سی سال دیگر تمام می شود نفت. نه اینکه نفت تمام می شود، نخیر تمام دارند می کنند، دارند با این لوله های بزرگ که به اندازه این اطاق شاید بعضی هایشان بزرگی اش باشد، به اندازه قامت انسان زیادتر بلندیش دورش هست، هیکلش هست، دارند با زور نفت های ما را در می آورند و می فرستند طرف آمریکا، عوضش هم که باید به ما بدهند، عوضش هم اسلحه ای را که می خواهد آمریکا بیاید در ایران پایگاه داشته باشد در مقابل شوروی، باید یک چیزی هم به ایران بدهد، اگر چنانچه اجازه اش... نباید اجازه بدهند. لکن حالا این خیانت را کردند و خواستند اجازه بدهند.

باید یک چیزی هم بدهد به ما که بیاید پایگاه درست بکند. نفت ما را می گیرد پایگاه درست می کند برای خودش، عوض به ما می دهد؟ عوض یعنی پایگاه درست کردن برای آمریکا یا آن اسلحه های بزرگ؟! حتی از ممالک دیگر، فرانسه می خرد آن چیزهای بسیار گران قیمت را که به درد ما نمی خورد، به عوضش نفت را دارند می برند، طیاره های 350 میلیون دلاری، 350 میلیون دلاری در ایران می خواهند بیاورند.

شما به هر چیزی که در مملکت ایران فکر بکنید، این آدم که از پدرش بدتر است که پدرش از شمر هم بدتر بود، این آدم هر چه را ملاحظه می کنید به ما ضرر زده، از مذهب گرفته تا سیاست ما گرفته تا مسایل اجتماعی گرفته تا مسایل اقتصادی گرفته تا مسایل فرهنگی گرفته، تا مسایل نظامی گرفته، این خیانتکار است. / ما می گوئیم که /، ملت ما می گویند که مرگ بر این سلطنت، سلطنت خیانتکار و ما این سلطنت خیانتکار نمی خواهیم. اصلش سلطنت از اول خیانتکار بوده، خوب هایشان هم بد بودند، آنهایی که شما یا مردم به واسطه تبلیغات برایشان دعا می کنند، آنها هم خبیث بوده اند، آنها دیگر بدتر از اینها هستند.

### منطق ملت تحقق یک رژیم عدالت پیشه است

منطق ما این است که ما یک حکومتی می خواهیم که این به حال ملت ما دلسوز باشد. ما یک رژیمی را می خواهیم که رژیم عدالت باشد و در همه رژیم هایی که ما مطالعه بکنیم جز رژیم اسلام جز حکومت اسلامی، حکومتی نیست که عدالت داشته باشد. همه برای خودشان است، منتها یک دسته ای هستند که ملایمترند و یک دسته ای تندروترند. مملکت ما از آنهاست که با تندی و با سرعت می خواهد این مملکت را خراب بکند. شما بدانید که اگر این شخص باقی باشد، خدای نخواسته \_ و اگر این رژیم منحوس این مرد باقی باشد، اگر این هیأت حاکمی که به ما حکومت کرده است باقی باشد، برای نسل آینده ما جز فقر هیچ چیز نیست، برای اینکه نفتش را می دهند و تمام می کنند، گازش هم که دارند به شوروی می دهند و تمام می کنند، مراتعش را، جنگل هایش را، همه اینها را که به این و او داده اند و از بین برده اند زراعتش هم که اصلاً دیگر ما زراعتی نداریم که جوابده این جمعیت باشد. بعد از /یک /سی سال دیگر این مملکت هیچ منابع ثروت ندارد. اگر این رژیم سرکار باشد، منابع ثروت شما به کلی از بین خواهد رفت. فریاد ما، فریاد روحانیون، فریاد سیاسیون، فریاد آنهایی که دلشان به حال این مملکت می سوزد این است که این مملکت را بگذارید که برای نسل آتیه باقی باشد بتوانند در آن زندگی کنند/ اینها /در یک قرن بعد، یعنی سی سال بعد دیگر نمی شود در این مملکت زندگی کرد برای اینکه همه چیزهایش را به باد فنا دادند و خراب دارند می کنند. ایشان گفته است که من اگر بنا شد \_ در یکی از مصاحبه هایی که کرده است \_ شاه گفته است که اگر من بنا شد بروم، مملکت را یک تل خاک می کنم و می روم. تو حالا که هستی از یک تل خاک بدترش کردی، تو دیگر چیزی برای ما باقی نگذاشتی. این شاه برای ما چیزی دیگر نگذاشته و آمریکا باید از او کمک کند، باید پشتیبان او باشد برای



اینکه بهتر از این نوکر کی ، که همه مملکت ما را دارد تقدیم می کند ، در ازایش پایگاه برای او درست می کند ، هم عوضش / را / در جیب خودش می رود ، هم معوضش در جیب خودش می رود ، هم نفت در جیبش می رود ، هم عوض نفت برای خودش پایگاه اینجا درست می کند . بهتر از این چه نوکری می خواست باشد؟ البته باید بگویند که شاه آزادی خوب داده است و \_ عرض می کنم \_ یک مملکت مترقی دارد درست می کند به منطق آقای کاتر . آزادی عبارت از کشتارهایی است که الان در ایران دارد می شود که هر روز دنبال هم دارد واقع می شود و ترقی اجتماعی عبارت از همین هاست که نصیب ما شده است و همه ابعادش ، ابعاد از هم ریخته است . بله برای شما خیلی کار خوبی شده و لقمه چربی است برای خارجی ها ، الان نفت شرق و خصوصاً نفت ایران و حجاز اینها لقمه چربی است برای / البته باید پشتیبانی خودش را اعلام بکند . شوروی هم باید پشتیبانی خودش را اعلام بکند برای اینکه گاز را دارد می برد . منافع دارند اینها .

### **خواست بحق مردم ، قطع ید غارتگران از منابع و ذخایر ایران**

صدای مردم که در آمده می گویند که می خواهیم این منابع را که داریم به طور عقلایی ، به طور صحیح استخراج بشود و به طور صحیح فروش برود . ما نمی خواهیم که نفت را توی جیب خودمان کنیم یا ببریم . ما می خواهیم نفت را بفروشیم ، اما نمی خواهیم غارت بشود . ما نفتمان را می خواهیم بفروشیم ، هر مملکتی بهتر خرید آن نفت را به او بدهیم و پول از او بگیریم ، ارز بگیریم ، نه آهنپاره بگیریم . نه طیاره که به درد ما نمی خورد بگیریم . پول را بگیریم و صرف این ملت بکنیم ، ملتی که آب ندارد . آقا شما ملاحظه تهران را نکنید یا نمی دانم بالای شهرهای تهران را / یک / شما قدری اطراف تهران سوار شوید بگردید ، یک قدر این چادر نشین ها ، این زاغه نشین ها را ملاحظه کنید ببینید اینها چه زندگی دارند . همین تهران که پایتخت است و چی هست و به دروازه تمدن نزدیکتر است ، شما یک روز بروید بگردید یک وقت صرف کنید . . . بروید بگردید اطراف تهران ببینید در چند جای تهران یک محله هایی درست شده است که اینها / با / که خیلی خوب درست کرده باشند ، یک خانه گلی ، خودشان باهم دست به هم داده اند ، یک خانه گلی درست کرده اند برای یک عائله ای . اینها چرا اینجا جمع شده اند؟ برای اصلاحات ارضی . اصلاحات ارضی که کردند ، مردم در دهات خودشان نتوانستند بمانند ، به هم خورد اوضاعشان ، نتوانستند در آنجا بمانند ، هجوم کردند طرف شهرستان ها که بیشترشان طرف تهران آمدند و این بیچاره ها حالا آمده اند در تهران در یک زندگی بسیار ناگوار و سخت زندگی می کنند . همه شان هم / چه / جوانی نیستند که بتوانند حالا که یک حمالی بکنند ، بتوانند یک چرخ را پیدا کنند و دور بگردند و چیزی بفروشند . بسیارشان پیر مردند ، پیرزنند ، بیچاره اند ، ضعیفند و اینها دارند در این زاغه ها زندگی می کنند . قریب به بیشتر از سی مورد برای من نوشته بودند \_ که من الان نوشته اش

هم پیشم نیست و حافظه اش را هم که ندارم \_ قریب سی مورد یا بیشتر ، زیاد محله هایی است که در تهران هست از این بیچاره ها در طرف . . . چند تا در طرف چی ، چند تا در بالای شهر حتی در آن محله های بالای شهر در آنجاها همه هست . آنها برای خاطر اصلاحات ارضی از آنجا کوچ کرده اند و آمده اند اینجا و یک زندگی بیچارگی ، آب ندارند ، برق ندارند ، اینها چیزهایی نیست که آنها نداشته باشند . در همین تهران در محله های دیگر هم برق ندارند ، چند جایش تاریک است . آب ندارند ، برق ندارند ، زندگی هیچی ندارند ، اینها در یک گودال های بسیار گودی بعضی شان زندگی می کنند که آب را باید بروند از آن بالاها کوزه ها بردارند بیاورند . این زندگی است که اینها برای اینها درست کردند؟! در دهاتی که یک قدری دورتر است ، من خودم سروکار دارم با آن کسانی که اهل آن دهات هستند که می آیند از من اذن می گیرند یک قدر پول ما بدهیم ، یک قدری خودشان از خودشان بگذارند ، می گوید که یک فرسخ راه است بین آنجایی که این انباری که آب هست تا آنجایی که ، این دهی که آن بیچاره هست یک فرسخ راه باید بروند آب بیاورند برای خوردن . آنوقت پول می گیرند و یک آب انبار درست می کنند که باران ها بیاید در آنجا جمع بشود و آنها در وقتی که باران نیست از این آب استفاده کنند .

شما نگاه نکنید به این اتومبیل هایی که 4 نفر در تهران سوار می شوند و چه می کنند . نه یک دسته شان از خود آنها هستند ، یک دسته شان هم . . . شما سایر شهرهای ایران ، سایر دهات ایران ، آنجاها خود تهران در این زاغه ها ، یک نظری به اینها بکنید ، ببینید چه می گذرد بر این ملت . یک ملتی که این طور دارد بر او می گذرد ، یک نفتی که باید این ملت را اداره کند و اگر چنانچه و به طور امانت ، یک هیات حاکمه امین ما داشتیم و به طور امانت این را خرج و صرف می کردند و می فروختند و می گرفتند و خرج این ملت می کردند ، نباید ملت این طور باشد . فریاد ما به این است که چرا باید این طور باشد که یک دسته بیچاره ای این طور زندگی کنند ، یک دسته هم برای ویلا پنج میلیون دلار بالاخره این را هم نوشته بودند پنج میلیون دلار برای گلکاری تزیینات ، گلکاری ویلای یکی از خواهرهای شاه خرج شده . از کجا آورده اند؟ رضا شاه با دست خالی آمد و کودتا کرد ، املاک مردم را هم به زور گرفت و بعد هم املاک را ، یک مقدارش را رد کردند . از کجا آورده اند؟ این بنیاد پهلوی از کجا ، از کجا دارد اداره می شود؟ از همین اینها از همین پول ملت . این ملت باید نفتش را این طور از دستش بگیرند و سایر چیزهایش را ازش بگیرند و خودش آن طور زندگی بکند و یک دسته هم آن طور زندگی بکنند ، این طور بیچاپند این ملت را .

### **همه مکلفید که تا آخرین نفس بر علیه دستگاه ظلم تبلیغ و افشاگری کنید**

فریاد من این است که نباید این طور چاپیدن ها باشد . باید این رژیم به کلی تبدیل بشود . ما تا آن

وقت که نفس داریم می گوئیم و آن وقتی که نفسمان قطع شد ، خوب دیگر عذر داریم پیش خداوند تبارک و تعالی . شما هم مکلفید آقا ! یک ملت است ، مصالح یک ملت است ، مصالح اسلام است ، شما هم مکلفید ، که هر چه می توانید تبلیغات کنید به ضد اینها ، یعنی مسایل حقیقی واقعی ایران را بگوئید ، آنی که می گذرد بر این ملت شما بگوئید ، آنی که در دانشگاه ها می گذرد ، آنی که در دانشسراها می گذرد ، آنی که در دبستانها حتی می گذرد ، دختر کوچولوها را کشتند امسال ، نوبت رسید به این دختر بچه های هفت هشت ساله . آنچه که در زندان های ایران می گذرد ، آنچه که در ایران که خودش زندان است می گذرد ، اینها را به این اشخاصی که آشنا هستید شما در اینجا ، مدارس اینجا میروید ، در \_ عرض می کنم که \_ جوامع اینها هستید ، به اینها هر کدامتان موظف هستید بگوئید . اگر احیاناً شما به 10 نفر ، 20 نفر از اینها مطالب ایران را بگوئید یک موجی پیدا می شود ، باز خدمتی است اینها دارند جانشان را می دهند ، خدمت می کنند به شماها ، شماها هم باید تبلیغات بکنید ، شما باید حرف بزنید اینجا می توانید در مطبوعات اینها طرح بکنید ، حرف هایتان را مصاحبه می توانید بکنید ، مصاحبه بکنید و بگوئید حرف هایتان را . مثل من نیستید که ممنوع المصاحبه بشوید ، بگوئید حرف هایتان را .

من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه تان را می خواهم و من امیدوارم که انشأ الله این سیلی که از جمعیت ایران به یک طرف متوجه شده است و با عقیده من به دست خدا پیدا شده است این و بشر نمی تواند این طور کار را بکند من از خدای تبارک و تعالی می خواهم و امیدوارم که این سیل خروشان ، این هرزه ها و علف هرزه ها را ببرد به کنار و مملکت تان برای خودتان بشود و خودتان اداره کنید مملکت تان را . انشأ الله همه تان موفق باشید ، موید باشید . و من عذر می خواهم از اینکه حال مزاجی اقتضاً نمی کند که اینجا بنشینم با شما صحبت کنم .

والسلام

ص: 134

## در دیدار با گروهی از ایرانیان در حومه پاریس

### یک وجود مطلق روحیه مردم را فعال و قوی و متحرک کرده است

بسم الله الرحمن الرحيم

بنا ندارم که . . . یک جهت راجع به . . . و یک جهت مربوط به . . . این روزها، ملت . . . من گمان ندارم که در هیچ جا . . . داشته باشم

این مدت هم . . . ملت، این قیامی که ملت ها کرده است و این روحی که دارد، این قیام که حالا مسأله اقتصادی رسیده است، در طول تاریخ ما نداریم که در تاریخ ایران در تاریخ بشری هم که یک ملتی این طور هوشیار شده باشد، یک وقتی که بازار یک شهر را می خواستند ببندند، همه . . . کم کم رسید به اینجا که . . . وقتی که یک حادثه ای پیش می آمد و علما . . . می کردند .

. . . هر امر جزئی یا بهانه جزئی که به دست مردم می آید، بازارها را تعطیل می کنند، قم نه، همه شهرها، سرتاسر ایران وضع این طور شده است که بازار ایران که یک بازار به اصطلاح اینها . . . بازار تهران یک بازار سیاسی است، الان به وضع . . .

تعطیل ایران به خصوص بازارش، بازار کسبش آنطور شده است و این مردمی که آن وقت برای تعطیل یک روز ناگوار بود بر ایشان، حالا اگر به آنها بگویند باز کنید ناراحت می شوند. الان گاهی وقت ها شکایت کردند از این که مثلا فلان آقا گفته است که . . .

مردم ناراحت می شدند یا اگر یک سفارشی می شد که مثلا دیگر تعطیل بس است، در حین اینکه داشتند باز می کردند سفارش می شد می بستند. وضع مردم، یک وضع خودکار شده است. یعنی یک وجود مطلق روحیه مردم را به درجه ای فعال و قوی و متحرک کرده است که حالا دیگر از اینکه بروید سر اصل کارتان ناراحت می شوند و . . . این جاست. از این طرف اگر یک وقتی، یک خونی از دماغ یک کسی بیرون می آمد یک ضربی به کسی وارد می شد این مصیبت بود، این دیگر فرصت همه کار . . . فرضا اگر یک نفر مثلا کشته بشود این مصیبت بود، حالا وضع به این جا رسیده است که همین

دیشب من کاغذی داشتم، دریافت کردم از یک مادری که نوشته است . . . که من پنج تا، یا چهار تا از اولادم . . . کشته شده اند، و اظهار افتخار می کرد و گفت من هم خودم چه خانواده ام همینطور عادی شده است آنجا چند تا کشته داده اند . . . یک مسأله عادی شده است . . . پیدا شده است . . . و مساله، مساله مبارزه کنونی به یک وضع عادی طبیعی الان در ایران در آمده است. نه در یک شهر و دو شهر. شما در روزنامه ها شاید تمام مطلب را نویسند، رادیو هم تمام مطلب را . . . البته لکن حالا آن مقدار نیمه ای را که می گویند . . . رادیوهای خارجی می رسد، می بینید که هر وقت که رادیو را باز می کنید که اخبار می گوید، اخبارش همین هاست که بیست و چند شهر . . . کشته شده است، فلان ده، حالا رسیده است به دهات . . . چند هزار نفر اعتصاب کردند، این مسایل سیاسی که آن وقت اسمش نبود و اصلا اعتصاب صحبتش نبود سابقا صحبت این که اعتصاب صورت بگیرد، اصلا نمی فهمیدند مردم اعتصاب یعنی چه، الان اعتصاب هم به یک صورت عادی در آمده است که ملت ایران شهرش اعتصاب می پذیرد که، پنج هزار نفر همه برادران همه . . . اعتصاب کردن یا اخیرا اعتصاب کارگرا در شرکت نفت . . . قضیه نفت خدا تأییدشان کند، . . . آنوقت در ذهنم بود که به آنها بنویسند نفت خودشان را پس بگیرند، نگذارید بخورند، . . . می کنند، لکن خودداری می کنند. این الان یک مطلب صحیحی است، الان اعتصابات که در ایران پیدا شده است، اعتصاب در مدارس، اعتصاب در کارگرا، اعتصاب در هواپیمایی اعصاب در همه اینها الان در اعتصاب هستند، اعتصابی که سابقا اگر می گفتند اعتصاب، نمی دانستند اعصاب چی، چی هست، حالا به طور خودکار بدون این که حالا یک کسی، / به ایشان / دعوتشان بکند، خودکار مردم اعتصاب می کنند.

و دولت خیال می کرد که می تواند اینها را، اعتصابات برای اینکه مزدمان کم است درست کند، خودشان اعلام می کنند، اول اینکه . . . اعتصابات شده بود این حرف را می زند از خراسان به من پیغام داده بودند یک دسته ای که یادم نیست کدام دسته بودند . . . دروغ است، اینها اعتصاب سیاسی است. حالا هم دارند اعلام می کنند که اعتصابات که ما می کنیم، برای این است که زندانیان سیاسی بیرون بیایند و حکومت نظامی لغو بشود و این خارجی هایی که ریختند به جان این ملت و به جان سرمایه این ملت، اینها هم بیرون بروند. این قلم آخرش، یک قلم ارزشداری است، این تقاضای آخرش تقاضای ارزشداری است، نمی گویند اینها . . . صد هزار یا چهل و پنج هزار یا پنجاه هزار یا شصت هزار، این طورها . . . به اصطلاح که از این امریکایی . . . آمده اند . . . لکن با حقوق های بسیار گزاف. الان اعتصاب، همین طور مبارزه، خونین، همین طور بستن بازارها، خیابان ها و تظاهر و بیرون آمدن و \_ عرض کنم که \_ مرده باد گفتن و اظهار تنفر از دستگاه جبار کردن، به یک صورت عادی بیرون آمده است.

در چند سال پیش از این اگر در هر یک از این بازارهای ایران یک پاسبان می رفت و امر می کرد که دکان ها بالاش باید بیرق باشد، بیرق مثلا چه باشد، امروز چهارم آبان است مثلا آبان یک ماه منحوسی است، اگر چنانچه یک پاسبان وارد می شد در بازار و به آنها می گفت که باید بیرق کذا بزنید، هیچ تخلف نمی شد، کسی مخیله اش نمی آمد که با پاسبان می شود مخالفت کرد، هیچ در ذهن مردم وارد نمی شد که با پاسبان بشود یک مخالفتی کرد، همه . . . یک پاسبان می آمد سرتاسر بازار

تهران، بازار قم، بازار شیراز و امر می کرد به اینکه ببندید . . . بیرق بزنید . . . چراغان بکنید، می کردند. حالا قضیه اینکه به حکومت نظامی سرنیزه و حکومت طاغوت، حکومت کذا، ابدا مردم دیگر اعتنا نمی کنند. ما حکومت نظامی های سابق را دیدیم، حکومت نظامی سابق همچو که می گفتند فلان جا حکومت نظامی شد، دیگر جرأت داشت کسی مخالفت با حکومت نظامی بکند؟! با پاسبان نمی کردند با حکومت نظامی بکنند؟ الان شما ملاحظه می کنید حکومت نظامی در چند شهر ایران هست و هیچ کدام اعتنا نمی کنند، می ریزند بیرون و فریاد، و آنها هم از اینکه حالا دیگر تعرض شدید بکنند، یک قدری عقب نشینی کردند، زیاد عقب نشینی کردند.

### **الان ملت، بچه دوازده ساله اش مقابل پاسبان می ایستد، می گوید مرگ بر شاه**

این وضع ملت ماست، مقایسه باید کرد بین این ملت قبل از این نهضت و حالا مقایسه 30 سال پیش از این با حالا، که ملت ما تا چه حدود رشد سیاسی کرده است، رشد دینی، سیاسی - دینی. آن وقت به آن وضع بود که برای هیچ امری دخالت برای خودش قایل نبود، که به ما چه ربط دارد، مملکت خودش است. . . . ملت از خودش است، اینها همه از خودش است، حالا از خودش است هر کار. . . . این یک منطقی بین توده مردم که لااقل الا - بعضی خیلی نادر، که آنها هم حرف نمی توانستند بزنند اما منطق شان. . . . نمی توانستند بگویند، توده مردم منطق شان این بود که شاه است. . . . مملکتش است، رعیتش است، این منطقی بود، شاید همه تان یادتان باشد در 20 سال، 30 سال پیش از مسأله این طور بود که منطق توده ملت مستضعف ما به واسطه خو کردن بر این قلدریها و دیکتاتوریهایی تو سری زدند و اینها عادت کردند به تو سری خوردن. یک ملتی اگر چند سال، 2500 سال، 2500 سال ملتی زیر لگد اینها بوده است، یک ملتی که 2500 سال زیر این پرچم کثیف بوده، شاهنشاهی کثیف ترین رژیم های دنیا و اشخاص دنیا، این ملت عادت کرده. به اینکه خودش را زیر دست و پای اینها، هر کاری می کنند و بدهد و هیچ ابدا آه هم نگوید، حق قایل باشد مملکت خودش است، رعیت خودش است، این منطق بود آن وقت در مخیله محمدرضا خان خطور نمی کرد که یک روزی کسی بگوید که شاه چرا این جور کرد. چرا یعنی چه؟ یعنی اول شخص ایران - فرض کنید اگر نخست وزیر باشد - جرأت این معنایی که یک کلمه چرا بگوید. . . . وقتی که در یک اجتماعی، زمان آن نخست وزیر 13، 14 ساله، در یک اجتماعی، کسی گفته بود که شخص اول مملکت، به او برخورد بود، اول معنایش این است که یک شخص دیگری هم در این مملکت هست که اسمش دوم است، چرا گفتی شخص اول مملکت؟ مگر ما یک شخص دیگری هم داریم که شخص اولی باشد؟ این شخصیت اعلی حضرت، هیچ کس اینجا نیست، یعنی ما شخصی نداریم که شخص دوم باشد و بگوید شخص اول، اینها به این صورت داشتند مردم را عادت می دادند و عادت می دادند و عادت کرده بودند به این معنا که چه فرمان ایزد، چه فرمان شاه. شاه، همان فرمانش، فرمان ایزد است، فرقی نیست مابین فرمان ایزد و فرمان شاه. یک کلمه ای هم، که این کلمه، کلمه صحیحی بود، به طور غلط معنا کرده بودند که (السلطانة ظل الله) را غلطی معنا کرده بودند که سایه،

سایه هر شخصی هیچ از خودش ندارد، هر چه دارد، حرکتی اگر باشد، از آن کسی است که صاحب... از دیگری است، یک نفر آدمی که یک جایی دارد راه می رود یا دارد حرکت می کند، سایه اش خود سایه همین طوری حرکت نمی کند، حرکتش به حرکت این آدم است، یعنی هر جوری که شخص... حرکت بدهد، حرکت سایه هم همین طوری حرکت می کند، راه برود، سایه هم دنبالش است، بنشیند، سایه هم... خودش چیزی ندارد، هر چه دارد از اوست. سلطان ظل الله، فاتحه همه سلاطین را خوانده که اینها سلطان نیستند، آنکه ظل الله نباشد، آنکه برای خودش یک چیزی قایل باشد، یک حرکتی بر خلاف حرکت امر الهی بکند، او ظل الله نیست، او مستقل است، او خودش یک چیزی است، پیغمبر اکرم ظل الله است، برای اینکه از خودش هیچ نیست، همان وحی یوحی است، تابع وحی است، تابع امر خداست، نهی خداست/ حرکت / به حرکت او، به تحریک او حرکت می کند، هر جنگی که بکند با وحی الهی می کند، خودش یک آمال و آرزوی نفسانی ندارد که روی این آمال و آرزوی نفسانی یک کاری انجام بدهد حضرت امیر \_ سلام الله علیه \_ منقول است از ایشان که وقتی با آن عمر بن عبدود بود که مقاتله می کردند، وقتی که او را شکست... و به زمین زد او جسارتی کرد به حضرت تقی انداخت، حضرت پا شدند، نقل است که ایشان پا شدند و رفتند بعد برگشتند و سرش را کردند، کسی سوال کرد، گفتند چون آن وقت یک کاری با من کرد، من خوف این را مثلاً داشتم که آن معصیتی در کار باشد، در آن کار باید الهی باشد، این \_ ظل الله \_ او کلمه صحیح را که فاتحه همه سلاطین، فاتحه همه قلدرها و ثروتمندان را می خواند و تکلیف مؤمنین و مسلمین را با سلاطین، سلاطین جور تعیین می کند این هم غلط... معنا کرده بودند و به خورد مردم داده بودند که ظل الله است که با ظل الله چه می توانیم بکنیم، چه فرمان ایزد، چه فرمان شاه. این غلط کاری ها و این \_ عرض می کنم که \_ جور و ستم ها و این خیانت ها را به طوری کرده بودند که یک ملتی عادت به آن کرده بود اگر وقت نمی شد،... عادتش بود، که چه شد، مثلاً چه شد که این نشد. الان ملت به جایی رسیده است که بچه دوازده ساله اش مقابل پاسبان می ایستد، در قم در جای دیگر می گوید که مرگ بر شاه، این خودش را می خواهد نشنیده بگیرد، گفت به به چرا اینقدر... و آن شعاری که می داد... مطلب این طور شده است الان که یک مسأله عادی شده است الان بین ملت ما. قضیه مرگبر شاه یک مسأله عادی، بچه تازه زبان باز کرده و با این کلمه، زبان باز کرده، چه کلمه مبارکی است.

### هیچ دستی نمی تواند این جور یک ملتی را تغییر بدهد، این دست خداست

این راجع به ملت، که ملت ما به برکت این نهضت خودش، نهضت جوشیده است از متن ملت جوشیده و بیرون آمده، نمی تواند کسی بگوید که مال من است، هیچ کس حق ندارد... هر کس بگوید که این مکالم من است و مال آن نیست، هیچ دستی نمی تواند این جور ملتی را تغییر بدهد، خداست این کار کرده است، این دست خداست، هیچ قدرتی نمی تواند در ظرف، می شود گفت یک سال و چند ماه یک سال و چقدر، برای این که قبلش یک قدری همین طور تدریجی بود کار و باز رشد نکرده بود. در ظرف یک

یک سال و چند ماه اوج، از تحول و تبدیلی که در مملکت ما، در ملت ما حاصل شده است، که راه صد سال رفته، یعنی 2500 سال را زیر پا گذاشته و مالانده، نمی شود که با دست زید و عمر باشد. این نمی شود، نمی شود گفت که روحانیون این کار را کرده اند، نمی شود گفت مردم بازار این کار را کرده است. خیر، دست خداست و از متن بطن توده است، این به امر خدا، و لهذا امید بخش است. چون الهی است، امید بخش است. الان وضع ملت ما یک همچو وضعی شده است که درست بر عکس آن وضعی که در سابق داشت که طبیعی این شده بود که باید، باید این کار را بکنند، باید از شاه، از نمی دانم پاسبان و از صاحب منصب، اینها... احترام کرده بود باید چه کرد، باید کتک خورد و حرف نزد، باید مالیات ظلمی را داد و حرف نزد، باید فحش خورد و صدا در نیورد، حالا رسیده است به تحول، این جور تحول به برکت امر الهی و جوشش از متن ملت، به آنجا رسیده است که طبیعی شده است که مرگ بر این سلطنت... این طبیعی شده الان، بچه ای که تازه زبان باز کرده فقط، من همین چند روز داشتم یک بچه کوچولو که مربوط به ما بود... همین مساله بود، یعنی... نسبت به بچه ای که تازه زبان باز کرده این را می گوید یک مساله طبیعی شده الان. پس ما تا حالا آن خدمتی که این ملت به خودش کرده است، این عنایتی که ذات مقدس حق تعالی به این ملت کرده، خیال نکنید که بعضی از این اشخاصی که از خود دستگاه... وسوسه می شوند. خوب، چی چی شد... آن خونریزی ها چه کرد، چه شد این نهضت، چه کار کرد، این تضعیف و... چی چی شد، خوب چی چی بود... ببینید چی بود و چی شد یک ملتی که همه اش ذلت و پریشانی و سکوت در مقابل ظلم، الان در مقابل ظلم مثل یک کوه ایستاده است و با مشتش، با سرنیزه دعوا می کند. چی می خواهید بشود از این بالاتر، که یک ملتی جوان هایش را جلوی تانک و توپ می برد، کشته می شود بعد هم می گوید که فدایی دادم خیلی خوب، بسیار خوب، باقیش را هم حاضرم، می خواهد چی بشود؟ بهتر از این چی، یک تحول بالاتر از این پیشرفت، بالاتر از این پیشرفت معنوی، بالاتر از این چیست که یک ملتی، آن حالش در ظرف یک سال، یک سال و یک ماه تبدیل شده به یک حال دیگری، به یک چیز این طوری، این راجع به ملت و وضع ملت که مشابه نمی توانید پیدا کنید که این طور در همه جا، در جاهایی که در طول عمرشان یک روز تعطیل برای این امور نکرده بودند، در بعضی شهرهایی که در طول حیاتشان یک روز در این امور دخالت نکرده بودند و اگر یکی دخالت می کرد، می گفتند که این آقا سیاسی است. اگر یک کسی در یک امر از امور زندگی این مردم، مقابل دولت می ایستاد مقابل مثلا چی می ایستاد، این را به مارک سیاسی می زدند دیگر باید برود در خانه اش منزوی بشود برای اینکه این سیاسی است. این منطق مردم شده بود به واسطه تبلیغات شومی که کرده بودند در طول تاریخ که مردم را عادت بدهند به این وضع زندگی و به کتک خوردن و منابعشان را بردن و باز خودشان هم همراهی کردن.

این یک خدمتی است که در طول تاریخ سابقه ندارد که به این ملت شده است این خدمت و این ملت، این تحول را پیدا کرده است، نباید گفت چی شده است، خیلی شده است، خیلی... ما بر فرض اینکه این طور باشد که نه، هیچ کار دیگر نتوانیم بکنیم تا اینجا همه ما را بگیرند خفه کنند و هیچ



کاری هم نتوانیم بکنیم لکن تا اینجا که شده ارزش داشته ، یعنی این فداکاری که ملت ایران کرده است ، و این تحولی که پیدا کرده و دنبال این و همراه این ارزش داشته است که صدها نفر ، هزارها نفر کشته بدهد ، فدایی بدهد یک همچو روحیه ای درست بکند ، یک روحیه زنده ای که الان شما خیال نکنید دیگر نمی توانید تحمیل کنند بر شما آن ظلم هایی را که می کردند ، دیگر گذشت / دیگر / تحمل ظلم ها ، دیگر نمی توانند اینها پاسبان را بفرستند در بازار و بگویند . . . این دیگر گذشت . . .

در اکثر سطرها علامت سه نقطه گذاشته شده که بیانگر کلمات یا عباراتی است که به هنگام پیاده کردن نوار مفهوم نشده است .

## در دیدار با گروهی از جوانان دختر و پسر فرانسوی علاقمند به اسلام

مترجم: عده ای از جوانان فرانسوی هستند که به اسلام علاقه شدیدی پیدا کرده اند. در این دسته گلی که به شما تقدیم داشتند، می گویند که حضور شما باعث علاقه بیشتر به اسلام شده است.

امام خمینی: من امیدوارم که حکومت اسلامی در ایران تشکیل بشود و مزایایی که در حکومت اسلام هست بر بشر روشن بشود، تا بشریت بفهمد که این اسلام چه دینی است و روابط بین حکومت و ملت ها چه روابطی است و در طرح اجرای عدالت چه نحوی است و شخص اول مملکت با رعیت چه جور فرقی دارد در زندگی. اگر چنانچه بعضی از مزایای اسلام را بفهمند، امید این هست که همه رو به اسلام بیاورند، حکومت اسلام و شخص اول که خلیفه است بر مسلمین و به منزله سلطان است نسبت به مسلمین، زندگی عادی از افراد طبقه سه پایین تر و با مردم، با همان طبقه فقرا هم درجه در زندگی هستند و عدالت اجتماعی و عدالتی که اجرا می کند اسلام... تمام طبقات، سابقه در بشر ندارد. حکومت اسلام مثل حکومت های دیگر از قبیل سلاطین، از قبیل رؤسای جمهوری نیست. حاکم اسلام، حاکمی است که در بین مردم، در همان مسجد کوچک مدینه می آمد جلوس می کرد و آنهایی که مقدرات مملکت دستشان بود مثل سایر طبقات مردم، در مسجد اجتماع می کردند و طوری بود اجتماعشان که کسی که از خارج می آمد، نمی فهمید که کی رئیس مملکت است و کی صاحب منصب است و کی از فقرا است، لباس همان لباس فقرا و... فقرای، و در اجرای عدالت طوری بود که اگر چنانچه یک نفر از پایین ترین افراد ملت، بر شخص اول مملکت، بر سلطان، بر رعیت ادعایی داشت و پیش قاضی می رفت، قاضی شخص اول مملکت را احضار می کرد و او هم حاضر می شد و اگر چنانچه حکم بر خلاف او می کرد، تسلیم بود.

و مع الاسف اسلام بر بشر، حتی بر خود مسلمین، مزایای اسلام محفوظ و دست ستمکارها و نفتخوارها نگذاشته است که اسلام به آن طوری که هست، پیش مردم روشن بشود. اگر چنانچه اسلام به آن طوری که هست پیاده بشود و اجرا بشود، امید این را داریم که تمام بشر در تحت لوای اسلام بیرون بیاید، تمام مکتب ها شکست بخورد، معالاسف نگذاشتند که اسلام را بشناسند مردم. گاهی اسلام را به صورت وصف ارتجاع تعبیر کردند و گاهی به خشونت تعبیر کردند و گاهی به اینکه چیزی که در هزار و چند سال پیش از این بوده است، حالا نمی تواند اداره کند. تمام اینها تبلیغات است و

شواهد زنده در متن اسلام است که این مسایل این طور نیست که مبلغین سایر ملل برای اسلام گفته اند ، ما می خواهیم اسلام را لااقل حکومتش را ، به یک نحوی که شباهت داشته باشد به اسلام اجرا بکنیم تا معنی دموکراسی را به آن طوری که هست بفهمند و بشر بدانند که دموکراسی که در اسلام هست ، با این دموکراسی معروف اصطلاحی که دولتها و رؤسای جمهوری و سلاطین ادعا می کنند ، بسیار فرق دارد .

سوال : حضرت آیت الله ! استدعا می کنم که در مورد قوانین الهی و دستورات الهی و طبیعت این دستورات یک توضیحاتی برای ما بدهید .

امام خمینی : قوانین الهی طوری نیست که بشود با این مجالس درباره آن ولو اجمالاً توضیح داد ، لکن نمونه کوچکی را اینجا من اظهار می کنم . قوانین اسلام یک قوانین است که برای اشخاص است ، فرد فرد بشر ، روابطی که هر فرد بشر با خدا دارد ، روابطی که هر فرد بشر با پیغمبر اسلام دارد ، با حکومت دارد ، روابطی را که هر فرد با فرد دیگر باید داشته باشد ، روابطی که هر فرد با غیر ملت خودش باید داشته باشد ، کلیه روابطی که امکان دارد بین یک بشر با افراد دیگر بشر یا جوامع بشری باشد ، در اسلام مطرح است و حکم دارد . این احکام ، بسیاری راجع به روابط بشر با خداست . همان طور که حضرت مسیح \_ سلام الله علیه \_ آن طوری که حالا به حسب مذهب مسیح معلوم است ، همین بعد از بشریت را تحت نظر آورده است ، فقط روابط ما بین خدا و خالق را ملحوظ داشته است ، در اسلام به طور کامل این مطلب حکم دارد ، احکام بسیار زیاد دارد و علاوه بر این ، روابط دیگری هست و احکام دیگری هست که این احکام راجع به افراد است و کیفیت از اولی که باز متولد نشده است یک فرد ، یک احکام برای . . . تولد یک فرد صحیح ، سالم و مهذب و در حالی که ازدواج حاصل می شود بین شوهر و زن و قبل از ازدواج برای انتخاب همسر و در زمان ازدواج و در زمان معاشرت زوجین باهم ، در زمان حمل ، در زمان شیر دادن بچه ، زمانی که بچه در دامن مادر باید تربیت بشود ، زمانی که پیش معلمهای اول تربیت بشود ، تمام اینها در اسلام حکم دارد و برای تربیت یک بشر قوانین دارد و علاوه بر اینها مذهب اسلام مثل مذهب مسیح نیست که راجع به حکومت و راجع به اداره مملکت دستوری نداشته باشد ، یا اگر داشته باشد به مسیحین نرسیده باشد . اسلام حکومت دارد و حکومتش همان نحوی که حکومتهای دیگری هست و تشکیلات دارد لکن تشکیلاتی که تمامش بر مبنای عدالت است ، روابط حکومت با رعیت ، با اصناف رعیت ، روابط رعیت با حکومت ، روابط حکومت با مذاهب اقلیت ، روابط مردم جامعه با اقلیت ها ، روابط حکومت با حکومتهای دیگر روابط خود جامعه اسلامی با جوامع دیگر ، تمام اینها قوانین دارد و من نمی توانم قوانین اسلام را این جا برای شما تشریح کنم ، حتی اجمالش را . انشاء الله اگر چنانچه به شما خداوند توفیق عنایت کند و وارد اسلام بشوید ، به تدریج این مسائل را هر کدام اهلش باشید خواهید فهمید .

## مصاحبه خبرنگار روزنامه انگلیسی ابزرور

س: حضرت آیت الله اخیراً فرموده اند که امیدوارند بدون نیاز به جنگ مسلحانه، مبارزات کنونی موفقیت آمیز باشد و هنوز وقت آن نرسیده که مردم اسلحه به دست بگیرند. آیا در جریانات اخیر که ارتش قدرت را در دست گرفته، خطر یک جنگ داخلی افزایش پیدا نکرده؟ یا این خطر کاهش یافته است؟

ج: اگر چه ارتش با شدت هر چه تمامتر وارد میدان شده است، لکن احتمال این هست که همین شدت عمل موجب نزدیکی پیروزی ملت باشد. و با این شدت ها نمی شود یک ملت را که همه افرادش به پا خاسته اند ساکت کرد. و امید فتح الان بیشتر است.

س: چه اشتباهاتی شاه مرتکب شده که باید هر چه زودتر برطرف شود؟

ج: اشتباهات شاه یکی دو تا نیست تا بتوانیم الان ذکر کنید. لکن در جمله کلام اینکه از اول که شاه روی کار آمده است و سلسله پهلوی به سلطنت رسیده اند قانونی نبوده است و بر خلاف نص قانون اساسی بوده است و تاکنون هم هر چه کرده اند خیانت و جنایت بوده است، بنابراین آنها باید بروند. شاه ما را به ورشکستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشانده است. آیا هر یک از اینها کافی نیست که ملت او را عزل کند؟

س: موضع و نظر حضرت عالی در مورد مدرنیزه کردن کشور چیست؟

ج: این مسأله ای است که وقتی مملکت اسلامی تشکیل شد، به دست کارشناسان باید انجام شود. البته نه به اسمی که شاه ادعا می کند.

س: آیا مذاکرات شما با آقای سنجابی به عنوان رهبر جبهه ملی موفقیت آمیز بوده است؟

ج: مطالبی که من گفتم، آقای دکتر سنجابی قبول کردند و بنابراین بود که اعلام کنند. لکن الان ایشان هم بر اساس آنچه اطلاع رسیده، گرفتار شده اند.



## نامه به حضرات علمای اعلام و حجج اسلام و سایر طبقات و اهالی هندوستان

بسمه تعالی

خدمت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام و سایر طبقات و اهالی محترم هندوستان دامت اقامتهم و ایدهم الله تعالی

سلام بر شما و سایر برادران . لابد قضایای ایران و مصیبت هایی که بر اهالی آن جا از طرف سلسله پهلوی وارد شده و می شود اجمالا شنیده اید . آنچه بر این ملت مظلوم می گذرد به حدی نیست که بتوانم تفصیل دهم . از اول کودتای نحس رضاخان به دست دولت انگلیس تاکنون ، تمام ملت ایران در اختناق و رنج و درد به سر می برند ، تمام ذخایر آنها را از قبیل نفت و غیره به طور غاصبانه به اجانب داده اند و نفعی از آن به ملت فقیر نرسیده و نمی رسد . کشتارهای عمومی و دسته جمعی سال ها است ادامه دارد . مساجد و معابد و حوزه های علمیه در حال تعطیل است . نظامیان شاه بر مال و جان ملت مسلط هستند .

بر شما ملت بزرگ است که با این ملت مظلوم همراهی و همدردی کنید و دولت خود را وادار به همراهی نمایید . از خداوند تعالی اصلاح حال عموم را خواهانم .

و السلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 145

## مصاحبه خبرنگار روزنامه دانمارکی

س: نظرات و درخواست های سیاسی شما در ایران امروز چیست؟

ج: نظر ما این است که دست خائنین به این مملکت را کوتاه کنیم و درآمد مملکت را صرف محتاجان و فقرای آن و مصالح ملت کنیم و حکومت جائزانه پهلوی را بر هم زنیم و یک رژیم بر پایه عدالت و دموکراسی حقیقی که ضامن آزادی و استقلال مملکت باشد به وجود بیاوریم.

س: منظره آینده ایران را به چه ترتیب ملاحظه می فرمایید؟

ج: ما امیدواریم که قیام ملت به آنچه ملت می خواهد که حکومت اسلامی است منتهی شود و می دانیم که در آینده تحت لوای حکومت اسلامی، منافع ملت تامین می گردد و آزادی و استقلال برای ملت و مملکت به ارمغان می آورد.

س: حضرت آیت الله! در مطبوعات جهان مباحثی هست در مورد این که موضع شما نسبت به کمونیست ها و مارکسیست ها چیست؟

ج: برنامه ما در حکومت اسلامی مبنی بر توحید است و آنها بر خلاف این عقیده و ایدئولوژی هستند، بنابراین ما در یک جهت نمی توانیم با آنها حرکت کنیم.

س: آیا نظر حضرت آیت الله این است که نفت کشورتان را برای نسل های آینده دست نخورده نگه دارید و حفظ کنید؟ و اگر چنین نظری هست آیا به این معنی است که مایل هستید صادرات نفت را متوقف کنید؟

ج: خیر، ما صادرات نفت را متوقف نمی کنیم و نسل حاضر احتیاج به پول این نفت دارد. آنچه را که ما با آن مخالف هستیم و از آن جلوگیری می کنیم از تعدیاتی است که تا حال به ما، چه از جانب نفت و درآمد آن و چه از ناحیه سایر امور شده است. ما از این زیاده روی ها جلوگیری می کنیم و الا نفت را می فروشیم و ارز می گیریم. اختیار نفت و درآمد حاصل از آن با خود ماست.

س: حضرت آیت الله! شما آینده ایران را بین بلوک شرق (یعنی شوروی) و غربی ها چگونه می بینید؟

ج: ملت ایران اجازه نمی دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می کند و با تمام کشورها هم به طور احترام متقابل عمل خواهد کرد.

س: حضرت آیت الله! ما همیشه به افراد مسن احترام می گذاریم، شما نقش خودتان را در نهایت در

حکومت آینده ایران چگونه می بینید؟ و آیا فکر می کنید چه کسی حکومت جدید را که مورد نظر شماست باید رهبری کند؟

ج : ما اشخاصی که برای حکومت لایق باشند داریم و در آینده نزدیکی معرفی خواهیم کرد و اینطور نیست که گفته شده است که اگر چنانچه شاه برود یک خلایی پیدا می شود . البته من خودم بنای دخالت مستقیم در امور را ندارم ، وقتی که حکومت تأسیس گردد من سمت هدایت را دارم .

ص: 147



## مصاحبه خبرنگاران روزنامه لبنانی الهدف و رادیو اطریش

س: حضرت آیت الله! وضعیت واقعی ایران را چگونه بررسی و ارزیابی می فرمایید؟

ج: الان ایران در حال انقلاب است، اعتصابات تمام قشرها را فرا گرفته است، حکومت نظامی شاه مشغول قتل و غارت است. از اطراف اشرار را تحریک می کنند که به شهرها بریزند و مردم را بکشند دانشگاه های ما همه تعطیل است، مدارس دینی همه تعطیل است، وضع آشفته است و تمام اینها برای این است که ایران این رژیم را نمی خواهد رژیمی که پنجاه سال بر مردم حکومت جائزانه کرده است، پنجاه سال اختناق ایجاد کرده است و مردم را کشته است، مردم نمی خواهند و انشاء الله پیروز می شوند.

س: حضرت آیت الله! موضع شما نسبت به سایر مخالفین شاه در ایران چیست؟

ج: ما با هر کسی که با خواست های ملت ایران که سقوط شاه و شاهنشاهی است موافق باشد موافقیم و با ما برادر است و اگر چنانچه با آن خواست ها موافق نباشد، قهرا خائن به ملت است و ما با او نیستیم.

س: حکومت آینده ای که بتواند مورد تأیید و قبول حضرت عالی باشد چه ترکیبی باید داشته باشد؟

ج: حکومت جمهوری متکی به آرای عمومی و اسلامی، متکی به قانون اسلام، این را جمهوری اسلامی می گوئیم و این مورد نظر ماست.

س: موضع حضرت آیت الله نسبت به دو ابر قدرت روسیه و آمریکا چیست؟ و آیا تصور می فرمایید که خطر یک دخالت نظامی از طرف اینها به ایران در آینده وجود داشته باشد؟

ج: خیر، چنین احتمالی را که مورد نظر شماست نمی دهیم، چون الان هم چیزی در حد دخالت مستقیم نظامی آمریکا در ایران است. نظر ملت ایران این است که استقلال و آزادی پیدا کند، پس چگونه با دخالت این دو ابر قدرت قضایای ایران حل می شود؟ البته ما با هر کشوری اگر در امور ما دخالت نکند و با ما به عدالت رفتار کند، ما هم با آنها به طور عدالت رفتار خواهیم کرد.

س: رابطه شما با دولت های عربی چگونه خواهد بود؟ به کدام طرف تمایل پیدا خواهید کرد؟ به طرف دولت های عربی مترقی نظیر لیبی، سوریه و عراق و یا به طرف دولت های معتدل نظیر عربستان سعودی و مصر؟

ج: دولتی که ما ایجاد می کنیم دولت اسلامی، جمهوری اسلامی است. و هر یک از آنها نزدیکتر به جمهوری اسلامی باشند البته آنها نزدیکتر به ما خواهند بود و هر کدام دورتر باشند، دورتر.

س: حکومت نظامی گفته است که تصمیم دارند که قانون اساسی را با شریعت اسلام متناسب و تعدیل کنند (دوروز پیش در روزنامه های عربی منعکس شده بود) آیا حضرت آیت الله بر این عقیده هستند که رژیم شاه بتواند با این برنامه ها و با این قدم هایی که بر می دارد، در جبهه مخالف خودش تأثیر بگذارد و برخی از آنها را به خودش جلب نماید؟

ج: اینها دروغ می گویند. اگر راست می گویند اول چیزی که در قانون اساسی مخالف با اسلام است سلطنت شاه و اصل رژیم سلطنتی است. اگر آن برطرف شد و سایر قوانین اسلام را هم درست کردند و این اشخاصی که الان در راس واقع شده اند رفتند، آن وقت تکلیف را روشن می کنیم

ص: 149

## مصاحبه خبرنگار خبرگزاری فلسطینی وفا

س: مولانا الامام! بدون شک زندگی طولانی شما پر از تجربه های مختلف و تغییرات و تحولاتی بوده است و این سبب شده است که امروز از موضع قوی با مسایل برخورد کنید و خواسته ها و نظرات خود را خیلی واضح بیان نمایید، مضافا براین که میلیون ها نفر از مردم ایران از رهبری شما در مبارزه خود برخوردارند. از حضورتان تقاضا داریم که مهمترین مراحل این تجربه های تاریخی و آثار آنها را که در خط امروزی مبارزه شما تبلور یافته است، بیان نمایید.

ج: پیش از بیان تجربیات دورانی که من خودم شاهد آن بوده ام تذکر و توضیح یک نکته لازم است و آن اینکه نهضت موجود ملت ایران، همچنان که بارها گفته ام یک نهضت صد در صد اسلامی است و خط مشی و هدف ها و راه های آن از اسلام الهام می گیرد. اگر ملت ایران حاضر به سازش با شاه نیست - که یک فرد ظالم و جنایتکاری است - به این دلیل است که اسلام اجازه نمی دهد که ظالمی بر مردم حکومت کند ملت ایران با رژیم سلطنتی مخالف است، زیرا رژیمی است تحمیلی که هرگز متکی به آرای ملت نبوده و از این جهت به شکل بنیادی، مخالف با اراده و خواست مردم است و خود را موظف به تامین هدف ها و خواسته های مردم نمی داند و حکومت چنین رژیمی، حکومت طاغوتی است و اسلام اطاعت از این حکومت را بر مردم حرام کرده و مبارزه با حکومت طاغوتی را واجب شمرده است. و این مبارزه، از ابراز تنفر از ظلم که پایین ترین مرتبه نهی از منکر است شروع شده تا قتل، و جنگ با دشمن ادامه دارد تا ظلم و ظالم از بین برود و حکومت عدل اسلامی مستقر گردد و اگر ملت ایران علیه تسلط اجانب مبارزه می کند، باز هم از اسلام دستور می گیرد، زیرا مردم مسلمان حق ندارند که غیر مسلمین را در امور خود دخالت بدهند که مسلط بر سرنوشت آنان شوند و واجب است که با این تسلط، مبارزه اسلامی کنند تا جامعه استقلال خود را به دست بیاورد. و نسبت به تجربه های عمر خودم، ما می بینیم که رضاخان که هیچ گونه صلاحیت حکومت را نداشت، به زور اجانب و برخلاف میل ملت، بر مردم ایران تحمیل شد و با روی کار آمدن رضاخان این سه اصل اسلامی در امر حکومت پایمال شده: اول، اصل لزوم عدالت در حاکم اسلامی. و دوم، اصل آزادی مسلمین در رای به حاکم و تعیین سرنوشت خود. و سوم، اصل استقلال کشور اسلامی از دخالت اجانب و تسلط آنها بر مقدرات مسلمین. و اگر در

آن روز برای احیای این سه اصل اسلامی اقدام شده بود، کار به این جا نمی کشید و دیده ایم که رضاخان چه جنایاتی نسبت به کشور اسلامی و ملت مسلمان ایران مرتکب شد. بعد از سقوط رضاخان، پسرش محمدرضاخان سرکار آمد و برخلاف اصول سه گانه فوق، حکومت را در دست گرفت و در آن موقع هم قدرتی نداشت، از این جهت به خواسته های جزیبی مردم که پدرش نادیده گرفته بود تن داد و بعد که مسلط شد، جنایاتی مرتکب شد که دست کم از پدرش نداشت. و در بیست و پنج سال پیش که شاه ضعیف شد و فرار کرد، اگر مخالفین در آن روز به این اصول سه گانه اسلامی توجه می کردند و کار شاه را یکسره می کردند، به این جا نمی کشید و دیدیم که شاه بعدا مسلط شد و در این بیست و پنج سال و به خصوص در این پانزده سال اخیر جنایاتی مرتکب شده است که روی مغولان و چنگیزها را سفید کرده است، که ابعاد جنایاتش در بیان نمی گنجد و از این رو در این مرحله حساس، ملت ایران تصمیم گرفت است که متکی به اسلام و با الهام از اصول مترقی اسلام، نهضت خود را به پیش برد و بر اساس قواعد و ضوابط اسلامی، جامعه خود را از نو بنا کند و هیچ گونه سازش و راه میانه و امثال این توهمات را نپذیرد.

س: در سال 1948 فلسطین غصب شد و با همکاری دولت های بزرگ استعماری، خواب صهیونیستی تحقق یافت. این فاجعه بر مردم ایران تأثیری در آن زمان گذاشت و چه عکس العملی داشت؟

ج: بحق باید گفت که غصب فلسطین به دست اسرائیل متجاوز و با همکاری دولت های بزرگ استعماری، برای همه مسلمین و نیز برای مسلمانان ایران فاجعه بود، فاجعه ای بسیار دردناک: و باید گفت متجاوز اصلی در این فاجعه همان دولت های استعماری آن زمان بودند که این توطئه را علیه مسلمین در این منطقه طرح ریزی کردند. کشورهای اسلامی از دست ابرقدرت ها مصیبت های زیادی دیده اند و این هم یکی از مصایب بزرگ بود، منتها به دست صهیونیست ها. ملت ایران (نه شاه و دولت او) به دلیل احساس عمیق اسلامی خود از دست رفتن فلسطین را به مثابه از دست رفتن پاره ای از پیکر خود می دانست و به همین دلیل همیشه علی رغم همکاری شاه و دولتهای دست نشانده او با اسرائیل، عمیق ترین احساسات پاک خود را نثار مبارزین فلسطینی کرده است. من بیش از پانزده سال است که مکرر به همکاری شاه و دولت او با اسرائیل اعتراض کرده ام و چه بسیار از ایرانیان، از روحانی و غیر روحانی به دلیل اعتراض به تجاوز اسرائیل به زندان رفته اند و شکنجه دیده اند. و ما همیشه به عنوان یک وظیفه اسلامی تا حد امکان از فلسطین دفاع کرده ایم و به خواست خدا همیشه در کنار سایر مسلمین به این وظیفه الهی عمل خواهیم کرد.

س: باید دانست که تجربه مصدق به همه ثابت کرد علت شکست را جستجو نماید و نتیجتاً گروه های مختلف سیاسی نشان داد که باید روش مبارزه را تغییر دهند. تقاضا داریم نتایجی را که از این تجربه گرفته اید بیان نمایید. آنچنان تجاربی که شما را در ایجاد اطمینان و رابطه محکم با ملت یاری نمود.

ج: من همیشه با روش های مسالمت آمیز مخالفت کرده ام. شاه به هیچ وجه نمی تواند و نباید سلطنت کند.

س: همان طور که می دانید، انقلاب فلسطین در اوایل ژانویه سال 1965 شروع شد و پس از شکست 1967، قدرت و گسترش یافت. آیا اخبار آن به ملت ایران می رسید؟ به چه وسیله ای؟

ج: آری، خبر می رسید به همان وسیله ای که به سایر کشورها می رسید. البته رژیم ایران سعی می کرد که اخبار جنگ مسلمانان با کفار را به نفع کفار گزارش کند و این کار را همیشه کرده است و همیشه اعراب را مشتی مردمی که مسایل را درست درک نمی کنند معرفی کرده است. رژیم، یکی از پشتیبانان بزرگ اسرائیل است. رادیو ایران و وسایل ارتباط جمعی همه - چه آنها که از خود رژیم است و چه آنها که زیر فشار رژیم بودند - به نفع اسرائیل کار می کردند و این ما بودیم که از اول با تمام برنامه ها مخالفت کردیم و اکنون نیز می کنیم.

س: در دهه 1960 شاه چیزی به نام (انقلاب سفید) برای اصلاحات ارضی و تغییرات اجتماعی اعلان کرد. تقاضا داریم حقیقت این نمایشنامه را بیان نمایید. بخصوص اینکه بعضی از وسایل تبلیغاتی مثل (پاری ماچ) این روزها ادعا می کنند که یکی از علل انقلاب رجال دینی، حسادتشان نسبت به شاه به خاطر این است که زمین های ایشان را مصادره کرده است و نیز به خاطر اجرای اصول (انقلاب سفید) است.

ج: شاه پس از سال ها فکر و مشاوره با حامیان خارجی اش طرحی تهیه کرد که هم بتواند ایران را به نفع خود و اربابانش غارت کند و هم به خیال خام خود، زمینه هر گونه انقلاب داخلی علیه خود را نابود کند. برای توجیه برنامه های ضد ملی خود ابتدا موضوع اصلاحات ارضی را به میان کشید، به این امید که دهقانان محروم و فقیر ایران را به بهانه صاحب زمین شدن بفریبد و آنان را علیه مخالفین خود بسیج نماید. البته اوج داستان غم انگیز شاه برای مردم ایران، اصلاحات ارضی بود، ولی مسأله آزادی زنان را هم به این نقطه اوج به اصطلاح انقلاب خود اضافه کرد و سایر مواد به اصطلاح انقلاب سفید، هر یک نیز در این نمایش مبتذل نقش خاصی ایفا کردند. و اما نتیجه چه شد؟ نتیجه این که کشاورز ایرانی که فقیر و محروم و گرفتار چنگال مالکین بزرگ - که همه از قماش خودشان بودند - بود، روز به روز بر فقرش افزوده شد و سرانجام برای لقمه نانی به شهرها روی آورد. شاه بلافاصله از این بازار کار ارزان سوء استفاده کرد و به بهانه صنعتی کردن کشور، راه را برای سرمایه گذاران خارجی و داخلی در موسسات صنعتی هموار کرد و نیز همان مالکین بزرگ را می بینیم که امروز به صورت کارخانه داران بزرگ که همه از وابستگان و سرسپردگان رژیم هستند ظاهر شده اند. دیروز اگر کشاورزان ایرانی برای کوچکترین تخلف از دستور ارباب ظالم خود، به زیر شلاق می رفت و اموالش تاراج می شد، امروز هم کارگران برای به دست آوردن حقوق حقه خود، زیر فشار کارخانه داران به توسط مزدوران رژیم به گلوله بسته می شوند و در بعضی از روستاها روستاییانی که حاضر به مهاجرت نشدند، چون دارای

زمین های نسبتاً مرغوبی بوده اند ، از خانه هایشان آواره کردند و زمین های مرغوب را به نفع دربار و سرسپردگان دربار تصاحب نمودند .

شاه برای ملت ایران دست به اصلاحات ارضی نزده است بلکه طراح اصلاحات ارضی یعنی آمریکا و سایر دول استعمار اقدام به اصلاحات کرده است . زیر نتیجه اصلاحات ارضی یعنی آمریکا و سایر دول استعماری اقدام به اصلاحات کرده است . زیرا نتیجه اصلاحات ارضی شاه این شده است که امروز در حدود نود در صد مواد غذایی ایران از خارج به خصوص از آمریکا تامین می شود و نتایج خانمانسوز اصلاحات شاه به همین جا تمام نمی شود . مزدوران شاه گفته اند که علمای مذهبی به دلیل اینکه اصلاحات ارضی زمین های آنان را از دستشان بیرون برده ، علیه شاه قیام کرده اند . کدام زمین ها؟ کدام یک از علمای دینی از مالکین ایرانی بوده اند؟ زندگی علمای دینی که با سادگی در حد مردم معمولی است ، آیا نیاز به زمینداری دارد؟ تمام دروغ های شاه و حامیانش برای ملت ایران روشن شده است . ابعاد خیانت شاه در زمینه مسایل اقتصادی به این مسایل تمام نمی شود ، شاه از آزادی زنان صحبت می کند ، آزادی کدام زن ؟! در ایران زنان با شخصیت که خواستار حقوق انسانی خود هستند و اکثریت زنان را ایرانی تشکیل می دهند ، امروز همه علیه شاهند و سرنگونی او را خواستارند و همه آنان امروز می دانند که آزادی زن در منطق شاه یعنی به انحطاط کشاندن زن از مقام انسانی او و در حد یک وسیله با او رفتار کردن . آزادی زن در منطق شاه ، یعنی پر کردن زندان ها از زنان ایرانی که حاضر نیستند به پستی های اخلاقی شاهانه تن بدهند .

سوال : این روزها ملاحظه می شود که یکی از شعارهایی که مردم در خیابان های شهرهای ایران می دهند و همچنین خود شما می دهید ، این است که کسانی که می کوشند سازش کنند ، خأن هستند . تقاضا داریم محتوای این شعار و عواقب آن را بیان نمایید .

جواب : سازش با شاه یعنی سازش با ظالمی خأن و سازش با چنین موجودی ، پیداست که خیانت به ملت ایران و اسلام است و اما راه حل های میانه را قبلاً توضیح دادم که چرا نمی پذیریم .

سوال : آیا ممکن است از چگونگی روابط بین خود و مقاومت فلسطین گفتگو کنید؟ معروف است که بین شاه و اسرأیل روابط آشکاری در میدان های مختلف برقرار است و به خصوص این که شاه ، اسرأیل را به نسبت زیادی از طریق ارسال نفت کمک می کند . تقاضا داریم بعد از آزادی ایران از حکم شاه ، روابط خود را با اسرأیل بیان نمایید .

جواب : همان طور که قبلاً اشاره کردم ، ما همیشه در حد امکانات و قدرتمان از برادران فلسطینی برای پایان دادن به تجاوز اسرأیل و آزاد کردن اراضی اسلامی از دست اسرأیل غاصب حمایت می کنیم و هرگز کمترین کمکی به اسرأیل نخواهیم کرد .

سوال : درباره جمهوری اسلامی با یک برداشت عمو می بگویید که روابط جمهوری اسلامی با دو کشور بزرگ چگونه است ؟

جواب : جمهوری اسلامی به این معنی است که قانون کشور را قوانین اسلامی تشکیل می دهد ، ولی فرم حکومت اسلامی جمهوری است ، به این معنی که متکی بر آرای عمومی است . و روابط ما با تمام

کشورها بر اساس احترام متقابل به طوری که نه به آنها ظلم می کنیم و نه به آنها اجازه ظلم را می دهیم .

ص: 154

## مصاحبه خبرنگار مجله آمریکایی تایم

سوال: حضرت آیت الله! بعضی از مردم می گویند شما به خاطر خصومت شخصی که با شاه دارید حاضر به مذاکره و توافق با وی نیستید. آیا یک چنین مسأله ای صحت دارد؟

جواب: مسأله ای است که شاه گفته است، اساسی ندارد. من هیچ خصومت شخصی با کسی ندارم.

سوال: حضرت آیت الله! سیاست یعنی پیدا کردن راه حل های ممکن اگر درست فهمیده باشم موضع حضرت عالی این است که هیچ نوع مذاکره ای با رژیم کنونی امکان پذیر نیست، برای این که این رژیم غیر قانونی است، به نظر شما علت این که شما و پیروانتان در مذاکره با شاه برای یافتن یک راه حل سیاسی در مورد بحران کنونی ایران و اجتناب از هرج و مرج بی میل هستید چیست؟

جواب: علت این است که ما هرج و مرج را زیر سر خود شاه میدانیم، بنابر این شاه نمی خواهد که راه حل پیدا کند، شاه می خواهد راه فرار از این تنگنا و به دست آوردن قدرت پیدا بکند، پس با شاه مذاکرات معنی ندارد.

سوال: حضرت آیت الله! شما فرموده اید که علاقه ای به قدرت سیاسی یا شرکت در یک حکومت جدید را در ایران ندارید، بنابر این در صورت رفتن شاه فکر می فرمایید چه نوع حکومت سیاسی در ایران استقرار خواهد یافت؟ آیا دولتی پارلمانی که دارای نخست وزیر باشد یا به چه صورت دیگری، ممکن است توضیحات بیشتری بفرمایید؟

جواب: این حکومت، حکومت جمهوری اسلامی متکی به آرای عمومی است. در حکومت جمهوری مجلس تشکیل خواهد شد، بعد مجلس جزئیات نوع جمهوری و مسایل مربوط به آن را تعیین خواهد نمود.

سوال: آنهایی که مورد نظر شما هستند چه کسانی هستند که جمهوری اسلامی مورد نظر شما را رهبری بکنند؟

جواب: اشخاصی هستند که الان من نباید معرفی شان بکنم.

سوال: در جمهوری اسلامی مورد نظر شما، نقش ارتش چگونه خواهد بود؟ ارتش چه نقشی را ایفا خواهد کرد؟

جواب: در جمهوری اسلامی ارتش هست، لکن ارتش وابسته نیست و ارتش به اندازه ای است که احتیاج



کشور را رفع می کند و کسانی که به درد نمی خورند و فقط برای استفاده در لباس ارتش هستند حذف می شوند ، آنها زاید هستند لکن اصل ارتش به قوت خویش باقی است .

س : در جمهوری اسلامی به طور کلی سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟

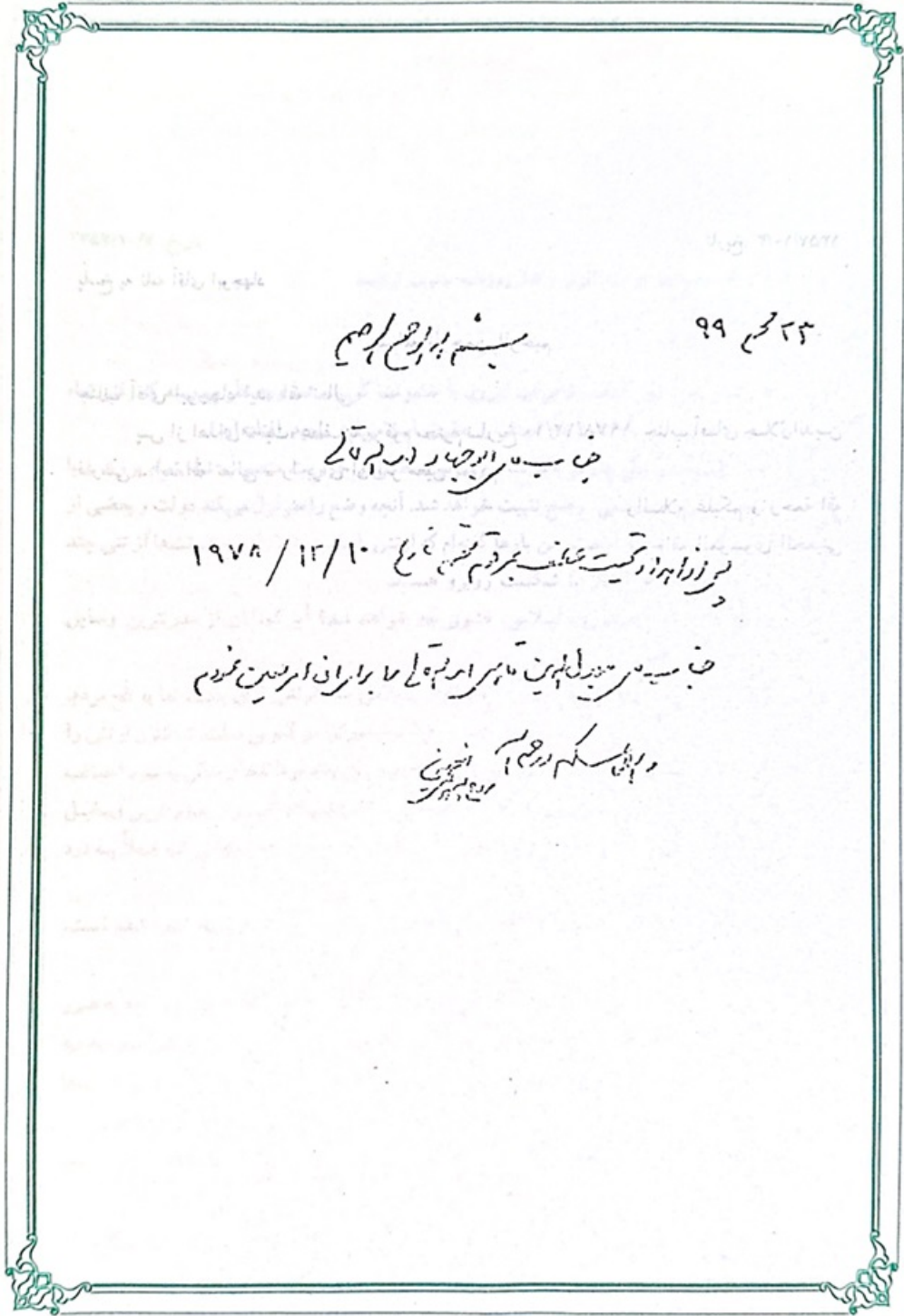
ج : جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه و احترام متقابل قایل است ، در صورتی که آنها هم احترام متقابل قایل باشند .

س : آیا در جمهوری آینده این را شما پیش بینی می فرمایید که کشور شما در روابط با ابرقدرتها بی طرف باشد یا بیشتر در اردوگاه غرب قرار بگیرد ؟

ج : خیر . در هیچ اردوگاهی قرار نمی گیرد و بی طرفی خودش را حفظ خواهد کرد .

س : ترسی که در بسیاری از کشورهای غربی وجود دارد این است که در صورت استقرار جمهوری اسلامی با رفتن شاه ، کشور ایران به دست روسها بیافتد و زیر نفوذ آنها قرار بگیرد . آیا به نظر شما این ترس بيمورد است ؟

ج : ایران هرگز به دست روسها نمی افتد . همان مردمی که با غرور اسلامی شان آمریکا را از ایران بیرون کردند با همان نیرو و غرور هرگز اجازه نخواهند داد شوروی و یا هر کشور اجنبی دیگری در ایران نفوذ پیدا کند ، این از تبلیغات شاه است



۲۳ جمادی الثانی ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب سید ابوجعفر درویشی

میرزا بهادر کتیب صاحب بخدمت تشریح تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

جناب سید سید علی امین صاحب بخدمت تشریح تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

و این سبب درج اسم است

تاریخ: 3/10/1357

## پاسخ به نامه آقای ابوجهاد

جناب آقای ابوجهاد ایده الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از اهدا تحیت ، عطف به مرقوم محترم تاریخ 10/12/1978 ، جناب آقای جلال الدین فارس \_ ایده الله تعالی \_ را برای آن امر معین نمودم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 158

## مصاحبه خبرنگاران رادیو مونت کارلو و 18 روزنامه جنوب فرانسه

س: رفتن شما به تأخیر افتاد. تظاهرات دیروز با خشونت کوبیده شد و به نظر می‌رسد که رفتن شاه تعیین کننده نیست. آیا شما در استقرار حقوق اسلامی به تردید افتاده اید؟

ج: آن طور که ما در نظر داریم باید شاه و رژیم سلطنتی و حکومت منصوب شاه تمام بروند و با استقرار حکومت اسلامی وضع تثبیت خواهد شد. آنچه وضع را متزلزل می‌کند دولت و بعضی از ارتشیان دست نشانده اوست. من بارها گفته‌ام که ارتش با ماست تمام این خشونت‌ها از تئو چند فرماندهان است که ناچار با شکست روبرو هستند.

س: در محدوده یک جمهوری اسلامی قشون چه خواهد شد؟ آیا کماکان از مدرنترین وسایل برخوردار خواهد شد؟

ج: البته ما ارتش لازم داریم و با استقرار جمهوری اسلامی باید ارتش قوی باشد اما به نفع مردم. ارتش باید در خدمت ملت باشد و نه در خدمت اجانب و برای سرکوبی ملت. تاکنون ارتش را طوری انتخاب کرده بودند که کارش سرکوبی ملت بود. تئو چند فرماندهان خائن به سود اجانب عمل می‌کردند اینان که کنار بروند ارتش در خدمت ملت در خواهد آمد و از مدرنترین وسایل برخوردار خواهد بود. البته از وسایل مدرنی که به درد ارتش بخورد نه اینهایی که فعلا به درد مستشاران آمریکایی می‌خورد و بس.

س: چه رفتاری در برار سرمایه‌گذاری‌های فرانسه و قراردادهایی که با فرانسه امضا شده است اتخاذ خواهید کرد؟

ج: این امور راجع به دولت آینده است. البته قراردادهایی که به نفع ملت باشد محترم و آنچه به ضرر ملت باشد ملغی خواهد شد. فکر نکنید که چون من در فرانسه هستم قدمی به نفع فرانسه که به ضرر ملت خودمان باشد بردارم. فرانسه هم مثل سایر کشورهاست. من به مبارزه خود در هر کجا که باشد ادامه می‌دهم فرانسه و جای دیگر ندارد. البته فعلا از فرانسه شخصا متشکرم.

س: آقای تهرانی که از شورای سلطنت استعفا کرده است نمی‌تواند نقش واسطه مفیدی را میان شما و ارتش و بختیار ایفا کند؟

ج: دولت بختیار دولت غیرقانونی و وساطت با او هیچ معنی ندارد و ارتش هم مقامی نیست که بتوان

با او وارد مذاکره شد و تفاهم نمود .

س : چرا پیشنهاد بختیار را درباره دادن امکان انتخاب به ملت میان جمهوری اسلامی و یک رژیم دیگر قبول نمی کنید؟

ج : بختیار غیرقانونی است و ملت با او مخالف است . او از نظر من یک فرد خائن است .

س : شما با اسرائیل مخالفید و از یاسر عرفات حمایت می کنید . رفتار شما در بحران خاورمیانه چه خواهد بود؟

ج : این امور مربوط به دولت آتی است و من فعلا نمی توانم در این باره اظهار نظر کنم . البته به محض آمدن یک حکومت مردمی روی کار با اسرائیل قطع رابطه خواهیم کرد چون غاصب است .

س : آیا شما این فرض را مورد بررسی قرار داده اید که خود مسؤولیت جمهوری اسلامی را بر عهده بگیرید؟ در چه حدود و با چه شرایطی ؟

ج : خیر من مسؤولیت ریاست جمهوری را به عهده نمی گیرم کار من هدایت آنهاست .

س : شما در پنجشنبه گذشته احتمال حوادث و خیمی را هنگام ورود خود به تهران دادید . حوادث ساعات اخیر موید این بیم هست ؟

ج : تا این رژیم هست و تا این دولت غاصب سر کار است این احتمال ها را می دهم . وقتی این دولت برود اوضاع آرام می شود . شخص من مطرح نیست . من از خدا می خواهم تا در برابر ملت به شهادت برسم و در کنار آنها کشته شوم . من بارها گفته ام که من با یک شخص عادی یکی هستم . س : جمهوری اسلامی آن طور که شما در نظر دارید بر پایه چند حزبی خواهد بود و آیا گرایش های مذهبی دیگر و غیر مسلمان محترم شمرده خواهد شد؟

ج : همه احزاب در ایران آزاد خواهند بود مگر آنکه مخالف با مصالح ملت باشد در آن صورت از فعالیت آنها جلوگیری می شود لکن اظهار عقاید آزاد است . اقلیت های مذهبی نیز همه محترم هستند و حقوق آنان در اسلام و جمهوری اسلامی محفوظ است .

س : هیچ کس نقش (سیا) را در استقرار رژیم شاه و نگاه داشتن و حفظ دولت بختیار انکار ندارد . در این شرایط چگونه می توان مانع یک عمل نظامی قهرآمیز تحت رهبری آمریکا شد؟

ج : به همان ترتیب که شاه از بین رفت اراده ملت بر همه مشکلات غلبه خواهد کرد و ارتش غیر از چند نفر از سران آن از مردمند و با ما هستند .

س : شما از حمایت های خارجی برخوردارید؟

ج : هیچ حمایتی از ما نشده است . گاهی لفظا اظهار حمایت شده است لکن حمایت عملی به هیچ وجه وجود ندارد و ما محتاج هیچ حمایتی نیستیم . ملت ایران اراده کرده است تا پیروز شود و حتما پیروز خواهد شد .

س : وقتی حکومت بختیار برود چه تدابیر اقتصادی فوری باید اتخاذ کرد؟

ج: برای نجات اقتصاد کشور ما علمای اقتصاد داریم. آنان را به کار و می داریم تا اولویت ها را معین

ص: 160

کنند . ما می دانیم که اقتصاد کشور منهدم شده است و بعد از پیروزی با بحران های اقتصادی عظیمی روبرو هستیم چون شاه برای آرامش خیالی ایران پولی در بانک ها نگذاشته است و افراد خائن پول های گزافی از کشور خارج کرده اند . ولی ما اشخاصی داریم که می توانند راه حل ها را بیابند و چون ملت همه از جمهوری اسلامی پشتیبانی می کنند امیدواریم بتوانیم بر مشکلات غلبه کنیم و جهات مادی و معنوی خود را سامان بخشیم و به امید خدا ایران را از نو بسازیم . ولی باز باید اقرار کنم که مشکلات بزرگ اقتصادی در پیش است .

س : آیا شما امشب می روید؟ چه خواهید کرد اگر فرودگاه بسته باشد؟ گفته شده از راه دیگری خواهید رفت چه راهی؟

ج : تا فرودگاه بسته باشد نخواهم رفت و به محض باز شدن خودم را به هم میهنانم خواهم رساند تا در کنار آنان یا پیروز شوم و یا کشته .

س : بعضی می گویند شما غرب را به لرزه در آورده اید . آیا ما غربی ها حق داریم از شما بترسیم؟

ج : اما اینکه می گویند غرب به لرزه درآمده اگر از این لحاظ است که ما مطلب حقی گفته ایم و بدین مناسبت قلب مردم غرب را به لرزه انداخته است مایه ترس نیست مایه امید است . غرب باید امیدوار باشد که ملتی برای گرفتن حق خود اینچنین قیام کرده است . بله ممکن است دولت های غربی که احتمال می دهند منافعشان به خطر افتاده است خوف داشته باشند لکن اگر با عدالت رفتار کنند خوفشان بیجاست ایران هم با آنان به عدالت رفتار خواهد کرد .

س : برخی از رسوم اسلام می مانند حجاب اجباری رها شده است آیا در جمهوری اسلامی از نو اجباری خواهد شد؟

ج : حجاب به معنای متداول میان ما که اسمش حجاب اسلامی است با آزادی مخالفتی ندارد . اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند . و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده اند و به اسلام پناهنده شده اند .

س : منظور از قیمت عادلانه نفت چیست؟ و با چه معیاری تعیین می گردد؟ همان قیمتی که اوپک تعیین می کند؟

ج : قیمتی است که بر اساس تفاهم میان دولت ما و دولت های دیگر برقرار می شود به طوری که نه به آنها اجحاف شود و نه به ما هرگز حاضر نیستیم زیر عنوان اوپک منافعمان را غارت کنند .

س : به چه دلیل دولت بختیار را غیرقانونی می دانید؟

ج : به دلیل مخالفت همه مردم . بختیار را شاه نصب کرده است و مردم همه با شاه مخالفند و او را عزل کرده اند و در تظاهرات و راهپیمایی های مکرر این معنی را ثابت کرده اند . دولت قانونی باید از مردم و برای مردم باشد نه مخالف مردم .

س : ما غربیان مادی هستیم . بالاخره بر این اساس با ما چگونه رفتار خواهد شد؟

ج: من متأسفم که شما غربی ها معنویات را فدای مادیات کردید و مصالح مادی را بر معنویات مقدم داشتید همین امر موجب این بدبختی هاست. آنچه بشر را متری می کند معنویات است معنویات می تواند بشر را سعادت مند کند و آرامش ایجاد کند مادیات است که بشر را به جان هم انداخته. من توصیه می کنم که شما غربی ها به معنویات توجه کنید. شما مدعی هستید که مسیحی هستید ببینید سیره حضرت مسیح چه بوده است. سیره حضرت مسیح را روش خود قرار دهید تا سعادت برای شما حاصل شود. ما می خواهیم رژیمی ایجاد کنیم که روش حضرت مسیح در آن مورد توجه است.

ص: 162





تاریخ: 14/10/1357

## تسلیت به نائله مرحوم ثقه الاسلام آقای عاشوری

خدمت عائله محترمه مرحوم ثقه الاسلام آقای عاشوری رحمة الله علیه

بسمه تعالی

من از واقعه تأسف آور و مصیبت وارده بر شماها که خودم هم شریک هستم متأثر هستم و به شما تسلیت می دهم . امید است خداوند تعالی ایشان را رحمت و به شماها صبر و اجر عنایت فرماید . و در پناه خود شماها را حفظ فرماید .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 164

## مصاحبه خبرنگار مجله آمریکایی نایم

س: آیا حضرت آیت الله هیچ گونه اقدامی قانونی علیه کشوری که شاه را بپذیرد (به طور موقت یا به طور دائم) خواهند کرد؟ مثل قطع نفت و غیره.

ج: خیر. با دولتی که او را بپذیرد دشمنی نداریم. لیکن شه را تعقیب قانونی می کنیم.

س: آیا حضرت آیت الله نظری راجع به آزادی مطبوعات تحت حکومت اسلامی دارند؟ آیا مطبوعات پس از رفتن شاه آزاد خواهند بود که عقاید خود را ابراز دارند؟

ج: همه مطبوعات آزادند مگر اینکه مقالات مضر به حال کشور باشد. س: آیا حضرت عالی پس از رفتن شاه به طور موقت یا دائم به ایران باز خواهید گشت؟ و اصولاً برنامه حضرت آیت الله در این زمینه چیست؟

ج: من هر موقع صلاح بدانم به ایران می روم این بستگی به تصمیم خودم دارد.



## فرمان به حجت الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة جناب مستطاب عماد الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی دامت افاضاته از قبل این جانب مجازند در تصدی امور حسبیه و شرعیه که در عصر غیبت امام علیه السلام از مختصات فقیه است و نیز مجازند در اخذ سهمین مبارکین و صرف سهم سادات و نصف از سهم مبارک امام علیه السلام را در موارد مقرر و ایصال نصف دیگر را به این جانب یا به وکیل معروف این جانب در قم . و اوصیه ایده الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من التقوی و مخالفه الهوی و ارجو منه

الدعأ والنصیحه و السلام علیه و علی عباد الله الصالحین .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 167

س : ممکن است لطفا حساسات و عقاید خود را درباره وقایع اخیر سیاسی در ایران شرح دهید؟ نظر شما درباره دولت تازه منصوب شده بختیار چیست ؟

ج : مقاومت مردم ایران در دنیا بی نظیر است . مردم ایران برای از بین بردن استبداد جهنمی چنان دلاورانه مبارزه کردند که موجب حیرت غرب و شرق شد مبارزات خونینی که بالاخره به استقلال و آزادی منجر خواهد شد . مردم ایران خواستار برچیده شدن سلطنت دودمان پهلوی و نظام شاهنشاهی و ایجاد یک جمهوری اسلامی هستند . دولت اخیر به هیچ وجه قانونیت ندارد چون از مجلسی رای اعتماد می گیرد که هرگز ملت ایران در آن نماینده ندارد . من بارها گفته ام که هر حکومتی با بودن شاه محکوم است .

س : گزارش شده است که آقای بختیار فاصله اش را با شما حفظ کرده است و پشتوانه شما را برای دولت جدیدش نطلبیده است . تاکنون اظهارات او به رهبران مذهبی ایران عمدتاً این پشتگر می را داده است که ایران به اسرائیل دیگر نفت نخواهد فروخت . شما موقعیت او یا دولتش را نسبت به خودتان و دیگر رهبران مذهبی که ممکن است نظرات شما را در نظر بگیرند چگونه در نظر می گیرید؟

ج : من و تمام مردم ایران دولت جدید را محکوم کرده ایم آزادی های سطحی و ندادن نفت به اسرائیل برای انحراف اذهان از ماده فساد که شاه و رژیم شاهنشاهی است می باشد . این حکومت چون مردم از آن پشتیبانی نمی کنند نمی تواند دوام بیاورد .

س : اگر درست فهمیده باشم شما و پیروانتان طرفدار رفتن شاه هستید و تنها آینده ایران را در سایه بازگشت کامل حکومت الهی می بینید یعنی جمهوری اسلامی که به وسیله رهبر مذهبی رهبری می شود . آیا شما به طور ایده آل می گوئید که شما باید جایگزین شاه در راس مملکت شوید و ایران با زمینه های انسانی تری اداره گردد و به وسیله اصول اسلامی هدایت شود؟

ج : من و سایر روحانیون در حکومت پستی را اشغال نمی کنیم . وظیفه روحانیون ارشاد دولت هاست . و اما ما خواستار برکناری شاه هستیم و می خواهیم حکومت عدل اسلامی را جایگزین این نظام فاسد گردانیم و پیروزی از آن ماست .

س: حتی اگر شما اصول چنین حکومتی را پذیرفته باشید نمی توان گفت که مسائلی در داخل نیروی مخالف فعلی یا چنین برداشتی از حکومت به وجود خواهد آمد. این واقعیت دانسته ای است که آیت الله شریعتمداری علی رغم شما نشان می دهد که دنباله رو این اعتقاد است که شاه باید با موقعیت مشروط بر طبق قانون اساسی و مشروطه سلطنتی باشد و بارها گفته است که شاه باید باشد و سلطنت کند و این نشان می دهد که شما شاه را نمی خواهید و او طرفدار شاه است.

ج: شاه برای ابقا خود دست به تبلیغات در شرق و غرب زده است ولی دیگر سودی ندارد. ملت غیور و شجاع ایران او و دارو دسته اش را شکست خواهند داد. مردم شاه را نمی خواهند و او را یک جنایتکار و یک خائن می دانند و هیچ کس نمی تواند با این خواست مخالفت کند. تاریخ در آینده نزدیک نشان می دهد که خواست ملت و خدا بر تمام خواست ها حاکم است.

س: فرض کنیم شما موفق شدید بر شاه غلبه کنید و همچنین موفق شدید که نیروی مخالف کنونی را متحد کنید. زودرس ترین سیاست های اصلی اقتصادی و سیاسی شما چه خواهد بود؟

ج: ما خواستار یک اقتصاد سالم و غیر وابسته هستیم. شاه اقتصاد ایران را فلج کرده است و همه مخازن ما را در اختیار شرق و غرب بخصوص آمریکا قرار داده است ما با این مبارزه کرده و هرگز اجازه نمی دهیم تا هستی ما را غارت کنند. ما در تمام زمینه های اقتصادی یک انقلاب واقعی خواهیم کرد. امر کشاورزی در حکومت ما از اولویت خاصی برخوردار است برای اینکه شاه با اصلاحات ارضی آمریکایی خود کشاورزی ما را نابود کرد. در زمینه صنعت با ایجاد صنایع مادر از صنایع مونتاژ جلوگیری به عمل می آوریم. ایران کشوری مستقل است و دارای سیاستی مستقل. دست شرق و غرب را از وطن خود کوتاه می کنیم. تمام وابستگی های سیاسی را از بین می بریم و مردم را بر سرنوشت شان حاکم می گردانیم و مردم را که بیش از پنجاه سال است از همه گونه حقی در ایران محروم بوده اند آزاد می گردانیم تا با کمال آزادی به خواست های مشروع خود برسند. ولی منکر این معنی نیستیم که پس از پیروزی با بحران های شدید اقتصادی مواجه خواهیم بود ولی به امید خدا شکست های اقتصادی دوران پهلوی را جبران خواهیم کرد.

س: آیا تغییری بنیادی در جهت رشد اخیر اقتصادی ایران دیده خواهد شد؟ آیا تغییری نسبت به موقعیت کمپانی های نفتی بزرگ خارجی خواهد بود؟

ج: تغییرات اساسی نسبت به کمپانی های نفتی را باید متخصصین به عهده بگیرند. آنچه می توانم بگویم این است که تمام قراردادهایی که به ضرر ملت ایران است چون از طرف شاه مخلوع و دولت غاصب و غیر قانونی صورت گرفته است مورد قبول ما نخواهد بود.

س: آیا برگشت بیشتری به اقتصاد بازاری خواهد بود؟ یکی از بحران های کنونی در ایران رد سیاست اقتصادی وابسته کنونی است (وابسته به سرمایه داران غربی) که مخالف بازرگانان سنتی ایران است.

ج: اقتصاد ما یک اقتصاد مستقل و سالم و ملی است بر اساس تأمین اساسی ترین نیازهای مردم

محروم و ستمدیده ایران نه فقط یک اقتصاد مصرفی .

س : آیا شما فکر می کنید که به زودی یک هرج و مرج اقتصادی در مملکت خواهد بود؟ حالا که پمپ های نفت بسته شده است و نان کمیاب گردیده (زیرا سوخت برای تنورها کم است ) چه فکر می کنید؟ اولین اقدام در ایران چه باید باشد؟

ج : با بودن شاه هرگز نفت به خارج صادر نخواهد شد . من هیاتی را برای رسیدگی مصرف داخلی اعزام کرده ام تا سوخت داخلی را تأمین کنند . ولی تا رفتن شاه اعتصاب شرکت نفت به حال خود خواهد بود . اشکالاتی که در کمبود نفت برای داخل ایجاد شده است به زودی برطرف خواهد شد .

س : آیا شما یک مخالفی را عنوان می کنید که نمونه یک دولت سوسیالیستی برای ایران است یا دولت شما اصالت انسانی خواهد داشت بر پایه اصول مذهبی ؟

ج : دولت ما دولتی است اسلامی که قوانین اسلامی را به اجرا در می آورد . قوانین اسلام قوانین انسان ساز است و انسان را در مقام انسانی به اوج خود خواهد رساند و جوابگوی نیازهای مادی نیز خواهد بود . س : اگر فرض شود که شما در راس دولت قرار بگیری روابط خود را با غرب چگونه پیش بینی می کنید؟

ج : من در حکومت آینده نقش هدایت را دارم . غرب و شرق برای ما فرقی ندارد . اصل منافع ملت ایران است که باید به بهترین وجه رعایت شود . اگر غرب و شرق احترامات لازمه را نسبت به ملت ایران رعایت نمایند ما هم به همان گونه با آنان رفتار خواهیم کرد .

س : آیا تغییری در اتحاد شما با آمریکا رخ خواهد داد؟

ج : ما با ملت آمریکا روابط دوستانه داریم و با دولت آمریکا روابطی برقرار می کنیم که به نفع ملت ایران باشد .

س : آیا تغییری در سیاست ارتش خواهد افتاد؟ آیا ایران دیگر تسلیحات پیچیده نخواهد خرید آنچه که تاکنون با پول نفت می خریده است ؟

ج : هرگز ارتش ایران هیچ گاه احتیاج به اسلحه های کنونی ندارد . مستشاران نظامی آمریکایی بر ارتش ایران سیطره دارند . ما ارتشی مستقل تشکیل خواهیم داد و وزایدی را که به درد ارتش و مملکت و مردم ایران نمی خورد حذف خواهیم نمود . ما نفت را به هر کشوری که صلاح دانستیم می فروشیم و در مقابل پول می گیریم نه اسلحه هایی که اصلا به درد ارتش ما نمی خورد و ارتش را درست در اختیار بیگانه قرار دهد .

س : آیا فکر می کنید این تغییرات در روابط شما با سایر کشورهای عضو اوپک اثر نخواهد گذاشت ؟

ج : متخصصین صالح جریانات مربوط به اوپک را مورد مطالعه قرار خواهند داد و بعد تصمیم لازم را اتخاذ خواهند نمود . ما گول نام ها و عناوین را نمی خوریم . هر چه به نفع ملت است آن دنبال



می شود .

س : آیا هیچ شانس هست که ایران جدید تحت الهام رهبری شما نظری به شوروی برای موازنه با آمریکا افکند؟

ج : هرگز . ما ایرانی مستقل بنا خواهیم کرد که از زیر یوغ آمریکا و شوروی بیرون آید . شوروی اکنون گاز ایران را می برد و آمریکا نفت را . ما هرگز اجازه نمی دهیم که این دو ابرقدرت بر ایران سیطره پیدا کنند .

س : آیا هیچ نظری راجع به حمایت بیدریغ آمریکا از شاه دارید؟ آیا شما تماما دخالت آمریکا را در ایران رد خواهید کرد؟ آیا شما در عوض کردن شاه به عنوان یک رئیس مملکت موفق خواهید شد؟

ج : آمریکا تا حال از شاه دفاع کرده است و به همین جهت دشمن شماره یک ملت ایران است . ما دخالت آمریکا را در ایران محکوم می کنیم . آمریکا برای اینکه در ایران پایگاه داشته باشد و منابع ما را به یغما ببرد هیچ کس را بهتر از شاه ندارد تا آنچه را که آمریکا می خواهد بکند و به همین دلیل است که از شاه دفاع می کند . ما به امید خدا ایران را مستقل خواهیم کرد . ملت ایران با مجاهدت های بیدریغ خود و کشته دادن های بیشمار خود بالاخره شاه را از ایران بیرون می کند و نظام شاهنشاهی را برچیده و حکومت عدل اسلامی را جایگزین آن خواهد کرد .

س : دولت شما با مخالفانی از ارتش ایران که همواره شاه را کمک کرده اند چگونه معامله خواهد کرد؟

ج : آن عده از ارتشینی که از شاه پشتیبانی کرده و دست به کشتار مردم بی پناه ایران زده اند محاکمه شده و به جزای اعمال خود خواهند رسید .

س : اگر فرض شود دولت شما یا هر دولتی برخوردار از حمایت شما بر سرکار آید آیا هیچ اختناق سیاسی وجود نخواهد داشت ؟ ساواک چه خواهد شد؟

ج : هرگز . آزادی به همه کس تا آنجا که به ضرر ملت ایران نباشد داده خواهد شد و هیچ گونه اختناق برای مردم نخواهد بود . ساواک را منحل می کنیم .

س : شما و پیروانتان چه می خواهید انجام دهید؟ آیا یک کودتای نظامی در ایران ؟ آیا فکر می کنید کسانی مانند سرهنگ خسرو داد بتواند یک کودتای نظامی انجام دهد چنانچه شایع بوده است ؟

ج : من کرارا گفته و نوشته ام که ما بعد از بیرون کردن شاه و دودمانش (البته این در صورتی است که شاه به دست مردم نیفتد والا او را در دادگاه آزاد محاکمه کرده و به سزای اعمالش می رسانیم ) و برچیدن رژیم شاهنشاهی یک حکومت جمهوری اسلامی را به آرای عمومی می گذاریم . در این حکومت ایران آزاد خواهد شد و استقلال واقعی خود

را بی محابا جلوی گلوله قرار می دهند . در کجای دنیا مرد می مثل مردم ایران می توان سراغ داد که برای احقاق حق خود با دست خالی به جنگ آمریکا شوروی انگلیس و سایر کشورهای طرفدار شاه برود . حال خوب فهمیدید که چه می خواهم بگویم . البته برای همه مردم جهان و حتی سیاسیون ایران سخت است قبول این معنا که چگونه بدون اتکا به شرق و غرب می خواهید پیروز شوید و به همه و حتی سیاسیون ایران که همگی گفتند و می گویند شاه را اگر بتوانیم بیرون کنیم با رژیم نمی شود مخالفت کرد و به من همگی بدون استثنا می گویند که اولاً دست از مخالفت با رژیم شاهنشاهی بردار مخالفت با رژیم غیر ممکن است . من همان حرفی را که به آنها زدم به شما هم صریحاً می گویم که به امید خدا پیروزی نزدیک است من شاه را بیرون می کنم رژیم شاهنشاهی را از بن خواهم کند و جمهوری اسلامی را جایگزین آن خواهم کرد . و اما کودتای نظامی در مقابل این ملت؟! نه به هیچ وجه این گونه معانی مطرح نیست . اما کودتای نظامی به نفع شاه اگر صورت گیرد دردی را دوا نمی کند چرا که امروزه مردم در چنین کودتایی به سر می برند و با این وصف مقاومت کرده اند باز می گویم راهی جز برکناری شاه و برچیده شدن نظام شاهنشاهی باقی نمانده است .

## مصاحبه خبرنگار مجله آلمانی اشترن

س: حضرت آیت الله! شما بنیادگذاری یک دولت اسلامی را در ایران اعلام فرموده اید که ریاست آن را عهده دار خواهید شد. آیا این دولت اسلامی بر اساس یک رژیم پارلمانی و از نوع رژیم های پارلمانی دنیا غرب خواهد بود یا یک نوع حکومت روحانی؟ و آیا می خواهید نقش ریاست خود را با انتخابات و یا با مراجعه به آرای عمومی به تصویب برسانید؟ در این دولت اسلامی آیا احزاب سیاسی روزنامه ها و همچنین غیر معتقدین به دین می توانند آزادانه احتمالاً عدم موافقت را با آن حضرت و سیاست تان اظهار دارند؟

ج: من نمی خواهم ریاست دولت را داشته باشم. و طرز حکومت حکومت جمهوری است و تکیه به آرای ملت. و قانون قوانین اسلام است و احزاب آزادند که مخالفت با ما یا با هر چیزی بکنند مادامی که اقداماتشان مضر به کشور نباشد.

س: قدرت حضرت عالی بر روی چه نیروی سیاسی یا بر چه تشکیلات بنیادی دیگر اتکا خواهد داشت؟ تکیه شما مثلاً بر روی جبهه ملی است یا بر روی روحانیون؟ قبلاً اظهار فرموده بودید که اینها فقها و اشخاص دیگری هستند که باید به امور حکومت اشتغال یابند و آیا این اصل به همان سان که قبلاً فرموده اید عمل خواهد شد؟

ج: من چنین چیزی نگفته ام که روحانیون متکفل حکومت خواهند شد. روحانیون شغلشان چیز دیگری است. نظارت بر قوانین البته به عهده روحانیون است و اتکا روحانیون هم به ملت است نه به حزبی و من هم به ملت اتکا دارم و به حزبی وابسته نیستم.

س: بنابر این نقل قول هایی که از جناب عالی در روزنامه هرالده تریبون آمریکایی منتشر شده نقل قول و پیام شما نیست؟

ج: بسیاری از روزنامه ها بر خلاف واقع چیز می نویسند و من باید تعجب کنم از اینکه چطور روزنامه ها به خودشان اجازه می دهند که حرف هایی که برخلاف واقع است و من نگفته ام و نکرده ام نسبت دهند.

س: در چه هنگام و در چه شرایطی برای نخستین بار در خود احساس این رسالت سیاسی را فرموده اید و چرا توده های ایرانی را بلافاصله پس از حوادث سال 163 از همان هنگام که

جناب عالی رهبر خلقی بودید بسیج نفرمودید؟

ج؛ ما از اول برای این که مخالفت با رژیم داشته باشیم چون رژیم را قانونی نمی دانستیم درصدد بودیم و لکن به تدریج ملت بیدار شد . یک امری نبود که بتوان در همان اوایل این کار را انجام داد . در این مدت کم کم مردم بیدار شدند و از یک سال و نیم قبل به این طرف این آگاهی به اوج خود رسید و منتهی به این مسایل شد .

ص: 174

## مصاحبه تلویزیون فرانسه

سوال: از حضرت عالی تشکر بکنم به عنوان این که ما را قبول کردید که بیاییم با شما مصاحبه کنیم. مخبر ما از تهران گزارش می دهد که میلیون ها نفر در خیابان های تهران مشغول تظاهرات هستند. می خواستیم ببینیم که شما در جریان این امر هستید و نظرتان راجع به این تظاهرات عظیمی که در تهران وجود دارد چیست

جواب: تظاهرات در تهران تنها نیست در سایر بلاد ایران شهرستان های ایران هم هست و نظر من این است که برای چندمین بار رفرا ندیم عمومی است به این که نه شاه را شاه سابق را\_ و نه حکومت او را و نه شورای سلطنتی را ملت ایران نمی پذیرد. و ملت ایران حکومت اسلامی می خواهد و همین رای عمومی است بر این که حکومت اسلامی را طالب است و چیز دیگری را غیر از این طالب نیست حکومت دیگری را نمی پذیرد.

سوال: صحبت از شورای سلطنت فرمودید آقای تهرانی آمدند به این جا که می خواهند با شما ملاقات بکنند و شما را ببینند. آیا شما می خواهید ایشان را ببینید و تماسی با شورای سلطنت داشته باشید؟

جواب: من تماسی با شورای سلطنت نمی توانم داشته باشم. ایشان از من تقاضای ملاقات کرد و گفتم به ایشان تذکر بدهند که تا شما استعفا ندهید از شورای غیر قانونی سلطنت و تا این که اعلام نکنید که این استعفا برای این است که قانونی نیست من با شما ملاقات نخواهم کرد.

سوال: همان طور که فرمودید رفرا ندیم عمومی مردم در ایران در جریان است و این جمعیت کثیری که آن جا هستند می خواهند که شما برگردید. تا به حال فرمودید که هر موقعی که وقتش برسد بر می گردم. در چنین صورتی چه تصمیمی خواهید گرفت؟

جواب: باز هم همان را تکرار می کنم که وقتی که صلاح دیدم و رفتیم در آن جا اصلح بود خواهم رفت.

سوال: ما اطلاعاتی داریم که اعتصاب غذا در بعضی از پادگان ها و در بعضی از واحدهای نظامی صورت گرفته. آیا فکر می کنید که این علامت این است که ارتش شروع کرده به برگشتن به طرف شما؟

جواب: ما امیدواریم که ارتش به تمام اقشارش برگردد. البته قشرهایی از او رو به ملتند. لکن صلاح ارتش این است که همه برگردند به آغوش ملت و با شاهی که کنار رفت و دیگر برگشت ندارد هیچ تماسی نداشته باشند و توهم نکنند که باید به شاه وفادار باشند. شاهی که به ملت آنها خیانت کرد و این همه جنایات به برادران آن ها وارد کرد و ارتش را به صورت یک وابسته در آورد و اقتصاد ملت ما را فلج کرد و زراعت ملت ما را از بین برد این شاه قابل این نیست که به او توجه بشود و ارتش باید ارتش ملت باشد و ما ارتش را از خودمان می دانیم و اگر چند نفری در آنها خیانتکارند حسابشان از سایرین خارج است. و ما امیدواریم که همه آنها به آغوش ملت برگردند و از آنها ما پذیرایی خواهیم کرد.

سوال: برای مدت ها شما رفتن شاه را خواسته اید حال که او رفته می خواهید که دوستان شما در ایران قدرت را به دست بگیرند به چه نوعی؟ به صورت قانونی یا به صورت فشار افکار عمومی با این تظاهراتی که دارند؟

جواب: فشار افکار عمومی همان قانون است. سلطنت در ایران به آرای مردم به خیال آنها آمده است و حال آن که از اول هم نیامده بود. قانون ما این است که سلطنت باید به آرای عمومی مستقر بشود و الان آرای عمومی خلع کرده است او را بلکه مکرر اعلام خلع او را کرده. بنابر این ما همان فشار افکار عمومی که قانون واقعا همان است باید قدرت را به دست بگیریم و حکومت را مستقر کنیم.

سوال: طبیعتا در چنین شرایطی سوالات زیادی طرح می شود و از جمله آن که می گویند که شما آیت الله ها در ایران به همان اندازه که شاه ثروتمند است ثروت دارید و احيانا از کشورهای مختلف کمک می گیرید. این پشتیبانی از کشورهای مختلف از کجاست و بعضی ها هم می گویند که به قدرت رسیدن شما برگشت به دوران گذشته است.

جواب: اما قضیه ثروتمند بودن روحانیین در ایران یک مطلب بسیار کذبی است که واضح است فساد او. و اما این که از جاهای دیگر پشتیبانی می شود آن هم تکذیب می کنم و ابا از هیچ مملکتی از هیچ جایی به روحانیین ایران پشتیبانی نمی شود و کمک مالی نمی شود لکن مردم ایران علاقه دارند علاقه اسلامی دارند به روحانیین ایران و مردم ایران هر کمکی روحانیین بخواهند به آنها می دهند و احتیاج به کمک های خارجی ندارند.

سوال: قسمت دوم سوالم که مربوط به گذشته یعنی به عقب برگرداندن است.

جواب: این که گفته می شود که ما می خواهیم مملکت را به عقب برگردانیم این مطلبی بوده است که شاه برای این که دست و پا بزند و خلاص بشود از این گرفتاری که دارد منتشر کرده. ما با جمیع آثار تمدن موافقیم و مایلیم که مملکت ما مجهز بشود به جمیع آثار تمدن لکن نه به آن طور که شاه عمل کرد. شاه تمام آثار تمدن را در ایران به یک آثار فاسد کننده مفسد در آورد سینماها را محل فساد درست کرد اخلاق جوان های ما را فاسد کرد مراکز فحشا را زیاد

کرد مراکزی که جوان های ما را عادت به چیزهای باطل مثل هرئین می کند زیاد کرد و ما با اینها مخالفیم . و اما با آثار تمدن و پیشروی به هیچ وجه مخالف نیستیم با پیشروی های شاه مخالفیم که پیشروی های او ما را به عقب برگردانده و /ما/ حالا سال های طولانی باید ایران زحمت بکشد تا اینکه ایران را به حالی برساند که ترمیم بکند این فسادهایی که شاه در ایران ایجاد کرده و این خرابی هایی را که به بار آورده .

سوال : اجازه بدهید که از طرف تلویزیون فرانسه از شما تشکر بکنم که ما را این جا خواستید . آیا فکر می کنید آن روزی که از این جا بروید متأسف خواهید بود از این محل از این مکان ؟

جواب : / من / آن محل برای من هیچ مطرح نیست . من هر جا بتوانم خدمت بکنم به انسانیت خدمت بکنم به ملت خودم آن جا برای من خوب است . تا این جا بتوانم خدمت بکنم علاقه دارم که این جا باشم وقتی این جا نتوانم خدمت کنم علاقه ای به این جا ندارم به آن جا دارم که بتوانم خدمت بکنم .

ص: 177

تاریخ: 15/11/1357

## تلگرام به آیت الله شریعتمداری

حضرت آیت الله آقای شریعتمداری دامت برکاته

بسمه تعالی

مرقوم شریف در تفقد از این جانب واصل و موجب تشکر گردید . سلامت و سعادت جناب عالی را از خداوند تعالی خواستار است . امید است پس از چند روزی به زیارت حضرات آقایان نایل شوم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 178



تاریخ: 17/11/1357

## تشکر پس از بازگشت به ایران

بسمه تعالی

این جانب از کلیه کسانی که پس از بازگشت من به ایران به وسیله تلگراف نامه و مطبوعات تبریک گفته یا شکرگزاری و اظهار محبت وفاداری قدردانی و همبستگی کرده اند تشکر می کنم و پیروزی همه را در غلبه بر دشمنان اسلام و مسلمین و برقرار ساختن جمهوری اسلامی از خداوند متعال خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 179

**دیدار با نمایندگان بازارایان و کسبه**

بسم الله الرحمن الرحيم

ایشان فرمودند که پانزده سال و من عرض می کنم که پنجاه و هفت هشت سال . رنج ملت ما از زمان رضاشاه شروع شد و کسانی که آن زمان سیاه را به خاطر دارند می دانند که رضاشاه به این ملت چه کرد . رضاشاه به حسب آنچه در رادیوی دهلی بود منصوب از طرف انگلستان بود برای سرکوبی ملت ما . و بعد از رضاشاه محمدرضا از طرف قوای ثلاثه از طرف آمریکا و انگلستان و شوروی تحمیل شد بر ما چنانچه در کتاب خودش این مطلب را دارد که آنها صلاح دیدند که من باشم . البته آنها صلاح خودشان را دیدند برای اینکه نوکری بهتر از او که همه خز این ملت ما را به آنها بدهد تسلیم کند و مملکت ما را از حیث کشاورزی از حیث بازرگانی از همه چیزها عقب رانده کند و به نفع آنها بکند . البته آن ها او را مأمور کرده اند و خودش هم می گوید مأموریت برای وطنم . این مأموریت همان است . نه اینکه یک چیز دیگر بوده . و می دانید که بعد از این سال های رنج و عقده هایی که ملت ما پیدا کرد به قیام همگانی ملت آن قدرت شیطانی عظیم و آن قدرت های بالاتر از همه قدرت ها که قدرت های شیطانی است قدرت آمریکا قدرت شوروی قدرت چین انگلستان اینها همه پشتیبانی کرده اند از او لکن ملت وقتی که یک مطلبی را خواست با مشت گره کرده در مقابل همه اینها ایستاد و همه را شکست داد . و من می دانم که بازار تهران مرکز فعالیت سیاسی \_ اسلامی همیشه بوده است . بازار تهران بود که همیشه باعث می شد که کارهایی که علما پیشنهاد می کردند و یا کسانی که دلسوز به این مملکت بودند پیشنهاد می کردند به پشتوانه بازار تهران و بازرگانان تهران این امور انجام می شد . و من باید تشکر کنم از گروه اصناف و اشخاصی که بازاری هستند به هر صورتی که هستند من باید از آنها تشکر کنم که در این نهضت سهم عظیمی آنها داشتند . و اگر چنانچه بازارهای ایران نبود معلوم نبود که ما بتوانیم به مقصد برسیم . این پشتیبانی بازارهای ایران و پشتیبانی سایر اصنافی که ما داریم این اسباب این شد که الحمدلله تاکنون به این پیشرفت عظیم رسیده است ولی باز اول کار است و باید تتمه اینها هم به قبرستان ها بروند و بعد از این طرز یک حکومت اسلامی که حکومت از جانب ملت باشد که ملت تعیین کند او را مستند به ملت باشد ما در طول تاریخ ایران یک حکومت مستند به ملت نداشتیم زمان سلاطین سابق که اصل ملت ها به حساب نمی آمدند و باب باب قلدری بود .

از زمان

ص: 180

رضاشاه به این ورهم که ما اطلاع داریم و در مشاهدات ما بوده باز همین معنا بود. بنابر این یک حکومت ملی یک سلطنت ملی یک انتخابات ملی در این وطن نبوده است. از اینکه این انتخابات و مجالس مجالس ملی نبوده است و دولت های ناشی از این مجلس هم غیرقانونی است و مستند به آرای ملت نبوده است. آن شخص هم که الان به جای محمدرضا خان و به امر محمدرضاخان به مسند وزرات نشسته است ایشان هم که ادعا می کند من ملی هستم قانونی هستم نه قانونی هست و نه ملی هست. اما مدعی است برای اینکه احترام به این ملت هیچ نمی گذارد احترام به این فریادهایی که الان هم در . . . . در بین خیابان ها هست نمی گذارد. و اما قانونی نیست برای اینکه منشاش مجالسی است که آنها قانونی نیستند و خود ایشان قبل از اینکه به وزارت برسد تصدیق داشت به اینکه مجلسین قانونی نیستند حالا که به وزارت رسیده می گوید که قانونی هستند. البته اشخاصی که این طور باشند که آن که به نفع خودشان است یک جور است و آن که به نفع خودشان نیست یک . . . . اگر به نفع او شد قانونی است اگر به نفع ما شد غیرقانونی است. این مسایلی است که بازار با ما همیشه شریک بوده در این مسایل و در این پیشرفت ها. لکن آنچه باید عرض کنم رمز این تقدم و پیروزی وحدت کلمه بود اگر وحدت کلمه نبود این پیروزی حاصل نمی شد.

شما می بینید که الان از مرکز تا هر جا بروید تمام مملکت با هم یک مطلب یک شعار دارند یک شعار آن هم شعار اسلامی شعار اینکه رژیم را ما نمی خواهیم سلطنت این کشور را نمی خواهیم و حکومت اسلامی می خواهیم حکومت عدل اسلامی می خواهیم. این وحدت کلمه که در بین یک ملت حاصل شد آن وقت می فهمیم به اینکه این قدرت های بزرگ با وحدت کلمه ملت نمی توانند کاری بکنند چنانچه ما دیدیم این معنا را و من امیدوارم که این وحدت کلمه تا آخر محفوظ بماند. و عرض می کنم که الان مملکت ما حساسترین زمان تاریخ را دارد می گذراند یعنی تحول از طاغوت به حکم الله تحول از ظلم به عدل تحول از خیانت ها به امانت ها. این حساسترین وقتی است که ما الان در آن واقع هستیم و لهذا بر من که یک طلبه هستم و بر شما آقایان که بازرگانان هستید و بر علمای اعلام و بر طلاب علوم دینی و بر دانشگاهی ها بر کارگران بر اجزای ادارات بر دهقانان بر همه اینها واجب است که از این نهضت پشتیبانی کنند. که اگر چنانچه خدای نخواست از این پشتیبانی نشود تزلزلی در این پیدا بشود تا ابد ما دیگر زیر بار اینها هستیم فهمیدند اینها که آن چیزی که قدرت دارد وحدت ملت و اسلام است تحت بیرق اسلام است که این قدرت حاصل شده است و می تواند با ابرقدرت ها مقابله کند. این معنا را که فهمیدند آنها درصد بر می آیند که این قدرت را بکوبند و دنبال این هستند که علما را جدا کنند شما را از علما جدا کنند دانشگاه را از علما جدا کنند دانشگاه را از بازار جدا کنند همه اینها را با هم به هم بریزند که این وحدت کلمه از بین برود و بعد کارهای خودشان را بکنند و بعید هم ندانید که اینها همان رژیم سلطنتی را بخواهند حفظش کنند،

گرچه اینها به نظر انسان نمی رسد که یک چیز پوسیده ای را اینها بخواهند و لهذا دیدید که محمدرضا وقتی که پناه برد به این که دنبال او بود یعنی پشتیبانی از او می کرد راهش نداد در مملکت خودش . آنها این طورند که هر وقت به منفعت شان باشد یک فردی را چه می کنند . این را باید ما همه متنبه باشیم که انشاءالله از حالا همان طوری که تا حالا قدرت ها با هم بوده است پشتیبانی بوده است بازار از کارگرها کارگرها از بازار همه از علما علما از آنها پشتیبانی کردند و همه با هم صف واحد همه باهم فریاد کردند و همه با هم خواستند آن مسایل اسلامی و انسانی را از حالا به بعد هم تا آخر نهضت انشاءالله باقی باشد تا اینکه به یک ایرانی که مال خودمان باشد نه همه مخازنش را به این و آن بدهند یک ایرانی که زراعتش را خودمان بکنیم نه آنجایی که زراعتش را اسرائیل بکند و زراعتش را هم از دست ما بگیرد و تمام بشود همه چیز . من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه شما را می خواهم .

## نامه حضرت آیت الله آقای گلپایگانی

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی دامت برکاته

به عرض عالی می رساند: مرقوم محترم که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی تفقده و ابراز محبت نسبت به ورود حقیر به کشور ایران بود و اصل و موجب کمال تشکر گردید. امید است انشاءالله تعالی با حفظ وحدت کلمه عموم مسلمانان تحت رهبری آیات عظام و علمای اعلام دامت برکاتهم به پیروزی کامل نایل گردند. و در این موقع حساس و تاریخی بتوانیم تا حدودی به وظیفه خود نسبت به شریعت مقدسه انجام وظیفه کنیم. خدماتی که حضرت مستطاب عالی در طول مبارزات گذشته انجام داده اید و شداید و سختی هایی را که تحمل کرده اید فراموش نخواهد شد.

آنکه در مظان استجاب دعا این جانب را از دعای خیر فراموش نفرمایید. از خدای تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی



## فرمان به حجت الاسلام آقای شیخ عباس واعظ طبسی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای آقا شیخ عباس واعظ طبسی دامت افاضاته

پس از اهدای سلام و تحیت تا تعیین تولیت برای آستان مقدس حضرت ثامن الائمه \_ صلوات الله و سلامه علیه و علی ابائه الطاهرين \_ جناب عالی برای سرپرستی آن آستان مقدس منصوب هستید . لازم است با کمال جدیت و به طور دقیق حفاظت از متعلقات آن جا خصوصا کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر آنچه مربوط است به آن آستان مقدس بفرمایید و از حیف و میل و ضیاع اموال جلوگیری نمایید . حضرات خدام محترم با جناب عالی در این امر لازم تشریک مساعی خواهند نمود .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

## پیام به کارکنان اعتصابی صنعت نفت

بسم الله الرحمن الرحيم

به عموم کارمندان و کارگران شرکت نفت پس از تشکر فراوان از آنان که سهم مهمی در پیشرفت نهضت اسلامی داشته اند و با همت شجاعانه آنان پیروزی نصیب ملت بزرگ گردید تذکر داده می شود اکنون که بحمدالله پیروزی حاصل است ، مقتضی است اعتصاب خود را بشکنند و به سر کار خود بروند . اکنون اعتصاب برخلاف مسیر انقلاب است و شکستن آن موافق صلاح ملت است .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 186



## پیام به ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارزه ایران! با تشکر فراوان از زحمات و تلاش های خستگی ناپذیر شما در راه تحکیم حق و شکست باطل این روزها مشاهده می شود که افراد و اشخاص متفرقه به خانه های مردم هجوم برده و احیانا باعث ناراحتی خانواده ها می شوند. گرچه بسیاری از این گونه افراد به خاطر سوابق سوء خود مستحق تنبیه و مجازاتند اما برای این که افراد بی گناه خانواده ها به زحمت نیفتند لازم دانستم که از شما فرزندان عزیز بخواهم از این به بعد بدون کسب اجازه از دولت قانونی به خانه هیچ کس حمله نکنید و کسی را از پیش خود توقیف ننمایید. البته جنایتکاران و ظلمه که دستشان به خون مردم و تجاوز به حقوق ملت آلوده است نباید از کیفر معاف گردند. ولی کیفر مجرمان نباید بدون نظم و حساب و توسط افراد غیر مسوول انجام گیرد. شما مجرمان جنایتکار را شناسایی کنید و به دولت موقت انقلاب اسلامی معرفی نمایید تا با دستور دولت اقدام به بازداشت و محاکمه شود. تاکید می کنم که مطلب فوق حکم اسلامی است و تخلف جایز نیست.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

## دستور العمل در مورد فعالیت های تجاری

بسم الله الرحمن الرحيم

اینک که به خواست خداوند متعال و به همت و پیوستگی ملت شجاع و قهرمان ایران انقلاب اسلامی موفقیت های چشمگیری به دست آورد لازم دانستم از کلیه اعتصابیون محترم از روحانی دانشگاهی فرهنگی کارگر کارمندان بخش های مختلف دولتی و خصوصی دهقانان مطبوعات تجار و اصناف بازار تهران و شهرستان ها و عموم بازرگانان پیشه وران و صاحبان مشاغل - ایدهم الله تعالی - تشکر کنم .

زحمات فراوان و مشکلات زیادی که در طول این مدت تحمل کردید مورد قدردانی اینجانب است . اعتصابات طولانی و سراسری و همبستگی بی نظیر شما به دنیا ثابت نمود که حاضر نیستید زیر بار دیکتاتوری و ستم بروید و حاضر نیستید اجانب در کشور شما دخالت نمایند و برای رسیدن به آرمان های اسلامی از هیچ گونه فداکاری مضایقه ندارید . اکنون که به یاری خداوند آماده شروع به کار و شکستن اعتصابات هستید باید به تذاکرات ذیل توجه نمایید : 1 - تجار و کسبه و تولیدکنندگان باید از اجحاف و گرانفروشی و هر نوع سوءاستفاده از شرایط موجود خودداری نمایند و سعی کنند قیمت ها کاملاً عادلانه و بر وفق موازین شرعی باشد . لازم است مساوات و برابری اسلامی را کاملاً در نظر گرفته نسبت به طلب هایی که به صورت چک و یا سفته و یا هر نوع دیگر دارند مراعات لازم را بنمایند و به بدهکاران مهلت کافی بدهند و از فشار آوردن به کسبه ای که به خاطر اعتصابات طولانی متضرر شده اند خودداری کنند و به آنان مهلت داده شود که بتوانند به طوریکه فشار بر آنها وارد نشود بدهکاری های خود را بدهند . من از تجار و بازرگانان انتظار دارم این امر انسانی و اسلامی را توجه نموده و عمل نمایند .

روح الله الموسوی الخمينی



## فرمان به حجت الاسلام آقای فضل الله محلاتی

بسمه تعالی ، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی دامت افاضاته

به جناب عالی مأموریت داده می شود که به اتفاق آقایان حاج حبیب الله عسگر اولادی و حاج محسن لبانی \_ ایدهماالله \_ تعالی برای سرپرستی امور مربوط به صندوق تعاون اصناف پایتخت بروید و موجودی صندوق را تحویل گرفته و با صلاحدید آقایان محترم فوق الذکر به مصارف لازمه برسانید . ادامه توفیقات همگان را در راه خدمت به اسلام و مسلمین از خدای تعالی خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 190

## فرمان به حجت الاسلام آقای صادق خلخالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی دامت افاضاته

به جناب عالی مأموریت داده می شود تا در دادگاهی که برای محاکمه متهمین و زندانیان تشکیل می شود حضور به هم رساننده و پس از تمامیت مقدمات محاکمه با موازین شرعیه حکم شرعی صادر کنید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 191

## در جمع اعضای هیأت کویتی

### در جمع اعضای هیأت کویتی

اعوذبالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

این تحول روحی تحفه ای است که خدای تبارک و تعالی از عالم بالا برای ما به هدیه فرستاد من اول از آقایانی که زحمت کشیده اند و از کویت تشریف آورده اند اینجا برای تفقد از ملت ما و تفقد از من تشکر می کنم . خداوند سعی همه شما را مشهود گرداند .

خدای تبارک و تعالی مقدراتی دارد که ما سر او را نمی فهمیم مگر بعد از زمان ها / ما / بعد از آنکه به واسطه فشار دولت ایران و فشار محمدرضا شاه (شاه سابق) بر دولت عراق و محصور کردن آنها منزل ما را و رفت و آمدهایی که بین ما و دولت عراق شد گفتگوهایی که شد و ما به آنها اخطار کردیم که یک مساله شرعی است یک وظیفه الهی است و من نمی توانم مساله الهی و وظیفه شرعی را به قول شماها ترک کنم من این کارهایی که در اینجا انجام می دهم شما هم هر کاری دارید بکنید . آنها از ما تقاضا می کردند که چون ما تعهداتی با دولت ایران داریم و این کارهایی که شما و اصحاب شما می کنید مخالف آن تعهدات است ما نمی توانیم تحمل کنیم . من جواب دادم که من که تعهدی ندارم . شما تعهد دارید من یک تکلیف شرعی دارم عمل می کنم و به تعهد شما اعتنایی نمی کنم و هم در منابر خطابه می خوانم و هم اعلامیه صادر می کنم و هم نوار پر می کنم و می فرستم . این تکلیف من شما هم هر تکلیفی دارید عمل کنید . بعد از رفت و آمدها آن ها برادرهای من که جزء رفقای نجف بودند آنها را ترساندند و به من رسید که گفتند که ما با خودش مثلا کار نداریم لکن شماها را چه خواهیم کرد . من دیدم که خوب ممکن است که یک وقتی گزندی به این دوستان من برسد عازم حرکتی شدم و آمدم به (البته تحت مراقبت دولت عراق) آمدم به سرحد کویت و در سرحد کویت هم همان فشاری که در آنجا بر دولت عراق بود بر دولت کویت هم بود و آنها حتی اجازه اینکه ما عبور کنیم از این ور شهر به آن ور شهر هم ندادند و من گله ای از هیچ کس ندارم آنها ملتزم بودند به واسطه قراردادهایشان عمل کنند و من نه به دولت عراق نه به دولت کویت گلایه ای ندارم . لکن خدای تبارک و تعالی تقدیری فرموده بود و ما غافل بودیم .

ما بنایمان بر این بود که از کویت بعد از دو سه روزی که با آقایان ملاقات می کنیم برویم به

سوریه و آنجا که یک اقامت طولانی بکنیم . لکن خداوند تقدیر کرده بود که باید راه چیز دیگر باشد و ما نمی دانستیم که این تقدیر به کجا منتهی می شود . از آنجا برگشتیم به بصره و از آنجا هم به بغداد ما را بردند و من ملاحظه کردم که ما اگر هر جا برویم از این دول اسلامی همین مطلب است . به همین جهت تصمیم گرفتیم که بدون هیچ فکر سابق که ما می رویم به فرانسه در عین حالی که مایل نبودم از دول اسلامی خارج بشوم لکن خداوند تقدیر کرده بود که مسایل در آنجا به طور وسیع در همه جای دنیا پخش بشود و خبرنگارها از اطراف عالم هجوم کردند که گاهی روزی چندین مصاحبه می شد و خصوصا از امریکا که مصاحبه هایی با آنها شد و آنها از همان جا پخش کردند به سراسر آمریکا و به بعضی از بلاد دیگر و ما هم مسایل ایران را در آن جا روشن کردیم به طوری که بسیاری از ابهاماتی که به واسطه تبلیغات سوئی که از طرف اجانب شده بود در آنجا رفع شد .

محمدرضا از قراری که به من گفته اند سالی صد میلیون دلار برای تبلیغات گذاشته بودند و این تبلیغات دامنه دار در همه جا در همه جای دنیا بوده است بر ضد ملت و روحانیت و اینها و . . . بر خود و دارو دسته های او . و ما در این چند وقتی که در پاریس بودیم این مسائل را تقریبا حل کردیم و این مصاحبات و نوشته ها و اینها مسایل را بر مملکت های خارج ملت های خارج روشن کرد . کم کم به واسطه همین مسایل و به واسطه قدرتی که خداوند بر ملت ایران عطا فرمود که با قدرت ایمان وحدت کلمه قیام کردند و تقریبا یک سال بعد از اینکه از 15 خرداد یک قتل عام هایی شد و آنچه شد شد و ما به ترکیه و به عراق تبعید شدیم تقریبا یک قدری غفلت حاصل شد لکن عواملی پیدا شد که در یک سال از یک سال و نیم تقریبا قبل این عوامل باعث شد که ایران به حرکت آمد و دنبال این حرکت بود که ما از عراق شروع کردیم و بعد آمدیم و رفتیم فرانسه و از آنجا تعقیب کردیم . تمام مسایل که واقع شد ما مرهون منت بعد از خدای تبارک و تعالی این ملت ایران و خصوصا طبقه مستمندان نه طبقه اشراف و اعیان و بالا دست ها ما مرهون آنها هستیم . آنهایی که زن و مرد صغیر و کبیر در هر وقت که اقتضا می کرد در خیابان ها می ریختند و هیچ در مقابل مسلسل ها ابا نداشتند سینه ها را باز می کردند و می گفتند (بزن) . باید بگویم که گوشت و خون غلبه کرد بر تانک و مسلسل و این قدرت خدای تبارک و تعالی بود .

من وقتی که مطالعه از وضعیت ایران و گسترش این مساله واحد مطلب واحد که یک دولت اسلامی حق می خواهیم وقتی که من از این گسترش / این / در همه بلاد از تهران تا آخرین مرزهای ایران در هر طرف در هر ده در هر قریه من مطالعه این را می کردم امیدوار شدم که مساله یک مساله الهی است نه یک مساله بشری . بشر نمی تواند با هر چه باشد هر قدرت بیانی داشته باشد نمی تواند این طور نفوذ بکند که از این بچه ای که تازه زبان باز کرده است تا آن پیرمردی که در مریضخانه خوابیده همه یک مطلب بگویند همه فریاد بزنند در خیابان ها شب و روز فریاد بزنند که ما استقلال و

آزادی می خواهیم ، رژیم سلطنتی نمی خواهیم و جمهوری اسلامی می خواهیم . من امیدوار شدم از این گسترش که این مساله مساله الهی است و خدای تبارک و تعالی در این مساله پشتیبان است و پیروز خواهیم شد .

این معنا را من از همان اوایلی که یک قدری انقلاب زیاد شد و مردم هشیار و بیدار شدند خیلی امیدوار به آن بودم و بحمدالله شد لکن نباید کسی بگوید که من کردم . البته اشعاری که آقا خواندند از نظر شعری بسیار خوب بود لکن باید عرض بکنم که من کوچکتر از این هستم که این طور مطالب گفته بشود . این زاغه نشین ها بودند که در خیابان ها فریاد کردند و خون دادند و جوان دادند و مادرهایی که چهار تا بچه داشتند سه تا بچه هایشان رفته بود باز می گفتند که این هم اگر برود برای خداست . آن چیزی که برای من خیلی امیدوار کننده است این روح تعاون و روح انسانیت و روح اسلامیت است که در ملت ایران شکوفا شد این تحولی که در انسان ها پیدا شد از تحولی که در این رژیم پیدا شد بالاتر است .

یک روز بود که اگر یک پاسبان می آمد در بازار تهران که بزرگترین بازار ایران است و می گفت که چهارم آبان است و باید بازارها تعطیل بشوند یا بیرق بزنند احدی به خودش اجازه نمی داد که مخالفت کند در ذهنش وارد نمی شد که با پاسبان مگر می شود مخالفت کرد . خدای تبارک و تعالی در مدت کمی همچو متحول کرد این ارواح طیبه را همچو پشت و رو کرد این نفوس قدسیه را که در خیابان ها راه افتادند و فریاد کردند مرگ بر این سلطنت پهلوی جلوی مسلسل ها جلوی تانک ها می پریدند روی تانک ها و همان جا شعار می دادند . این تحول یک معجزه واضحی است که در یک مدت کوتاهی برای یک ملت در همه اقشار این تحول پیدا شد . هر جای این مملکت وقتی که می رفتی مردم مقابل قوای انتظامیه ای که مامور بودند که بکشند مردم را و درو کنند مردم را ابدا اعتنا نمی کردند و شعارهای خودشان را شعارهای اسلامی خودشان را می دادند . این تحول روحی اعجاب آور است این تحول روحی باعث شد که این پیروزی از برای ملت ما حاصل شد . دعا کنید که خداوند این تحول را در همه ملت های اسلام و مستضعفین پیش بیاورد و خدای تبارک و تعالی مقدر می فرماید که همه متحول بشویم . این تحول روحی و این انقلاب اسلامی تحفه ای که خدای تبارک و تعالی از عالم بالا برای ملت مابه هدیه فرستاد و باید شکر خدای تبارک و تعالی را بکنیم و از عهده شکر بر نمی آییم . من باید شکر این نعمت را و شکر این رحمت را و شکر این محنت ها را که ملت ایران کشیدند شکر اینها را بکنم و من از عهده بر نمی آیم . اینها بودند که همه کارها را انجام دادند و خدا بود که اینها را موید کرد و قدرت خدا و قدرت ایمان ملت که در این اواخر شکوفا پیدا کرد این قدرت بود که با دست خدا یک سلطنت 2500 ساله را از ریشه کند ، در صورتی که پشت سر او امریکا ایستاده بود شوروی هم سرا بود و چین هم بود انگلستان هم بود تمام ابرقدرت ها پشت سر او ایستاده بودند و آن هم دارای همه سلاح های مدرن بود و ملت ما دست خالی بود تفنگ هم نداشت هیچ نداشت و لکن قدرت ایمان بود قدرت خدا بود . این تعجب ندارد خدای تبارک و تعالی مقدر بفرماید که یک ملتی که



هیچ ندارد هیچ سلاحی ندارد همین سلاح ایمان دارد بر همه قدرت ها غلبه بکند .

### شاه سابق پیغام داد که مملکت را تسلیم شما می کنم و من فقط شاه باشم در صورت !!

اینها کم کم عقب نشستند ما در پاریس که بودیم رفت و آمدهای زیاد / وسایل / مخفی و بعضی وقت ها آشکار بود برای اینکه ما را وادار کند که دست برداریم می گفتند هر چه می خواهید می دهیم هر کاری بخواهید می کنیم . خود شاه شاه سابق پیغام داد که من مملکت را تسلیم شما می کنم و من همین شاه باشم در هر صورت و همه کارها در دست شما باشد و من به او اعتنا نکردم و این قدرت الهی بود که ما را کمک می کرد . رفت و باز تتمه قدرت باقی مانده بود اینها باز کوشش کردند حتی به وسیله / جمهوری فرانسه / رئیس جمهور فرانسه به من پیغام دادند که شما حالا زود است بیایید (به طور دلسوزی مثلا) از طرف آمریکا پیشنهاد کردند که حالا شما چند وقتی باید بمانید حالا زودرس است رفتن شما . از طرفی ایران باز همین معنا را گفتند بعضی افرادی که از همین طوایف بودند باز همین پیشنهاد را می کردند و همین پیشنهاد اسباب این شد که من قصد کردم بیایم هر چی می خواهد بشود بشود . من فهمیدم که این مساله یک مطلبی است آنها می خواهند من را آنجا نگه دارند و از اینجا توطئه ها را تقویت کنند به طوری که دیگر نتوانیم کاری کنیم و من اعلام کردم که خواهم رفت . آنها بستند فرودگاه ها را همه فرودگاه ها را بستند . ما صبر کردیم گفتیم که وقتی فرودگاه باز شد می رویم باز بستند . باز گفتیم وقتی باز شد می رویم خوب آنها بالاخره نمی شود تا آخر بسته باشد . ارباب کردند از این کارها . ما آمدیم و وقتی که وارد شدیم البته مرهون عواطف ملت ایران هستیم که از همه اطراف آمده بودند و البته . . . بسیاری رفته بودند به واسطه اینکه . . . لکن خود مردم تهران بودند .

و ما اینجا باز مبتلا شدیم به یک حرف هایی که بین ما و دولت . . . می کرد . ما اعتنائی نکردیم به حرف هایشان و نخست وزیری خودمان تعیین کردیم گفتیم که ما به واسطه ولایت شرعی و به واسطه اینکه ملت به ما رای داده است ما شما را نخست وزیر می کنیم / آنها هم / دولت گفت که ما این نخست وزیر را توقیف می کنیم . خوب بکنید یکی دیگر می آید . بعد باز ارباب هایی چیزهایی شروع شد که خیر ما امر کردیم که وزرا را به وزارتخانه ها راه ندهند و اتباع وزارتخانه ها هم این را قبول کردند و راه نمی دادند . آنها بعد هم (البته رفتند یا نرفتند هم باز خیلی اطلاع ندارم) حتی تعبیر رئیس دولت این بود که تا این به طور شوخی این نخست وزیری به طور شوخی است ما کاری نداریم اول گفته بود توقیف می کنیم حالا یک خرده عقب تر رفت و گفت تا شوخی است ما حرفی نداریم لکن اگر جدی بشود چه خواهیم کرد . ما کم کم گفتیم جدی بشود . امر منتهی شد به اینکه آن آدمی که می گفت که توقیف می کنیم و چه خواهیم کرد به واسطه خوی بیابانی که داشت این خوی بیابانی بود که در شاهپور بختیار بود و من هم این خوی بیابانی را می دانستم که ما با اینها دیری است که سوابق داریم و اینها در

... قدرت‌ها داشتند. امر منتهی شد به اینکه ایشان جنایاتی کرد کشتاری کرد امر به کشتاری کرد به حسب اقرار خودش که در روزنامه‌ها منعکس می‌شد که با امر من است و ارتش کاری انجام نمی‌دهد الا به امر من. بعد او فرار کرد و ما اعلام می‌کنیم که ملت ایران و همه ملت‌ها که در خارج هستند که این جانی را به ما تحویل بدهند. ایران هر جا پیدا کرد این جانی را به ما تحویل بدهد و این را اعلام خواهیم کرد و همین هم اعلام است و دوستان ما که در خارج ایران هستند به آنها هم همین سفارش را می‌کنیم که او را هر جا پیدا کردند بگیرند و به ما اطلاع بدهند تا ما بخواهیم از آن دولتی که آنجاست. و مطلب به آنجا رسید که آن آدمی که آن قدرت عظیم را داشت ما با دست خالی و آنها با همه چیز با پشتیبانی دولت‌های ابرقدرت ما با دست خالی لکن پشتیبانی خدای تبارک و تعالی بود.

### ما نمی‌توانیم خیانت‌های رژیم شاه را بشمریم

وضع این آدم به آنجا رسید که الان هیچ یک از ممالک دنیا قبولش نمی‌کنند الان همان جایی که هست همان رفیق شفیق خودش که ملک حسن باشد / در / همین دیشب یا پریشب در روزنامه دیدم که او گفته ما او را به عنوان شاهی قبول نداریم و دولت‌های دیگر هم گفتند ما او را نمی‌پذیریم اخیراً مثل اینکه امریکا گفته است می‌پذیریم. بپذیرند یا نپذیرند ما او را خواهیم آورد و خزائنی که در خارج دارد و نمی‌داند آقا چه چیزهایی اینها چپاول کردند از ما و رفتند.

الان مملکتی که در دست ماست مملکتی است که از هم ریخته است همه چیزش را اینها خراب کردند و رفتند. این نفت که باید به نفع ملت صرف بشود این نفت را با اسم اینکه ما اسلحه می‌دهیم بردند و اسلحه‌ای که دادند اسلحه‌ای بود که برای خود امریکا و پایگاه درست کردن... نه اینکه اسلحه مال ماست / اسلحه / ما نمی‌توانیم استعمال کنیم این اسلحه‌ها را این مال خود آمریکاست و در اینجا به عنوان اینکه پول نفت را ما داریم به این اسلحه می‌دهیم اینجا پایگاه درست کردند که در مقابل شوروی اگر یک وقت جنگی شد پایگاه داشته باشد. اینطور خیانت‌ها اینها کردند. شاید اکثریت ملت این مطلب را نداند خیال کند که اینها اسلحه دادند منتها اسلحه به درد ما نمی‌خورد. البته آن هم خیانت بود که نفت را بدهند اسلحه بخرند اسلحه‌ای که به درد ما نمی‌خورد... لکن مساله این بود که هم عوض را آنها بردند هم معوض را هر دو توی جیب آنها بود. اینکه باید در اینجا اگر بخواهد پایگاه درست کند و برخلاف همه موازین دنیا بخواهد پایگاه درست کند باید میلیون‌ها بلیون دلار به ما بدهد تا اجازه بدهیم که در اینجا یک پایگاه درست کند او نفت ما را برد و پایگاه درست کرد / ملت ما این طور / خیانت‌های اینها این طور بود ما نمی‌توانیم خیانت‌های اینها را بشمریم. خدای تبارک و تعالی احاطه دارد و بعدها هم کم‌کم اشخاصی که مطلع بر این مسایل هستند و بر همه مسایل هم مطلع نیستند بعدها هم کم‌کم کشف خواهد شد. در هر صورت تا اینجا رسیده است و الان پریشانی زیادی

در این مملکت به واسطه خیانت هایی که اینها کردند هست . ارتش ما را این را ارتش غیر ملی و متکی بر غیر تربیت کردند و اقتصاد ما را بکلی شکست دادند و ما الان در همه چیز محتاج به اینکه /از اینکه /از خارج بیاوریم . در صورتی که مملکت ما اگر یک استانش درست کشت می شد برای همه ما کفایت می کرد ما صادر کننده بودیم و امروز همه چیزها را احتیاج به خارج داریم دآمداری ما را از بین بردند . مراتع ما را مراتع بسیار غنی ما را که /در/ وقتی آمده بودند از طرف ملکه انگلستان (این طور که نقل کردند) برای مطالعه آن چیزی آن مراتعی که بنا بود به او بدهد گفته بودند غنی ترین مراتع دنیاست برای دآمداری این را دادند به دیگران . مراتع ما را ملی کردند یعنی از دست ملت گرفتند و دادند به اجانب جنگل های ما را ملی کردند و آنها را دادند به اجانب .

اگر کسی بخواهد آن جنایات و خیاناتی که این سلسله کردند و خصوصاً این دومی این جنایات و خیاناتی که این شخص بر ملت ما کرد بخواهد بنویسد و بگوید طولانی خواهد بود و من امیدوارم که مطلعین آنهایی که اطلاع بر این مسایل دارند و کسی نداریم که به همه مسایل مطلع باشد آن مقداری که مطلع هستند امیدوارم که بنویسند و بگویند تا دنیا بداند ما چه ابتلایی داشتیم و الحمدلله امروز دست آنها و دست ارباب هایشان کوتاه شده است و امیدها هم باید بریده شود . نباید خیال کنند که اگر چنانچه یک قدری سستی پیدا شد ما باز خواهیم آمد . خیر در ایران دیگر سستی پیدا نمی شود و ملت ما بیدار است و هشیار است و هشیار شد . بچه های کوچک ما هم الان بیدار شده اند و یک همچو ملتی را اگر چنانچه اتکا به خدا بکنند کسی نمی تواند شکست بدهد چنانچه نتوانستند .

### **اتکال به خدا بکنید تا جبرئیل امین با شما همراه باشد**

و من از ملت خودم و از همه شما و از همه ملت های مسلم می خواهم که اتکال به خدا بکنید در همه کارها اتکال به خدا بکنید قدرت ها در مقابل قدرت خدا هیچ است قوه ها در مقابل قوه الهی نابود است . اتکال به خدا بکنید غلبه به هر چیزی می کنید . پیغمبر اسلام با آنکه یک نفر بود در مقابل همه دشمن ها با اتکال به خدا غلبه کرد بر همه و وقتی وارد مکه شد (مکه ای که او را آنقدر زجر داده بودند) وارد مکه شد پیروزمندانه با فتح با نصر وارد شد و دنیا را روشن کرد . نهضت رسول اکرم نهضت انسانی بود نهضت الهی بود مثل قدرت های دیگر نبود که شیطانی است برای منافع شخصی یا برای دولتمداری قیام کردند و آدمکشی می کنند . خیر یک قدرت الهی دنبال این بود تعلیمات الهی بود که ملت هایی که به سنگ پرستی و بت پرستی و آتش پرستی و بدتر از اینها مبتلا بودند اینها را موحد کرد و نور توحید و پرچم توحید را بر همه ممالک اسلام سایه افکن کرد . برای اینکه اتکال به خدا بود جبرئیل امین پشت سرش بود . شما هم اتکال به خدا کنید تا جبرئیل امین پشت سر شما با شما همراه باشد فرشتگان با شما همراه باشند . من امیدوارم که همه ملت های اسلام که به واسطه تبلیغاتی

که فعالیت هایی که از اجانب شد و اینها را از هم متفرق کردند و مقابل هم قرار دادند بیدار بشوند و همه با هم بشوند یک دولت بزرگ اسلامی یک دولت زیر پرچم لااله الاالله تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه بکند . خداوند همه شما را تایید کند موفق باشید مویذ باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 198

بسته

جناب بسته بقره و سلمه به عرض ما مقدم در دست افشانه  
 جناب عالی ما صورت دلیله شود که به اتفاق نمایان مجریه تمام زلمه و جناب حسین  
 دست تا میدانه به عزیزه کیش برود در لاک اختصاصی و ساختانه و سایر امور  
 ست و صنوع و غایب است و دیگر فاندین آنها را صورت بردار کرده و نگهداری  
 کنید تا بعداً بعد از مدینه و شروع برسد از قدر امانت در دست جناب عالی  
 در میان مهم را احتیاط و ضمن آنکه اکنون در حساب انجام دلیله امر مورد نیاز  
 بعین آن که موفق باشید در اسلام و ختم آن تاریخ ختم بر سر است  
 ۹۹



## فرمان به ثقه الاسلام آقای مقدم

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقه الاسلام آقای آقا شیخ علی مقدم دامت افاضاته به جناب عالی ماموریت داده می شود که به اتفاق آقایان محمد علی نظام زاده و جناب آقای حسین رضوانی دامت تایید اتهما \_ به جزیره کیش بروید و املاک اختصاصی و ساختمان ها و سایر اموال شاه مخلوع و غاصب سابق و دیگر خاندان آنها را صورت برداری کرده و نگهداری کنید تا بعدا به مصارف لازمه و مشروعه برسد .

از خدای تعالی دوام توفیقات جناب عالی و آقایان محترم را خواستارم . و ضمنا آنچه تاکنون در این باب انجام داده اید مورد رضایت بوده . انشاءالله موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 200

## پیام به دانشجویان مقیم خارج از کشور

بسمه تعالی

بدین وسیله از عموم آقایان محترم و دانشجویان عزیز مقیم خارج از کشور که در دولت جابر سابق در حفظ اسناد سفارتخانه ها کوشش داشته اند تشکر می کنم . اکنون با روی کار آمدن دولت موقت اسلامی جناب آقای بازرگان لازم است انتصاب سفیران و اعضای دیگر سفارتخانه ها با نظر وزارت امور خارجه همین دولت اسلامی صورت گیرد و آقایان محترم از آنها پشتیبانی کنند و چنانچه احیانا اشتباهی در انتصاب ها صورت گرفت می توانند برای رفع آن با این جانب یا با وزیر امور خارجه تماس برقرار کنند . از خدای تعالی توفیق همگان را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 201

۲/۱۲/۱۳۵۷

تله

جانبی علاج عمده در حقایق این است که در

جانبی به این طریق است که در

نمونه دارم که آنچه از دارایی دستورات و در

و تاسیسات و در این بنام بر بریزد این سید همه دار

خبر گرفته و حفاظت کنید و آنچه را که است فریضه و

تدر در آرد و در حقیقت بنام سه نفر در این سید تا بعداً

در مورد این تقسیم نماید و در



تاریخ: 15/12/1357

## فرمان به آقای حاج طرخانی

بسمه تعالی

جناب آقای حاج علی حاج طرخانی ایده الله تعالی جناب عالی به اتفاق آقایان حاج اسدالله عسکر اولادی و حاج حبیب الله شفیق ماموریت دارید که آنچه از دارایی و مستغلات و زمین های کشاورزی و تاسیسات دامداری به نام هژبر یزدانی می باشد همه را در اختیار گرفته و حفاظت کنید . و آنچه را ممکن است فروخته و به صورت نقد در آورید و در حسابی به نام سه نفری واریز نموده تا بعدا در مورد آن تصمیمی اتخاذ شود .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 203

تاریخ : 19/12/1357

## تلگراف تسلیت به حجت الاسلام و المسلمین آقای طالقانی

حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای طالقانی دامت افاضاته

پس از اهدای تحیت از مصیبت وارده به جناب عالی متأسفم . سلامت جناب عالی و غفران مرحومه محترمه را از خداوند متعال خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 204

### فرمان انتصاب حجت الاسلام آقای انواری به امامت مسجد جامع نارمک

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محی الدین انواری دامت برکاته همان طوری که اهالی محترم نارمک طی طومار ارسالی درخواست نموده اند جناب عالی برای اقامه جماعت و نشر احکام مقدسه و انجام امور تبلیغی در مسجد جامع نارمک بدان جا بروید . امید است اهالی محترم نیز با شما همکاری نموده وظایف مذهبی و تبلیغی را به نحو احسن انجام دهید . از خدای تعالی عظمت اسلام و مسلمین و توفیقات همگان را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 205

## پیام به مسلمانان ترکیه

شما به همه سلام برسانید بگویید که کار خودتان را تعقیب کنید دلسرد نشوید . در اینجا هیچ نداشتیم اینها همه چیز داشتند ما به اینها غلبه کردیم . آنجا هستید مأیوس نشوید اتکا به خدا بکنید . و اتکا به ایمان بکنید . وحدت کلمه پیدا بکنید . جناح هایی را که نزدیک به شماست به خودتان متصل کنید . خداوند انشاءالله کارها را انجام می دهد .

والسلام

ص: 206

تاریخ : 28/12/1357

نامه به خانواده شهید رحمانپور

بسمه تعالی

بانوی محترمه خاتون

من شریک در مصیبت شما هستم . از خداوند تعالی خواهانم که شهید شما را با شهدای کربلا محشور کند و به شما اجر و صبر عنایت فرماید .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 207

## انتصاب حجت الاسلام آقای محمد حسینی کاشانی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای سید محمد حسینی کاشانی دامت افاضاته

بدین وسیله جناب عالی به سمت قاضی شرع در دادگاه انقلاب اسلامی شهر کازرون منصوب می شوید که در دادگاه حضور به هم رسانیده و به پرونده ها رسیدگی نموده و احکام شرعیه را اجرا نمایید . و چنانچه افرادی مستوجب عفو مورخ نیمه شعبان می باشند آزاد نمایید . موفقیت جناب عالی را از خدای تعالی خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 208

## دیدار با گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی قم

بسم الله الرحمن الرحيم

امید است که شما پاسداران انقلاب و سربازان امام زمان سلام الله علیه باشید و برای اسلام و اعتلای قرآن زحمت بکشید . تاکنون به مرحله ای رسیده ایم که هنوز پیروزی کامل نیست و امیدوارم که این پیروزی را با همت شما به آخر برسانیم و از شما برای اسلام و قدرت اسلام و قرآن همراهی می خواهیم .

برادران من ! توجه داشته باشید ما هنوز پیروز حقیقی نشده ایم گمان پیروزی نبرید که سستی می آورد . وقتی گمان کردید که پیروز شده اید رها می کنید و هر کدام به کار خود مشغول می شوید . پیروزی باز حاصل نیست و دشمنان اسلام و کشور در کمین اند و اختلاف ایجاد می کنند و توطئه دارند . همین امشب هم در روزنامه دیدم که ساواکی ها توطئه کرده بودند و می خواستند در ایام عید فساد ایجاد کنند . شما خودتان را پیروز مطلق ندانید پیروزی وقتی حاصل می شود که این ریشه های گندیده هم از زیر زمین بیرون بیاید و این توطئه ها خنثی شود و آن با همت شما جوان ها جوان هایی که تاکنون برای اسلام و قرآن شریف زحمت کشیده اند و پیش خدای تبارک و تعالی رو سفید هستید میسر است .

از این به بعد انشاءالله همه با هم مجتمع همه رای واحد همه با قدرت واحد اگر همه با هم باشید این بار را به آخر خواهید رسانید و اگر خدای نخواستہ اختلافی بین قشرها پیدا بشود من ترس این را دارم که باز مسایل قبل اعاده شود . باید این رمز پیروزی را که وحدت کلمه و اتکای به قرآن مجید است حفظ کنیم و همه با هم به پیش برویم و حکومت جمهوری اسلامی را در ایران مستقر کنیم و همه رای به جمهوری اسلامی بدهیم . از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت شما و ملت ایران را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## پیام به پاسداران انقلاب

### سربازان و پاسداران فداکار اسلام ایدهم الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

سربازان و پاسداران فداکار اسلام ایدهم الله تعالی

در این سال نواز شما جوانان دلیر و غیوری که کابوس استعمار را به زانو در آوردید تقدیر می کنم از شما رزمندگان عزیز که نهال آزادی را در این مرزوبوم بارور کردید تشکر می کنم . موفقیت بیش از پیش شما را در راه رسیدن به پیروزی نهایی از خدای تعالی خواستارم . در این موقع حساس که باقیمانده دشمنان شکست خورده ما در کمین هستند اتحاد و برادری خود را حفظ کنید و از راه تفرقه و اختلاف مجال فعالیت مجدد را به دست دشمن ندهید . من از دعای خیر به شما عزیزان غافل نیستم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 210



## در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله تعالی موفق باشید و جزء پاسداران اسلام باشید و ما همه جزء خدمتگزاران اسلام هستیم . خداوند شما پاسداران را حفظ کند برای ما . خداوند عزیز ما را برای خودمان حفظ کند . انشاء الله تعالی شماها به سعادت برسید .

ما تا حالا بعضی از راه را رفتیم و بسیار مشکلات باقی مانده است . شما خودتان را پیروز حساب نکنید که کسانی که خود را پیروز حساب می کنند سستی می کنند . ما نیمه راه هستیم و دشمن در کمین ماست باید وحدت خودمان را حفظ کنیم باید با هم همین طور که تا اینجا آمده ایم تا آخر برویم . این نهضت را نگذارید سرد بشود نگذارید سست بشود . سستی و سردی در امروز احتمال این را دارد که ما را به شکست ببرد و اگر خدای نخواستہ شکستی برای ملت حاصل بشود به نابودی اسلام تمام می شود . همه با هم باشید همه با هم دوست باشید همه مان با هم جمهوری اسلامی را می خواهیم .

من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه شما را و ملت ایران و همه ملت‌های مسلم را خواهانم . سلام بر شما و درود بر شما و همه جوانان ملت .

## نامه به حضرت آیت الله آقای سید علی خامنه ای

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای سید علی آقا خامنه ای دامت افاضاته

در طول پنجاه سال رژیم سفاک پهلوی همیشه برادران و خواهران منطقه سیستان و بلوچستان مورد ظلم و جور بوده اند لذا جناب عالی به آن منطقه رفته و به خواست های اهالی محترم آن مناطق رسیدگی نمایید و انتظارات مردم دلیر آن دیار را برای این جانب و اولیای امور گزارش دهید .

خداوند به شما و اهالی شجاع آن مناطق توفیق عنایت فرماید . ضمناً انقلاب اسلامی ایران را که به خواست های آنان جواب مثبت داده است توضیح داده و آنان را به شرکت در فراندم تشویق نمایید .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 212



## فرمان به حجت الاسلام آقای مشکینی جهت رسیدگی به اوضاع محلی شهر اردبیل

بسمه تعالی

خدمت جناب حجت الاسلام آقای حاج میرزا علی مشکینی دامت افاضاته

مقتضی است جناب عالی برای سرکشی کارهای کمیته ها و رسیدگی به اوضاع محلی به شهر اردبیل بروید و ضمن سرو سامان دادن به اوضاع مردم را به اتحاد و یگانگی دعوت نموده و از تفرقه و اختلاف برحذر دارید . ضمناً چنانچه قبل از جناب عالی هم آقایانی بدانجا رفته اند که از طرف این جانب نوشته داشته اند نمایندگی ایشان مانع ماموریت جناب عالی نخواهد بود و شما طبق همین دستور به وظیفه خود عمل نمایید . از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 214

## پاسخ به نامه حجت الاسلام آقای کرمی

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد کرمی دامت افاضاته

مرقوم محترم واصل و از مضمون آن اطلاع حاصل گردید . سوابق علمی جناب عالی در حوزه مقدسه قم و همچنین خدمات دینی که پس از مهاجرت به خوزستان انجام داده اید معلوم و روشن است . از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را خواستارم .

ضمن مراتب تشکر و سلام این جانب را به عموم عشایر محترم خوزستان و روسای ایشان که از دولت موقت جناب آقای مهدی بازرگان و همچنین از جمهوری اسلامی پشتیبانی کرده اند ابلاغ نمایم و در باره مشکلات منطقه و ظلم هایی که در طول حکومت خاندان ننگین پهلوی به اهالی محترم و شریف آن منطقه شده است پیوسته مورد نظر این جانب بوده و مرا متاثر ساخته و امید است ان شاءالله تعالی تدریجا با استقرار کامل حکومت و تشکیل جمهوری اسلامی همه اینها مرتفع گردد .

آنچه مورد اهمیت است و جنابعالی نیز مطمئنا متذکر آن هستید حفظ وحدت و اتفاق کلمه و پرهیز نمودن از اختلاف و تفرقه است . زیرا همان اتحاد و همبستگی سبب پیروزی ما تا به امروز بوده و انشاءالله با هشیاری کامل آن را حفظ خواهیم کرد . از خداوند متعالی عظمت اسلام و مسلمین و توفیق عموم آقایان محترم را خواستارم .

ص: 215

بسم الله

جناب محمد بن مسلم هجرتی محرم زدی در این وقت  
 بدین است جناب را بر تنظیم امور دارش در وقت این که در فساد  
 سافرتی بهر کس است، فرمان شهر، اسلام آباد، سلام  
 و دیگر شهرها که سافرتی بهر این راه در این وقت  
 داریم بر روی قنق و این وقت محوله مردم را به کار و کسب  
 دعوت نموده از خستندگی و تنگدستی بر حذر داریم و نسبت  
 خطیر که در این وقت حاضر دارند آسان سازید از خداوند  
 عنایت اسلام و همین در وقت این که در این وقت  
 روح پرور

## فرمان به حجت الاسلام آقای محمد یزدی

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد یزدی دامت افاضاته لازم است جناب عالی برای تنظیم امور و ارشاد و نصیحت اهالی و قضاوت شرعیه مسافرتی به شهرهای سقز قهرمان شهر اسلام آباد ایلام و دیگر شهرهایی که مسافرت بدان ها را در استان های غرب لازم تشخیص دادید بروید و ضمن انجام وظایف محوله مردم را به اتحاد و یگانگی دعوت نموده از اختلاف و تفرقه برحذر دارید و نسبت به وظیفه خطیری که در این موقع حساس دارند آشنا سازید . از خدای تعالی عظمت اسلام و مسلمین و موفقیت همگان را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 217

## در دیدار با برادران مسلمان کشور صحرا

اینهایی که شما گفتید همه جرم های شاه است شاه این جرم ها را در ایران بیشتر از آنجا داشته است . در اینجا تمام اسلحه هایی که از پول خود این مردم و تانک و توپ هایی که از پول خود همین مردم تهیه کرده بود خودشان را به قتل رساند . ما جرایم او را می دانیم و این را هم که شما می گوئید جرایم حکومت اوست و الان حکومت حکومت او نیست که شما می گوئید . و این تخریبی هم که می گوئید اگر سابقا بوده البته با دست شاه بوده است و ما این جرایم را می دانیم و می دانیم که در خود ایران بیشتر از آنجا این جرایم جاری بوده است . بحمدالله دست او کوتاه شد و ملت ما پیروز شدند و الان گرفتاری ملت ما زیاد است و ما هم با همه مستضعفین که در عالم هستند مصاحب هستیم و تمام مستکبرین را محکوم می کنیم . و ما اگر چنانچه قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد . و من امیدوارم که این نهضت اسلامی ایران برای همه مستضعفین سرمشق باشد که پیروزی را به دست بیاورند . و این رمزی که در ایران باعث پیروزی شد عبارت از وحدت کلمه و اتکال به خدای تبارک و تعالی بود در همه ملت ها پیدا بشود و آنجا هم پیروز بشوند .

من از شما تشکر می کنم که به اینجا آمدید استفسار از حال ملت ما و ما می کنید و من همیشه دعا می کنم برای همه مسلمین بلکه همه مستضعفین من امیدوارم که شما هر جا که باشید کشور شما در رفاه باشد و آنها که ظلم می کنند از بین بروند . ما دعا می کنیم و امیدواریم که خداوند شما را تایید بکند و خدا نصرت عنایت بفرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## در جمع گروهی از بانوان

بسم الله الرحمن الرحيم

شما بانوان محترم دوشیزگان عزیز خوش آمدید . شما بانوان در اینجا ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشتید . شما سهم بزرگی در نهضت اسلامی ما دارید . شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید . از شماست که مردان و زنان بزرگ تربیت می شود . در دامن شما مردان و بانوان بزرگ تربیت می شود . شماها عزیز ملت هستید پشتوانه ملت هستید . شماها در تحصیل کوشش کنید که برای فضایل اخلاقی فضایل اعمالی مجهز شوید . شما برای آتیه مملکت ما جوانان نیرومند تربیت کنید . دامن شما یک مدرسه ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت بشود . شما فضایل تحصیل کنید تا کودکان شما در دامن شما به فضیلت برسند .

من از خدای بزرگ سلامت و سعادت شما را خواهانم و امیدوارم که دوشادوش مردان در قضیه مجلس موسسان و مجلس شورای ملی رای بدهید تا اینکه جمهوری اسلامی و قانون جمهوری اسلامی و مجلس شورای جمهوری اسلامی تاسیس و ما به آنچه که خواهان آن هستیم برسیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 26/1/1358

## تلگرام به حجت الاسلام آقای جواد غروی

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ جواد غروی علیاری دامت افاضاته

تلگراف تبریک جناب عالی در مورد پیروزی جمهوری اسلامی واصل و موجب تشکر گردید . از خدای تعالی موفقیت آن جناب را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 220

بسم الله

جانیب بسمہ وسلم و مسلمین صلی علیہم و آلہم و سلم  
 در سبب جناب لای باہک اور ولک جناب بسمہ وسلم  
 سید عبد خدیو دین جفاہ در لہذاں نیت خود بہ کار بکتہ  
 رسیدگی تعقیب کنند نسبت سبکداری مال کہ دارانہ از نام نموند  
 خدا تا ترا بہ تمام دین و جان و دولت نموند از خدای و توفیق  
 در این در تمام لاری با علی و سلم صمدی و تمام نیت  
 دینک و آسایش بپوشید از خداوند تعالی اورا در حق تعالی  
 چون تمام اسلام علیکم و السلام و علیکم و السلام

## فرمان به ثقة الاسلام آقای صادق احسان بخش

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق احسان بخش دامت افاضاته

لازم است جنابعالی با همکاری و کمک جناب مستطاب ثقه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبداللہ ضیائی دامت افاضاته در شهرستان رشت و حومه به کار کمیته ها رسیدگی و تصفیه کنید و نسبت به مشکلات مالی که دارند اقدام نموده ضمناً آنان را به اتحاد و یگانگی دعوت نموده از اختلاف و تفرقه برحذر دارید . و در تمام کارها با علمای اعلام محل دامت افاضاتهم مشورت و همکاری داشته باشید . از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة اللہ

روح اللہ الموسوی الخمینی

ص: 222

## در دیدار با دانشجویان مدرسه عالی شمیران

بسم الله الرحمن الرحيم

سلامت و سعادت ملت ایران و شما حاضرین در این مجمع را و کسانی که از شمیران قدم رنجه کردند خواستارم . خداوند به همه شما توفیق و سلامت عنایت فرماید . شما تمام قشرها در این پیروزی اسلام سهیم هستید و خداوند به همه شما اجر عنایت می فرماید . لکن باید بدانید که ما باز مراحلی در پیش داریم و باید به آن مراحل برسیم . و جمهوری اسلامی با محتوای واقعی خودش در ایران پیاده شود .

الان گرچه اصل جمهوری تشکیل شده و الان رژیم ما رژیم جمهوری اسلامی است لکن به واسطه اینکه باز محتاج به یک فعالیت ها و محتاج به یک بررسی هایی است که محتوای اسلام و جمهوری اسلامی و احکام اسلام در ایران بلکه ان شاءالله در سایرکشورهای اسلامی پیاده شود . ما محتاج به شما هستیم محتاج به ملت محترم ایران هستیم محتاج به بانوان و مردان ایران هستیم . همه با هم باید تشریک مساعی کنیم تا محتوای حقیقی احکام اسلام جریان پیدا کند .

و من از خدای تبارک و تعالی تقاضا دارم که به شما و همه ملت ایران و همه ملت اسلام توفیق خدمت در راه اسلام و در راه کشورهای اسلامی عنایت فرماید . انشاءالله سلامت و سعادت در خور ملت ما باشد و همه سالم و سعادت مند باشند .

والسلام علیکم ورحمة الله

## در دیدار با کارگران چیت سازی تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام برای همه اقشار و برای همه بندگان خدا برای همه مستضعفین ارزش قایل است . برای همه کارگران و قشر کشاورزان ارزش بیشتر قایل است . کارگران و کشاورزان از اقشار با ارزش است که اسلام به آنها توجه دارد . اینها که می خواهند بین کارگر و کشاورز تفرقه بیندازند مفسدین فی الارض هستند . اینها کشاورزی را نمی خواهند تحقق پیدا کند و کارخانه ها را نمی خواهند راه بیفتد برای اینکه اگر اینها راه بیفتد مملکت آرامش پیدا کند و دست خائنین کوتاه می شود .

بیدار باشید برادران کارگر که اسلام در خدمت شماست نه اینها . اینها مخالفند اینها می خواهند با آشوب هایی که به پا می کنند و هر روز به بهانه ای در بین اقشار می افتند و آشوب می کنند می خواهند آرامش را از مملکت سلب کنند تا دست دیگران را باز کنند . اینها را در کارخانه های خود راه ندهید که چون موریانه اند و کارخانه های شما را از بین می برند . خداوند کید خائنین را فلج کند . خداوند این دست خائنین را قطع کند . خداوند ملت مسلم را با اتحاد به پیش ببرد .

**پیام رادیو تلویزیونی به مناسبت روز جهانی کارگر**

بسم الله الرحمن الرحيم

اختصاص یک روز به کارگران شاید به لحاظ تشریفات و تعظیم باشد والا هر روز روز کارگری است و کارگران است بلکه عالم از کار و کارگر تشکیل شده است. اینکه ما یک روز اختصاص بدهیم به کارگر مثل این است که یک روز را اختصاص بدهیم به نور یک روز را اختصاص بدهیم به خورشید. هر روز نور هست و روز نور است هر روز روز خورشید است لکن شاید این برای یک تشریفاتی و تعظیمی باشد از این جهت مضایقه نیست لکن اگر واقع بینی باشد کار و کارگر در تمام عوالم ماقبل طبیعت و عالم طبیعت و عوالم مابعدالطبیعه کار و کارگر همه جا است و تمام موجودات عالم چه موجودات قبل از طبیعت باشد و چه موجودات طبیعی باشد و چه موجودات بعد از طبیعت همه از کارگر پیدا شده است و کار نظیر وجود است که در همه شئون عالم دخالت دارد.

عالم موجود شده است از فعالیت خدا اجزای عالم موجود شده است از فعالیت هایی که بعضی موجودات دارند. هیچ موجودی را شما نمی توانید سراغ کنید الا اینکه کارگر و کار در او موجود است و خودش کار است. کارگرها هم کارند از کار پیدا شده اند.

ذرات موجودات در عالم در عالم طبیعت فعال هستند برای ایجاد همه موجوداتی که در این عالم است حتی جمادات حتی اشجار همه زنده اند همه کارگرند. کار احاطه دارد بر همه عوالم. از اول با کار عالم موجود شده است و کارگر مبدا همه موجودات است. حق تعالی مبدا کارگری است و کارگر است فعال است. موجودات عالم غیب با فعالیت غیبی تحقق پیدا کرده اند کارگرند. موجودات عالم طبیعت هر جا که شما ملاحظه کنید هر قشری از اقشار را که ملاحظه کنید چه موجوداتی که به نظر ما در پست ترین مراتب وجودند مثل معادن و زمین ها و جمادات و چه آنهایی که بعد از این مرتبه موجودند مثل نباتات اشجار و چه آنهایی که بعد از اینها موجودند مثل حیوانات و چه آن که مافوق اینهاست مثل انسان همه جلوه کارند و همه کارگر کارگرها اینها را درست کرده اند. کارگری بر همه موجودات احاطه دارد. در عالم مابعدالطبیعه /در/ جنت و نار هم از کار و کارگری پیدا شده است. بهشت و دوزخ از کار انسان پیدا شده است. در کار انسان است که یا عمل صالح است یا کار خوب است که مبدا تحقق بهشت است یا اعمال غیر صالح و فاسد است که مبدا دوزخ است. نباید ما

اختصاص بدیم یک روزی را به کارگر به اعتبار اینکه این روز حظ کارگر همین روز است . بله مانع ندارد که یک روزی را ما انتخاب کنیم برای کارگر که بفهمانیم به عالم که کار و کارگری است که همه چیز از اوست . کار مثل جلوه حق تعالی می ماند که در تمام موجودات سرایت کرده است . همه موجودات کار در آنها هست و با کار درست شده اند . همه ذرات وجود کارگرند حتی ذرات اتمی که در این عالم طبیعت هست اینها کارگر هستند با هشیاری همه ذرات عالم فعالند و هشیارند لکن ما گمان می کنیم که هشیار نیستند (و ان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم ) همه مسیح حقند همه کارگران حق هستند همه مطیع حق تعالی هستند و کار در همه جا هست و عالم سرتاسر روز کارگر است نه یک روز کارگری است سرتاسر عالم روز کارگر است سرتاسر عالم کارگر است و سرتاسر عالم کار است یعنی ذرات وجودی که انسان را و دیگر حیوانات را به اراده الله تعالی موجود می کنند کارگرند و انسان کار است اثر کار آنهاست . تمام این موجوداتی که در عالم ملاحظه می کنید اثر کار فعالانه جنود الهی است . جندالله همه کارگر هستند . خدای تبارک و تعالی مبدا کار است .

ما این روز را بزرگ می شماریم از برای اینکه قرار داده اند این روز را برای کارگر کارگر در اسلام وقتی که در محیط محدودتری ملاحظه کنیم یعنی در این موجود پایین در این زمین در این ستاره کوچک که در مقابل عالم قدر محسوسی ندارد در مقابل عالم ماده قدر محسوسی ندارد یعنی عالم ماده پهناور است به قدری که تاکنون آنچه بشر فهمیده است و کم فهمیده است آن طور که گفته می شود بعضی ستاره ها هست که نور آن به ما با شش بیلیون یعنی شش میلیارد سال نور به ما می رسد نورش و این آن چیزی است که تاکنون گفته می شود کشف شده است و آن طرف را و مابعد او را خدای تبارک و تعالی می داند . این زمین در مقابل یک همچو سطح بزرگ یک چیز ناچیزی است بلکه خورشید ما و تمام عائله خورشید ما در مقابل عالم ذره غیر محسوسی است و تمام عالم در مقابل عالم ماورالطبیعه ذره غیر محسوسی است . تمام عالم ماده مثل یک نقطه می ماند در مقابل عالم ماوراطبیعت و تمام عالم ماوراطبیعت چه ما قبل الطبیعه و چه مابعدالطبیعه در مقابل اراده الله قدر محسوسی ندارد .

الان که ما بحث داریم راجع به این ستاره کوچک و راجع به این ستاره ای که اصلاً قدر محسوسی در عالم ندارد و بحث داریم و راجع به کارگر به آن طوریکه دیگران فهمیده اند صحبت داریم لابد باید افق بحث را کوتاه کرد و نزدیک به فهم کرد . این کارگرهای ما اشخاصی هستند که مدیر جامعه انسانیت هستند . اداره امور مملکت ها اداره امور کشورها به دست اینهاست به دست کشاورزان به دست کارگران کارخانه ها و دهقانان و کشاورزان اینها هستند که اداره می کنند مملکت ها را اداره می کنند کشورها را و از این جهت مدیر این عالم عالم طبیعت یعنی در این نجمه کوچک در این زمین که یک ستاره کوچک است اداره امور این زمین به دست کارگران است و دست اینهاست که اداره می کند و زنده می کند این عالم را زنده می کند کشور را . بنابراین اینها



عهده دار امر بزرگی هستند احترام زیاد دارند لکن مسوولیت زیاد . هر کس بیشتر در عالم احترام دارد پیش خدای تبارک و تعالی احترام دارد و بیشتر منشا اثر است مسوولیت او بیشتر است . کارگران ما چه طبقه دهقان و چه طبقه کارگران سایر کارخانه ها و سایر جاها تمام اعمالی که تمام چیزهایی که در کشور هست برکاتی که در کشور هست مرهون وجود آنهاست و لهذا آنها بر همه مقدمند . لکن چیزهایی که به عهده آنهاست مسوولیت هایی که به عهده آنهاست از همه مسوولیت ها بالاتر است . اگر کشوری رو به رشد برود با دسخت شما کارگران عزیز رو به رشد می رود و اگر کشوری رو به انحطاط برود باز هم با شماست که رو به انحطاط می رود . با کار نکردن یا کم کار کردن یا علاقه به کار نداشتن است که رو به انحطاط می رود . کشور امروز از شماست از کارگران است کشور مال شماست /کشور/ دیگر اجانب در آن دخالت ندارند دیگر اختناق ها نیست دیگر فشارها نیست دیگر چپاولی ها نیست . امروز کشور مال شماست و شما مسوولیت آن را مستقیم دارید . اگر چنانچه در این مسوولیت کوشش نکنید اگر چنانچه در این امری که به عهده شماست کوشش نکنید و آن دینی که بر کشور خودتان بر اسلام دارید ادا نکنید شما مسوول هستید . و اگر چنانچه کوشش کنید و چرخ های مملکت را به راه بیندازید شما پیش خدای تبارک و تعالی بسیار ارجمند هستید اسلام برای شما ارج زیاد قایل است اسلام شما را خزان زمین می داند شما خزان دار زمین هستید که زمین را شما باید آباد کنید و از شماست که آباد کنید و برای خود شماست که آباد کنید . باید این مسوولیت را آن طور که می دانید آن طور که می خواهید این مسوولیت را به عهده بگیرید و گوش به حرف کسانی که می خواهند نگذارند که این چرخ ها به راه بیفتند ندهید . آنها به شما علاقه ندارند . اسلام عزیز است که برای شما ارج قایل است و برای شما حق قایل است و حقوق شما را به شما رد خواهد کرد . بگذارید اسلام تحقق پیدا بکند . بگذارید ریشه های گندیده استبداد و استعمار فرو بریزد کنده بشود بگذارید اشخاصی که می خواهند برای دیگران کار بکنند فلج بشوند . شما برادران ما هستید شما عزیزان ما هستید شما باید این مملکت را اداره بکنید شما هستید که می توانید این بار را به منزل برسانید شما هستید که در کارخانه ها می توانید چرخ کارخانه ها را به جنبش در آورید و به راه بیندازید و مملکت را نجات بدهید . شما دهقانان هستید که می توانید چرخ کشاورزی را به راه بیندازید و فعالیت شماست که کشاورزی را به طور صحیح می تواند عملی کند . شما می دانید که کشاورزی ما را به زمین زده اند از بین بردند . حالا بر شماست که بعد از اینکه مملکت مال خود شما شده است و دست اجانب کوتاه شده است به کشاورزی خودتان ادامه بدهید و مهلت بدهید که دولت به شما کمک بکند و می کند کمک آنقدری که می تواند کمک می کند . شما برادران کارگر ما هستید در کارخانه ها بگذارید چرخ کارخانه ها به راه بیفتد تا اینکه این مملکت آباد بشود برای همه برای شما برای همه . شما بگذارید مهلت بدهید که این کارخانه ها به راه بیفتند و چرخ مملکت به جنبش بیفتند و شما همه با ما برادر هستید و ما همه در خدمت شما هستیم . شما باید که می توانید مملکت را اداره کنید و می توانید این آسفتگی ها را از بین ببرید . شما می دانید که اینها رفتند و آسفته کردند این مملکت را . شما می دانید که اینها چپاول

کردند و رفتند و خزاین ما را تهی کردند و رفتند . حالا باید همه ما با هم یک قشر تنها نه تمام همه با هم کوشش کنیم و این چرخ های مملکت را راه بیندازیم تا اینکه مملکت ما سر و صورتی پیدا بکند . اسلام برای شما حقوق قایل هست حق همه را خواهد داد برای همه زن ها و مردهای کارگر برای همه زن ها و مردان دهقان حق قایل است اسلام و آنها را عزیز می شمارد و حق آنها را به آنها رد خواهد کرد . شما بگذارید که اسلام تحقق پیدا بکند جمهوری اسلام با احکام نورانی اسلام تحقق پیدا بکند . نگذارید این اشخاصی که می خواهند نگذارند این چرخ ها به راه بیفتد می خواهند نگذارند کشاورزی ما تحقق پیدا بکند و کارخانه های ما به راه بیفتد شما نگذارید اینها یک همچو فعالیت ها را بکنند و شما را اغفال کنند . آنها شما را می خواهند اغفال کنند که منافع این مملکت را ببرند که خزاین این مملکت را ببرند که آنهایی که می خواهند این خزاین را ببرند دست آنها باز باشد . شما باید مانع بشوید از این معنا همه باید مانع بشویم از این معنا . من از خدای تبارک و تعالی صحت و سلامت همه ملت و عظمت اسلام و عظمت ملت و استقلال و آزادی این ملت را خواستارم . همه با هم دهقان با ما و کارگر با ما و همه با هم به پیش .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

روز پنجشنبه ۱۱/۲/۱۳۵۷  
روز شنبه ۱۲/۲/۱۳۵۷

### رسیده

جنابان سرکار عالی و سرکار بزرگوار  
جنابان سرکار عالی و سرکار بزرگوار  
جنابان سرکار عالی و سرکار بزرگوار

لذت است این مهمیست چندان از معتمدین عزیز و با همکاران و نظارت آنان  
بر احوال و تدویرت معتمدت بباغ مبارکه ایمان رسیدن رسیده و ضبط و جمع آوری  
نمایند و آنچه برای تعمیر و بازسازی باغ مزبور در دست است بفرمایند و ما را در  
آنها در دست معتمدین محترم بفرمایند که بصلحت رسیدن صرف کنید (از خدای

تعالی موفقیت بفرماید)  
روز پنجشنبه ۱۱/۲/۱۳۵۷

## فرمان به حجج اسلام آقایان احسان بخش و ضیائی

بسمه تعالی ،

جنابان مستطابان حجت السلام آقای احسان بخش و حجت الاسلام آقای ضیائی دامت افاضاتهما

لازم است آقایان محترم در معیت چند تن از معتمدین محل و با همکاری و نظارت آنان به اموال و نذورات متعلقه بقاع متبرکه استان گیلان رسیدگی و ضبط و جمع آوری نمایید و آنچه را برای تعمیر و بازسازی بقاع مزبور لازم است به مصرف برسانید و مازاد آن را در امور مستضعفین محل به هر نحو که مصلحت می دانید صرف کنید . از خدای تعالی موفقیت همگان را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 230

## فرمان به دادستان دادگاه انقلاب اسلامی در مورد محدود شدن مجازات اعدام

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای دادستان دادگاه انقلاب اسلامی در غیر از دو مورد زیر :

1\_ کسی که ثابت شود آدم کشته است

2\_ کسی که فرمان کشتار عمومی داده است و یا مرتکب شکنجه ای شده که منجر به مرگ شده باشد . هیچ دادگاهی حق ندارد حکم اعدام صادر کند و نباید اشخاص در غیر از دو مورد مذکور اعدام شوند . تخلف از این امر جرم است و موجب ثبوت قصاص .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 231

بیت جناب عالی علی محمد اسلام و نه بد سلام و نه بد سلام و نه بد سلام

بیت ۱۸ ج ۲۷

بیت

مهر ناز  
مرغ سینه که قصص گفته در این جانب و در هر طرف که  
در این ۱۵۰ بود پس در جبهه سر راه فرود آمد هر دو طرفی که

خبر میفرستم هر چند تا بگذرد هر روز در این نصف منور فرود آمد

که لاده در طبع همه در دست خنجر که کشیده همه هزار نفر

پشت به تالو جان در فراقی تالو و غمزه با لیم نیم است

مهر سرق تالو روئیده در همه بود و هر است فرود آمد

در در ترفیق هر چه میسر در نرسیده حتی در لیم لوله اسلام

مکن فراموش که در این میان در جبهه در این جانب

کودا که می باید غنچه در این جانب با جان غنچه در این جانب

دلگشا در این جانب در روز نور که میسر است

بیت جناب عالی علی محمد اسلام و نه بد سلام و نه بد سلام و نه بد سلام  
بیت ۱۸ ج ۲۷  
مهر ناز  
مرغ سینه که قصص گفته در این جانب و در هر طرف که  
در این ۱۵۰ بود پس در جبهه سر راه فرود آمد هر دو طرفی که  
خبر میفرستم هر چند تا بگذرد هر روز در این نصف منور فرود آمد  
که لاده در طبع همه در دست خنجر که کشیده همه هزار نفر  
پشت به تالو جان در فراقی تالو و غمزه با لیم نیم است  
مهر سرق تالو روئیده در همه بود و هر است فرود آمد  
در در ترفیق هر چه میسر در نرسیده حتی در لیم لوله اسلام  
مکن فراموش که در این میان در جبهه در این جانب  
کودا که می باید غنچه در این جانب با جان غنچه در این جانب  
دلگشا در این جانب در روز نور که میسر است

## پاسخ به نامه ثقة الاسلام آقای صادق خلخالی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شیخ صادق خلخالی دامت افاضاته

به عرض می رساند مرقوم شریف که متضمن تفقد از این جانب و مظهر عواطف کریمه در این حادثه بود واصل و موجب تشکر گردید . خداوند همه ما را توفیق خدمت بدهد . من نمی توانم عواطف شما بلکه نقش شما را در این نهضت مقدس فراموش کنم . زحماتی که شما در مواقع حساس در متن خطر کشیدید هیچ گاه فراموش نمی شود و چون انشاءالله تعالی برای رضای حق تعالی و خدمت به اسلام بوده است در پیشگاه مقدس حق تعالی روسفید خواهید بود . و امید است خداوند شما و ما را توفیق هر چه بیشتر در خدمت به حق و احکام نورانی اسلام عطا فرماید .

اگر من احیانا در جواب مرقومات آقایان کوتاهی کنم باید عفو فرمایند . من با حال ضعف و نقاهت و نگرانی های بسیار روزشماری می کنم . مستدعی است به جمیع فضلا و مدرسین حوزه علمیه که اظهار لطف نموده اند از قبل این جانب قدردانی و تشکر فرمایند و این جانب را از دعای خیر برای حسن عاقبت فراموش ننمایند .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 233

تاریخ : 8/3/1358

## پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای شیرازی دامت برکاته \_ مشهد مقدس

تلگرام شریف واصل در این موقع حساس که دست های ناپاک مشغول توطئه علیه اسلام هستند حفظ وحدت کلمه و جدیت در خنثی نمودن توطئه های خائنانه از اهم امور است . سلامت و توفیق جناب عالی را خواستار است .

خمینی

ص: 234





## فرمان به ثقة الاسلام آقای محمود دعائی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين .

و بعد جناب مستطاب سيد الاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج سيد محمود دعائی دامت افاضاته از قبل اين جانب مجازند در تصدی امور شرعيه که در عصر غيبت ولي الله اعظم \_ عجل الله فرجه \_ از مختصات فقيه جامع الشرايط است مرجو آنکه مراعات کمال احتياط را بنمايند . و نیز مجازند در اخذ وجوه شرعيه و صرف آن در موارد مقرر و در فرض احتياج مجازند صرف نمايند در مصارف خودشان به مقدار اقتصاد .

و اوصيه ايد الله تعالى : (بالورع والاجتهاد والاحتياط في الدين والدنيا وارجو منه الدعأ والنصيحه و السلام عليه وعلى عبادالله الصالحين ) . روح الله الموسوي الخميني

## فرمان به حجت الاسلام آقای حاج میرزا حسین نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج میرزا حسین نوری دامت افاضاته

لازم است جناب عالی مسافرتی به کشورهای اروپایی بنمایید و از نزدیک با دانشجویان عزیز و برادران ایرانی آشنا شوید و نیازمندیها و مشکلات مذهبی آنها را بررسی نموده و در حدود امکاناتی که در اختیار دارید در رفع آنها بکوشید و به وظایف خطیری که در این موقع حساس به عهده دارند آنها را آشنا سازید و از تفرقه و اختلاف برحذر دارید و نسبت به تقویت معتقدات مذهبی ایشان در برابر دشمنان اسلام سعی کافی مبذول دارید و سلام این جانب را به عموم آنان ابلاغ نمایید . از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 237

## در جمع پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی لرستان

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند شماها را سعادت‌مند کند در دنیا و در آخرت . شما می دانید که امروز ایران احتیاج دارد به کار و کارگر و زیاد کارکردن ، روز سازندگی است . اینها رفتند و مملکت خرابی گذاشتند که در همه چیز احتیاج به سازندگی دارد و این سازندگی باید به دست همه ، همه جمعیت ایران واقع بشود . دولت تنها نمی تواند ، روحانیون نمی توانند ، قشر واحد نمی تواند ، همه با هم باید دست به هم بدهند و این خرابه را بسازند .

الان شما در یک شرکتی واقع شدید که در آن شرکت هم باید به طور امانت ، به طور دیانت عمل کنید و همان طوری که در این نهضت پیشبرد کردید ، در نهضت مقابل جنود ابلیس هم پیشبرد کنید . جنودی که ما را می خواهد به فساد بکشاند ، جنودی که ما را می خواهد به ظلم و به تاریکی بکشاند ، در مقابل آنها هم باید نهضت کرد ، قیام کرد ، هر کس مکلف است که خودش را اصلاح کند قبل از اینکه دیگران را اصلاح بکند ، همه موظفیم که خودمان را اصلاح کنیم . امروز ایران محتاج است به اینکه مردهای صالح در کارها دخالت کنند . هر جا هستید باید با صلاح و با سداد و با امانت و با دیانت مشغول کار باشید . خداوند همه شما را تأیید کند و خداوند مملکت شما را مستقل کند و از شر شیاطین حفظ کند .

البته می دانید که الان هم شیاطین در کارند که بین کارگران ، کارمندان ، همه اقشار فساد ایجاد کنند ، تفرقه ایجاد کنند ، شما برادرها بیدار باشید که مبادا در بین شما بیایند و موجب تفرقه بشوند ، اینها گمان کردند که می توانند با تفرقه آن حالات سابق را برگردانند ، آن رژیم های فاسد را برگردانند ولی بحمد الله دیگر دیر شده است و نخواهند توانست لکن آنها کوشش می کنند که تفرقه نفاق بین شماها بیندازند و زحمت ایجاد کنند و شما توجه داشته باشید که اگر یک همچین اشخاصی در بین شماها آمدند ، آنها را از بین خودتان دور کنید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 11/4/1358

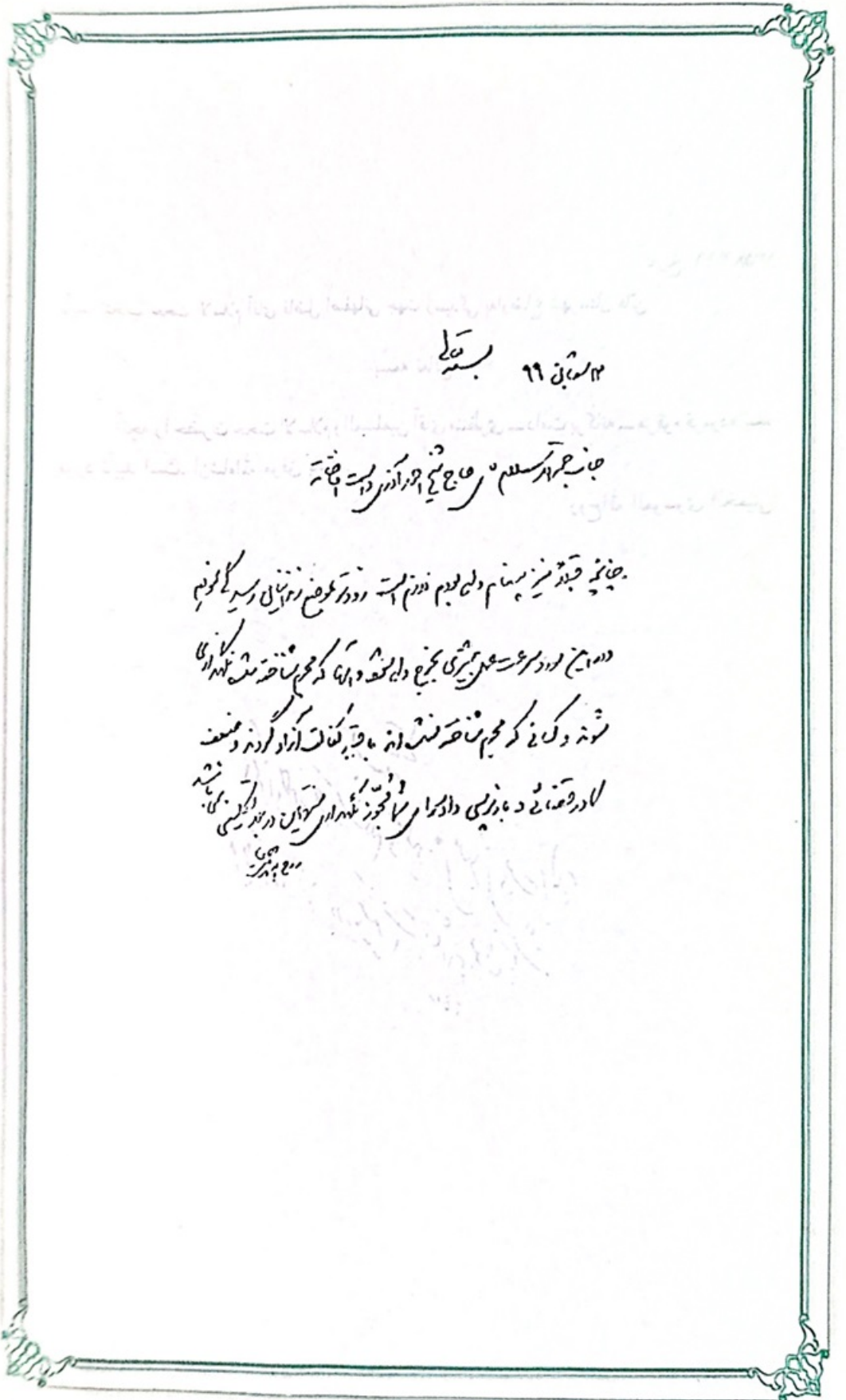
## تأیید انتصاب حجت الاسلام آقای فاضل اصفهانی جهت رسیدگی به اوضاع شهرستان قائن

بسمه تعالی

آنچه را حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری \_ دامت برکاته \_ مرقوم فرموده اند ، مورد تأیید است . انشاءالله موفق باشند .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 239



بسم الله الرحمن الرحيم

۲۶ شعبان ۱۳۰۶

جناب محمد اسلم

بیت خود را به نام دین خود فروخته و در موضع زنی رسیده که  
در این مورد عرض می‌شود که بیخ و بن خود را که محمد بن محمد است  
شود و در آن که محمد بن محمد است باقی بماند از آنکه در مصنف  
گزارده و در باره او و در باره او و در باره او و در باره او



## فرمان به حجت الاسلام آقای احمدآذری دادستان دادرسی انقلاب اسلامی تهران

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ احمدآذری دامت افاضاته

چنانچه قبلا نیز پیغام داده بودم لازم است زودتر به وضع زندانیان رسیدگی نموده و در این مورد سرعت عمل بیشتری به خرج داده شود و آنها که مجرم شناخته شده نگهداری شوند و کسانی که مجرم شناخته نشده اند با قید کفالت آزاد گردند . و ضعف کادر قضایی و بازپرسی دادسرای شما مجوز نگهداری متهمین در بلا تکلیفی نمی باشد .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 241



**در جمع پرسنل هوانیروز و گروه کثیری از مردم**

بسم الله الرحمن الرحيم

میلاذ مسعود امام عصر و منجی مستضعفین و کوبنده مستکبرین و منجی انسان ها را به ملت شریف ایران تبریک عرض می کنم .

بین سال قبل و امسال فرق هاست . سال قبل در همچو روزی ما غرق مصیبت بودیم مصیبت های گوناگون کشتارهای دسته جمعی گرفتاری های به اجانب و خیانتکاران عید سال قبل برای آن مصیبت های بزرگ به صورت تعطیل درآمد و امسال بحمدالله از تمام قیود داخلی و خارجی ملت ایران بیرون آمد و تمام دست خیانتکاران و جنایتکاران داخلی و خارجی را قطع کرد . سال قبل بین ملت و دولت جدایی بود ملت از دولت متنفر و دولت با ملت دشمن . و در امسال دولت از ملت است و ملت از دولت . در سال قبل قوای انتظامی از ما جدا بودند و با ملت به صورت دشمنی عمل می کردند و اگر در بین آنها کسانی بودند طرفدار ملت نمی توانستند اظهار وجود کنند . و امسال قوای انتظامی ارتش ژاندارمری شهربانی در آغوش ملتند ملت از آنهاست و آنها از ملت . آنها با صداقت خدمت به ایران و خدمت به اسلام و خدمت به جمهوری اسلامی و خدمت به ملت می کنند و ملت با صداقت از آنها پشتیبانی می کند .

امروز مثل صدر اسلام که لشکر اسلام از خود مردم بود و در آغوش مردم بود ارتش اسلامی امروز در آغوش مردم است و از خود مردم است . آنها باید از ایران و از اسلام و از ملت پشتیبانی کنند و ملت باید از آنها پشتیبانی کند . اساس استقلال مملکت بر ارتش است بر نیروهای زمینی و هوایی است لکن ارتش که متکی به ملت باشد ارتشی که از خود ملت باشد در رژیم های غیر توحیدی و غیر اسلامی دولت ها از ملت جدا هستند ارتش از ملت جداست و با جدا بودن ارتش از ملت و دولت از ملت و رژیم ها از ملت رژیم ها متزلزلند نمی توانند استقلال خودشان را حفظ کنند نمی توانند در مقابل اجانب پایدار باشند . لکن دولتی که متکی بر ملت باشد ارتشی که متکی بر ملت باشد می تواند استقلال خودش را حفظ کند می تواند در مقابل اجانب قیام کند . چنانچه دیدید و دیدیم که ملت بزرگ ما با همراهی ارتش که به دامن ملت برگشت بر قوای شیطانی غلبه کرد و نتوانستند قوای شیطانی حفظ آن رژیم سابق را بکنند و نخواهند توانست که امثال آن رژیم ها را برگردانند .

امروز ملت ما و دولت و ارتش یک هستند همه با هم برای مصالح اسلام و برای مصالح کشور

اسلامی و باید این رژیم این ملت این ارتش این ژاندارمری این شهربانی این دولت و دستگاه های دولتی نمونه باشند از برای تمام کشورها . بدانند کشورها که با وحدت کلمه بین دولت و ملت ارتش و ملت ژاندارمری و ملت چه فوایدی عاید خودشان و عاید ملتشان می شود . باید دولت هایی که سرکار می آیند عبرت بگیرند از دولتی که اسلامی است و از ارتشی که اسلامی است و بدانند باید چه بکنند با ملت . قوای انتظامی ما امروز از ما هستند و باید ملت از آنها پشتیبانی کند و باید بین خود قوای انتظامی برادری و وحدت باشد و باید سلسله مراتب را حفظ کنند . اگر ارتش سلسله مراتب را حفظ نکند گسسته خواهد شد . این خیانت است بر اسلام و خیانت است بر مملکت اسلامی باید ارتش قوی باشد مطمئن به نفس باشد و انشاءالله هست . ما و همه ملت پشتیبان آنها هستیم و من دعاگوی به ملت و دعاگوی به ارتش و دعاگوی به همه اقشار دولتی و ملتی هستیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 243

## نامه به حجت الاسلام آقای امامی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و حجت الاسلام آقای امامی دامت افاضاته

سلامت و سعادت جنابعالی را خواستارم و امید است که انشاءالله با کوشش های همه جانبه حضرات علمای اعلام و حجج اسلام اصفهان مسایل حساس اسلامی به نتیجه قطعی که تحقق جمهوری اسلامی با خصایص همه جانبه آن است برسد . از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه را خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 244

## فرمان به حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی دامت برکاته

امید است وجود آن جناب از بلیات محفوظ و به انجام وظایف الهی مشغول باشید . ضمناً با توجه به اوضاع منطقه مشکین شهر و مناطق دیگر آذربایجان شرقی و غربی و مشکلات و گرفتاری های اهالی محل مقتضی است جناب عالی مسافرتی به آن منطقه بنمایید و از نزدیک اوضاع مردم و گرفتاری های آنان را بررسی نموده و در رفع مشکلات به هر نحو مصلحت می دانید اقدام نمایید و در هر منطقه از همکاری و تقاهم با علمای اعلام محل دامت برکاتهم دریغ نفرمایید . از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را در راه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 245

## پیام به علمای کرمانشاه (باختران)

بسمه تعالی

خدمت حضرات آقایان محترم علمای اعلام و حجج اسلام کرمانشاه دامت برکاته مرقوم محترم آقایان واصل و موجب تشکر گردید . مراتب تشکر و سلام این جانب را به عموم اهالی محترم و عشایر غیور منطقه که در مبارزه با دشمنان اسلام و مملکت در این چند روزه متحمل زحمات زیادی شدند برسانید . از خدای تعالی موفقیت همگان را در راه اعتلای کلمه طیبه و نابودی دشمنان اسلام و مسلمین خواستارم . در مورد پاکسازی منطقه از افراد ضد انقلاب و کمونیست نیز که مرقوم داشته اید ، انشاء الله تعالی تدریجا اقدام خواهد شد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 246

## پاسخ به تلگرام حجت الاسلام آقای حسین رحمانی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین رحمانی دامت افاضاته تهران \_ مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تلگراف جناب عالی واصل و موجب تاثر گردید . بدین وسیله مصیبت وارده را به آن جناب تسلیت گفته ، از خدای تعالی سلامت و موفقیت جناب عالی را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 247

**دیدار با اعضای شورای انقلاب سازمان الفتح**

گرچه این مصیبت برای ما ناگوار و سنگین بود ، لکن ما باید در مقابل مصیبت ها و مشکلات مقاوم باشیم و با مقاومت انشاء الله مشکلات را رفع کنیم . و من از خداوند می خواهیم که برای ما حس مقاومت عنایت کند و همین طور برای برادران ما در فلسطین و در لبنان با همه مصیبت هایی که مواجه هستند ، امیدواریم که با مقاومتی که آقایان دارند و ابوعمار دارد به مشکلات فایق بشوند و امور مسلمین انشاء الله اصلاح بشود . سلام و تحیات من را به ابوعمار برسانید و از قول من به ایشان بگویید که مشکلات شما مشکلات ماست ، چنانچه مشکلات ما مشکلات شماست . و مسلمین باید ید واحده باشند بر ضد همه ستمگران و امیدوارم که با وحدت کلمه بین ما و شما \_ که بحمدالله حاصل است \_ و با وحدت کلمه بین سایر قشرهای مسلم و خصوصا دولت های اسلامی موجب بشود که گرفتاری های ما و گرفتاری های شما و گرفتاری سایر مسلمین رفع بشود . ما میدانیم و مسلمین هم ، بلکه مهم دولت های اسلامی هم همه میدانند که آنچه بر ما می رسد و رسیده است از دو مشکل است ، یکی مشکله بین خود دولت هاست که مع الاسف تاکنون نتوانستند این مشکل را حل بکنند و آن مشکل اختلافات بین خودشان هست و آن که می دانند منشا همه گرفتاری های مسلمین این اختلافات هست و ما هم بیش از قریب به بیست سال است که در این موضوع به این سفارش کردیم ، گفتیم ، نوشتیم ، دعوت کردیم سران دولت ها را برای این اتحاد لکن مع الاسف تاکنون حاصل نشده است . و مشکل دوم ، مشکل دولت ها با ملت هاست که دولت ها با ملت ها طوری رفتار کردند که ملت ها پشتیبان آنها نیستند . مشکلاتی که برای دولت ها پیدا می شود و باید به دست ملت ها این مشکلات رفع بشود ، برای تفاهمی که بین آنها نیست ، اگر ملت ها دامن نزنند به مشکلات دولت ها ، لاقابل بی تفاوت هستند . و من این مطلب را شاید کرارا گفتم که خوب است دولت ها از دولت سابق ما و دولت فعلی ما عبرت بگیرند . دولت سابق در رژیم طاغوتی اگر مشکلی برایش پیدا می شد ملت یا بر مشکلات او

می افزود و یا بی تفاوت بود . و الان دولت ما به اعتبار این که دولت اسلامی است و بنای این که به ملت ستم نکند ندارد ، مشکلات او را ملت رفع می کند . شما دیدید که یک مشکل بزرگی برای ما در کردستان پیدا شد و به مجرد این که اعلام شد که یک همچو مشکلی است ، از تمام ایران ملت پشتیبانی کردند و بنای حرکت به طرف کردستان برای رفع غائله داشتند که ما به واسطه این که به زحمت نیفتند و مطمئن بودیم که قوای انتظامی می تواند حل بکند ، از آنها خواهش کردیم که صبر داشته باشند . و من می دانم که هر روزی که برای ما مشکلی پیدا بشود ، ملت ما در رفع آن کوشش خواهند کرد و اعلام موافقتشان را با ما کرده اند . اگر دولت ها هم با ملت های خودشان این طور رفتار کنند ، برای مملکت های اسلامی مشکلی باقی نمی ماند و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ما همه را بیدار کند و این مشکلات رفع بشود تا اینکه از دست جنایتکاران تاریخ ، ما مستخلص بشویم . \_ ما دعا می کنیم که خداوند ، قضایای فلسطین را حل بکند ، به طوری که منفعت مسلمین در آن باشد . من از شما و ابوعمار متشکرم و دعا می کنم به همه شما و دعا را وظیفه اسلامی میدانم و امیدوارم خداوند حل همه مشکلات را به دست خودش بکند .

والسلام علیکم

ص: 249



## در جمع علمای شهرستان نقده و اعضای خانواده های شهدای اهل سنت

### وقتی از اسلام نگرانی ندارید ، از نهضت اسلامی هم نباید نگرانی داشته باشید

بسم الله الرحمن الرحيم

مساله مساله اسلامی است وقتی مساله اسلامی باشد نباید کرد خیال بکند که اسلام برخلاف مصالح اوست و این نهضت که اسلامی است برخلاف مصالح اوست نباید ترک همچو خیالی بکند و نباید دیگران این خیال را بکنند .

از اول بنابراین است که یک مملکتی که همه چیزش اسلامی باشد انشاءالله با کمک همه قشرها با کمک همه افراد مملکت این تحقق پیدا بکند که ما هر جا پا بگذاریم اسلام را آنجا ببینیم اگر در ادارات ما برویم ببینیم اسلام است اگر در کوهستان ها برویم ببینیم اسلام آنجا هست . ما یک همچو چیزی در نظر داریم و میل داریم . بنابراین هیچ نگرانی از اسلام کسی نباید داشته باشد وقتی نگرانی از اسلام نباید داشته باشد نگرانی از نهضت اسلامی هم نباید داشته باشد .

### همه با هم تفاهم کنید و اختلافات را کنار بگذارید

و اگر چنانچه یک خلافتی واقع بشود یک اختلافاتی واقع بشود خوب البته باید رسیدگی بشود . این قصه ای که در کردستان اخیرا واقع شده است دیروز /بودند/ آقایان سران قوم اینجا بودند رئیس ژاندارمری اینجا بود و رئیس ارتش اینجا بود و /اینها/ با آنها من صحبت کردم که باید این رسیدگی بشود که اگر وضع چنان بعضی از افراد را آنها اسم برده بودند که اینها این کارها را کرده اند اینها رسیدگی بشود . اگر چنانچه واقعا یک فردی بوده است که مردم را فرض کنند که قتل عام کرده است خوب به سزای خودش برسد . و اگر این دروغ بوده است خوب دیگر مساله در کار نیست . علی ای حال یک مساله ای نیست که غرض توی کار باشد یا بخواهند یک فرض کنید که شلوغی در کار بیاورند . این همین بوده است که هر چه کردند آنها بودند و الان هم در کوه ها و در جنگل ها و اینها فرار کرده اند و آنجاها اجتماع کردند . فردا شاید هم امروز رئیس ژاندارمری می رود آن طرف ها برای اینکه جلوی اینطور مسایل را هم بگیرد و پاکسازی کند آنجاها را . عمده این است که خود شما و خود اهالی باید در این امور همراهی بکنند با دولت . خانه خودتان است کردستان یا فرض کنید آذربایجان . باید خود آقایان خود کردها خود ترک ها یعنی اختلافات دو تا طایفه ای که هر دو

مسلمانند هر دو اعتقاد به پیغمبر اسلام دارند هر دو قرآن همراهشان است و نهضت هم نهضت خودشان است خود آقایان با هم تفاهم داشته باشند اختلاف نباید بین دو تا برادر مسلم باشد . دو طایفه اند باید با هم تفاهم کنند . اشخاصی که شلوغکارند رویهمرفته با هم تفاهم کنند که آن آدم را موعظه کنند اگر موعظه نشد کنار بگذارند . و این چیزهایی که الان هم در کردستان هم هست و کوه ها و اینطور چیزها هست اینها هم اصلاح بشود . و همانطور که در آذربایجان هم اگر یک چیزی واقع بشود خود شماها باید همراهی کنید تا تمام بشود و مملکت آرام بشود . وقتی آرام بشود . وقتی آرام شد آنوقت می شود این را مثلا تعمیرکرد این را اصلاح کرد آب درست کرد آسفالت درست کرد مدرسه درست کرد .

### همه اصلاحات تابع این است که آرامش باشد در مملکت

همه چیزها تابع این است که یک آرامشی باشد . ان شاءالله امیدوارم که آرامش پیدا بشود و با کمک همه آقایان . همه آقایان کمک کنند همه ملت کمک کنند ملت آذربایجان کمک کنند ملت کردستان کمک بکنند تا اینکه انشاءالله این مسایل حل بشود . وقتی که حل شد آرام شد آنوقت ما می توانیم که مسایل اسلامی را در همه جا ببریم و همه جا تحت لوای اسلام انشاءالله زندگی بکنند و زندگی راحت بکنند دنیا و آخرتشان انشاءالله تامین بشود .

و من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه شما را خواستارم و آنکه تقاضا دارم از همه این است که همه تان هم اختلافات را یک قدری کنار بگذارید کم بکنید لاف و هم کمک کنید به قوای دولتی و دولت در همه اموری که آنها در نظر دارند و این حزب انشاءالله تمام می شود خودشان که رفتند و گم می شود و تمام می شود این حزب و غرض خود مردم می مانند و خود مسلمین و خود اشخاصی که متوجه به اسلام و به نهضت اسلامی آن هم وقتی خودشان بودند دیگر برادرند و مفسده جوها انشاءالله از بین می روند . بنابراین است که به همین زودی پاکسازی بشود و همه آنها هم که در کوه ها و در جنگل ها آنها هم انشاءالله تمام بشود کارهاشان خود شماها باشید و زندگی اسلامی انسانی با شرافت انشاءالله .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب محمد سلیم صاحب سید عبدالستار مدرسہ عربیہ اسلامیہ دہلی

تصنیف جناب لے برار تہ جہت و پیام ابرو نبوی و کتب اربعہ مبارکہ

در ارتقا سیانہ بر بنی برور و با علی و علیہ السلام و اہل بیت علیہم السلام

محلہ دارالحدیث لے نجوا حسن پیام و سید رضوان لے وقت مکان

در حدیث نام و سلیم در حدیث نام و سید

تاریخ : 1/7/1358

## فرمان به حجت الاسلام آقای عبدالستار محمدی میانجی

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید عبدالستار محمدی میانجی دامت افاضاته

مقتضی است جناب عالی برای اقامه جماعت و انجام امور مذهبی و ترویج شریعت مقدسه در شهرستان میانه بدانجا بروید و با همکاری علمای اعلام و اهالی محترم محل وظایف محوله را ان شاء الله تعالی به نحو احسن انجام دهید . از خدای تعالی موفقیت همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 253



تاریخ : 8/7/1358

## فرمان به حجت الاسلام آقای اسماعیل فردوسی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ اسماعیل فردوسی دامت افاضاته

بدین وسیله جناب عالی به سمت قاضی شرع در دادگاه های انقلاب اسلامی مشهد مقدس منصوب می شوید که در دادگاه های مزبور حضور به هم رسانده و به پرونده ها رسیدگی نموده و با توجه به فرمان عفو مورخه نیمه شعبان احکام را صادر و بر طبق موازین شرع انور اجرا نمایید . از خدای تعالی موفقیت جناب عالی را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 255

## فرمان به حجت الاسلام آقای طاهری

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و حجت الاسلام آقای طاهری دامت افاضاته

به طوری که از اصفهان گزارش داده اند و مراجعات بسیار شده است و روز قبل گروه کثیری آمده بودند جناب عالی از رفتن برای اقامه جمعه خودداری نموده اید و علت آن برای من درست معلوم نشد . جناب عالی چنانچه قبلاً هم تذکر داده ام برای اقامه جمعه به اصفهان تشریف ببرید و با احراز صلاحیت جناب عالی و سابقه ممتد با این جانب منصوب به این منصب الهی هستید .

امید است قشرهای مختلف و محترم اصفهان با پشتیبانی کامل از ایشان از تفرق در این موقع حساس احتراز نمایند . توفیق و تایید همگان را از خداوند تعالی خواستار و عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم .

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 256

## فرمان در مورد اعزام دوروحانی به اقلید

بسمه تعالی

اهالی محترم شهرستان اقلید ایدهم الله تعالی

پیرو درخواستی که در مورد اعزام آقایان اهل علم جهت رسیدگی به وضع منطقه نموده بودید قرار شد جناب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین آقای صفدری و ثقه الاسلام و المسلمین آقای شیخ علی اکبر آشتیانی بدانجا بیایند از نزدیک اوضاع را بررسی نموده و در رفع مشکلات مذهبی و اجتماعی محل اقدام کنند .

امید است اهالی محترم نیز فرصت را مغتنم شمرده از همکاری های لازمه با آقایان محترم دریغ ننموده و در اصلاح کارها و آرامش منطقه و اتحاد کلمه سعی کافی را مبذول دارند . از خدای تعالی موفقیت همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 257



## فرمان به حجت الاسلام آقای اسدالله مدنی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب سیدالعلماء الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سیداسدالله مدنی دامت افاضاته

با این که شهرستان همدان به وجود جناب عالی احتیاج داشت معذک به احتیاج مبرمی که شهرستان تبریز بلکه آذربایجان به جناب عالی دارد و از طرف جمعی تقاضا شده است مقتضی است جناب عالی در تبریز مدتی اقامت فرمایید و به مسایل و مشکلات آن جا رسیدگی فرموده و نظارت در کمیته های انقلاب و همین طور دادگاه های انقلاب فرموده و آنان را ارشاد فرمایید . جناب عالی منصوب برای اقامت نماز جمعه این فریضه بزرگ اسلامی سیاسی و اجتماعی نیز می باشید . امید است مردم عزیز غیرتمند تبریز و آذربایجان در پشتیبانی شما که به نفع اسلام و مسلمین است کوشا باشند .

از خداوند تعالی عظمت اسلام را خواستار و جبران فقدان فرزند عزیز اسلام و سلاله طیبه رسول اکرم مرحوم شهید طباطبایی معظم را امیدوار است .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

## مصاحبه خبرنگار آمریکایی

س : برخلاف کلیه قراردادهای بین المللی عده ای گروگان را شما در ایران نگه داشته اید آیا شما آنها را آزاد خواهید کرد و کی ؟

ج : قراردادهای بین المللی اقتضا می کند که جاسوس در یک مملکتی به اسم سفیر باشد یا به اسم کاردار سفیر باشد؟ یا نه . اگر سفرایی باشند اشخاصی باشند که به یک مملکتی خیانت نمی خواهند بکنند جاسوسی نمی خواهند بکنند اسباب حکومت نمی خواهند فراهم کنند آنها هستند که گروگان گرفتن شان صحیح نیست . و اما اینکه ملت ما عمل کرده است این گرفتن یک دسته جاسوس است که این جاسوس ها به حسب قواعد باید بازرسی بشوند باید محاکمه بشوند و باید به حسب قوانین ما به آنها عمل بشود . و اما آنچه که کارتر کرده است برخلاف قوانین بین المللی است برای اینکه مجرم ، مجرم به یک کشور باید بیاید در همان کشور محاکمه بشود و حق ندارد یک کشور مجرم را نگه دارد و پناه بدهد برخلاف قواعد بین المللی است . این کارتر است که برخلاف قواعد بین المللی عمل کرده نه ما .

س : آقای کارتر کاملاً روشن کرده که شاه را به ایران بر نمی گرداند در حالی که دیپلمات ها و خانواده شان از این جریان سخت ناراحتند . آیا محلی برای مذاکره وجود دارد؟

ج : مادامی که برنگردد این مجرم و آقای کارتر به قوانین بین المللی احترام نگذارد این جاسوس ها را ما نمی توانیم برگردانیم . ما اگر چنانچه بعد از آمدن شاه هم جاسوس ها را برگردانیم این برای این است که یک تخفیفی دادیم و الا اینها باید محاکمه بشوند و در همین جا به حسب قانون ما باهاشان رفتار بشود .

س : آیا تنها شرطی که شما می گذارید برای مساله همین است ؟

ج : تنها شرط برگشتن شاه است و این روی تخفیفی است که ما به اینها می دهیم .

س : ایران و امریکا در حال جنگ اقتصادی و سیاسی هستند و در عین حال ایران قبول نمی کند که هیچ گونه نماینده ای را از نمایندگان امریکا بپذیرد و با آنها صحبت بکند علت این چیست ؟

ج : این جنگ اقتصادی و سیاسی است که آقای کارتر به وجود آورده است و ما نه از جنگ سیاسی اش واهمه داریم و نه از اقتصادی بلکه اعتقاد داریم که جنگ سیاسی حتماً به ضرر

آمریکاست و جنگ اقتصادی به ما ضرری نمی رساند و مع ذلک تا شاه برنگردد و مجرم را به ما برنگرداند و کارتر سر به قوانین بین المللی فرود نیاورد ما نمی توانیم راهی پیدا کنیم برای مذاکرات .

س : از شماها نقل قول کرده اند که فرموده اید که به مصلحت ایران نیست داشتن روابط با امریکا . آیا این امکان پذیر است که در یک لحظه ای از زمان شما تصمیم بگیرید که تمامی روابطتان را با امریکا قطع بکنید و تمام امریکاییان را و همچنین این گروگان ها را به امریکا مراجعت بدهید؟

ج : امکان دارد این معنا باید مطالعه بشود . این نحو روابطی که امریکا با ما تاکنون داشته است و این طور سفارتخانه ای که امریکا در ایران داشته است اینها قابل قبول نیستند . و اما اگر این محل جاسوسی متبدل بشود به یک محلی که سفارتخانه صحیح در آن باشد و آن طور روابطی که امریکا تاکنون با دولت ایران در رژیم سابق داشته است آن نباشد و ما صلاح ببینیم که بعضی روابط محفوظ باشد و دولت صلاح ببیند که بعضی روابط محفوظ باشد آن مانع ندارد محفوظ می ماند .

س : منظور بیشتر در آن قسمتی بود که اگر روابط قطع بشود شما بلافاصله این گروگان ها را بر می گردانید یا اینکه نه ؟

ج : باید ملاحظه کنیم که اینها سفیر بودند و مامور سفارتخانه بودند یا اینکه اشخاصی بودند که برای جاسوسی آمده اند . البته جاسوس ها را ما نمی توانیم برگردانیم و هیچ قواعدی اقتضا نمی کند که جاسوس را برگردانیم لکن اگر مامورهای رسمی عادی باشند آن را اگر قطع رابطه شد مانع ندارد .

س : آیا تمایل دارید که با آقای کارتر ملاقات بکنید و او را قانع بکنید که به خواست شما گردن بنهد؟ و اگر چنین است در یک کشور سومی مثل فرانسه که مدتی هم زندگی کرده بودید ایشان را ملاقات کنید؟

ج : ملاقات ما تاثیری در امور ندارد . اگر چنانچه آقای کارتر بخواهند با این ملاقات فرضا ما یک تنازلی بکنیم از آمدن مجرم که ایشان به حسب قواعد بین المللی باید تسلیم بکند \_ بخواهند که ما یک قدمی پایین بیاییم این امکان ندارد . و اگر او را بفرستند اینجا ملاقات ما دیگر چه فایده ای دارد؟ و لهدا من مایل به ملاقات ایشان نیستم .

س : من در مقابل سفارت امریکا با بسیاری از مردم صحبت کرده ام و آنها می گویند که هر اتفاقی که بیفتد در هر حال این گروگان های آمریکایی کشته نخواهند شد . شما می توانید همین حرف را بزنید؟

ج : بلاشکال این مساله همین طور است که آنها گفتند و مادامی که اینجا هستند در پناه اسلام هستند هیچ ادا به آنها ضرری نمی رسد و آنها با کمال رفاه هستند در آنجا . وقتی که مجرم ما را دادند با اینکه به حسب قواعد ما باید اینها را محاکمه کنیم چون جاسوس هستند ولی مع ذلک اگر مجرم ما را دادند ما یک مرتبه تخفیف به آنها خواهیم داد و آنها را بر می گردانیم .

س: این جا یک نکته ظریفی است حضرت آیت الله توجه بفرمایید که اگر شاه را برنگردانند طبیعتا آن طوری که قبلا فرمودید محاکمه اینها محاکمه جواسیس شان قطعی است؟

ج: اگر چنانچه طولانی بشود قطعی است.

س: در آن صورت هر حکمی که دادگاه بدهد دیگر بله؟

ج: بله.

ص: 261

**مصاحبه خبرنگار هفته نامه آمریکایی نایم**

س : شما شاه سابق را به عنوان یک جنایتکار بین المللی شناخته اید ولیکن دقیقا جنایات او را مشخص نکرده اید ممکن است از جنایت هایی که فکر می کنید او انجام داده است خلاصه ای بدهید؟

ج : جنایات شاه بیشمار است و خلاصه اش هم به اندازه ای است که نمی شود نوشت . تنها در طول دو سال گذشته در زمانی که مردم ما برای در هم کوبیدن نظام شاهنشاهی و برقراری جمهوری اسلامی بپا خاستند و با فریاد الله اکبر سینه های خود را در جلوی رگبار گلوله های آتشین عوامل سرسپرده شاه جلاد قرار دادند تنها در همین دو سال آخر سلطنت این خائن بیش از شصت هزار کشته و صد هزار معلول داریم . و از سال 4 تاکنون جنایات شاه به حدی است که روی تاریخ را سیاه کرده است . شاه در طول سلطنتش ما را از حیث اقتصادی وابسته به اجانب بخصوص امریکا کرده است و ایران را به صورت یک کشور ورشکسته در آورده است و برای ابقای خود بر سلطنت نفت را رایگان به آمریکا و گاز را به شوروی می داده است . صنعت ما یک صنعت وابسته به غرب است و ایران را به صورت یک کشور مونتاژ کننده در آورده است . کشاورزی ما را نابوده کرده است تمام معادن زیرزمینی روزمینی ما یعنی جوانان عزیز ما را در اختیار غرب قرار داده است . شاه ایران را از نظر سیاسی در موضع آمریکا قرار داده است و همیشه ایران را طرفدار ظالمان و مستکبران قرار داده است . موضع گیرهای ایران در سازمان های بین الملل نشان دهنده این واقعیت است . و اگر شاه از ترس ملت موضعی برخلاف آمریکا گرفته است در باطن با امریکا بوده است مثل قضیه فلسطین و اسرائیل . شاه گرچه در بعضی از محافل از فلسطین دفاع کرد ولی نفت ما را به دشمن اسلام و مسلمین اسرائیل غاصب می داد . از نظر نظامی اسرائیل را تغذیه می کرد و بالاخره با تمام وجود به اسرائیل کمک می کرد . شاه از نظر نظامی ما را کاملا به امریکا وابسته کرده است که رهایی از ان خود مشکلی بزرگ است . او نفت ما را به امریکا می داد و در عوض پایگاه نظامی برای خود امریکا در ایران می ساخت از همه اینها مهمتر او کمر به هدم اسلام و مسلمین بسته بود . نوشتن جنایات او محتاج کتابی است بزرگ . از نظر فرهنگی فرزندان این کشور را چنان به غرب گرایش داده است که دردآور است مغزها را با تبلیغات غرب شستشوداده

است که اگر بخواهیم مغزها را از غریزدگی نجات دهیم خود مشکلی است بسیار بزرگ .

س : در چه حد حضرت تعالی قادر هستید او را قضاوت نمایید؟ شما یک انسان هستید چطور می توانید مطمئن باشید که سنجش شما صادقانه با قوانین اسلام و خواسته خداوند همراه است ؟ آیا هرگز خداوند با شما صحبت کرده است و یا اینکه راهنمایی برای شما فرستاده است ؟

ج : مطالبی را که من در بالا گفتم قضاوت یکایک مردم ایران است و من بارها گفته ام که تنها بازگو کننده افکار مردم ایران هستم .

س : آیا این حقیقت که بالقوه تمام حکومت های دنیا گرفتن گروگان ها را محکوم کرده اند شکی را در ذهن شما در مورد موقعیت خودتان بوجود نیاورده است ؟

ج : محکوم کردن حکومت ها مساله ای نیست که از روی میل خودشان باشد بلکه آنان اکثرا تحت نفوذ ابرقدرت ها هستند . ما می خواهیم به دنیا ثابت کنیم که ابرقدرت ها را می توان با نیروی ایمان شکست داد و پیروزی را به دست آورد . ما با تمام قدرت در مقابل امریکا می ایستیم و از هیچ نیرویی ترس نداریم .

س : شما اعتراض دارید که غرب کوشش کرده است ارزش هایش را بر ایران تحمیل کند چرا شما سعی می کنید که ارزش های اسلامی و دیدگاه تان را از عدالت اسلامی بر نمایندگان غرب تحمیل کنید؟

ج : ما هرگز نمی خواهیم ارزش های اسلامی را بر غرب تحمیل کنیم نه بر غرب و نه بر شرق بر هیچ کس و هیچ جا اسلام تحمیل نمی شود . اسلام با تحمیل مخالف است اسلام مکتب تحمیل نیست اسلام آزادی را به تمام ابعادش ترویج کرده است و ما فقط اسلام را ارائه می کنیم هر کس خواست می پذیرد و هر کس نخواست نمی پذیرد .

س : آیا درک کرده اید که رئیس جمهور آمریکا حتی اگر بخواهد قانونا نمی تواند شاه را به ایران و یا به کشور سومی با علم به مجرم بودن تحویل دهد؟ آیا انتظار دارید که کارتر اصول اساسی کشورش را زیر پا بگذارد؟ آیا این با مکتب و اصول اخلاقی شما متناقض نیست ؟

ج : آیا امریکا و رئیس جمهور آمریکا قانونا می توانست ایران را زیر رگبار تانک و توپ و مسلسل قرار دهد ولی شاه را نمی تواند قانونا پس دهد؟! این چه قانونی است که آمریکا سال ها در جهان می تواند مردم را استعمار و استثمار کند ولی یک نفر را که عامل کشتارهای وسیع مردم ایران است نمی تواند قانونا پس دهد؟ آیا این را می شود (قانون) نامید؟!

س : شما با قاطعیت از سفارت به عنوان لانه جاسوسی صحبت می کنید ولیکن شواهد کافی برای این موضوع وجود ندارد . آیا آگاهی دارید که این وظیفه هر دیپلماتی است که اطلاعات درباره کشوری که در آن هست جمع نماید و این قانون مشروع پذیرفته شده است ؟ شما این را نمی دانید که حتی زمانی که شواهدی بر جاسوسی علیه دیپلمات ها در دست هست به سادگی آنها اخراج می شوند به جای آنکه به وسیله کشور میزبان در محک آزمایش قرار گیرند؟

ج : اطلاعات جمع کردن غیر از جاسوسی کردن است . دلایل به دست آمده حاکی است که اینان برای هر منطقه از ایران نقشه ای کشیده بودند اینها برای تعطیل مدارس ما نقشه ها کشیده بودند اینها برای درگیری های مسلحانه در نقاط مختلف کشور نقشه کشیده بودند . آیا این کسب اطلاع است ؟ انشاءالله در آینده دانشجویان مسلمان روشن خواهند کرد .

س : اگر شما مخالف با فعالیت های سفارت آمریکا هستید چرا آن را نبستید؟ یا تعدادی از پرسنل آن را بیرون نکردید؟

ج : بستن و نبستن مربوط به دولت است و من در این امور دخالت نمی کنم .

س : آیا موافقت دارید که آمریکا به طور طبیعی سعی کند که رابطه اش را با حکومت جدید به صورت عادی در آورد و در این میان فروش مجدد لوازم یدکی برای ارتش همراه کوشش برای باز کردن گره هایی که در مورد مسایل تجاری هست به طوری که برای ایران قابل قبول باشد آغاز کند؟

ج : این مسلم است که ما رابطه ای را که به ضرر ملت مان باشد به هیچ وجه نمی پذیریم ولی در غیر این صورت ارتباط تجاری و سایر ارتباطات مادامی که به نفع ملت ما باشد نظر من مانعی ندارد و عقد چنین قراردادهایی با دولت است و به من مربوط نیست .

س : آیا آگاه هستید که تا چه اندازه ایران را تنها کرده اید؟ کلیه کشورهای هم جهت حتی کشورهای اسلامی گرفتن گروگان را محکوم کرده اند . شما ایالات متحده را از ایران بیرون انداختید لکن چه کسی شما را از فشارهای شوروی آزاد خواهد نمود؟

ج : ما ایالات متحده را از ایران بیرون انداختیم تا حکومت اسلام را برقرار نماییم . بیرون انداختن دولت امریکا بدین معنی نیست که شوروی جایگزین آن شود شعارهای مردم ما نشان دهند این حقیقت است . آنان در تمام تظاهرات و مبارزاتشان فریاد می زدند (نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی) . اگر روزی شوروی ما را تحت فشار قرار دهد ما با نیروی ایمان با همان نیروی که آمریکا را بیرون کردیم از عهده شوروی هم بر خواهیم آمد . ما متکی به خدا و نیروی لایزال مردم هستیم .

س : شما بایستی این حقیقت را قبول کنید که آمریکا هرگز شاه را تحویل نمی دهد اگر در این شک دارید آمریکا را درک نکرده اید . اما شاه ممکن است آمریکا را در زمانی که مدت اقامتش تمام شد ترک نماید . در این صورت آیا ممکن است که گروگان ها را آزاد کنید؟ در صورتی که سازمان ملل متحد موافقت کند که در مورد شکایات شما رسیدگی به عمل آورد در همین زمان آیا تمام دیکتاتورهای دنیا بایستی توسط سازمان ملل مورد بازجویی قرار گیرند؟

ج : اتفاقا ما آمریکا را خوب درک کرده ایم و فهمیده ایم که می توانیم در مقابلش بایستیم و از حیثیت مان دفاع کنیم . ما آمریکا را شناخته ایم و ثابت کرده ایم که در مقابل ظلم بزرگش که نگهداری شاه است مقاومت کرده و او را از پای در خواهیم آورد .

ما آمریکا را در منطقه شکست خواهیم داد .

اگر شاه آمریکا را ترک کند مسئله ای حل نمی شود ما به امید خدا آمریکا را در این موقع محاکمه

خواهیم کرد. یک سازمان بین المللی باید اقدام جدی کند تا آمریکا را متقاعد سازد تا شاه را به ما پس بدهد. این سازمان باید تمام اموال شاه را که از مال این ملت دزدیده است بگیرد و پس دهد یک سازمان بین المللی باید تمام دیکتاتورها را محاکمه کند این یک امر طبیعی است. ما زیر بار ظلم نمی رویم و با ظلم کنار نخواهیم آمد.

س: چرا شما در این نزاع میانجی نمی پذیرید؟ معمولاً افراد با منطق تا زمانی که عقاید مختلف در جهان وجود دارد چنین می کنند. شما رمزی کلارک والدهایم و سازمان آزادیبخش فلسطین را رد کرده اید.

ج: من نخواستیم بگویم که اینان بدون حرمت هستند نه. من در حدود بیست سال است که از فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع کرده ام من زمانی خطر اسرائیل را گوشزد می کردم که اسمی از فلسطین و اسرائیل در ایران نبود ما مدافع مبارزات حق طلبانه فلسطینی ها در مقابل اسرائیل هستیم ولی یک مساله از همه مهمتر است و آن اینکه من می خواهم به تمام مردم جهان بگویم که هرگز میانجی بین ظالم و مظلوم نشوند. باید در چنین مواقعی طرف مظلوم را گرفت و خصمانه بر دشمن تاخت. آخر میانجیگری بین ظالم و مظلوم خود ظلمی بزرگ است و ما می خواستیم کسی چنین ظلمی را مرتکب نشود از این جهت نپذیرفتیم و نخواهیم پذیرفت. و منطقی که از ظالم دفاع کند و بر مظلوم بتازد منطق نیست. اگر شما رفت آمد نمایندگان را به عنوان میانجی بین اسرائیل و فلسطین منطقی می دانید ما آن را منطقی نمی دانیم. ما تنها دفاع از فلسطین را منطقی می دانیم. هر کس بخواهد حق ما را در دنیا ثابت کند ما آن را تایید می کنیم. البته باید خود ظالم نباشد و الا ما از ظالم تایید نمی کنیم ولو به نفع ما کار کند. ما دارای اصولی هستیم که تا ابد به آن پایبند خواهیم بود.

س: شما زندگی خیلی منزوی ای داشتید شما اقتصاد جدید و حقوق روابط بین المللی را مطالعه نکرده اید تحصیل شما مربوط به علوم الهی است شما در سیاست و گرفتن و دادن یک زندگی اجتماعی درگیر نبوده اید. آیا این در ذهن شما این شک را بوجود نمی آورد که ممکن است عواملی در این معادله باشد که شما نمی توانید درک کنید؟

ج: ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی ای که تا به حال به واسطه آن تمام مسایل جهان سنجیده می شده است را شکسته ایم. ما خود چهارچوب جدیدی ساخته ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته ایم از هر عادلای دفاع می کنیم و بر هر ظالمی می تازیم حال شما اسمش را هر چه می خواهید بگذارید. ما این سنگ را بنا خواهیم گذاشت امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمان ها و شوراها را بر این پایه بنا کنند نه بر پایه نفوذ سرمایه داران و قدرتمندان که هر موقعی که خواستند هر کسی را محکوم کنند بلافاصله محکوم نمایند. آری با ضوابط شما من هیچ نمی دانم و بهتر است که ندانم.

س: آیا هرگز در مورد چیزی اشتباه کرده اید؟



ج: به غیر از رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرين (ع) همه اشتباه می کنند .

س: منصفانه بگوئید و به عنوان یک مرد سیاسی بگوئید آیا انقلاب شکست نخورده است؟ اقتصاد زنده نشده است افراد فقیر در جنوب تهران همچنان فقیر هستند ارتش احتمالا نمی تواند چنانچه حمله ای از خارج شود دفاع نماید فعالیت عادی و سیاسی وجود ندارد و احزاب سیاسی در بی نظمی هستند .

ج: ممکن است همه اینها راست باشد ولی انقلاب شکست نخورده است انقلاب پایه هایش محکمتر شده است . این یک واقعیت است که مردم ما به انقلاب خو کرده اند و همه انقلابی اند آنها طالب شهادتند من این را جدی می گویم . ما خیلی آسان می توانیم در مقابل آمریکا بایستیم او ممکن است ما را از بین ببرد ولی انقلاب ما را نمی تواند و به همین دلیل است که می گویم ما پیروز هستیم . به شعارها توجه کنید می گویند (ناو هوایمابر دیگر اثر ندارد از منطق شهادت کارتر خبر ندارد) . آمریکا چه می فهمد شهادت چیست و به همین دلیل ما همه مسایل را حل می کنیم . ولی خرابی های اوضاع ایران ریشه 50 ساله دارد و حداقل 20 سال طول می کشد تا مردم به وضع عادی در آیند و مردم ما هم به این دلیل قیام نکرده اند . آنها می گفتند و می گویند (استقلال آزادی جمهوری اسلامی) . آزادی و جمهوری اسلامی به دست آمد ولی برای استقلال کامل باید دست شرق و غرب را کوتاه کرد و این کار را خواهیم کرد .

س: آیا شما واقعا تا اندازه ای کنترل را از دست نداده اید؟ بنا به گفته بعضی ها گرفتن سفارتخانه بدون آگاهی و حمایت شما یا شورای انقلاب انجام نمی شود آیا آنان سیاستشان را خارج از دست های شما انجام داده اند؟ آیا شما جمعیت را کنترل می کنید؟

ج: عدم شناخت صحیح شما از مردم ایران موجب اشتباهات بسیاری است . ملت ایران به مناسبت ظلم هایی که از آمریکا دیده است نسبت به آمریکا کینه عجیبی دارند و ما هم آنان را به سوی استقلال و رهایی از آمریکا سوق می دهیم و به همین جهت است که آنان لانه جاسوسی آمریکا را تصرف کردند آنجا مسلما لانه جاسوسی است و اصولا ما آمریکا را می خواهیم چه کنیم . این سوال همه مردم ایران است .

س: آیا این منصفانه است که شما دارای دو نقش باشید و هر دو نقش را بازی کنید؟ بعضی از اوقات شما دستورهایی منتشر می کنید که مردم چه بکنند و بعد زمانی که می خواهیم از مسوولتی برحذر باشید جواب می دهید که نمی توانید هیچ کاری بکنید و می گوئید این در دست مردم است یا در دست دانشجویان است .

ج: این یک واقعیت است که من به عنوان خمینی نظر خود را مثل سایر مردم می دهم و می گویم چه باید کرد و یا چه باید بکنند . ولی این را باید بدانید که گروگان ها در دست دانشجویان مسلمان هستند .

## پیام به جنبش های آزادیبخش جهان

بسم الله الرحمن الرحيم

در این موقع که تعدادی از سازمان های آزادیبخش و گروهی که برای آزادی مبارزه می کنند به ایران آمده اند تا از نزدیک با ملت ایران تقاهم کنند و گرفتاری های ملت ما را لمس نمایند . پیشنهاد شد تا پیامی برای آنها بفرستیم .

من نمی دانم از کجا شروع کنم از مصیبت هایی که در طول تاریخ و در قرن اخیر بر ملت ما وارد شده است یا مصیبت هایی که از مستکبرین و ابرقدرت ها بر مستضعفین جهان وارد شده است . و نمی دانم از چه کسی شکایت نمایم از قدرتمندان و ستمکاران و چپاولگران و جنایتکاران و یا از مردمی که ظلم ظالمین را می بینند و قیام نمی کنند و خود را با دست خود اسیر اجانب نموده اند و از مردم دلیر و مبارز ایران برای شکست قدرت ها و ابرقدرت ها پیروی نمی کنند . مردم مبارز ایران با دست خالی ولی با نیروی ایمان دولت آمریکای جنایتکار را به زانو در آورده اند و شاه مخلوع را بیرون کردند و به امید خدا به مبارزاتشان تا قطع تمام وابستگی ها ادامه خواهند داد . و یا از دولت های کشورهای اسلامی که با داشتن سلاح برنده منابع نفت و غیر آن که با یک تصمیم می توانند غرب و شرق را به تسلیم وادار کنند خود تسلیم و از این حربه برای آزادی کامل از یوغ استعمارگران شرق و غرب استفاده نمی کنند .

شما ای جنبش های آزادیبخش و ای گروه های در خط به دست آوردن استقلال و آزادی ! به پاخیزید و ملت های خود و ملل اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و قبیح تر از ستمکاری است و به دولت های اخطار کنید که از زبونی و ذلت خود را نجات دهند و به همه تذکر دهید که به اسلام بازآیید و به اخوت اسلام بگرایید . ای مستضعفین جهان ! به پاخیزید و خود را از چنگال دشمنان بشر نجات دهید و بیش از این زیر بار ظلم نروید که خداوند با مظلومان است .

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

## در جمع کارکنان پالایشگاه تهران و جهاد سازندگی مازندران

### ما سرفرازیم در عالم برای اینکه قیام کردیم بر ضد طاغوت

بسم الله الرحمن الرحيم

من نمی دانم از کجا شروع کنم تسلیت به ملت ایران برای فجایعی که در طول این مدت دیدند و شهدایی که داده اند یا بر فجایعی که در 15 خرداد به بار آمد یا فجایعی که 17 دی ، 19 دی . ما تمام ایام سالمان در این دو سال اخیر ایامی بوده است که مصیبت برای ملت بوده است لکن توام با سرفرازی شهادت در راه اسلام خون دادن در راه استقلال ما هم سرفرازیم در عالم برای اینکه قیام کردیم بر ضد طاغوت . و ملت ما تمام قشرها بانوان آقایان تمام قشرهای ملت قیام کرد و بر همه قوای شیاطین غلبه کرد . مبارک باد بر شما این شهادت ها و این فداکاری ها و این مصیبت ها و باز مبارک باد بر شما این تحولی که در شما پیدا شد در صنعت نفت آن تحولی که پیدا شد و از آنجا شروع شد شریان اجانب را قطع کرد . مبارک باد بر شما این پیروزی و این تحولی که در تمام قشرها پیدا شده است که یک رشته آن همین سازندگی است که در همه جا هست و آقا الان بعضش را فرمودند .

من باید تشکر کنم از این ملت که همچو حس اعانت در آنها پیدا شده است حس تعاون پیدا شده است که خودشان بدون انتظار از این که قوه های دیگری به آنها کمک کند خودشان قیام کردند و در همه مسایل با قدرت پیش رفتند .

### همان طور که مردانه قیام کردید و شکستید آن سد شیطانی را مردانه باقی باشید

برادران من ! ایران امروز مال شماسست دست های اجانب از آن کوتاه و توطئه گرها/همین / به واسطه همین قیام شما و به واسطه کوتاه شدن دست اجانب در توطئه هستند . همان طور که مردانه قیام کردید و مردانه عقب زدید آن سد شیطانی را شکستید آن سد شیطانی را مردانه باقی باشید بر آن و نهضت خودتان را پیش ببرید . کشور مال شماسست خرابی مال شماسست و آباد کردن به عهده شما . خرابی اندازه ندارد این قدر نیست که بتواند یک قشری آن را آباد کند . خرابی به اندازه ای است که باید تمام افراد ملت قیام کند جدیت کند تا ترمیم کند . لکن قیام برای این امر هم قیام برای خداست و هم قیام برای اسلام و ملت و کشور خودتان است و باید به همین طور پیش برویم و دست توطئه گرها را قطع کنیم همان طور که دست اجانب را از مخالفان قطع کردید .

من از شماها تشکر می‌کنم از همه ملت تشکر می‌کنم از شما آقایان که زحمت کشیدید و این جا تشریف آوردید از پالایشگاه تهران و از شمال تشریف آوردید . خداوند همه شما را حفظ کند و موفق و موید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 269

تاریخ : 5/11/1358

## پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای خویی

بسمه تعالی

عراق نجف اشرف

حضرت آیت الله آقای خویی دامت برکاته

تلگراف محترم واصل ، از ابراز محبت جناب عالی متشکر و ملتمس دعا هستم .

خمینی

ص: 270

تاریخ : 10/11/1358

## پاسخ به تلگرام رئیس جمهور الجزایر

بسمه تعالی

حضرت آقای شاذلی بن جدید رئیس جمهوری کشور الجزایر

از دریافت پیام محبت آمیز آن حضرت متشکرم . موفقیت و سعادت روزافزون ملت های مسلمان جهان به خصوص ملت برادر الجزایر را از خدای تعالی مسالت دارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 271

تاریخ : 30/11/1358

## پاسخ به تلگرام آقای حافظ اسد رئیس جمهور سوریه

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای ژنرال حافظ اسد رئیس جمهوری کشور سوریه \_ دمشق

پیام محبت آمیز جناب عالی را در بیمارستان دریافت داشتم . از تفقد شما متشکرم و امیدوارم کشورهای اسلامی با اتحاد و اتفاق کامل دست ایادی استعمار شرق و غرب و بخصوص امریکا را از کشورهای خود کوتاه کنند . و از خدای تعالی موفقیت همگان را در این راه مسالت دارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 272

تاریخ : 15/12/1358

## پاسخ به تلگراف حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی

حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی دامت برکاته

از وصول تلگراف محبت آمیز آن جناب در مورد انتقال این جانب از بیمارستان به منزل متشکرم . سلامت و موفقیت حضرت عالی را از خدای تعالی خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 273



تاریخ : 16/12/1358

## پاسخ به تلگراف حضرت آیت الله آقای شریعتمداری

بسم الله الرحمن الرحيم

قم - حضرت آیت الله آقای شریعتمداری دامت برکاته

تلگراف محترم در مورد انتقال این جانب از بیمارستان واصل گردید از تفقد جناب عالی متشکرم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 274

تاریخ : 18/12/1358

## پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای شیرازی دامت افاضاته

تلگراف تفقد آمیز جناب عالی در مورد انتقال این جانب از بیمارستان به منزل موجب تشکر گردید . از خدای تعالی موفقیت و سلامت آن جناب را مسالت می نمایم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 275

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

نظر به اینکه جناب له در دادگاه امر تهران رسیده است و حضرت صاحب  
عزیز و محترم آباءه الهامین در این باره در مقام استیضاح

پهناخته شده است و در این باره تا با کمال جدیت و با درود و تقوی از شفقتات الهی

که بنام و عنایت و محرمات صریح است و در مواردات و سایر استیضحات آن

در وقت لازم افزائید و در این خصوص بر اهل حکم و شایسته

عقدیم که جناب له در این امر هم تشریح فرمایند و در این

بیتکه است اینک همیشه که میگوید از دادگاه تهران که در این

در وقت لازم افزائید و در این خصوص بر اهل حکم و شایسته  
عقدیم که جناب له در این امر هم تشریح فرمایند و در این

## فرمان به حجت الاسلام آقای عباس واعظ طبسی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ عباس واعظ طبسی دامت افاضاته

نظر به سابقه ای که جناب عالی در اداره امور آستان مقدس حضرت ثامن الائمه صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطاهرین دارید و اعتمادی که در این باره به جناب عالی می باشد به سمت تولیت آن آستانه مقدسه منصوب می شوید تا با کمال جدیت و به طور دقیق از متعلقات آنجا خصوصا کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر متعلقات آن آستان مقدس محافظت کامل را بفرمایید و از حیف و میل و ضیاع اموال جلوگیری نمایید و حضرات خدام محترم نیز با جناب عالی در این امر لازم تشریک مساعی خواهند نمود .

و آنچه لازم به تذکر است این مطلب می باشد که هیچ یک از نهادهای جمهوری اسلامی مانند جهاد سازندگی و همچنین وزارت ارشاد ملی و یا اشخاص عادی حق دخالت در موقوفات و سایر متعلقات آستان قدس را ندارد . از خدای تعالی موفقیت همگان را در انجام وظایف الهی مسالت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 277

تاریخ : 11/2/1359

## پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی

بسمه تعالی

قم - حضرت آیت الله آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی دامت برکاته

تلگرام تسلیت جناب عالی واصل گردیده از اظهار تفقدی که نموده اید متشکرم ادامه توفیقات آن حضرت را از خدای تعالی مسالت دارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 278

تاریخ: 18/4/1359

## پاسخ به تگراف حضرت آیت الله آقای شیرازی

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای شیرازی دامت برکاته

تگراف جناب عالی در مورد تایید اقدامات اخیر واصل و موجب تشکر گردید . امید است ان شاءالله تعالی ملت شریف ایران بتواند با اتحاد و همیشگی بر همه مشکلات فائق آمده و بر دشمنان داخلی و خارجی پیروز شود .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 279

## پیام درباره لزوم دیدار ملت از بازماندگان شهدای اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام سراسر کشور دامت برکاتهم و سایر برادران و خواهران ایمانی میهن عزیز دامت تاییداتهم

پس از اهدای سلام و تحیت خالصانه در وضع فعلی کشور که قوای مسلح ایران در مرزها با خلوص نیت و قلب سرشار از محبت به اسلام و کشور اسلامی به جنگ دفاعی با دشمنان اسلام که در راس آنها آمریکا است به پا خاسته اند و در زمانی که امثال صدام تبهکار به پیروی از شیطان بزرگ به کشور اسلامی ما هجوم آورده است و قوای مسلح ایران با فداکاری بی نظیر از کشور قرآن دفاع می نماید بر همه ملت خصوصاً علمای اعلام لازم است از بازماندگان شهیدان اسلام دیدن نموده و با عواطف اسلامی خود در خدمت آنان کوشا باشند و از کمک های معنوی و عواطف روحی دریغ ننمایند .

این جانب مراتب احترام خود را تقدیم بازماندگان محترم شهیدانی که در راه هدف الهی خود را فدا و دین خود را در پیشگاه ربوبیت ادا نموده اند تقدیم می نمایم و از خداوند متعال رحمت واسعه برای شهدا و عزت و سلامت برای بازماندگان عزیز مسالت می نمایم و مراتب شکرگزاری خود را تقدیم می کنم .

امید است انشاءالله تعالی از عواطف گرم ملت و علمای عظیم الشان اسلام بر قلوب سرشار از افتخار و جریحه دار آنان تسکین بخشد .  
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ: 9/7/1359

## فرمان به حجت الاسلام آقای ربانی شیرازی جهت رسیدگی به اوضاع منطقه فارس

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی دامت افاضاته

مقتضی است جناب عالی مسافرتی به منطقه فارس بنمایید و چنانچه نارسایی ها و یا احیاناً اختلافاتی وجود دارد برطرف نموده و در حفظ وحدت و همبستگی اهالی محترم منطقه سعی کافی مبذول دارید . از خدای تعالی موفقیت آن جناب را در انجام وظایف اسلامی مسالت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 281



سهم ازین

جنب عجم اسلام ...

در این که مطهرات ...

و این که در ادوات ...

منسوب به ایم ...

بمنزه و لذت ...

در این که ...

روز نامه ...

از خدای ...

روح پروردگار

## فرمان به حجت الاسلام آقای سید محمد خاتمی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای سید محمد خاتمی دامت افاضاته

از آنجا که مطبوعات کشور در ساختن جامعه نقش موثری را ایفا می نمایند جناب عالی را به خاطر شایستگی و لیاقتی که در اداره این گونه امور دارید به سرپرستی روزنامه کیهان که مربوط به مستضعفین است منصوب می نمایم . و البته متوجه هستید که مطبوعات باید همیشه در خدمت اسلام عزیز و مردم و کشور باشند و آزادی ها در حدود قوانین مقدس اسلام و قانون اساسی به بهترین وجه تامین شود و بی طرفی حفظ گردد . امید است به یاری خدا و با همکاری کارمندان متعهدتان روزنامه را در راه تحقق بخشیدن به آرمان های انقلاب اسلامی اداره نمایید . از خدای تعالی توفیق همکاران را در این راه مسالت دارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 283



## فرمان به حجت الاسلام آقای مهدی کروی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی دامت افاضاته

پیرو ماموریتی که جناب عالی در مورد رسیدگی به وضع بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی از طرف این جانب دارید چون اخیراً گاهی دیده شده است که برای سرپرستی فرزندان شهدا بین اولیای آنان درگیری ها صورت گرفته لذا جناب عالی موظفید از طرف این جانب به این موضوع رسیدگی نموده و حتی المقدور آنان را به صورتی راضی کنید و اگر میسر نشد به هر نحو مصلحت دیدید رفع مشکل کنید . و از اولیای فرزندان شهدا نیز می خواهیم که با در نظر گرفتن سعادت فرزندان شهدا و آینده آنان موجبات این کار را به نحو آبرومندی فراهم کرده و روح شهدای عزیز را شاد نمایند . و امید است مسوولین محترم اداری و مردم نیز همکاری های لازم را با جناب عالی در انجام وظایف محوله داشته باشند . از خدای تعالی موفقیت شما را مسالت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 285

تاریخ: 25/11/1359

## پاسخ به استعلام آقای سیفیان (شهردار) در باره اراضی موات

بسمه تعالی

اراضی موات بالاصاله را کسی مالک نمی شود مگر به احیاء. و اگر ثبت داده باشد و خرید و فروش نموده باشد هم باطل است و امر اراضی مذکور با دولت اسلامی است.

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 286



## پیام در تقدیر از رزمندگان اسلام (جانبازان)

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود بر شما عزیزان که در راه هدف که اسلام عزیز است سلامت خود را از دست داده و استقلال و آزادی کشور عزیز اسلامی را بیمه نمودید .

ملت شریف ایران بر شما جانبازان و فداکاران افتخار می کند . شما یاد فداکاران صدر اسلام را تجدید نمودید . یاد شما بزرگمردان در تاریخ بشریت و اسلام بزرگ جاودان است و مجاهدت افتخارآمیز شما... مجاهدین در طول تاریخ است . از خداوند متعالی برای شما برادران صحت و سلامت و اجر بزرگ خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

دوست و اخلاصمند شما عزیزان

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 288

## پاسخ به نامه حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری در رابطه باتشکیل شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم

بسمه تعالی

شورای مزبور کارهایی را که می خواهند انجام دهند . پس از نظرخواهی در امور مهمه از حضرت آیت الله گلپایگانی دامت برکاته مانعی ندارد . انشاءالله موفق باشید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 289



## پاسخ به نامه دانش آموزان سرخپوست یکی از مدارس راهنمایی امریکا

فرزندان عزیز خوب دبیرستان اسپرینگ دال ایالت آرکانزاس آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه محبت آمیز و هدیه ارزشمند شما عزیزان را دریافت نمودم . من می دانم که سرخ پوستان و سیاه پوستان در فشار و زحمت هستند . در تعلیمات اسلام فرقی بین سفید و سرخ و سیاه نیست آنچه انسان ها را از یکدیگر امتیاز می دهد تقوا و اخلاق نیک و اعمال نیک است . از خداوند بزرگ می خواهم شما فرزندان عزیز را موفق کند و به راه راست هدایت فرماید .

یک جزوه از کلمات نصیحت آموز پیغمبر بزرگ اسلام را که برای کودکان ایران هدیه داده اند برای شما عزیزان می فرستم و به شما دعای خیر می کنم . امید است در ارزش های انسانی موفق باشید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 290

## خطاب به کارمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بسمه تعالی

ان شأله کارمندان وزارت ارشاد اسلامی موفق به عمل صالح باشند .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 291

## بیانات در جمع اعضای شورای نگهبان

اسلام نه با سرمایه داری موافق است نه با کمونیسم

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز با گرفتاری دو جریان هستیم: یکی آن جریانی است که همین که به نفع مستضعفین و محرومین سخن گفته شود و از کاخ نشین ها و غاصبین حقوق مردم صحبتی بشود می گویند این همان کمونیسم است و جریان دیگر اینکه وقتی گفته شود خودسرانه اقدام به تقسیم زمین یا گرفتن اموال ننمایید می گویند طرفداری از سرمایه داران و فتودال ها شده است. در حالی که همان طور که می دانید اسلام نه با سرمایه داری موافق است نه با کمونیسم. اسلام راه و رسم دیگری غیر از اینها دارد. من متأسفم که در بین گروه اول گاهی کسانی هستند که بعضی اوقات به احادیثی متوسل می شوند مثلاً مستند خود را آن فرمان حضرت امیر\_ علیه السلام قرار می دهند که ایشان به مالک اشتر فرمودند. اولاً- این فرمایش حضرت یک حکم حکومتی است و نمی شود به آن فتوا داد ثانیاً در مورد زکات است در حالی که حکومت اسلامی به وسیله خمس اداره می شود. احتمال است که حضرت یا به لحاظ وضع خاص منطقه چنین حکمی کرده باشند یا این که علم داشته اند که مردم آن منطقه افرادی راستگو و صادق هستند. اما ما حدیث داریم که می شود با آن فتوا داد و عمل کرد و آن این است که (باشد به اینکه فقرا در مال اغنیا شریک هستند) مگر نه این است که مال مورد شرکت مشاع است پس فقرا در مال اغنیا شرکت دارند. کسی که حقوق مالی خود را پرداخت نکرده است سهمی که می بایست پرداخت کند به صورت مشاع در دست اوست و در صورت عدم پرداخت به صورت تصاعدی افزایش پیدا می کند تا آنجا که اگر کلیه اموالشان را هم بدهند باز بدهکارند.

در مورد مساله زمین باز دقت بشود که احیاً موات شرایی دارد. من خودم از ظلم و ستم خوانین و فتودال ها اطلاع دارم که چگونه مردم فقیر را به زور به کار می گرفتند چگونه با زجر و شکنجه آنها را وادار به کار می کردند در اینگونه موارد اگر زمین هم احیاً بشود آن ظالم که مردم را به زور وادار به کار کرده است مالک نمی شود. اینها چنین مال جمع کرده و صاحب ده ها و صدها هکتار و گاهی بیشتر زمین شده اند. من نمی گویم کسی که دو خانه دارد در یکی ساکن است و دیگری را اجاره داده تا از مال الاجاره زندگی کند خانه او را بگیرند یا کسی که به زحمت زمینی را آباد کرده و حالا از زمین زندگی خود را می گذارند زمین او را بگیرند اما ببینید این ثروت های بزرگ چطور انباشته شده

است .

من احتمال این را که اینها حقوق شرعی خود را پرداخته باشند حتی در مورد یک نفرشان هم نمی دهم . در مواردی اگر تمام اموالشان هم گرفته شود باز بابت حقوق شرعی بدهکارند .

وقتی در پاریس بودم عده ای از سرمایه دارها که حس کرده بودند دیگر رژیم سابق رفتنی است و لذا برای اینکه در حکومت بعدی هم آنها به همان گونه باشند و زندگی کنند پیش من آمدند که می خواهیم وجوه شرعی خود را پرداخت کنیم . من مقصود آنها را فهمیدم و گفتم شما بروید اساس کارتان را درست کنید من پولی از شما نمی گیرم . الان هم عده ای هستند که می روند مثلا صد هزار تومان به یکی از آقایان می دهند که این حقوقی است که شرعا به عهده من است و آنها هم می گویند بله فلانی وجوه شرعی خود را پرداخته است در حالی که این شخص 50 میلیون تومان از این بابت بدهکار بوده است حالا می خواهد با پرداخت این مبلغ کم بگوید که اموالش دیگر مال خودش است . شما بیایید احکام الهی را اجرا کنید . باید قوانین وضع بشود که حقوق محرومین و فقرا به آنها بازگردانده شود . این وظیفه شماست متاسفانه در برخی موارد قوانین خوب هستند ولی خوب اجرا نمی شوند . ما مامورین اجرای خوب در این موارد کم داریم . اگر مامورین اجرا افراد صالح و واردی باشند دیگر سروصدای کسی در نمی آید . برای این امر هم باید فکری کرد . من از خداوند می خواهم که به همه توفیق پیاده کردن قوانین اسلام را عنایت فرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 293

تاریخ : 20/2/1360

## پاسخ به درخواست رئیس سازمان بهزیستی کشور (دکتر فیاض بخش)

در مورد استفاده از سهم امام برای رفع مشکلات مجروحین و معلولین با نظارت جناب حجت الاسلام آقای مهدوی کنی

بسمه تعالی

با نظارت ایشان مورد قبول است .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 294

تاریخ : 21/2/1360

## استجازه وزیر بهزیستی (دکتر فیاض بخش) در مورد عضویت آقای مهدوی کنی در شورای بهزیستی کشور

بسمه تعالی

ایشان مورد تایید و اعتماد می باشند . از خداوند متعالی توفیق آقایان را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 295

## فرمان به حجت الاسلام آقای باریک بین

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ هادی باریک بین دامت افاضاته

بسم الله الرحمن الرحيم

بر حسب تقاضای مکرر اهالی محترم قزوین ایدهم الله تعالی در مورد اقامه نماز جمعه در شهر قزوین بدین وسیله جناب عالی را به سمت امام جمعه در آن شهر منصوب می نمایم که انشاءالله تعالی ضمن اقامه این فریضه بزرگ الهی مردم را به وحدت و همبستگی بیشتر دعوت و احساس وظیفه خطیری که دارند آشنا ساخته و از تفرقه و اختلاف برحذر دارید . از خدای تعالی موفقیت همگان را مسالت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 296

تاریخ : 3/5/1360

## فرمان به حجت الاسلام آقای محمد علی صدوقی

جناب حجت الاسلام آقای محمد علی صدوقی دامت افاضاته

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب عالی به نمایندگی از طرف این جانب در ستاد نظارت بر انتخاب یک نفر عضو شورای عالی قضایی تعیین می شوید تا بر جریان این انتخاب بر طبق مقررات نظارت نمایید . انشاءالله تعالی موفق باشید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 297



## پاسخ به تلگرام تسلیت حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی

حضرت مستطاب آیت الله آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

تلگراف تبریک و تسلیت شما در مورد شهادت روحانی بزرگوار و مسوول حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی قدوسی رضوان الله علیه \_  
واصل و موجب تشکر گردید .

این فاجعه جانگدار و نظایر آن که هر روز در گوشه و کنار این کشور بزرگ اسلا می به دست مزدوران آمریکای جهانخوار صورت می گیرد  
آخرین تلاش های مذبحخانه دشمن است که می خواهد ملت ما را از راه مقدسی که در پیش گرفته و با دادن هزاران شهید آن را پیدا کرده  
باز دارد . اما ملت بزرگ و قهرمان ما نشان داد که این اعمال جنایتکارانه و جنون آمیز گذشته از آنکه آنها را از این طریق مستقیم باز نمی  
دارد بلکه آنان را در پیمودن این راه مصمم تر و منسجم تر خواهد ساخت . (ومکروا و مکرالله والله خیر الماکرین) .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ : 21/6/1360

## **پاسخ به پیشنهاد جانشین رئیس ستاد مشترک (سرتیب فلاحی) در مورد تعیین فرماندهو جانشین نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران**

بسمه تعالی

با تقدیر از خدمات سرهنگ خلبان ستاد جواد فکوری ایده الله \_ و امید آنکه در آینده هم چون گذشته به خدمات خود ادامه دهد با مراتب فوق موافق می شود .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 299

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت امامت ما راجع سید عبد الله سراج است بر لایه

مرقم مهم که حاکی از غمت سراج کرب بود و در کرب و در غمتون این طبع حاضر

در مورد بیان که بر قلم بسته بود بنایب در آید این موضوع با به سفار کرام

و این در این باب چندین در فضیلتها مناسب در کرب و در این باب حضرت است

نیز در این باب رسیده رسیده در صبح در مسکن و خون رسیده رسیده کوش و موفقی

باشد در این باب است و ما بنایب در این باب چندین در این باب رسیده رسیده

در قلم است بر لایه ۲۴ فرقه اکرام ۱۴۰۱  
در ۱۰۰

## پاسخ به نامه حضرت آیت الله آقای عبدالله شیرازی

حضرت آیت الله آقای حاج سید عبدالله شیرازی دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

مرفوم محترم که حاکی از صحت مزاج شریف بود و اصل گردید و از مضمون آن اطلاع حاصل شد . در مورد مطلبی که مرفوم داشته بودید این جانب در تایید این موضوع بارها سفارش کرده ام و انشاءالله از این به بعد نیز در فرصت های مناسب تذکر خواهم داد . امید است حضرت عالی نیز در ترویج شریعت مقدسه و اصلاح امور مسلمین و حوزه مقدسه علمیه کوشا و موفق باشید و در مظان استجابت دعا این جانب را از دعای خیر فراموش نفرمایید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 301

تاریخ : 3/7/1360

## پاسخ به نامه هیأت نظارت بر انتخابات تکمیلی شورای عالی قضایی

خدمت جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت افاضاته

بسمه تعالی

در احراز صلاحیت افرادی که برای عضویت در شورای عالی قضایی پیشنهاد شده اند به هر نحو صلاح می دانید اقدام نمایید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 302

تاریخ : 9/7/1360

## موافقت با انتصاب سرهنگ صیادشیرازی بعنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

موافقت می شود .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 303

تاریخ : 12/7/1360

## نامه به هیات نظارت بر انتخابات شورای عالی قضایی

(به دنبال نامه حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری)

هیات نظارت بر انتخابات اعضای شورای عالی قضایی

بسم الله الرحمن الرحيم

اسامی نامزدهای انتخاباتی عضویت شورای عالی قضایی که تشخیص صلاحیت آنان به جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری دامت افاضاته محول شده بود طبق تایید ایشان که مورد تایید این جانب است در نامه ضمیمه به آن هیات اعلام می گردد .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 304

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت آیت الله العظمیٰ محمد باقر عظیمی مدظلہ العالی

مرحوم محمد جانباغی کرم اللہ وجہہ الکریم کے اہل بیت علیہم السلام سے تعلق رکھنے والے تھے۔

وہ مسرت و مودت سے شکر گوئی اور ہر وقت اپنے اہل بیت سے تعلق رکھتے تھے۔

وہ اپنے عہد و دار میں اپنے اہل بیت سے تعلق رکھتے تھے اور ان سے بہت محبت کرتے تھے۔

وہ اپنے اہل بیت سے تعلق رکھتے تھے اور ان سے بہت محبت کرتے تھے۔

وہ اپنے اہل بیت سے تعلق رکھتے تھے اور ان سے بہت محبت کرتے تھے۔

حضرت امام علیؑ کے اہل بیت سے تعلق رکھتے تھے اور ان سے بہت محبت کرتے تھے۔

۱۲۰۲ / ۱۳۰۴  
مرحوم محمد جانباغی کرم اللہ وجہہ الکریم



## پاسخ به نامه حضرت آیت الله آقای عبدالله شیرازی

حضرت آیت الله آقای حاج سید عبدالله شیرازی دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

مرقوم محترم جناب عالی که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی تفقد از حال این جانب بود و اصل و موجب تشکر گردید . امید است انشاءالله تعالی در تحت توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه \_ و دعای خیر حضرات آقایان محترم بتوانیم به اسلام و مسلمین هر چه بیشتر و بهتر خدمت نموده و در پیشگاه خدای متعالی شرمنده نباشیم . مرجو آنکه در مظان استجابت دعوات و تحت قبه حضرت ثامن الائمه علیه آلف التحیه والسلام از دعای خیر فراموشم نفرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 306



## حکم تفویض اختیارات نیروهای انتظامی به وزیرکشور (حجت السلام آقای ناطق نوری)

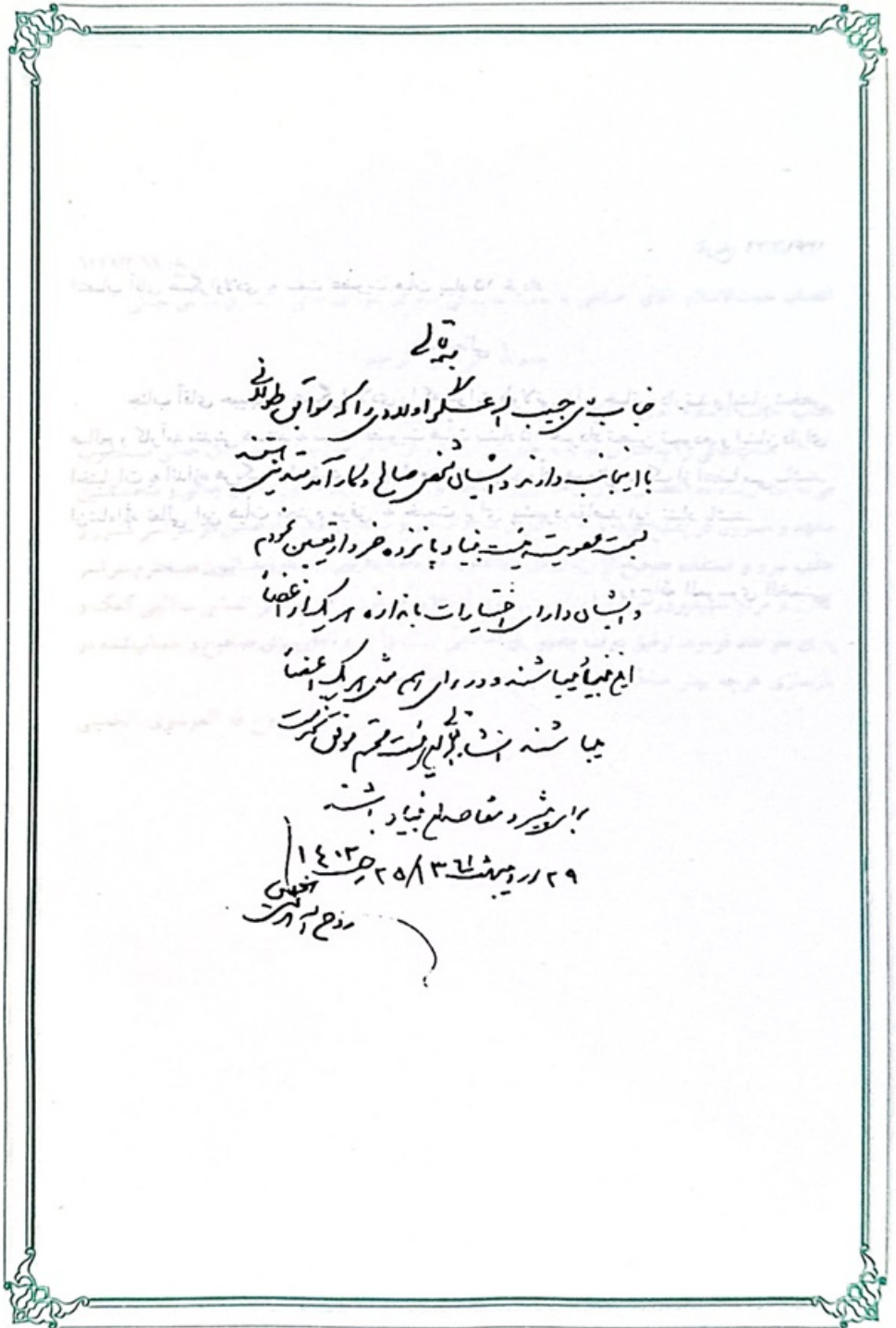
جناب حجت الاسلام آقای علی اکبر ناطق نوری دامت افاضاته

بسم الله الرحمن الرحيم

به منظور رفع مشکلات جاری ژاندارمری و شهربانی که تحت نظر وزارت کشور انجام وظیفه می نمایند بدین وسیله به جناب عالی اجازه داده می شود تا با مشورت آقای رئیس جمهوری محترم از اختیارات فرماندهی کل قوا در امور نیروهای انتظامی مزبور تا اصلاح مقررات استفاده و نسبت به ترفیع و تشویق افسران و درجه داران و کارمندان و سایر مواردی که از اختیارات فرماندهی نیروهاست . اقدام مقتضی معمول نمایید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 308



بیدار  
 خجیب سرجیب بر عسکر اولاد و اگر سراجی طوکلانی  
 با این جانب دارند دیشی نضر صالح و کار آمدند نیز  
 بجهت مغربت نیست بیاد پانزده خرداد تعیین نمود  
 دیشی دارار خجیارات با نازده هر یک از اعضا  
 این غمیا میباشند و در راه هم مشور یک اعضا  
 میباشند نیز بزرگترین قسم فوق ذکر است  
 با مشور و مصالح بیاد باشند  
 ۲۹ ربه ۱۳۵۸ / ۲۵ / ۱۴۰۲  
 مدح در اثر

## انتصاب آقای عسکراولادی به عضویت هیأت بنیاد 15 خرداد

بسمه تعالی

جناب آقای حبیب الله عسکراولادی را که سوابق طولانی با این جانب دارند و ایشان شخص صالح و کارآمد متدینی هستند به سمت عضویت هیأت بنیاد 15 خرداد تعیین نمودم . و ایشان دارای اختیارات به اندازه هر یک از اعضای این بنیاد می باشند و در رای هم مثل هر یک از اعضا می باشند . انشاءالله تعالی این هیأت محترم موفق به خدمت برای پیشبرد مقاصد این بنیاد باشند .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 310

## انتصاب حجت الاسلام آقای صانعی به سمت نمایندگی امام در شورای عالی بازسازی مناطق جنگی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ یوسف صانعی دامت افاضاته

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب عالی را به عنوان نماینده خویش در شورای عالی بازسازی مناطق جنگی منصوب می نمایم . انشاءالله اعضای شورای مذکور با هماهنگی با روحانیون محترم مناطق جنگی و متخصصین متعهد و مسوول در بسیج مردم و به کارگیری منابع مادی و معنوی کلیه دواطلبین در سراسر کشور و جذب نیرو و استفاده صحیح از آن موفق و منصور گردند . بدیهی است روحانیون محترم سراسر کشور و مردم شهید پرور ایران با تمام توان شورای عالی مذکور را در این امر انسانی الهی کمک و یاری خواهند فرمود . توفیق دولت جمهوری اسلامی ایران را در برنامه ریزی صحیح و حساب شده در بازسازی هر چه بهتر مناطق یاد شده از خداوند متعالی خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 311

تاریخ: 21/5/1361

## تلگرام به حضرت آیت الله گلپایگانی

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

بحمدالله تعالی حسب گزارش اطبای معالج عملی که انجام گرفته رضایت بخش بوده و مزده سلامتی جناب عالی را داده اند . امید است انشاءالله تعالی با عنایت خاص خداوند متعالی و توجه حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفداء \_ و ادعیه ملت شریف به زودی بهبودی کامل حاصل که از برکات وجود شریف همگان بهره مند شویم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 312

تاریخ: 6/6/1361

## پاسخ به تلگرام حضرت آیت الله آقای شیرازی

حضرت آیت الله آقای شیرازی دامت برکاته مشهد مقدس

بسم الله الرحمن الرحيم

تلگراف شریف در تعقیب اسلامی شدن احکام و قوانین کشور و اصل و موجب تشکر گردید . امید است انشاءالله تعالی متصدیان امور با توفیق خداوند متعالی و عنایات خاصه حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء \_ در طاغوت زدایی بیشتر و سریعتر موفق شوند . از جناب عالی امید دعای خیر دارم . سلامت جناب عالی را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 313



تاریخ: 22/6/1361

## پاسخ به سؤال آیت الله موسوی اردبیلی در مورد تعزیر

بسمه تعالی

چون طرفین قضیه دارای اشکالاتی است و متصدی امور قضایی اکثراً شرایط شرعی را ندارند جناب عالی با شورای محترم نگهبان در این امر مشورت نمایید که راه حلی که کمتر اشکال داشته باشد پیدا نمایید .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 314



## سپاس به مناسبت سالگرد جنگ

با سپاس به درگاه خداوند متعال

بسم الله الرحمن الرحيم

دو سال از دفاع پیروزمندانه می گذرد و ملت در تمام جبهه های خارجی و داخلی به همت شهدای عزیز ارزشمند و جانبازان فداکار و ملت برومند با سرفرازی و روسفیدی در بارگاه قدس الهی پیروز شد و امید پیروزی نهایی و تحقق وعده الهی در نزدیک مدت دارد . ما همه مرهون فداکاری این عزیزان در جبهه و پشت جبهه هستیم و مرهون مادران و پدران و خاندان این سلحشوران که به حق سربازان الهی تربیت نموده اند و حضرت بقیه الله ارواحنا المقدمه الفداء \_ قدرشناس آنان است . درود و رحمت بر روان پاک شهدا و بهبودی و عزت نثار پای جانبازان و عظمت و صبر جمیل نصیب خاندان این زنان و مردان متعهد شجاع باد و سلام بر ملت بزرگ ایران .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 316

۱۷۵۶۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله وسلم على محمد وآله الطيبين الطاهرين وفضلهم اجمعين وصلى الله  
 سيدنا محمد وجاهدنا وسلمنا على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين وفضلهم اجمعين وصلى الله  
 در حوض مقدسه عليه السلام ورحمة الله وبركاته ودر حوض مقدسه عليه السلام ورحمة الله وبركاته  
 محمد گشود با آن عالم منطقه مي باشد و در جانب بر منوسله اي ترميست تا اينكه از طرف خود  
 مستقر مي نمايد تا اينكه در تنه حوض مقدسه در آنجا مربوط به در واقع مي باشد در حوض مقدسه  
 حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه  
 حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه  
 و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه  
 مقام در گهات و گهات و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه  
 و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه  
 در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه  
 با ايشان در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه  
 آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر و آنقدر  
 ان شاء الله تعالى و صلوات الله و على آله و سلم و در حوض مقدسه عليه السلام و در حوض مقدسه عليه السلام



## انتصاب حجت الاسلام آقای سید حسن طاهری خرم آبادی به سمت نمایندگی امام در کشور پاکستان

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين .

بسم الله الرحمن الرحيم

و بعد جناب مستطاب سید الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید حسن طاهری خرم آبادی دامت افاضاته که مدت زیادی از عمر شریفه خود را در حوزه مقدسه علمیه قم در تحصیل علوم دینیه و تدریس صرف نموده اند اکنون به منظور رسیدگی به امور مذهبی اهالی محترم کشور پاکستان عازم آن منطقه می باشند . و این جانب بدین وسیله ایشان را به سمت نمایندگی از طرف خود منصوب می نمایم تا انشاء الله تعالی ضمن تصدی در آنچه مربوط به ولی فقیه می باشد در رفع مشکلات حوزه های مقدسه علمیه و سرپرستی از طلاب و محصلین محترم نیز اقدام نمایند و اگر جایی نیاز به تاسیس حوزه علمیه جدیدی داشت تاسیس کنند و در احیای مدارس علوم دینیه و تربیت طلاب سعی کافی را مبذول دارند و برای تامین بودجه های لازم مجازند در اخذ وجوه شرعیه از قبیل سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات عظام و زکوات و کفارات و سایر وجوه و صرف آن در موارد منطبقه . امید است علمای اعلام منطقه و مبلغین و اقشار محترم دیگر و مسوولان جمهوری اسلامی ایران در کشور پاکستان همکاری های لازمه را در پیشرفت کارها با جناب ایشان داشته باشند و از رهنمودهای ایشان بهره مند گردند و از مشورت با ایشان در کارها دریغ نورزند .

و اوصیه ایده الله تعالی : (بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه التقوی والتجنب عن الهوی والتمسک بعروه الاحتیاط وان لایسانی من صالح دعواته کمالا انساه) . انشاء الله تعالی .

والسلام علیه و علی اخواننا المومنین ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین

و بعد جانبیه بجهت اسلام حاج شیخ محمد صادق حنبلی بخیر دست یافت

را بر نویسد بجهت نمانند خود در بیان کسب کسب منقول منتهی که جانبین

عقل رسیدگی به امور مذهبی مردم این زمان مجازند در تصدیق بر حقیقت و آنچه

در زمان نبوت حضرت در عصر محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند و

فقیه بن شد فله بقصدی ذکر مع امره الهیة الحدیث و نیز مجازند

در خدمت کسب سابقین و صرف هم سادت را در حد و نصف از هم

سابق نام علیه اسلام را در موارد معتبره و در وجه شریعت معتبره

دارند نصف دیگر را نزد جانبیه صرف در مصالح علی

سلبین و اسلام علیه و علی خیرنا المؤمنین و رحمة ربنا و ربنا

تاریخ سرد می رسد اولاد ۱۴۰۳



## انتصاب حجت الاسلام آقای محمد صادق احسان بخش به سمت نمایندگی امام در استان گیلان

الحمد لله رب العالمين والصلوه والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

و بعد جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد صادق احسان بخش دامت افاضاته را بدین وسیله به عنوان نماینده خود در استان گیلان منصوب می نمایم که جناب ایشان ضمن رسیدگی به امور مذهبی مردم آن سامان مجازند در تصدی امور حسبه و آنچه در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف منوط به اذن ولی فقیه می باشد (فله التصدی لما ذکر مع مراعاة الاحتیاط) و نیز مجازند در اخذ سهمین مبارکین و صرف سهم سادات را در محل و نصف از سهم مبارک امام علیه السلام را در موارد مقرر و ترویج شریعت مقدمه و ارسال نصف دیگر را نزد این جانب جهت صرف در مصالح عالیه مسلمین .

والسلام علیه وعلى اخواننا المومنین ورحمة الله وبركاته

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ : 20/11/1361

## پاسخ به نامه رئیس دیوان عالی کشور در مورد عفو عمومی

بسمه تعالی

موافقت می شود .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 321



تاریخ : 20/11/1361

## پیام به مناسبت 22 بهمن

بسم الله الرحمن الرحيم

22 بهمن سرآغاز پیروزی ملت ایران بر مستکبران و غارتگران 22 بهمن سرآغاز بر چیده شدن دستگاه ستمگری طاغوتیان ، 22 بهمن سرآغاز حکومت الله بر جهان 22 بهمن سرآغاز برافراشته شدن پرچم عدالت اسلامی و بیداری مستضعفان برکشور و ملت بزرگ ایران و بر جمیع مسلمانان و مستضعفان و محرومان مبارک باد .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 322

## فرمان به حجت الاسلام آقای حیدرعلی جلالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حیدرعلی جلالی دامت افاضاته

بدین وسیله جنابعالی را به سمت امام جمعه موقت شهرستان خمین منصوب می نمایم که انشاءالله مردم محل را ضمن انجام این فریضه بزرگ الهی به وحدت و همبستگی دعوت نموده و از اختلاف و تفرقه برحذر دارید . اهالی محترم و به خصوص نهادهای انقلابی و ارگان های دولتی نیز با شما همکاری های لازم را در برگزاری هر چه باشکوهتر این نماز وحدت آفرین خواهند نمود .

از خدای تعالی موفقیت جناب عالی و اهالی محترم را در انجام این محوله خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ : 9/3/1362

## استجازه حجت الاسلام آقای کروی

برای رفع مسایل و مشکلاتی که در ارتباط با خدمت به خانواده های شهدا و فرزندان آنان وجود دارد

بسمه تعالی

شما مجازید برای حفظ اموال صغار و مصالح آنها اقداماتی که در این امر لازم است انجام دهید .

انشأالله تعالی موفق باشید . و اگر جد پدری دارند باید با نظر و اجازه او باشد .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 324

بسم اربع اربع

بر فتنه پلنگ در عهد او سپهر همدر سپهری چه قدر تا به پیش آمد که موجب بتراز شد در تیره انانف  
 هر مکر را شمر را بنام نیک که از جانب قدم برابر میبند کردن بکلیه سوسنهای بر سر عالم و دریا معین نمود  
 که بیخ در سگای مطیع به سوگوت نباشد و چون شود از قسم بر سر سی ملک بر دارند و نیز از آنجا در میان  
 فتنه از بد و در آن سر نیز ملک بر دارند در آن شهرات ۵۱۵ نیز قسم جبر و نیز قسم دولی عالی  
 کشور و نیز قسم جمل بر سر اهل و غنم بر سر قسم ابراهیم بر تالی مطابق طریقی را در بدنی  
 که چو کبریا با غافر رسیدگی نماید و قسم نماند را بگیرند و در آن بزرگ است که شنیده شده است  
 سفر در بیت اینان بنده من را با بدون بلایع از لایر انجام میدهد چون این ملک بر بند  
 واقع است که نیزه در نور لب در راه قرارند حال آنکه تا سید ۴۲۲ و ۱۳۶۲

خوبی  
 ۱۳۶۲

## نامه در مورد صدا و سیما

بسم الله الرحمن الرحيم

برخلاف انتظار در صدا و سیمای جمهوری اسلامی اختلافاتی پیش آمد که موجب نگرانی شد . در نتیجه این جانب آقای محمدهاشمی را به نمایندگی از جانب خودم برای به عهده گرفتن کلیه مسوولیت های مدیر عامل صدا و سیما معین نمودم که این دستگاه عظیم بی مسوولیت نباشد . و چون شورای محترم سرپرستی مطالبی دارند و بعضی از آنها را به این جانب نوشته اند و آقای هاشمی نیز مطالبی دارند لازم است حضرات آقایان رئیس محترم جمهور و رئیس محترم دیوان عالی کشور و رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و نخست وزیر محترم ایده‌م الله تعالی مطالب طرفین را بدون کوچکترین اغماض رسیدگی نمایند و تصمیم نهایی را بگیرند .

لازم به تذکر است که شنیده شده است بعضی در بیت این جانب برخلاف میل من یا بدون اطلاع من کاری انجام می دهند . چون این مطلب برخلاف واقع است گوینده این نحو مطالب به درگاه خداوند متعال توبه نماید .

روح الله الموسوی الخمينی

## انتصاب حجت الاسلام آقای حسینی میانه جی به سمت نمایندگی امام در استان لرستان

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سیدکاظم حسینی میانه جی دامت افاضاته

بدین وسیله جناب عالی را به سمت نماینده خود در منطقه لرستان منصوب می نمایم که انشاءالله تعالی در رفع نیازمندی های مذهبی و مشکلات دینی اهالی آن سامان اقدام نموده و در اموری که نیاز به اذن ولی فقیه دارد جناب عالی از طرف این جانب مجاز در تصدی و تصرف می باشید . امید است اهالی محترم و ارگان ها و نهادهای انقلابی در هماهنگی و همکاری با شما کمال کوشش را داشته باشند .

از خداوند تعالی توفیقات آن جناب را مسالت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 327

سبب اسماء

تعدادت مدماه خداداد منزه شریف که جهان آنرا با چشمه نامی شریف و نامی که در کتب آمده است در کتب الهی  
 استخوان و درگاه همانند جسم منور آن بود که در آن ششم آن میوه در آن است و در آن میوه در آن است و در آن  
 دست و خاک نشین آن روزگار و در آن که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 بهر روز شمار کنیم و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 بیدار نشادت هم از آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 سر سینه بند و با دست و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 تمهید و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 به آن رسیده بود و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 باران و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 همه از خانه و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 فایده بود و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است

## پیام به خانواده شهدا، اسرا و جانبازان

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با سنجش های بشری و انگیزه های عادی ارزیابی کرد و شهید در راه حق و هدف الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد کا ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این دیدی ربوبی لازم دارد. و نه تنها دست ما خاک نشینان از آن و این کوتاه است که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند؛ چه که آنها از مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرارآمیز فاصله ها دارند قلم این جا رسید و سر بشکست. و ما بازماندگان و عقب افتادگان در آرزوی آن و این باید روزشماری کنیم و حسرت شهادت و شهید شهیدپروران این چنانی را که با ایثار ثمره حیات خود عاشقانه به این شهیدان شاهد افتخار می کنند به گور بریم و از شجاعت های بی نظیر شهیدان و دوستان اسیر و مفقودشان و آسیب دیدگان و اشتیاق زائدالوصف اینان برای بازگشت به میدان شهادت احساس خجالت و حقارت کنیم. زنان و مردان و کودکان نمونه ای که در زیر بمباران ها و از بستر بیمارستان ها سرود شهادت سر می دهند و با دست و پای قطع شده بازگشت به جبهه های انسان ساز را آرزو می کنند فوق آنچه ما تصور می کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر در می آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می کنند می باشد. آنچه آنان با قدم های علمی و استدلالی و عرفانی یافته اند اینان با قدم غیبی به آن رسیده اند و آنچه آنان در لابلای کتاب ها و صحیفه ها جستجو کرده اند اینان در میدان خون و شهادت در راه حق یافته اند.

بارالها! ما را به خدمتگزاری در راه آنان و برای هدف بزرگشان توفیق ده و شهدا عزیزمان را در خوان ضیافت معنوی خود از جلوه های خاص خویش ارزانی بخش و خاندان بزرگوار آنان را با صبر و اجر قرین فرما و آسیب دیدگان عزیز ما را شفا مرحمت نما و اسیران و مفقودان معظم را هر چه زودتر به آغوش ملت عظیم الشان برگردان و به پدران و مادران و همسران آنان شکیبایی و پایداری عنایت فرما و از برکات حضرت بقیه الله \_ اروحنافداه \_ همه ی آنان و ملت را نصیب وافر مرحمت فرما.

روح الله الموسوی الخمینی



بسم بر ابرار رحیم

فاخر که زخم نافرمانی عفو است	گفته نشیند ماعرفا که از آنکه
زیر بر صبر است سینه عفو است	چهره زار او نغمه رحمان عفو است

اخر بر زار اصرار مراد دارد که در این یک مکتب تاگاه است و از آن خبر هم طوطی در جبهه طوطی نویسیم و این  
 در حال است که ضعف بر او نکرده چنانچه در ششم هر چه تا چیزی بود بطاق فیضان برده و گرفتاریها را لغت و تفتیق  
 بر آن چنانده شده و گمان است که تاریخ این روش را بگویم تا معلوم شود در چه زمانی برابر در کردن اتفاقا در شروع  
 شنبه ۲۴ شعبان ۱۴۰۴ / ۵ فروردین ۱۳۶۳ خراسان این تاریخ مکتب گشته اوضاع جهان و ایران را  
 در کجا شروع کنم بهتر است از نظرت بهتر فکرة الله الی فطرتنا سر میاید تا بعد بر خلق است در این مکتب است  
 بسند کرده که این فاعل حضرت است و آن من است ایجاب که در مکتب لا تقفون تبسم هم که تبت تبسم به هم و تبسم  
 با آنها بخوان ما هستیم یا نیز بکن برمان فطرتنا فطرتنا فطرتنا فطرتنا فطرتنا فطرتنا فطرتنا فطرتنا فطرتنا  
 مکتب توجه کند و دل پر بندد هم جفا در راه میسر او بندد و فراد بخوبید و گمانند جنت و ما خوان او بندد و ما بخوبید  
 کرد تا بر چیز شاد است که چه تا که در جاست مکتب کند تا بر مکتب مکتب در تبسم مکتب که خود جاست تبسم تبسم  
 آنکه کمال هر چه تبسم مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب  
 طالب علم طلب علم مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب  
 مکتب  
 مکتب  
 یا مکتب

در این خلوت اطمان بفرموده بشیر زنده مدتی و کفین هر ذکف همین قیوم را نشان در حجاب خود است و بخود برآمده است  
 و غرق حجب خرمیست از راه که در نظرش تجرب است و غریبند از این منزل آمده بر چهار است می جع مبدایستی تا آن  
 در نهایت بزرگ شایسته نواز الهرب ل کلال الانقطاع الیک و از ابعاب نظرنا بغیا نظرنا الیک می سخن ابعاب  
 است و حجب این نور فضا را سدن نلیم و بصیرت را در این سلفه بفرود کند اسرار جلی من نادمه تا جاگردد و در خطه  
 فضیلت بگذرد فاجیه سر این انقطاع خروج از منزل خود و فرود بر زمین و هرگز و بیوستن بر او است <sup>کلال</sup> گشتن  
 از فرود بر زمین است با این غیور بر زمین عامر در جدول که دنبال گوشه چشم نشان دادن او است <sup>خطه</sup> خطه  
 و پنهان بقرب بغیا و نظره او در نیاید حجب نور غرق شود و تا این حجب است را هر بعدن غلبت است  
 در راه تنق بفرود را در نیاید و برت تری و معنی نماید در نه فدی دادن در این غافل و در <sup>مطلوب</sup>

مودت زره من صفا بیاورد همه که نمون او را با بیاورد  
 تا خورشید بر صحرایان رسی خرد را بره در دست فایاورد

بخود سر سرقی بانه خاطر خود صورت کفر دم پر از صحن و از آنجا جبر استی خود در قافله وایک و غم  
 سرگرمی بدوم حق عزمان در حید از برابر با نشان میسندت است که است برابر خود این معلوم است ماکد را  
 مستعد نزدیک میکند که در میکند هم بر حجاب هر که در او حق جبره و حق با او انزه است که بسیار نادر است چنان  
 راه است و نور هایت هم در بقدره بر نه قلب من است و برابر رسیدن بگوشه از آن تنبیه و تلمیح دیگر  
 بدو است تنبیه نگر و تلمیح قلب از فرود او رسد تنبیه از افدق زمین که رسیدن از آن بسیار چهار

در چه رسد تندیب هم از آنکه غنچه رخسار او مردود است در نظرت؛ حال ما که از تیر و چاق است کرد  
 را در است و سخت تیر رسید و بدتر که این را بسبب صواب و ابرو ها رنگه و خرم عجب و خود بسندی  
 ز غایت صبر می است خود غنچه فانی است از آنکه بطلت غنچه؛ از آنکه از آنکه تیر به تیر است علم  
 تیر از آن آینه شده است غنچه است خود و همه نظیره؛ غنچه است و کنگ نما در در آن کنگه و غنچه فانی است  
 آنکه بکنده در عجب و خود نیز خود پسند خود اهل محبت و در هر حالت نماید و غنچه حضرت سلیمان نیز در پیوسته  
 می توانیم اظنا کرد و در هر کس که در حالت نوبت با اینها هر دو معلوم کنیم که سلیمان چرخه و هم دیدن کردن  
 غنچه سلیمان نیز با اینها در هر کس که در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 غنچه و غیره را می توانیم که چه رسد بخلق ذرات و خود دانسته در اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 ایلیس مجرب و کنگ غنچه است که خود را در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 هر چند است معلوم نیست چنین باشد و برتر شده باشد چنین نیست سر اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 این مربوط برشته علی استغفار تندیب است و در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 تندیب معلوم نیست در آن را از جابجا بر آن است از هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 آن نیز اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 چشم محیط است و غنچه طبیعت مانع از شود و در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 خود نیز در همان نیز در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها  
 حیوانی معلوم در جابجا غنچه در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها در هر یک از اینها

به خیریم آنرا که خبر شده خبرش از نیا هم قافیه خبر و به عمر به خیرم معلوم در قرآن کریم این سرعته فیض  
 الهی برکن هر چند حرف خوانی آن که نامه محراب است بنوعیه خوب است از این خبر دارد لکن خبر در آن  
 بنی راجعات باشد و داد به ایت مکنه ابدیه بدون لهران امی طالب آقاها تا این قدر بیجا  
 باز نگردد و بهم نریزد از تبریم آنچه توحید است و صبر گردد خداوند تعالی پروردگار عالم میزاید از لهران کریم  
 نکات کون دلیسه الا لیلون در مقدمه آنها این است که این طایفه در شان ازل گویا و نیز از  
 بنای خود بر در افعال بزرگ است بقدر سیر در دفع محب و شکت افعال برار رسیدن آب در حله نور  
 کوشش تا جانی در دست است که شکر در عمر و در قدر سبب در شکت افعال در دفع محب که برادران جهان که  
 باقی ملکب نزدیک تره نونی بگونه دیکه بر نونی بنیزد قید و نه ۱ و افعال سلطان اگر در حله عقد از آنها  
 شود برود که از عمر کلند ریشه دار و قوت شوند در خبر که اکنون گرفت است بر بریزد شکر آب در جوار  
 کلوشن در درگاه سراج جلوه نوری بر شمع از طلا و بزرگ شدن در خطه که از آن آن است که پیش  
 و عده صصع در افرخ در آن بر سرید و تنبیه و توبه الی الی استوی می اندازد بر زبان که در حله  
 و شجره زخم ترشده داراده و قیام بقدر ضعیف بلکه مرده است از قرآن در این خاتمین جویگر است  
 دنیا با بین صافی و سون برار است که خداد چیسر کسی در این راه نیست و بدان راه باقی نیز نباشد  
 شایر حروف سطح در جبر سر نرا ام صافی از این تیر است بسیار از این است که که ابوی هر چند در آن  
 و تصرف بر یک بار خدشیر با دیا کنه نیز از آن تیر است که بر این تیر بقدر ظرفیت خود حلقی دارد و خالی  
 دیگر از این برار رسید اهریت می که در سر خیمه چون دمی بر آن جا رسد به لهران بقدر سینه است  
 ۳۲۳



که روزی بر علم صابر میسر دالم در جمع صابیه نشسته بودند تا همان صابیه ای که در آن شب  
 فرود سگ از لب جنم افتاد و بر زانوها رسی که چون بفرجه جنم رسید اهرول گفته در آن حال شنیدیم مردمانی  
 که تنها در شب اکنون در گذشت و بفرجه جنم رسید ، پس در صراط استیم و صراط از تن جنم عبور میکند با نرسد آن  
 عالم ظاهر شود و در آنجا بر پشته صراطی تصور نموده دارد و در حال سیر است یا در صراط استیم که ختم نیست مگر در  
 یا صراط منحرف از چپ یا منحرف بر راست که بر دو یکم تمیز شوند و با از منزه از آن که در صراط استیم  
 اهرنا هم صراط استیم صراط این نیست معلوم غیر انقباض معلوم که انحراف از یک سو است و لا یسألین که  
 انحراف از مرکز را که در این قضای در حشر بلور عیان شود و صراط جنم که در زمین آن از جردت  
 و مدت طلعت فترت است باطن صراط استیم در این جهان است چه بسیار راه و حق و طلائع  
 و در مکر است عبور از آن بر سر راهی آنکه با هیچ انحراف راه را طی نموده جز با و بر فاجده گویند  
 و هرگز با نماند بر سر در این صراط در این نیز همین بر سنگر کرده خود را و امید که از لب سلسله  
 کنار گذارد و گوشه در غیر و تنبیه و برست خوردن که در حد بسیار نزدیک است و هر روز که بگذرد و غافل  
 با نرسد در است با نرسد که در خود چرا میسر نظر الا ما قال الدالین قال من هر چه هم بر او خود استیم و به  
 نیز چنین جنم و بهشت بر کفر نیز اعمال او است هر چه استیم در دینیم طاعت و عبادت و بهشت و بهشت  
 حسب غیر سرشت بهشت است ، خود این سرشت را بخلاف میکنند و با خود چه را میسر اینم و تا کار او بر خود استیم

این شیفتان که در صراطند چه جویند و چشمه ها تنه همه  
 حق میطلبند خود نمائند از راه در آب پنهان فراتند

۱۸ x ۱۱







خدا در جنم مقرر است ان و از این که مطلع می پذیرد که خدا یک آن است که فرموده امی سرور است  
 این عذاب فوق العذاب جنم باشد ما که در دون نیز آنیم این خانه ذوق فهم بر او ادراک و تعیین کنیم  
 بگذرد و بگذریم انما در برابر او بزرگ است در هر حال کتب فلسفی خود از بدنه مقدم و کتب اربعه  
 و عرفان هر کدام اثر دارد آنگاه پس از او بطور دور نا شناسی که با او در طبیعت دور است  
 منبر از آنجا چون نازل پس این مصباح نیز می که از این رفته است بنام حضرت صادق علیه السلام  
 در سبب دل انگریز تر مناجات و ادعیه آنرا مسلمین است که را بهر آن که بر مسعود نه را انما دوست پس از حق  
 جود ایستگرنه و بر او می بر نه اخبر و عهد خبر که با از آنجا فرسنگها دور است و بهر دو قسم می کن الا  
 انگریزی و شعر افکار مناجات عارفین و عابدین را انگریز مناجات با آن را از اولیای دین شمر می باشد  
 آن گفته اند در قرآن که بطور فرود بسته و ذکر و مناجات است انگریز است و چون با جاهد از آنجا  
 محمد صیم با آن بگذرد بر غایتیم که از حد اسیاسی دید در جوار حضرت سعید علم بر ایها شعر دارد و من میکند بر سیه  
 چرا عدد را معنی جواب داد او تا بر وحدت و جب الوجود است گفت بر او را من کن - این امر را  
 قصه هم باشد عیال است که چیست دارد و چیست در دنیا که کم خود تضرع ای را دید یا شنیده ام که در آن  
 باور است من نخواهم نظیر بر عیان را کنیم که اگر با فرود که سر جیب آنرا باشد نخواهم اصرار می نمود  
 با و گویی همان غرضی که کتاب دست خیز از آن یاد کرده ایم همان آن با انما را دیدیم گفته و با توجه ما  
 بر او اختتامه و من بعد تو هر یک که اول فهم بیرون آمدن از جیب خیمت که مانع بر رسته و هر قدم است

این کتاب است  
 این کتاب است  
 این کتاب است

این تمهید که نیست لکن در این کمال است چنانچه قبطه را که در زمان اول نزل مغرب  
شده است از زمان نزل شود بلکه نهد و راه نزل را کسین است در هر صورت با روح پلنگ نزل را  
بر سر نیت نیت چنانکه اشارات و نایان و نزل سالان گفته چون خود خواهد و خود نیت است هر چه در  
نیت است هر چه خود نیت و انظار آن گفته باشد خواهد بود و غیر نشان گفته در نیت است نیت است  
تا این است بزرگ و شایان نور نزل این بود نیت نیت در هر چه در نیت است و مهیا است این نیت گفته  
و این شایان را هم که در نیت نیت است که شایان است بجز از این نیت است که هر چه در نیت  
نیت است شایان است و او را نیت نیت است و او را نیت نیت است که هر چه در نیت است با نیت  
تا دم منزه چه کرد و در از نیت نیت است و او را نیت نیت است که هر چه در نیت است  
یا نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
و عدت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
و هر چه در نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
که در نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
از نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت

و بسیار پیچیده است و در هر سال از نظر که صفتی بر او را نه ولی با کجا دانستند و برابر  
 غیر کلمات آیه کریمه در این باب بیان کنی است چه که میفرماید قلنی آدم من رب کلمات قاتل علی  
 نه فرموده و ائسی پس کلمات کونی با زیر این کلمات را در یافت نموده است که هر که اگر التماس بهم بود به  
 کلمات قبل بیان نرفته و باید در این باره که راجع بهین قضیه است که فرموده نیز سطر کرد میفرماید و نلادانا انچه  
 کونی ذوقی و طعمی شیر نموده با این وصف چون از شداد پیشتر بوده ان پاره را در دست حال باید وضع خود  
 بگنیم که بخش بهر شاد و برگه آورده است از شجره چون خود در حق و مرام انانیت زیاد بر راه است در عضو  
 حاضر در این ما آفتا دارد که اگر یک جای است که از انها که در اول تمام سطر کرد هر نسیم من که خود صبا  
 ستم و معجم و جانم طبعی شایان است بیفرانان این عضو که در این زبان سرخ که سر سبز ایاد دهر و امانه که  
 طبعی شایان است و آلت دست از جان دروغ و فراد را تا که نه ساره میگویم از این دشمن بزرگ کتب نیست  
 دشمنیت فاند شو کار که در حیات نیز با دوستان هر خطا نیز بزرگ این عضو که در انقدر که می توان کار  
 کن در بین با یک رعایت نموده با در صفت جلب خاطر دست خود چه کند و چه صفت با می آورد که از انها  
 غیبت برادران و چهاران است بیس با آورد چه چهار با میکنی و چه برادر از مسلمان دور دانه  
 هر نیز چه غیبت را فخره در سکنز و چه نفعها را میسکنی امان این صفت شایان را میسکنی  
 و در طه کن در یک سال بدین امر پیش آمده چه کرد در دنیا به دست سال لیکر چه فرار کرد در معصیا

بر خود با بر خاگردار درین حال آنرا که کج می نماید در این کج شدن از حدی که بر سر است که مراد  
 بملفوظ و در این کج از آن معنی دارد و عظم ظاهر که با آن در باره نیست و از آن رویش میروند  
 و کت سر آن و تحت آن در دست و دلای که هر یک از اینها بر اینها نموده میزدند و از آن که در این  
 نوع نیکه اینک بر سر عدله اگر که بود احدی در این وجه میگویم از آنست که نیکه در خصوص آنکه بر سر زبان  
 خود در آن کسبه و بهت بگذرد از آن کسبه البته دعا غار تدر نظر است لکن با عزم و اراده و کثرت در آن  
 آن اسان بر زنجیر بسیار تعمیر کنند. قرآن کریم که شیرایر و دیدن بیکم بعضا در یک احدی  
 آن یا لولح اخیه ما شایر و غیر از صورت بزرگه عریضه هر دو شایر میزند از حضرت  
 سیه بر حدیث منقول است در عطف از سیه بر که خوف لیلای زوره است پاره بهین  
 باشد در آن حدیث است که خوف طلب و عطف کرد از روی ایشان فرودند جنبه نسبت  
 فانه ادرام مذهب بنام قال یا خوف که یمن و عزم اند و کرمین معجل و بهر یا لولح یا لولح  
 با نیت و از رسول خدا ص بر میسد و بر وسیع تر شده که فرمود . هر یک از سره اینار  
 بریم نیت ادعای استقامت از این حدیث و میهنای که کم نیت استاده شود که ضم صورت طلی  
 بحال است با این اما در این فاما ترا و فزاده امر مربوط با را از آنات بطلان نجات است  
 فرما دارا در آنست که در از مسلمانان زبان و علم خود نور از قرار شده مع جنبه صفت و استقامت با طلی  
 زشم و من خود بر آن میگویم که خود تراستم از ملای بر میان بگرم بر سرست فاطمی که نموده جان را دارا  
 این توفیق را چه از دهدهم مع بد بر اینها که ۱۲ شهر رمضان که ۱۴۰۴ روج بر اینها

## نامه ی عارفانه به خانم فاطمه طباطبائی

بسم الله الرحمن الرحيم

فاطمی که زمن نامه عرفانی خواست \*\*\* از مورچه ای تخت سلیمانی خواست

گویی نشنیده ما عرفناک از آنک \*\*\* جبرئیل از او نفخه رحمانی خواست

آخر پس از اصرار مرا وادار کردی از آنچه قلبم ناآگاه است و از آن اجنبی هستم طوطی وار چند سطری بنویسم . و این در حالی است که ضعف پیری آنچه در چننه داشتم هر چند ناچیز بود به طاق نسیان سپرده و گرفتاری های ناگفتنی و نانوشتنی بر آن اضافه شده و کافی است که تاریخ این نوشتار بگویم تا معلوم شود در چه زمانی برای رد نکردن تقاضای تو شروع نمودم (شنبه 4 شعبان المعظم 1404 \_ 5 خرداد 1363) خوانندگان در این تاریخ ملاحظه کنند اوضاع جهان و ایران را . از کجا شروع کنم ؟ بهتر آن است از فطرت باشد (فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله) . در اینجا به فطرت انسان ها بسنده کرده گرچه این خاصه خلقت است (وان من شيء الا بسیج بحمده و لكن لا تفقهون تسبیحهم) همه گویند :

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم \*\*\* با شما نامحرمان ما خامشیم

ما نیز اکنون به عرفای فطرن انسان ها نظر می اندازیم و گوییم در فطرت و خلقت انسان امکان ندارد به غیر کمال مطلق توجه کند و دل ببندد . و همه جان ها و دل ها به سوی اویند و جز او نجویند و نخواهند جست و ثناخوان اویند و ثنای دیگری نتوانند کرد . ثنای هر چیز ثنای اوست گرچه ثناگو تا در حجاب است گمان کند ثنای دیگری می گوید . در تحلیل عقلی که خود حجابی است نیز چنین باشد . آن که کمال هر چه باشد می طلبد عشق به کمال مطلق دارد نه کمال ناقص . هر کمال ناقص محدود به عدم است و فطرت از عدم تنفر دارد . طالب علم طلب علم مطلق می کند و عشق به علم مطلق دارد و هم چنین طالب قدرت و طالب هر کمال . به فطرت انسان عاشق کمال مطلق است و در کمال های ناقص آنچه می خواهد کمال آن است نه نقص که فطرت از آن منزجر است و حجاب های ظلمانی و نورانی است که انسان را به اشتباه می اندازد .

شاعران و مدیحه سرایان گمان می کنند مدح فلان امیر قدرتمند یا فلان فقیه دانشمند را می کنند . آنان مدح و ثنای قدرت و علم را می کنند نه به طور محدود گرچه گمان کنند محدود است . و این فطرت امکان تبدیل و تغییر ندارد (لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم) . و تا انسان در حجاب خود است و به

خود سرگرم است و خرق حجب حتی حجب نوری را نکرده فطرتش محجوب است و خروج از این منزل علاوه بر مجاهدات محتاج به هدایت حق تعالی .

در مناجات مبارک شعبانیه می خوانی (الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاً نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمته و تصیر اروحنا معلقه بعز قدسک الاهی واجعلنی ممن نادیته فاجابک و لا حظته فصعق لجلالک فناجیته سرا) . این کمال انقطاع خروج از منزل خود و خودی و هر چه و هر کس و پیوستن به اوست و گسستن از غیر ، و هبه ای الاهی است به اولیای خالص پس از صعق حاصل از جلال که دنبال گوشه چشم نشان دادن اوست (ولا حظته الخ) و ابصار قلوب تا به ضیاً نظره او نور نیابد حجب نور خرق نشود و تا این حجب باقی است راهی به معدن عظمت نیست و ارواح تعلق به عز قدس را در نیابند و مرتبت تدلی حاصل نیاید (ثم دنی فتدلی) و ادنی از این فنای مطلق و وصول مطلق است .

صوفی! زره عشق صفا باید کرد \*\*\* عهدی که نموده ای وفا باید کرد

تا خویشتنی به وصل جانان نرسی \*\*\* خود را به ره دوست فنا باید کرد

نجوای سری حق با بنده خاص خود صورت نگیرد مگر پس از صعق و اندکاک جبل هستی خود (رزقنا الله وایاک) .

دخترم!

سرگرمی به علوم حتی عرفان و توحید اگر برای انباشتن اصطلاحات است که هست و برای خود این علوم است سالک را به مقصد نزدیک نمی کند که دور می کند (العلم هو الحجاب الاکبر) . و اگر حق جویی و عشق به او انگیزه است که بسیار نادر است چراغ راه است و نور هدایت (العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشأ) و برای رسیدن به گوشه ای از آن تهذیب و تطهیر و تزکیه لازم است . تهذیب نفس و تطهیر قلب از غیر او چه رسد به تهذیب از اخلاق ذمیمه که رهیدن از آن بسیار مجاهده می خواهد و چه رسد به تهذیب عمل از آنچه خلاف رضای او جل و علاست و مواظبت به اعمال صالحه از قبیل واجبات که در راس است و مستحبات به قدر میسور و به قدری که انسان را به عجب و خودخواهی دچار نکند .

دخترم!

عجب و خودپسندی از غایت جهل به حقارت خود و عظمت خالق است . اگر اندکی به عظمت خلقت به اندازه ای که تاکنون بشر با همه پیشرفت علم به شمه از آن آگاه شده است تفکر شود حقارت خود و همه منظومه های شمسی و کهکشان ها را ادراک می کند و عظمت خالق آنها را اندکی می فهمد و از عجب و خودبینی و خودپسندی خود اظهار خجلت و احساس جهالت می نماید .

در قصه حضرت سلیمان نبی الله علیه السلام می خوانیم آن گاه که از وادی نمل می گذرد: (قالت نمله یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده و هم لایشعرون) . نمله ، سلیمان نبی با همراهانش را به عنوان (لایشعرون) توصیف کند و هدهد به او می گوید: (احطت بمالم تحط به) . و کوردلان نطق نمله و طیر را نمی توانند تحمل کنند چه رسد به نطق ذرات وجود و آنچه در آسمان ها و زمین است که خالق آنان می فرماید: (الا یسیح بحمده و لکن لاتفقهون تسبیحهم) . انسان که خود را

محور خلقت می بیند \_ هر چند انسان کامل چنین است \_ در نظر سایر موجودات معلوم نیست چنین باشد و بشر رشد نیافته چنین نیست . (مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوه کمثل الحمار) . این مربوط به رشد علمی به استثنای تهذیب است و در وصف او (کالانعام بل هم اضل) آمده است .

دخترم!

پیمبران مبعوث شدند تا رشد معنوی به بشر دهند و آنان را از حجاب ها برهانند افسوس که شیطان قسم خورده به دست اذتاب خود نگذاشت آنچه آنان می خواهند تحقق یابد (فبعزتک لاغوینهم اجمعین) . ما همه خواییم و گرفتار حجاب ها (الناس نیام و اذا ماتوا انتبهو) . گویی جهنم محیط به ماست و خدر طبیعت مانع از شهود و احساس است . (و ان جهنم لمحیطه بالکافرین) . و کفر مراتب بسیار دارد خودبینی و جهان بینی و نظر به جز او نیز از مراتب آن است . نخستین سوره قرآن را اگر با تدبیر و چشمی غیر از این چشم انداز حیوانی بنگریم و بی حجاب های ظلمانی و نورانی به او برسیم چشمه های معارف به قلب سرازیر شود ، ولی افسوس که از افتتاح آن نیز بی خبریم (آن را که خبر شد خبرش باز نیامد) .

من قائل بی خبر و بی عمل به دخترم می گویم در قرآن کریم این سرچشمه فیض الهی تدبیر کن هر چند صرف خواندن آن که نامه محبوب است به شنونده محبوب آثاری دلپذیر دارد لکن تدبیر در آن انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می کند . (افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها)؛ و تا این قفل و بندها باز نگردد و به هم نریزد از تدبیر هم آنچه نتیجه است حاصل نگردد .

خداوند متعال پس از قسم عظیم می فرماید : (انه القرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المطهرون) . و سر حلقه آنها آنان هستند که آیه تطهیر در شان شان نازل گردیده . تو نیز مایوس نباش که یاس از اقبال بزرگ است . به قدر میسور در رفع حجب و شکستن اقبال برای رسیدن به آب زلال و سرچشمه نور کوشش کن . تا جوانی در دست توست کوشش کن در عمل و در تهذیب قلب و در شکستن اقبال و رفع حجب که هزاران جوان که به افق ملکوت نزدیکترند موفق می شوند و یک پیر موفق نمی شود . قید و بندها و اقبال شیطانی اگر در جوانی غفلت از آنها شود هر روز که از عمر بگذرد ریشه دارتر و قویتر شوند .

درختی که اکنون گرفته است پای \*\*\* به نیروی شخصی برآید ز جای

گرش همچنان روزگاری هلی \*\*\* به گردنش از بیخ برنگسلی

از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناکتر از آن ، آن است که به انسان وعده اصلاح در آخر عمر و زمان پیری می دهد و تهذیب و توبه الی الله را به تعویق می اندازد برای زمانی که درخت فساد و شجره زقوم قوی شده و اراده و قیام به تهذیب ضعیف بلکه مرده است . از قرآن دور نیفتم در این مخاطبه بین حبیب و محبوب و مناجات بین عاشق و معشوق اسراری است که جز او و حبیبش کسی را بر آن راه نیست و امکان راه یافتن نیز نمی باشد . شاید حروف مقطع در بعض سوره مثل (الم) ، (ص) (یس) از این قبیل باشد و بسیاری از آیات کریمه که اهل ظاهر و فلسفه و عرفان و تصوف هر یک برای خود تفسیر یا تاویلی کنند نیز از همان قبیل است . گرچه هر طایفه به قدر ظرفیت خود حظی دارد

یا خیالی . و شمه ای از این اسرار به وسیله اهل بیت وحی که از سرچشمه جوشان وحی بر آنان جاری شده به دیگران به قدر استعداد می رسد و گویی بیشتر مناجات ها و ادعیه برای این امر انتخاب شده است . آنچه در ادعیه و مناجات معصومین علیهم صلوات الله و سلامه می یابیم در اخبار که اکثرا به زبان عرف و عموم است کمتر یافت می شود . ولی زبان قرآن زبان دیگری است زبانی است که هر عالم و مفسری خود را با آن آشنا می داند و آشنا نیست . قرآن کریم از کتبی است که معارف آن بی سابقه است و تصور بسیاری از معارف آن از تصدیقش مشکل تر است چه بسا که با برهانی فلسفی و دید عرفانی مطلبی را بتوان ثابت کرد ولی از تصور آن عاجز بود . تصور ربط حادث به قدیم که در قرآن کریم در تعبیرات گوناگونی از آن یاد فرموده است و کیفیت معیت حق با خلق که بعضی گویند معیت قیومی است که تصور آن حتی برای آن گویندگان از معضلات است و ظهور حق در خلق و حضور خلقت نزد حق و اقریبیت او جل و علا- از حبل الوریث به مخلوق و مفاد (الله نور السموات و الارض) و (هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن) و (مایکون من نجوی ثلثه الخ) و (ایاک نعبد و ایاک نستعین) و امثال اینها که گمان نکنم جز بر مخاطب و به تعلیم او بر نزدیکانش که اهل این گونه مسائل بوده اند تصورش تحقق یافته باشد و راه یافتن به روزنه ای از آن مجاهدت مشفوع با تهذیب لازم دارد . افسوس که عمر این شکسته قلم گذشت و

از قیل و قال مدرسه ام حاصلی نشد \*\*\* جز حرف دلخراش پس از آن همه خروش

و امروز از جوانی که بهار یافتن است خبری نیست و بافته های سابق را جز مثنوی الفاظ نمی بینم و به تو و سایر جوان ها که طالب معرفتند وصیت می کنم که شما و همه موجودات جلوه اویند و ظهورویند کوشش و مجاهده کنید تا بارقه ای از آن را بیاید و در آن محو شوید و از نیستی به هستی مطلق رسید .

پس عدم گردم عدم چون ارغنون \*\*\* گویدم کانا الیه راجعون

دخترم!

دنیا و هر چه در آن است جهنم است که باطنش در آخر سیر ظاهر شود و ماورای دنیا تا آخر مراتب بهشت است که در آخر سیر پس از خروج از خدر طبیعت ظاهر شود و ما و شما و همه یا حرکت به سوی قعر جهنم می کنیم یا به سوی بهشت و ملا اعلا .

در حدیث است که روزی پیمبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در جمع صحابه نشسته بودند ناگهان صدای مهیبی آمد عرض شد : این صدا چه بود؟ فرمود : (سنگی از لب جهنم افتاد و پس از هفتاد سال اکنون به قعر جهنم رسید) . اهل دل گفتند : در آن حال شنیدیم مرد کافری که هفتاد سال داشت اکنون درگذشت و به قعر جهنم رسید . ما همه در صراط هستیم و صراط از متن جهنم عبور می کند باطنش در آن عالم ظاهر می شود و در اینجا هر انسانی صراطی مخصوص به خود دارد و در حال سیر است یا در صراط مستقیم که منتهی به بهشت می شود و بالاتر و یا صراط منحرف از چپ یا منحرف به سوی راست که هر دو به جهنم منتهی می شوند . و ما از خداوند منان آرزوی صراط مستقیم می کنیم . (اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم) که انحراف از



یک سوست (ولا الضالین) که انحراف از سوی دیگر. و این حقایق در حشر به طور عیان مشهود می شود. صراط جهنم که در توصیف آن از حیث دقت وحدت و ظلمت نقل گردیده است باطن صراط مستقیم در این جهان است چه بسیار راه دقیق و ظلمانی است و چه مشکل است عبور از آن برای ما و اماندگان. آنان که بی هیچ انحراف راه را طی نمودند (جزنا و هی خامده) گویند و هر کس به اندازه سیرش در این صراط در آنجا نیز همین سیر منعکس گردد. غرورها و امیدهای کاذب شیطانی را کنار گذار و کوشش در عمل و تهذیب و تربیت خود کن که رحیل بسیار نزدیک است و هر روز که بگذرد و غافل باشی دیر است. بازگو مکن که تو خود چرا مهیا نیستی (انظر الی ماقال و لا الی من قال). من هر چه هستم برای خود هستم و همه نیز چنین. جهنم و بهشت هرکس نتیجه اعمال اوست هر چه کشتیم درو می کنیم. فطرت و خلقت انسان بر استقامت و نیکی است. حب به خیر سرشت انسانی است ما خود این سرشت را به انحراف می کشانیم و ما خود حجب را می گسترانیم و تارها را بر خود می تنیم.

این شیفتگان که در صراطند همه \*\*\* جوینده چشمه حیاتند همه

حق می طلبند و خود ندانند آنرا \*\*\* در آب به دنبال فراتند همه

شب گذشته اسماً کتب عرفانی را پرسیدی. دخترم! در رفع حجب کوش نه در جمع کتب. بگیرم کتب عرفانی و فلسفی را از بازار به منزل و از محلی به محلی انتقال دادی یا آنکه نفس خود را انبار الفاظ و اصطلاحات کردی و در مجالس و محافل آنچه در چننه داشتی عرضه کردی و حضار را فریفته معلومات خود کردی و با فریب شیطانی و نفس اماره خبیث تر از شیطان محموله خود را سنگین تر کردی و بالعبه ابلیس مجلس آرا شدی و خدای نخواستہ غرور علم و عرفان به سراغت آمد. که خواهد آمد. آیا با این محموله های بسیار به حجب افزودی یا از حجب کاستی؟ خداوند عزوجل برای بیداری علما آیه شریفه (مثل الذین حملوا التواره) را آورده تا بدانند انباشتن علوم. گرچه علم شرایع و توحید باشد. از حجب نمی کاهد بلکه افزایش دهد و از حجب صغار او را به حجب کبار می کشاند. نمی گویم از علم و عرفان و فلسفه بگریز و با جهل عمر بگذران که این انحراف است. می گویم کوشش و مجاهده کن که انگیزه الهی و برای دوست باشد و اگر عرضه کنی برای خدا و تربیت بندگان او باشد نه برای ریا و خودنمایی که خدای نخواستہ جزء علمای سوء شوی که بوی تعفن شان اهل جهنم را بیازارد.

آنان که او را یافتند و عشق او دارند انگیزه ای جز او ندارند و با این انگیزه همه اعمالشان الهی است. جنگ و صلح و شمشیر زدن و نبرد کردن و هر چه تصور کنی (ضربه علی یوم الخندق الفضل من عباده الثقلین). اگر انگیزه الهی نبود گر چه فتح بزرگ از آن حاصل شود پیشیزی فضلیت ندارد. گمان نشود که مقام اولیا خصوصاً ولی الله اعظم علیه و علی اولاده الصلوات والسلام به این جا ختم می شود. قلم جرات ندارد که پیش رود و بیان طاقت ندارد که شرح دهد. و با محجوبان ما محجوبان چه گوئیم و خود ما چه می دانیم که گوئیم و آنچه هست گفتنی نیست و از افق وجود ما برتر است ولی باشد که یاد حبیب و ذکر او در دل و جان اثری کند هر چند از آن خبری دریافت نشود همچون

عاشق بی سوادى که به سواد نامه محبوب نظر کند و دل خوش دارد که این نامه محبوب است و همچون پارسی زبان پریشان عربى ندانى که قرآن کریم را خواند و چون از اوست لذت برد و حالى به او دست دهد که هزاران بار بهتر از ادیب دانشمندی است که به اعراب و مزایای ادبی و بلاغت و فصاحت قرآن سرخود را گرم کند و فیلسوف و عارفی است که به مسایل عقلی و ذوقی آن بیندیشد و از محبوب غافل باشد چون مطالعه کتب فلسفی و عرفانی که به محتوای کتاب مشغول و به گوینده آن کاری ندارد .

دخترم!

موضوع فلسفه مطلق وجود است از حق تعالی تا آخرین مراتب وجود و موضوع علم عرفان و عرفان علمی وجود مطلق است یا بگو حق تعالی است و بحثی به جز حق تعالی و جلوه او که غیر او نیست ندارد . اگر کتابی یا عارفی بحث از چیزی غیر حق کند نه کتاب عرفان است و نه گوینده عارف است و اگر فیلسوفی در وجود به آن طور که هست نظر کند و بحث نماید نظرش الهی و بحشش عرفانی است . و همه اینها غیر از ذوق عرفانی است که از بحث به دور است و غیر از آن مهجور تا چه رسد به شهود وجدانی و پس از آن نیستی در عین غرق در هستی (ادفع السراج که شمس طالع شد) .

دخترم!

شنیدم می گفتمی می ترسم ایام امتحان متأسف شوم که چرا کار نکردم در روزهای تعطیل . این تأسف و امثال آن هر چه هست سهل است و زود گذر . آن تأسف دایمی و ابدی است که چون به خود آیی توجه کنی که همه چیز را می بینی جز او و آن روز پرده ها افتادنی و حجاب ها برداشتنی نیست . امیرالمومنین در دعای کمیل عرض می کند : (فهبنی یا الهی و سیدی و مولای و ربی صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک) . من کوردل تاکنون نتوانستم این فقره و بعض فقرات دیگر این دعای شریف را به جد بخوانم بلکه آن را از زبان علی می خوانم و ندانم آن چیست که صبر بر آن از عذاب خدا در جهنم مشکل تر است . آن عذابی که (تطلع علی الافئده) . گویی (عذابک) همان (نارالله) است که فواد را می سوزاند . شاید این عذاب فوق عذاب جهنم باشد . ما کوردلان نمی توانیم این معانی فوق فهم بشری را ادراک و تصدیق کنیم بگذار و بگذاریم آنها را برای اهلش که بسیار کم است . در هر حال کتب فلسفی خصوصاً از فلاسفه اسلام و کتب اهل حال و عرفان هر کدام اثری دارد . اولی ها انسان را ولو به طور دورنما آشنا می کند با ماورای طبیعت و دومی ها خصوصاً بعضی از آنها چون (منازل السائرین) و (مصباح الشریعه) که گویی از عارفی است که به نام حضرت صادق به طور روایت نوشته است دل ها را مهیا می کنند برای رسیدن به محبوب . و از همه دل انگیزتر مناجات و ادعیه ائمه مسلمین است که راهبرند به سوی مقصود نه راهنما و دست انسان حق جو را می گیرند و به سوی او می برند . افسوس و صدافسوس که ما از آنها فرسنگ ها دور هستیم و مهجور .

دخترم!

سعی کن اگر اهلش نیستی و نشدی ، انکار مقامات عارفین و صالحین را نکنی و معاندت با آنان را از وظایف دینی نشمری . بسیاری از آنچه آنان گفته اند در قرآن کریم به طور رمز و سر بسته و در ادعیه و مناجات اهل عصمت بازتر آمده است و چون ما جاهلان از آنها محرومیم با آن به

معارضه برخاستیم . گویند صدرالمتهلین دید در جوار حضرت معصومه \_ سلام الله علیها \_ شخصی او را لعن می کند . پرسید : چرا صدرا را لعن می کنی ؟ جواب داد : او قایل به وحدت واجب الوجود است . گفت : پس او را لعن کن این امر اگر قصه هم باشد حکایت از یک واقعیت دارد . واقعیت دردناکی که من خود قصه هایی را دیده یا شنیده ام که در زمان ما بوده است . من نمی خواهم تطهیر مدعیان را بکنم که (ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد) . می خواهم اصل معنی و معنویت را انکار نکنی همان معنویتی که کتاب و سنت نیز از آن یاد کرده اند و مخالفان آن یا آنها را نادیده گرفته و یا به توجیه عامیانه پرداخته اند . و من به تو توصیه می کنم که اول قدم بیرون آمدن از حجاب ضخیم انکار است که مانع هر رشد و هر قدم مثبت است . این قدم کمال نیست لکن راهگشای به سوی کمال است چنانچه (یقظه ) را که در منازل سالکان اول منزل محسوب شده است از منازل نتوان شمرد بلکه مقدمه و راهگشای منازل سالکین است . در هر صورت با روح انکار نتوان راهی به سوی معرف یافت . آنان که انکار مقامات عارفانه و منازل سالکان کنند چون خودخواه و خودپسند هستند هر چه را ندانستند حمل به جهل خود نکنند و انکار آن کنند تا به خودخواهی و خودبینی شان خدشه وارد نشود . (مادر بت ها بت نفس شماس است ) تا این بت بزرگ و شیطان قوی از میان برداشته نشود راهی به سوی او جل و علا نیست . و هیئات که این بت شکسته و این شیطان رام گردد .

از معصوم نقل شده که (شیطانی آمن بیدی ) ، از این نقل معلوم شود که هر کس را هر چه بزرگ مرتبت باشد شیطانی است و اولیای خدا موفق شده اند به مهار کردن بلکه مومن نمودن آن . می دانی شیطان با پدر بزرگ ما ، آدم \_ صفی الله \_ چه کرد؟ او را از جوار حق فرو کشید و پس از وسوسه شیطان و نزدیکی به شجره \_ که شاید نفس باشد یا بعضی مظاهر آن فرمان (اهبطوا) رسید و منشا همه فسادها و عداوت ها شد . آدم \_ علیه السلام \_ با دستگیری حق تعالی توبه کرد و خداوند او را صفی خود فرمود . من و تو نیز که مبتلای به شجره ابلیسیه هستیم باید توبه کنیم و از حق جل و علا در خلوت و جلوت بخواهیم با استغاثه که دست گیرد به هر وسیله که خواهد و ما را نیز به توبه رساند بلکه از اصطفاى آدمی بهره ای گیریم . و این نتواند بود مگر با مجاهدت و ترک شجره ابلیس با همه شاخه ها و اوراق و ریشه های آن که در وجود ما منتشر و هر روز محکمر و توسعه دارتر می شود . با تعلق به شجره خبیثه و شاخه ها و ریشه های آن بی شک نتوان راهی به مقصد پیدا کرد و ابلیس همین تهدید را کرد و بسیار موفق بود و جز معدودی از عبادالله صالحین و نیز اولیای مقربین \_ علیهم السلام \_ از حيله های شیطان و نفس خبیث مظهر ابلیس کس نتواند گریزد و اگر بتواند از همه شاخه ها و ریشه های دقیق و بسیار پیچیده او نتواند مگر با دستگیری خداوند متعال آن طور که صفی الله را رهاوند . ولی ما کجا و آن استعداد برای قبول کلمات . آیه کریمه در این باب شایان تفکر بسیار است چه که می فرماید : (فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه ) نفرموده (والقی الیه کلمات ) گویی با سیر (الیه ) کلمات را دریافت نموده است . گرچه اگر (القی الیه ) هم بود بی سیر کمالی قبول امکان نداشت . و باید در آیه دیگر که راجع به همین قضیه اشاره فرموده نیز تفکر کرد .

می فرماید: (فلما ذاق الشجره) گویی ذوقی و طمعی بیشتر نبوده با این وصف چون از مثل ابوالبشر بوده آن پیامدها را داشته. حال باید وضع خود را بنگریم که به تحقیق به همه شاخه ها و برگ ها و ریشه های شجره پیوند خوردیم.

دخترم!

آفات زیاد بر سر راه است. هر عضو ظاهر و باطن مآفت ها دارد که هر یک حجابی است که اگر از آنها نگذریم به اول قدم سلوک الی الله نرسیدیم. من که خود مبتلا هستم و جسم و جانم ملعبه شیطان است به بعض آفات این عضو کوچک و این زبان سرخ که سرسبز را به باد دهد و آن گاه که ملعبه شیطان است و آلت دست او جان و روح و فواد را تباه کند اشاره می کنم. از این دشمن بزرگ انسانیت و معنویت غافل مشو. گاهی که در جلسات انس با دوستان هستی خطاهای بزرگ این عضو کوچک را آن قدر که می توانی شمارش کن و ببین با یک ساعت عمر تو که باید صرف جلب رضای دوست شود چه می کند و چه مصیبت ها به بار می آورد که یکی از آنها غیبت برادران و خواهران است. ببین با آبروی چه اشخاصی بازی می کنی و چه اسراری را از مسلمانان روی دایره می ریزی و چه حیثاتی را خدشه دار می کنی و چه شخصیت هایی را می شکنی. آن گاه این جلسه شیطانی را مقیاس بگیر و ملاحظه کن در یک سال در همین امر پیش پا افتاده چه کردی و در پنجاه شصت سال دیگر چه خواهی کرد و چه مصیبت ها برای خود به بار خواهی آورد. در عین حال آن را کوچک می شماری و این کوچک شمردن از حيله های ابلیس است که خداوند به لطف خود ما را همگی از آن مصون دارد.

دخترم! نگاهی کوتاه به آنچه درباره غیبت و آزار مومنین و عیب جویی و کشف سرآنان و تهمت آنان وارد شده دل هایی را که مهر شیطان بر آنها نخورده می لرزاند و زندگی را بر انسان تلخ می کند. اینک برای علاقه ای که به تو و احمد دارم توصیه می کنم از آفات شیطانی خصوصاً آفت های بسیار زبان خودداری کنید و همت به نگهداری آن کنید. البته در آغاز قدری مشکل است لکن با عزم و اراده و تفکر در پیامدهای آن آسان می شود. از تعبیر بسیار تعبیر کننده قرآن کریم عبرت بگیر که می فرماید: (و لا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا). شاید اخبار از صورت برزخیه عمل می دهد و شاید حدیثی که از حضرت سیدالموحیدین منقول است در موعظه های بسیاری که (نوف البکالی) فرموده است اشاره به همین امر باشد به حسب یک احتمال. در آن حدیث است که نوف طلب موعظه کرد از مولا و ایشان فرمودند: (اجتنب الغیبه فانها ادام کلاب النار ثم قال یا نوف کذب من زعم انه ولد من حلال و هو یاکل لحوم الناس بالغیبه). و از رسول خدا \_ صلی الله علیه و آله و سلم \_ نقل شده که فرمود: (و هل یکب الناس فی النار یوم القیامه الا حصائد السنتم). از این حدیث و حدیث هایی که کم نیست استفاده می شود که جهنم صورت باطنی اعمال ماست.

بارالها! ما را و این خانمان را و خانواده های مربوط به ما را از آفات شیطانی نجات مرحمت فرما و ما را از کسانی که آزار مسلمانان به زبان و عمل خود نموده اند قرار مده.

این چند صفحه را به تقاضای فاطمی نوشتم و من خود اعتراف می کنم که خود نتوانستم از مکاید شیطان بگریزم. امید است فاطمی که نعمت جوانی را دارد این توفیق را پیدا کند.

## پاسخ به پیشنهاد آیت الله موسوی مبنی بر وحدت رویه در تعیین کیفر جرم های مشابه

بسمه تعالی

در وضع کنونی جمعی از فقها موارد مذکور را بررسی نمایند و نظر بدهند مانع ندارد لکن به طور موقت است تا انشاءالله تعالی وضع قضاوت درست شود .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 350





مدینه ای که در خطه بسیار بزرگ من چنانچه وقت سانس بسیار در نهاده و سیران (شماره ۱۰) میرانه غلب  
 کبک و پشه که اول مرتبه این را در زمره این ۱۰۰۰ و در این قبیل از مبتدیان است و آب آن است که تهر را در است  
 و آن بر سوزانده و صیقل یافته و نام آن بر این است - در این قبیل از مبتدیان است این قبیل از مبتدیان است  
 تهر که در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 رسیده و آب است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 بسیار و ممکن است راه گشای بسیار و نام است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 (۲) مکن مستغنی بکینه چشمه که این در وقت فرستاده اند و در آب که در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 میخانه و این چشمه مکن خوب او در آن به غیر چشمه علم و چنانچه در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 بیشتر چشمه چشمه شایه بر هر طرف زمین دیگران چنین چشمه صفت که در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 اگر در بروز جزا و تالیفات آگاه چشمه و این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 و مگر چشمه و این چشمه و این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 چشمه ۱۰۰۰ چشمه و این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 روز افزون و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 چشمه من قد یک نام بزرگ در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 مدتی نام چشمه و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 مرد و است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 بعد از آن در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است  
 گوشت و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است و در این ۱۰۰۰ است







و اما فرشته تشریف برده بر کس و جهت و جزئیات هرگز نرسد و هرگز نرسد به جلال حق مدبره باشد و در این قبور  
 مربوط برستی حق و صفت است و این سوالی است که میسر نیستیم بر آنرا که اگر این حادثه است به حق و صفت درود است  
 کثرت که حضرت عباس علیه السلام در مقام پیر دارد

۲) جلال و کفایت با آن در عقل و ادب باشد که در درود درستی و صفت است که جلال حضرت و عدت در کثرت  
 نسیع چه باشد که شسته اند و در حق مدینه شایسته ایشان است و از آنکه فی دین مردم و غیره است از آنکه دل  
 تبعیث است اما حق داد و در حق آن و حضرت امام هاشمیه است که با او آواز از فرغانه و غیره است اما غیر شایسته  
 می نمایند در این مقام است که در درستی کثرت است و در ادب است که در درستی کثرت است که با آنکه این بزرگوار  
 که در روزی تا ابد یک جبهه شریعت و سایر صفات است بین این دو چیز شریعت و از این که کثرت است در شایسته  
 و نمودن در کثرت و فنا در هر صفت است و در هر امر است

۳) اما کما حق است که هر صفتی چون اسما و اقوال و افعال و عبادت است که از این صفتان هر چه در دست است  
 این صفت است که آن را در هر روز بر سر نهاده و در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 و در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 است که در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 مسلمان با صفت است

چون سوالی که در کثرت است و راه در هر روز این بار که در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 که در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 همیشه باشد که است که تصدیق در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 پیش از این که در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 می است که است و چه بخواهد راه و چه در است صفتان در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز  
 و اگر نمیدانید و بیاد حق بر خیزد و همین حال طایف و صفتان در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز در هر روز



## نامه عارفانه به حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه ای است از پدری پیر فرسوده که عمر خود را به مشتی الفاظ و مفاهیم به پایان رسانده و زندگی خویش را در لاک خویشتن تباه نموده و اکنون نفس های آخرین را با تاسف از گذشته خود می کشد به فرزند جوانی که فرصت دارد تا چون عبادالله الصالحین در فکر رهانیدن خود از تعلق به دنیا که دام ابلیس پلید است باشد.

فرزندم! کر و فر دنیا و نشیب و فراز آن به سرعت می گذرد و همه زیر چرخ های زمان خرد می شویم. و من آنچه ملاحظه کردم و مطالعه در حال قشرهای مختلف به این نتیجه رسیده ام که قشرهای قدرتمند و ثروتمند رنج های درونی و روانی و روحی شان از سایر اقشار بیشتر و آمال و آرزوهای زیادی که به آن نرسیده اند بسیار رنج آورتر و جگر خراش تر است. در این زمان که ما زندگی می کنیم دنیا گرفتار دو قطب قدرتمند است رنج غذایی که سران آن کشورها بدان مبتلا هستند و نگرانی های جانفرسایی که هر یک از دو قطب در مقابل قطب دیگر دارند قابل مقایسه با رنج ها و گرفتاری های قشرهای متوسط حتی فقیر نیست. رقابت آنان یک رقابت عملی نیست بلکه یک رقابت جانکاه است که کمر هر یک زیر آن خرد می شود. گویی در مقابل هر یک یک گرگ درنده با دهان باز و دندان های تیز ایستاده و قصد شکار او را دارد. و این رنج رقابت در همه اقشار هست از ثروتمند و قدرتمند گرفته تا طبقات دیگر. لکن هر چه بالا برود به همان اندازه درد و رنج رقابت بالا می رود و آنچه مایه نجات انسان ها و آرامش قلوب است و ارستگی و گسستگی از دنیا و تعلقات آن است که با ذکر و یاد دائمی خدای تعالی حاصل شود. آنان که در صدد برتری ها به هر نحو هستند چه برتری در علوم حتی الهی آن یا در قدرت و شهرت و ثروت کوشش در افزایش رنج خود می کنند. و ارستگان از قیود مادی که خود را از این دام ابلیس تا حدودی نجات داده اند. در همین دنیا در سعادت و بهشت رحمتند.

در آن روزهایی که در زمان رضاخان پهلوی و فشار طاقت فرسا برای تغییر لباس بود و روحانیون و حوزه ها در تب و تاب به سر می بردند که خداوند رحمان نیاورد چنین روزهایی برای حوزه های دینی شیخ نسبتا وارسته ای را نزدیک دکان نانوايي که قطعه نانی را خالی می خورد دیدم که گفت: به من گفتند عمامه را بردار من نیز برداشتم و دادم به دیگری که دو تا پیراهن برای خودش

بدوزد الان هم نانم را خوردم و سیر شدم تا شب هم خدا بزرگ است . پسرم ! من چنین حالی را اگر بگویم به همه مقامات دنیوی می دهم باور کن ولی هیئات خصوصاً از مثل من گرفتار به دام های ابلیس و نفس خبیث .

پسرم !

از من گذشته (یشیب بن آدم و یشیب فیه خصلتان : الحرص و طول الامل ) لکن تو نعمت جوانی داری و قدرت اراده امید است بتوانی راهی طریق صالحان باشی . آنچه گفتم بدان معنی نیست که خود را از خدمت به جامعه کنار کشی و گوشه گیر و کل بر خلق الله باشی که این از صفات جاهلان متنسک است یا درویشان دکان دار . سیره انبیای عظام \_ صلی الله علی نبینا و علیهم اجمعین \_ و ائمه اطهار \_ علیهم السلام \_ که سرآمد عارفان به الله و رستگان از هر قید و بند و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قوا علیه حکومت های طاغوتی و فرعون های زمان بوده و در اجرای عدالت در جهان رنج ها برده و کوشش ها کرده اند به ما درس ها می دهد و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم . راهگشایمان خواهد بود (من اصبح ولم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم) .

پسرم !

نه گوشه گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است و نه ورود در جامعه و تشکیل حکومت شاهد گسستن از حق . میزان در اعمال انگیزه های آنهاست . چه بسا عابد و زاهدی که گرفتار دام ابلیس است و آن دام گستر با آنچه مناسب اوست چون خودبینی و خودخواهی و غرور و عجب و بزرگی بینی و تحقیر خلق الله و شرک خفی و امثال آنها او را از حق دور و به شرک می کشاند . و چه بسا متصدی امور حکومت که با انگیزه الهی به معدن قرب حق نایل می شود چون داود نبی و سلیمان پیامبر \_ علیها السلام \_ و بالاتر و والاتر چون نبی اکرم \_ صلی الله علیه و آله و سلم \_ و خلیفه برحقش علی بن ابی طالب \_ علیه السلام \_ و چون حضرت مهدی \_ ارواحنا لمقدمه الفداء \_ در عصر حکومت جهانی اش . پس میزان عرفان و حرمان انگیزه است هر قدر انگیزه ها به نور فطرت نزدیک تر باشند و از حجب حتی حجب نور وارسته تر به مبدأ نور وابسته ترند تا آنجا که سخن از وابستگی نیز کفر است .

پسرم !

از زیر بار مسوولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است شانه خالی مکن که تاخت و تاز شیطان در این میدان کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسوولیت و دست اندرکاران نیست . و دست و پا برای به دست آوردن مقام هر چه باشد چه مقام معنوی و چه مادی مزین به عذر آنکه می خواهیم به معارف الهی نزدیک شوم یا خدمت به عبادالله نمایم که توجه به آن از شیطان است چه رسد که کوشش برای به دست آوردن آن . یکتا موعظه خدا را با دل و جان بشنو با تمام توان بپذیر و در آن خط سیرنما ؛ (قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا لله مثنی و فرادی ) . میزان در اول سیر قیام لله است ، هم در کارهای شخصی و انفرادی و هم در فعالیت های اجتماعی سعی کن در این قدم اول موفق شوی که در روزگار جوانی آسانتر و موفقیت آمیزتر است . مگذار مثل پدرت پیر شوی که یا در جازنی و یا به عقب برگردی و این محتاج به مراقبه و محاسبه است . اگر با انگیزه الهی ملک جن و انس کسی را باشد بلکه اگر به دست آورد عارف بالله و زاهد در دنیا است و اگر انگیزه

نفسانی و شیطانی باشد هر چه به دست آورد اگر چه یک تسبیح باشد به همان اندازه از خداوند تعالی دور است و فاصله گرفته .

پسرم!

سوره مبارکه حشر را مطالعه کن که گنجینه هایی از معارف و تربیت در آن است و ارزش دارد که انسان یک عمر در آنها تفکر کند و از آنها به مدد الهی توشه ها بردارد خصوصا آیات اواخر آن از آنجا که فرماید : (یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و لتتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعلمون) تا آخر سوره . در همین آیه کوچک لفظا و بسیار بزرگ معنا احتمالاتی است سازنده هشیار دهنده که به بعضی آنها اشاره می شود .

1 \_ می تواند خطاب به کسانی باشد که اول مرتبه ایمان را دارند مثل ایمان عامه . در این احتمال امر به تقوا امر به اولین مراتب آن است که تقوای عامه است و آن پرهیز از مخالفت احکام ظاهری الهی است و مربوط به اعمال قالبی است . به این احتمال جمله (ولتنظر نفس ما قدمت لغد) تحذیر از پیامدهای اعمال ماست و شاهد است بر آنکه آنچه عمل می کنیم خود آنها به صورت مناسب در نشئه دیگر وارد می شوند و به ما خواهند رسید . و آیات و اخبار زیادی در این باره آمده است . تفکر در همین امر دل های بیدار را کفایت می کند بلکه دل های مستعد را بیدار می نماید و ممکن است راهگشای مراتب دیگر و مقامات بالاتر شود . و ظاهر آن است که امر به تقوا مکررا تاکید باشد گرچه احتمال دیگر هم هست و قوله : (ان الله خبیر بما تعلمون) . باز تحذیر جدید است برای اینکه اعمال شما از محضر حق تعالی پنهان نمی ماند چه همه عالم محضر حق است .

2 \_ ممکن است خطاب به کسانی باشد که ایمان را به قلب خویش رسانده اند . چه بسا که انسان به حسب ظاهر ایمان و اعتقاد به شهادتین داشته باشد لکن قلب او از آن بی خبر باشد علم و اعتقاد به اصول خمسه داشته باشد لکن این علم و ایمان به قلبش نرسیده باشد . شاید جز خواص مومنین دیگران چنین باشند . معصیت هایی که از بعضی مومنین صادر می شود منشاش همین است . اگر دل به روز جزا و عقاب آنچنانی آگاه باشد و ایمان آورده باشد به آن صدور معصیت و نافرمانی بسیار بعید است و کسی که قلبش ایمان به عدم اله الا الله دارد گرایش به غیر حق تعالی و ستایش از دیگران نکند و خوف و هراس از غیر او نخواهد داشت .

پسرم!

گاهی می بینم از تهمت های ناروا و شایعه پراکنی های دروغین اظهار ناراحتی و نگرانی می کنی . اولاً باید بگویم تا زنده هستی و حرکت می کنی و تورا منشأ تأثیری بدانند انتقاد و تهمت و شایعه سازی علیه تو اجتناب ناپذیر عقده ها زیاد و توقعات روز افزون و حسادت ها فراوان است . آن کس که فعالیت دارد گرچه صد در صد برای خدا باشد از گزند بدخواهان نمی تواند به دور باشد . من خود یک عالم بزرگوار متقی را که تا به ریاست جزیی نرسیده بود برای او جز خیر به حسب نوع نمی گفتند و تقریباً مورد تسالم اهل علم و دیگران بود به مجرد آنکه توجه نفوس به او شد و شاخصیتی دنیاوی و لو ناچیز \_ نسبت به مقامش پیدا کرد مورد تهمت و اذیت شد و حسادت ها و عقده ها به جوش آمد و تا در قید حیات بود این مسایل نیز بود و ثانیاً باید بدانی که ایمان به وحدت اله و وحدت

معبود و وحدت موثر آنچنانکه باید و شاید به قلبت نرسیده . کوشش کن کلمه توحید را که بزرگترین کلمه است و والاترین جمله است از عقلت به قلبت برسانی که حظ عقل همان اعتقاد جازم برهانی است و این حاصل برهان اگر با مجاهدت و تلقین به قلب نرسد فایده و اثرش ناچیز است . چه بسا بعضی از همین اصحاب برهان عقلی و استدلال فلسفی بیشتر از دیگران در دام ابلیس و نفس خبیث می باشند . پای استدلالیان چوبین بود . و آن گاه این قدم برهانی و عقلی تبدیل به قدم روحانی و ایمانی می شود که از افق عقل به مقام قلب برسد و قلب باور کند آنچه را استدلال اثبات عقلی کرده است .

پسرم!

مجاهده کن که دل را به خدا بسپاری و موثری را جز او ندانی . مگر نه عامه مسلمانان متعبد شبانه روزی چندین مرتبه نماز می خوانند و نماز سرشار از توحید و معارف الهی است و شبانه روزی چندین مرتبه (ایک نعبد و ایک نستعین) می گویند و عبادت و اعانت را خاص خدا . در بیان می کنند ولی جز مومنان به حق و خاصان خدا دیگران برای هر دانشمند و قدرتمند و ثروتمند کرنش می کنند و گاهی بالاتر از آنچه برای معبود می کنند و از هر کس استمداد می نمایند و استعانت می جویند و به هر حشیش برای رسیدن به آمال شیطانی تشبث می نمایند و غفلت از قدرت حق دارند . بنابراین احتمال که مورد خطاب کسانی باشند که ایمان به قلب آنها رسیده باشد امر به تقوا به اینان با احتمال اول فرق ها دارد . این تقوا تقوای از اعمال ناشایسته نیست تقوای از توجه به غیر است تقوای از استمداد و عبودیت غیر حق است تقوای از راه دادن غیر اوجل و علا به قلب است تقوای از اتکال و اعتماد به غیر خداست . آنچه می بینی همه ما و مثل ما بدان مبتلاست و آنچه باعث خوف من و تو از شایعه ها و دروغ پراکنی هاست و خوف از مرگ و رهایی از طبیعت و افکندن خرقة نیز از این قبیل است که باید از آن انتقا نمود و در این صورت مراد از (فلتنظر نفس ما قدمت لغد) افعال قلبی است که در ملکوت صورتی و در فوق آن نیز صورتی دارد و خداوند خبیر است به خطرات قلب همه . و این نیز به آن معنی نیست که دست از فعالیت بردار و خود را مهمل بار آور و از همه کس و همه چیز کناره گیری کن و عزلت اتخاذ نما که آن برخلاف سنت الهی و سیره عملی حضرات انبیای عظام و اولیای کرام است . آنان علیهم صلوات الله و سلامه برای مقاصد الهی و انسانی همه کوشش های لازم را می فرمودند اما نه مثل ما کوردلان که با استقلال نظر به اسباب داریم بلکه هر چیز را در این مقام که از مقامات معمولی آنان است از اوجل و علا می دانستند و استعانت به هر چیز را استعانت به مبدا خلقت می دیدند و یک فرق بین آنان و دیگران همین است . من و تو و امثال ما با نظر به حق و استعانت از آنها از حق تعالی غافل هستیم و آنان استعانت را از او می دانستند به حسب واقع گر چه در صورت استعانت به ابزار و اسباب است و پیشامدها را از او می دانستند گرچه در ظاهر نزد ماها غیر از آن است و از این جهت از پیشامدها هر چند ناگوار به نظر ما باشد در ذائقه جان آنان گوارا است .

پسرم!

برای ماها که از قافله ابرار عقب هستیم یک نکته دلپذیر است و آن چیزی است که به نظر من شاید در ساختن انسان که درصدد خود ساختن است دخیل است . باید توجه کنیم که منشا



خوش آمد ما از مدح و ثناها و بدآمدنمان از انتقادهای و شایعه افکنی ها حب نفس است که بزرگترین دام ابلیس لعین است . ماها میل داریم که دیگران ثناگوی ما باشند گرچه برای ما افعال ناشایسته و خوبی های خیالی را صد چندان جلوه دهند و درهای انتقاد گرچه به حق برای ما بسته باشد یا به صورت ثناگویی در آید . از عیب جویی ها نه برای آنکه به ناحق است افسرده می شویم و از مدحت و ثناها نه برای آنکه به حق است فرحناک می گردیم بلکه برای آنکه عیب من است و مدح من نیست است که اینجا و آنجا و همه جا بر ما حاکم است . اگر بخواهی صحت این امر را دریابی اگر امری که از تو صادر می شود عین آن یا بهتر و والاتر از آن از دیگری خصوصاً آنها که همپالگی تو هستند صادر شود و مداحان به مدح او برخیزند برای تو ناگوار است و بالاتر آنکه اگر عیوب او را به صورت مداحی در آورند در این صورت یقین بدان که دست شیطان و نفس بدتر از او در کار است .

### پسرم !

چه خوب است به خود تلقین کنی و به باور خود بیاوری یک واقعیت را که مدح مداحان و ثنای ثناجویان چه بسا که انسان را به هلاکت برساند و از تهذیب دور و دورتر سازد . تاثیر سوء ثنای جمیل در نفس آلوده ما مایه بدبختی ها و دورافتادگی ها از پیشگاه مقدس حق جل و علا برای ما ضعفاً النفوس خواهد بود و شاید عیب جویی ها و شایعه پراکنی ها برای علاج معایب نفسانی ما سودمند باشد که هست همچون عمل جراحی دردناکی که موجب سلامت مریض می شود . آنان که با ثناهای خود ما را از جوار حق دور می کنند دوستانی هستند که با دوستی خود به ما دشمنی می کنند و آنان که پندارند با عیب گویی و فحاشی و شایعه سازی به ما دشمنی می کنند دشمنانی هستند که با عمل خود ما را اگر لایق باشیم اصلاح می کنند و در صورت دشمنی به ما دوستی می نمایند . من و تو اگر این حقیقت را باور کنیم و حیل های شیطانی و نفسانی بگذارند واقعیات را آن طور که هستند ببینیم آن گاه از مدح مداحان و ثنای ثناجویان آن طور پریشان می شویم که امروز از عیب جویی دشمنان و شایعه سازی بدخواهان و عیب جویی را آن گونه استقبال می کنیم که امروز از مداحی ها و یاوه گویی های ثناخوانان اگر از آنچه ذکر شد به قلبت برسد از ناملاپمات و دروغ پردازی ها ناراحت نمی شوی و آرامش قلب پیدا می کنی که ناراحتی ها اکثراً از خودخواهی است . خداوند همه ما را از آن نجات مرحمت فرماید .

3\_ احتمال دیگر آن است که خطاب به اصحاب ایمان از خواص اهل معرفت و شیفتگان مقام ربوبیت و عاشقان جمال جمیل باشد که با چشم قلب و معرفت باطن همه موجودات را جلوه حق می بینند و نورالله را در همه مرائی مشاهده می کنند و کریمه (الله نور السموات والارض) را به مشاهده معنوی و سیر قلبی دریافته اند . (رزقنا الله وایاکم) به این احتمال امر به تقوا به این طایفه از عشاق و خواص فرق ها با دیگران دارد . و ممکن است تقوا از رویت کثرت باشد و شهود مرائی و رائی . تقوا از توجه به غیر باشد هر چند به صورت توجه به حق از خلق . تقوا از (ما رایت شیئاً الا رایت الله قبله و معه و یعده) باشد که خود مقام عادی خلص اولیاست که پای (شی) در کار است . تقوا از مشاهده (الله نور السموات والارض) باشد . تقوا از مشاهده (هومعکم) و (وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض) . تقوا از جلوه جمال حق در شجره باشد و از این قبیل . آنچه مربوط به رویت حق در خلق

است و به این منوال امر به نظر به آنچه تقدیم برای فردا کردیم همان حالات مشاهده حق در خلق و وحدت در کثرت که صورت مناسب به خود را در عوالم دیگر دارد .

4\_ احتمال آنکه خطاب به آنان از خلص اولیا باشد که از مرحله رویت حق در خلق و جمال حضرت وحدت در کثرت فعلی گذشته اند و از غبار خلق در آینه مشاهداتشان اثری نیست و از شرک خفی در این مرحله تخلص یافته اند لکن دل به تجلیت اسماً حق داده و عشاق دلباخته حضرت اسماً هستند و تجلیات اسمائی آنان را از غیرفانی و جز جلوات اسماً چیزی مشاهده نمی نمایند . در این احتمال امر به تقوا اتقاً از رویت کثرات اسمائی و جلوات رحمانی و رحیمی دیگر اسماً اللّه است . گویی بانک به آنان می زند که از ازل تا ابد یک جلوه بیش نیست و سایر فقرات به مناسبت همین امر تعبیر می شوند و از اینکه گذشتند شاهد و مشاهده و شهودی در کار نیست و فنا در هو مطلق است (ولا هو الا هو) است .

5\_ جامع ترین احتمالات آن است که هر لفظی چون (امنوا و اتقوا و انظروا و ما قدمت ) و هکذا به معنی مطلق شان حمل شود و همه مراتب آن حقایق هستند که الفاظ عناوین موضوعند برای معانی بی قید و مطلق از حد و حدود و احتمالات دیگری هم اگر باشد در این احتمال مندرج و از مراتب همین است . بنابراین هر گروه و طایفه ای از مومنان را به معنی حقیقی شامل می شود . و مصادیق عنوان مطلق هستند و این مطلب راهگشای فهم بسیار از اخباری است که تطبیق آیاتی را بر یک گروه با یک شخص نموده اند که تو هم می شود اختصاص را و این گونه نیست بلکه ذکر مصداق یا مصادیق است .

بدین منوال که ذکر شد از احتمالات راه برای فهم آیه مبارکه (و لا تکنونوا کالذین نسوالله فانساهم انفسهم اولئک هم الفاسقون ) که پس از آیه کریمه متقدمه است باز می شود و حسب احتمالات متقدمه در این آیه شریفه نیز مناسب آن احتمالات مختلف المراتب و متحد الحقیقه احتمالاتی است که تفصیل آن را مجال نیست و فقط به ذکر یک نکته بسنده می کنم و آن این است که نسیان حق موجب نسیان انفس می شود چه نسیان به معنی فراموشی باشد یا به معنی ترک در هر دو معنی هشدار شکننده ای است . لازمه فراموشی حق تعالی آن است که انسان خود را فراموش کند یا بگو حق تعالی او را به فراموشی از نفس خود کشاند و در همه مراحل سابق صادق است . در مرحله عمل آن کس که خدا را و حضور او جل و علا را فراموش کند به فراموشی از خویشتن خویش مبتلا شود یا کشیده شود بندگی خود را فراموش کند از مقام عبودیت به فراموشی کشیده شود و کسی که نداند چی است و کی است و چه وظیفه دارد و چه عاقبت شیطان در او حلول نموده و به جای خویشتن او نشسته و شیطان عامل عصیان و طغیان است و اگر به خود نیاید و به یاد حق برنگردد و به همین حال طغیان و عصیان از این جهان منتقل شود شاید به صورت شیطان مطرود حق تعالی در آید . و به معنی دیگرش که به معنی ترک باشد دردناکتر است زیرا اگر ترک اطاعت حق و ترک حق موجب شود که حق او را ترک کند و به خود واگذارد و عنایت خود را از او قطع فرماید شک نیست که به خذلان دنیا و آخرت منتهی می شود . در ادعیه شریفه معصومین می بینیم دعای برای عدم ایکال ما به نفس خویش تأکید شده است ،

چه آنان \_ علیهم السلام \_ می دانستند پیامدهای این مصیبت را و ما از آن غافل هستیم .

پسرم!

گناهان را هر چند کوچک به نظرت باشند سبک مشمار (انظر الی من عصیت) و با این نظر همه گناهان بزرگ و کبیره است . به هیچ چیز مغرور مشو و خدای تبارک و تعالی را که همه چیز از اوست و اگر عنایت رحمانیش از موجودات سراسر عالم وجود لحظه ای منقطع شود اثری حتی از انبیای مرسلین و ملائکه مقربین باقی نخواهد ماند چون همه عالم جلوه رحمانیت او جل و علا است و رحمت رحمانی او جل و علا - به طور استمرار با کوتاهی لفظ و تعبیر \_ مبقی نظام وجود است (ولانکرار فی تجلیه جل و علا) . و گاهی تعبیر شود از آن به بسط و قبض فیض علی سبیل الاستمرار . در هر حال حضور او را فراموش مکن و مغرور به رحمت او مباش چنانچه مایوس نباید باشی و مغرور به شفاعت شافعان \_ علیهم السلام \_ مباش که همه آنها موازین الهی دارد و ما از آنها بی خبریم . مطالعه در ادعیه معصومین \_ علیهم السلام \_ و سوز و گداز آنان از خوف حق و عذاب او سرلوحه افکار و رفتارت باشد . هواهای نفسانی و شیطان نفس اماره ما را به غرور و می دارد و از این راه به هلاکت می کشاند .

پسرم!

هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا اگر چه حلال او باشد مباش که حب دنیا گرچه حلالش باشد راس همه خطایاست چه خود حجاب بزرگ است و انسان را ناچار به دنیای حرام می کشد . تو جوانی و با قدرت جوانی که حق داده است می توانی اولین قدم انحراف را قطع کنی و نگذاری به قدم های دیگر کشیده شوی که هر قدمی قدم هایی در پی دارد و هر گناهی گرچه کوچک به گناهان بزرگ و بزرگتر انسان را می کشد به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز آید بلکه گاهی اشخاص به ارتکاب بعض کبایر به یکدیگر فخر می کنند و گاهی به واسطه شدت ظلمات و حجاب های دنیوی منکر به نظر معروف و معروف منکر می گردد .

من از خداوند متعال جل اسمه مسالت می کنم که چشم دل تو را به جمال جمیل خود روشن فرماید و حجاب ها را از پیش چشمت بردارد و از قیود شیطانی و انسانی نجات دهد تا همچون پدرت پس از گذشت ایام جوانی و فرا رسیدن کهولت برگزیده خویش تاسف نخوری و دل را به حق پیوند دهی که از هیچ پیشامد وحشتناک نشوی و از دیگران دل وارسته کنی تا از شرک خفی و اخفی خود را برهانی . دنباله این آیات تا آخر سوره مسایل بس شیواست که این جانب را حال و مجال نیست که به آنها پردازم .

بارالها! احمد را نزد خود محمود و فاطمی را مفطوم و حسن را احسن فرما و یاسر را به یسر برسان و این خانواده منتسب به اهل بیت عصمت را با عنایت خاصه خود تربیت کن و از شر شیاطین درونی و برونی حفظ فرما و سعادت دارین را به آنان عطا فرما .

و آخر وصیت من آن است که در خدمت به ارحام خصوصاً مادرت که به ما حق ها دارد کوشش کن و رضای آنان را به دست آور .

(والحمد لله اولاً و اخراً و الصلوه علی رسول الله و اله الاطهار و اللعن علی اعدائهم) .



تاریخ : 21/8/1364

تصحیح شد توسط آقای حسن حسینی

## **نامه به حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور در مورد سرپرستی کمیته های انقلاب اسلامی**

بسمه تعالی

با تشکر از خدمات جناب حجت الاسلام آقای ناطق نوری جناب حجت الاسلام آقای محتشمی را به سرپرستی کمیته های انقلاب اسلامی در سراسر کشور منصوب نمودم . امید است با همکاری افراد کمیته ها و حضرات روحانیون که در این نهاد هستند موفق به خدمت اسلام و مسلمین گردند .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 366

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر عرب اهلین و اهل سنت و اسلام علی نمود آنگاه بگویند و گفته است هر جا که این اسم را

و بعد جانب چپ بر سلام و حاجت بخواند بر خودی پودد است هفتاد از ظرف

انجانب بماند در صدر هر چه که تصدیق آن در زمان غیبت حکمت و اعتراف

تا که فرجه اشرف منطبق به جانب فقیه جامع الشرائع باشد و نیز بماند در خند

و وجه شریف از قبیل زکوة و کفایت و تمام عباد و صرف آن در موارد دیگر

در مورد اهلین با بکین نیز بماند در خند و صرف نصف نام سلام است بر او

که بر سادات بردارند و نسبت به نام بر کلام علیه السلام نیز بخارند

آنرا تا وقتی که حوضه علیه و طایفه علم و غیره در مجری ساز دارند در میانجا

صرف کنند و نصف دیگر از اهلین را نیز انجانب در راه دارند

و ادویه ای که در با اوصی بسلف الصالح فرج الله له و آله

من اهل بیت و اهل کعبه اهدی ط به امر اهلین و اهل بیت و اسلام

علیه و بی خون اهل بیت و در هر چه که باقی است از آن

۱۴۰۶  
۶۴/۱۰/۲۸



## فرمان به حجت الاسلام آقای اسماعیل فردوسی پور

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على محمد واله الطاهرين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين .

و بعد جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ اسماعیل فردوسی پور دامت افاضاته از طرف این جانب مجازند در تصدی امور حسبیه که تصدی آن در زمان غیبت حضرت ولی عصر \_ عجل الله تعالی فرجه الشریف \_ منوط به اجازه فقیه جامع الشرایط می باشد و نیز مجازند در اخذ وجوه شرعیه از قبیل زکوات و کفارات و مظالم عباد و صرف آن در موارد مقرر شرعیه و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف نصف سهم سادات را در محل که به سادات پردازند . و نسبت به سهم مبارک امام \_ علیه السلام \_ نیز مجازند نصف آن را تا وقتی که حوزه علمیه و طلاب علوم دینیه در محل نیاز دارند در همان جا صرف کنند و نصف دیگر از سهمین را نزد این جانب ارسال دارند .

واوصیه ایده الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه التقوی و التجنب عن الهوی و التمسک بعروه الاحتیاط فی امور الدین و السلام علیه و علی اخواننا المومنین و رحمة الله وبرکاته .

روح الله الموسوی الخمينی







## وصیت به حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله صلى الله عليه وآله

وصیتی است از پدری پیر که عمری را با بطالت و جهالت گذرانده و اکنون که به سوی سرای جاوید می رود با دست خالی از حسنات و نامه ای سیاه از سیئات با امید به مغفرت الله و رجا به عفو الله است به فرزندی جوان که در کشاکش با مشکلات دهر و مختار در انتخاب صراط مستقیم الهی که خداوند به لطف بیکران خود هدایتش فرماید یا خدای ناخواسته انتخاب راه دیگر که خداوند به رحمت خود از لغزش ها محفوظش فرماید .

فرزندم! کتابی را که به تو هدیه می کنم شمه ای است از صلوه عارفین و سلوک معنوی اهل سلوک . هر چند قلم مثل منی عاجز است از بیان این سفرنامه و اعتراف می کنم که آنچه نوشته ام از حد الفاظ و عباراتی چند بیرون نیست و خود تاکنون به بارقه ای از این شمه دست نیافتم .

پسرم!

آنچه در این معراج است غایه القصوای آمال اهل معرفت است که دست ما از آن کوتاه است (عنقاشکار کس نشود دام بازگیر) لکن از عنایات خداوند رحمان نباید مایوس شویم که او جل و علا دستگیر ضعفا و معین فقرا است .

عزیزم! کلام در سفر از خلق به حق و از کثرت به وحدت و از ناسوت به مافوق جبروت است تا حد فنای مطلق که در سجده اول حاصل شود و فنای از فنای که پس از صحو در سجده دوم حاصل گردد و این تمام قوس وجود است (من الله والی الله) در این حال ساجد و مسجودی و عابد و معبودی در کار نیست (هو الاول و الاخره و الظاهر و الباطن) .

پسرم!

آنچه در درجه اول به تو وصیت می کنم آن است که انکار مقامات اهل معرفت نکنی که این شیوه جهال است و از معاشرت با منکرین مقامات اولیا پرهیزی که اینان قطاع طریق حق هستند .

فرزندم!

از خودخواهی و خودبینی به درآی که این ارث شیطان است که به واسطه خودبینی و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفی او جل و علا سرباز زد . و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است و شاید آیه شریفه (وقاتلوهم)

حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله) در بعضی مراحل آن اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه که شیطان بزرگ و جنود آن که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد باشد و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون خویش باید مجاهده نماید و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید همه چیز و همه کس اصلاح می شود.

پسرم!

سعی کن که به این پیروزی دست یابی یا دست به بعض مراحل آن. همت کن و از هواهای نفسانیه که حد و حصر ندارد بکاه و از خدای متعال جل و علا استمداد کن که بی مدد او کس به جایی نرسد. و نماز این معراج عارفان و سفر عاشقان راه وصول به این مقصد است و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقق یک رکعت آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن ولو به قدر طاقت خویش شمه ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نمودیم و دورنمایی از صلوه معراج سید انبیا و عرفا علیه و علی اله الصلوه والسلام را مشاهده کردیم که خداوند منان ما و شما را به این نعمت بزرگ منت نهد. راه بس دور است و بسیار خطرناک و محتاج به زاد و راحله فراوان و زاد مثل من یا هیچ یا بسیار اندک است مگر لطف دوست جل و علا شامل شود و دستگیری کند.

عزیزم!

از جوانی به اندازه که باقی است استفاده کن که در پیری همه چیز از دست می رود حتی توجه به آخرت و خدای تعالی. از مکاید بزرگ شیطان و نفس اماره آن است که جوانان را وعده صلاح و اصلاح در زمان پیری می دهد تا جوانی با غفلت از دست برود و به پیران وعده طول عمر می دهد و تا لحظه آخر با وعده های پوچ انسان را از ذکر خدا و اخلاص برای او باز می دارد تا مرگ رسد و در آن حال ایمان را اگر تا آن وقت نگرفته باشد می گیرد. پس در جوانی که قدرت بیشتر داری به مجاهدت برخیز و از غیر دوست جل و علا بگریز و پیوند خود را هر چه بیشتر اگر پیوند داری محکم تر کن و اگر خدای نخواستہ نداری تحصیل کن و در تقویتش همت گمار که هیچ موجودی جز او جل و علا سزاوار پیوند نیست و پیوند با اولیای او اگر برای پیوند به او نباشد حیلہ شیطنی است که از هر طریق سد راه حق کند. هیچ گاه به خود و عمل خود به چشم رضا منگر که اولیای خلص چنین بودند و خود را لاشی می دیدند و گاهی حسنات خود را از سیئات می شمردند.

پسرم!

هر چه مقام معرفت بالا-رود احساس ناچیزی غیر او جل و علا بیشتر شود. در نماز این مرقاه وصول الی الله پس از هر ستایش تکبیری وارد است چنانچه در دخول آن تکبیر است که اشاره به بزرگتر بودن از ستایش است ولو اعظم آن که نماز است و پس از خروج تکبیرات است که بزرگتر بودن او را از توصیف ذات و صفات و افعال می رساند. چه می گویم کی توصیف کند و چه توصیف کند و کی را توصیف و با چه زبان و چه بیان توصیف کند که تمام عالم از اعلی مراتب وجود تا اسفل السافلین هیچ است و هر چه هست او است و هیچ از هستی مطلق چه تواند گفت و اگر نبود امر خدای تعالی و اجازه او جل و علا شاید هیچ یک از اولیا سخنی از او نمی گفتند. در عین حال که هر چه هست سخن از او است لاغیر و کس نتواند از ذکر او سرپیچی کند که هر ذکر ذکر او است (وقضی ربک الاتعبدوا الا اياه و ایاک نعبد و ایاک نستعین) که شاید از لسان حق خطاب به همه موجودات است.

(وان من شیء الا یسیح بحمده و لکن لاتفقهون تسبیحهم) این نیز به لسان کثرت است و گرنه او حمد است و حامد است و محمود (ان ربک یصلی اللہ نور السموات والارض).

پسرم!

ما که عاجز از شکر او نعمت های بی منتهای اویم پس چه بهتر که از خدمت به بندگان او غفلت نکنیم که خدمت به آنان خدمت به حق است چه که همه از اویند هیچ گاه در خدمت به خلق اللہ خود را طلبکار بدان که آنان به حق منت بر ما دارند که وسیله خدمت به او جل و علا هستند و در خدمت به آنان دنبال کسب شهرت و محبوبیت مباش که این خود حيله شیطان است که ما را در کام خود فرو برد و در خدمت به بندگان خدا آنچه برای آنان پر نفع تر است انتخاب کن نه آنچه برای خود یا دوستان خود که این علامت صدق به پیشگاه مقدس او جل و علا است.

پسر عزیزم!

خداوند حاضر است و عالم محضر او است و صفحه نفس ماها یکی از نامه های اعمالمان . سعی کن هر شغل و عمل که تو را به او نزدیک تر کند انتخاب کن که آن رضای او جل و علا است . در دل به من اشکال مکن که اگر صادقی چرا خود چنین نیستی که من خود می دانم که به هیچ یک از صفات اهل دل موصوف نیستم و خوف آن دارم که این قلم شکسته در خدمت ابلیس و نفس خبیث باشد و فردا از من مواخذه شود لکن اصل مطالب حق است اگر چه به قلم مثل منی که از خصلت های شیطانی دور نیستم و به خدای تعالی در این نفس های آخر پناه می برم و از اولیای او جل و علا امید دستگیری و شفاعت دارم .

بار الها! تو خود از این پیر ناتوان و احمد جوان دستگیری کن و عاقبت ما را ختم به خیر فرما و با رحمت واسعه خود ما را به بارگاه جلال و جمال خود راهی ده .

والسلام علیکم من اتبع الهدی

روح اللہ الموسوی الخمینی

ص: 373

نامحلی طریقی  
 باد صحرای برنج خوشن جنبه سلطه را انگیر کوی و عنبر پروردگاری  
 و گرفتاریها را پنهان بر فراز آفتاب بر روی انامی را  
 اغیار بکنیم که فرم بر در صله را در کمرده یا بگو جان  
 دست مقام و کمون در سر اسیر برنج یا دروغ با حال حضرت ملک  
 الموت دست بگریان بستم و فرود نا رسایم بر رخ عرف نمود  
 و صاحب عمر تا به شوم ام را از خدمت میزبانم و جرای نام  
 جرایم بر حمت آن که دست رحمت کشی و ده تلفظم ختم  
 ان بر نغمه نوبیسی را بر قدم لعلین نازل فروده است  
 کرم شمول لم نخواست ایوب شوم نغم عمرج مجرم کبریا و مسعود کوار  
 دست و در در بغیافت بر که باید با قدم خود بان رسید  
 چه میگرد در جوانی کشتاد روان بود با طایر شیطان و عاقل  
 که نرسد به سرگرم بنامیم و صطفاست پر زرق و برق شدم که  
 نه از آنها عیبت حاصل شده نه حال و پیچله در صد پرست آوردن  
 مع ان و بر گردان خاطر آنها باطن و ملک آنها بملکت بر شاه

آذر ۶۵

بسم الله الرحمن الرحیم

و گفتم (از قید و قال در سهام صاحب نه جرحه فیم بریز از الله)   
 و جان بحق مصلحت و اعتبار از درنم و با برین عجب کت   
 پردختم که کز در کفن و مان خبر زینت جز یک کت در آن پاره   
 که با هم علم شناخت و صاف از روحان نفسی طالب را   
 که فیکرت بر منظر است از قصه باز دوشه و در حجاب اکبر   
 فرد بوده بنهار اربیده با طهر و عطر از سحر بورد دست با هم   
 دشت نه از قوت تخر و مکر و نه از حضور اسم حکم در داد   
 چه رسد بغیر آنها که خود در بیان عم المیز دارم و چون به سر رسیدم   
 در هر قسم آن جفت با بسته واج شدم تا بکجولت و ما فوق   
 آن که بدون با آن دست بگریه با هم دگم می کرد الی از دل العمر   
 تکلیفای عظیم مخ نبد علم شیا و چون در ختم نمایین مرعد   
 ز سگه دود و طعم آرزای نپسید که فدایت به آن برسان   
 با صدف عوارفران از هم توجع زشتار و کتار انهم نظم در   
 بهم آینه کنز و خدای که مخ نه نویسنده ام و نه شاعر و نه   
 سخن سرا و تو از دهر عزیزم که غول نشده حلا و شکر   
 برانی که یک روز خواهر بر جوانی که بهین سر کردی

یا پدر ازای از دست رفت همچون خم عقب ماند  
 از غم فله عشاق دست فدا نخورست با رسکین تنها  
 بر دوش می کس بر از لایح میر به نواشنو که لایح بار را  
 بر دوش دارد و در آن غم شده است با این مصلحت  
 که دام بزرگ پیوسته بسته مکن در دستور او جدی  
 بشو حواصلا پیشتر نوشت آن بسیار زود که دست  
 که در خود همه را معسر را طی کردم و اکنون <sup>عذاب</sup> صاحب  
 بهمن آن دست بگیریم شیطان درونی دست از جانم  
 بر نمیدارد تا پناه بنماید از او اخضر بر را بزند و با سر  
 از رحمت و همه فدا دهن خود از کابا بر علم است و فدا کنه  
 که معصیت را در جلد آن شود که کند صاحب بی دست آن  
 بنایت را تا بیخ در آخر عمر تر گفته است که خدا ما را  
 بیاورد که همه میدانم همه میکنند نمی امر تر در شافی  
 که اینرا شنید گفته اگر چنین گفته شاید درم برانم  
 که آن شعی درین چنین امر را پیدا کعبه بانه  
 میدانم که از هر چه بدتر با سر است و تو از دستم

مسخورد بر حجت با شکر که غفلت از دوست گزیند باو بر  
 با شکر که خضر اینها در هر شکر خضر از اینجی جهاب  
 و بخ لایزک احمد و فاطمی و حسن در رضا و علی را  
 که از دوستان ز شکر گرامی و دوسر او بنید و باغ بنهار  
 مکلفیم و بکنند از شکر در شیطانی و هوا در نفسان مصلحت دارد  
 در اینها بکنیم غم شده و حجت حق بر رخ نام و بکنیم  
 ایند چون تو با اصرار فامر بخودت از غم شکر خوار  
 باید بکنیم بگویم که نه در جوانی که شعر شکر و خود است  
 و اکنون بکنیم شکر شده و نه در شعر بر سر که از ارام  
 پشت سر که از اشتهام و نه در حال از دل شعر که  
 اکنون با آن دست بگیریم با هم قدرت شعر که از اشتهام  
 گویند که گوشت که غم تو به ام در جوانی و بر سر فرزند  
 زود این سگ را نه در جوانی توانسته ام بکنم و در  
 پیر من نیز همین را میگویم که غم در شعر و ادب فریاد  
 بکنم که در جوانی شعر خوانتم گفتن و نیز در سر



ایندکیم (شام اگر سعدی از نیت  
 باشد تا تو باز نیت) <sup>بوم</sup>  
 اکنون که با شعر نیتیم با شعر تو را باز دریم و چهار است جای نیت  
 احمد است از محمد من که عیدش با ما از بول است <sup>تو</sup>  
 فاطمه از غم بطن فاطمه <sup>تو</sup> فاطمه از نیت یار بول  
 من لعل میوه در غم من محشر یار یار بول  
 یا سر ز آل بکر بطن است <sup>تو</sup> سر جان در نیت بول  
 یا از بسال ال نیت <sup>تو</sup> یا نیت شعر بول  
 یا سخن از سده احمد <sup>تو</sup> یا نیت شعر بول  
 در غم شعر نیت <sup>تو</sup> زخم  
 سعدی نیت که یاد یار بول  
 باز شعر تو را باز نیت <sup>تو</sup> نیت نیت کون نیت  
 یا نیت نیت در غم و صد تو در نیت نیت  
 که نیت نیت آتش از غم در نیت نیت  
 فرود محمد در نیت نیت نیت نیت  
 این نیت نیت که آتش نیت نیت نیت

دارد در آن سرگی باز خود

خبر بدست که خود را فرزند آن نیست

با که گویم که بخیر دوست کنوید بکنج نیند بر که

انکه از نیش دور در این بر ما نترسیت

گوشه چشم کن بر من نسکین بگر

ناز کن ناز که این باد رسد ما نترسیت

سرخ باز کن ما فر بریم ده

که یخ تو سرمانه و یما نترسیت

نحوال بست زب نتر ز پریشان کون

انکه در سینه یخ نلب پریشان نترسیت

پارو کن دفتر و بسکن تلم و دم در بند

که کس نترسیت که کز گشته دهر نترسیت

روز به ۱۲۶۵

بیم ۱۴۰۷

## نامه عارفانه به خانه فاطمه طباطبائی

بسم الله الرحمن الرحيم

فاطمی عزیزم

بالاخره بر من نوشتن چند سطر را تحمیل کردی و عذر پیری و رنجوری و گرفتاری ها را نپذیرفتی . اکنون از آفات پیری و جوانی سخن را آغاز می کنم که من هر دو مرحله را درک کرده یا بگو به پایان رسانده ام و اکنون در سرایشی برزخ یا دوزخ با عمال حضرت ملک الموت دست به گریبان هستم و فردا نامه سیاهم بر من عرضه می شود و محاسبه عمر تباہ شده ام را از خودم می خواهند و جوابی ندارم جز امید به رحمت آن که (وسعت رحمه کل شی و لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا) را بر رحمه للعالمین نازل فرموده است . گیرم مشمول این نحو آیات کریمه شوم لکن عروج به حریم کبریا و صعود به جوار دوست و ورود به ضیافت الله که باید با قدم خود به آن رسید چه می شود . در جوانی که نشاط و توان بود با مکاید شیطان و عامل آن که نفس اماره است سرگرم به مفاهیم و اصطلاحات پر زرق و برقی شدم که نه از آنها جمعیت حاصل شد نه حال و هیچ گاه درصدد به دست آوردن روح آنها و برگرداندن ظاهر آنها به باطن و ملک آنها به ملکوت برنیامدم و گفتم (از قیل و قال مدرسه ام حاصلی نشد جز حرف دلخراش پس از آن همه خروش ) و چنان به عمق اصطلاحات و اعتبارات فرورفتم و به جای رفع حجب به جمع کتب پرداختم که گویی در کون و مکان خبری نیست جز یک مشت ورق پاره که به اسم علوم انسانی و معارف الهی و حقایق فلسفی طالب را که به فطرت الله مفطور است از مقصد باز داشته و در حجاب اکبر فرو برده . اسفار اربعه با طول و عرضش از سفر به سوی دوست بازم داشت نه از فتوحات فتحی حاصل و نه از فصوص الحکم حکمتی دست داد چه رسد به غیر آنها که خود داستان غم انگیز دارد و چون به پیری رسیدم در هر قدم آن مبتلا به استدارج شدم تا به کهولت و مافوق آن که الان با آن دست به گریبانم و (منکم من یردالی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا) . و چون دخترم از این مرحله فرسنگ ها دوری و طعم آن را نچشیدی که خدایت به آن برساند با حذف عوارض آن از من توقع نوشتار و گفتار آن هم نظم و نثر به هم آمیخته می کنی و ندانی که من نه نویسنده ام و نه شاعر و نه سخن سرا . و توای دختر عزیزم که غوره نشده حلوا شدی بدان که یک روز خواهی بر جوانی که به همین سرگرمی ها یا بالاتر از آن از دستت رفت همچون من عقب مانده از قافله عشاق دوست خدای نخواستہ بار سنگین تاسف را به دوش می کشی . پس از این

پیر بینوا بشنو که این بار را به دوش دارد و زیر آن خم شده است به این اصطلاحات که دام بزرگ ابلیس است بسنده مکن و در جستجوی او جل و علا باش . جوانی ها و عیش نوش های آن بسیار زودگذر است که من خود همه مراحلش را طی کردم و اکنون با عذاب جهنمی آن دست به گریبانم و شیطان درونی دست از جانم بر نمی دارد تا پناه به خدای تعالی \_ آخر ضربه را بزند . ولی یاس از رحمت واسعه خداوند خود از کبائر عظیم است و خدا نکند که معصیت کاری مبتلای به آن شود .

گویند حجاج بن یوسف آن جنایت کار تاریخ در آخر عمرش گفته است که خدایا مرا بیامرزد گر چه می دانم همه می گویند نمی آمرزی . و شافعی که این را شنید گفت : اگر چنین گفته شاید و من ندانم که آن شقی توفیق چنین امری را پیدا کرده یا نه . و می دانم که از هر چه بدتر یاس است . و تو ای دخترم مغرور به رحمت مباش که غفلت از دوست کنی و مایوس مباش که خسرالدنیا و الاخره شوی . خداوندا ! به حق اصحاب پنج گانه کسا احمد و فاطمی و حسن و رضا(یاسر) و علی را که از دودمان رسول گرامی و وصی اویند و به این افتخار می کنم و می کنند از شرور شیطانی و هواهای نفسانی مصون دار . در این جا کلام من ختم شد و حجت حق بر من تمام والسلام .

اینک چون تو با اصرار خاص به خودت از من شعر خواستی باید به حق بگویم که نه در جوانی که فصل شعر و شعور است و اکنون سپری شده و نه در فصل پیری که آن را هم پشت سر گذاشته ام و نه در حال ارذل العمر که اکنون با آن دست به گریبانم قدرت شعرگویی نداشتم . گویند کسی گفت که من قوه ام در جوانی و پیری فرق نکرده زیرا این سنگ را نه در جوانی توانسته ام بلند کنم و نه در پیری . من نیز همین را می گویم که من در شعر و ادب فرقی نکردم که در جوانی شعر نتوانستم گفتن و نیز در پیری .

اینک گویم

شاعر اگر سعدی شیرازی است \*\*\* بافته های من و تو بازی است

اکنون که با شعر نمی توانم با معر تو را بازی دهم و به اصرارت جام عمل پوشم .

احمد است از محمد مختار \*\*\* که حمیدش نگاهدار بود (یا حمید به حق محمد)

فاطمی از عرش بطن فاطمه است \*\*\* فاطر آسمانش یار بود

حسن این میوه درخت حسن \*\*\* محسنش یار پایدار بود

یاسر از آل پاک سبطین است \*\*\* سراحسان ورا نثار بود

علی از بوستان آل علی است \*\*\* علی عالیش شعار بود

پنج تن از سلاله احمد \*\*\* شافع جمله هشت و چار بود

دخترم شعرتازه خواست زمن \*\*\* معر گفتم که یادگار بود

باز شعر خواستی و باز هم شعر این هم پریشان گویی دیگر :

عاشقم عاشق و جز وصل تو در مانش نیست \*\*\* کیست زین آتش افروخته در جانش نیست



جز تو در محفل دلسوختگان ذکری نیست \*\*\* این حدیثی است که آغازش و پایانش نیست

راز دل را نتوان پیش کسی باز نمود \*\*\* جز بر دوست که خود حاضر و پنهانش نیست

با که گویم که به جز دوست نبیند هرگز \*\*\* آن که اندیشه و دیدار به فرمانش نیست

گوشه چشم گشا بر من مسکین بنگر \*\*\* \_ ناز کن ناز که این بادیه سامانش نیست

سرخم باز کن و ساغر لبریزم ده \*\*\* که به جز تو سرپیمانه و پیماناش نیست

نتوان بست زبانش ز پریشان گویی \*\*\* آن که در سینه به جز قلب پریشانش نیست

پاره کن دفتر و بشکن قلم و دم دربند \*\*\* که کسی نیست که سرگشته و حیرانش نیست

ص: 382



## پاسخ به نامه وزیر کشور (آقای محتشمی) در مورد نهضت آزادی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای محتشمی وزیر محترم کشور ایده الله تعالی

در موضوع نهضت به اصطلاح آزادی، مسایل فراوانی است که بررسی آن محتاج به وقت زیاد است. آنچه باید اجمالاً گفت آن است که پرونده این نهضت و همین طور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت می دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی و ایستگی کشور ایران به امریکا است و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است و حمل به صحت اگر داشته باشد آن است که شاید امریکای جهانخوار را که هر چه بدبختی ملت مظلوم ایران و سایر ملت های تحت سلطه او دارند از ستمکاری اوست بهتر از شوروی ملحد می دانند و این از اشتباهات آنها است.

در هر صورت به حسب این پرونده های قطور و نیز ملاقات های مکرر اعضای نهضت چه در منازل خودشان و چه در سفارت امریکا و به حسب آنچه من مشاهده کردم از انحرافات آنها که اگر خدای متعالی عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند ملت های مظلوم به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال امریکا و مستشاران او دست و پا می زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می خورد که قرن ها سربلند نمی کرد و به حسب امور بسیار دیگر نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند و ضرر آنها به اعتبار آن که متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تاویل های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است شوند از ضرر گروهک های دیگر حتی منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان بیشتر و بالاتر است.

نهضت آزادی و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند از این جهت گفتارها و نوشتارهای آنها که منتشر کرده اند مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی الموالی امیرالمومنین را در نصب ولات و اجرای تعزیرات حکومتی که گاهی برخلاف احکام اولیه و ثانویه اسلام است برخلاف اسلام دانسته و آن بزرگواری را نعوذبالله تخطئه بلکه مرتد بدانند و یا آن که همه این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم برخلاف ضرورت اسلام است. نتیجه آن که نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی اطلاع از مقاصد شوم آنان



هستند می گردند باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند .

والسلام علی من اتبع الهدی . توفیق جناب عالی را از خداوند تعالی خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 385

تاریخ : 29/12/1366

## پاسخ به نامه حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی در مورد اعضای هیات اجرایی انتخابات تهران

بسمه تعالی

به همین گونه که مرقوم شده است انجام شود . انشاءالله تعالی موفق باشید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 386

تاریخ: 17/1/1367

## پاسخ به درخواست آقای محتشمی وزیر کشور مبنی بر اظهار نظر حضرت امام (ره)

در مورد ارائه کارت شناسایی رزمندگان، بیماران و نادمین جهت شرکت در انتخابات

بسمه تعالی

در صورتی که از همراه داشتن شناسنامه عذر داشته باشند با کارت شناسایی می توانند رای دهند.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 387

## پاسخ به نامه یکی از اعضای هیات نظارت در مورد رفع ابهام نسبت به کلمه شکایت یا گزارش

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات و صمیمیت هیات نظارت و اجرا مقصود در نوشته این جانب شکایت است نه گزارش ولی برای اطمینان بیشتر اگر نماینده این جانب و نمایندگان شورای محترم نگهبان هر سه با هم تشخیص دادند که بعضی از صندوق های گزارش شده احتیاج به شمارش دارد اقدام می نمایند .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 388

بسم الله

جناب محمد اسد اسلام، برای عرض منو ما را محرم نهم

جنابا می‌رساند که اینجانب هیچگاه سیر نسیم در مورد آفتابیت سندها گرییم و اوضاع

والعبره دیدم که اگر با بدین معیارم با هر نظام اسلام اینم در شرایط لازم حد و میخورد

ابته نور محمد نهمان در دوره قبوره طرف ۱۳ روز تمام حوزہ کراتیایه یا بلان

دیانتی کرد و بعد این دوره که وضع هم حس ترست با کمال که ۲ روز از ۰

آفتابیت میگذرد سال از ۱۹۶ حوزہ فقط ۴۵ حوزہ را تالیف کردید اگر در تهران

بصیقه ما اخذ کرد بود چنانچه <sup>بسیک</sup> آنرا در تهران نماند که معنی بود. بایستی شود حتی از

بین نمودن آن تمام شد سر خود را بنامید تا مدت کلیم آفتابیت رسد دم لذت در تمام

دارد که نیند تا بر ذکرت که نمانده اینجانب و در نمانده نور محمد نهمان که از

طرف آفتابان بهار رسیده که وضع آفتابیت تهران تعیین شده بودند چند روز قبل نزد اینجانب

آمدند و به صحت و سلامت آفتابیت تهران نهادت دادند. <sup>وضعی</sup> این کار موفق باشی

۶۵/۶/۱۴

## نامه به حجت الاسلام آقای امامی در مورد انتخابات

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای امامی عضو شورای محترم نگهبان

جناب عالی می دانید که این جانب هیچ گاه میل نداشتم در مورد انتخابات مساله ای بگویم ولی اوضاع را به صورتی دیدم که اگر پا در میانی نمی کردم به اصل نظام و اسلام آن هم در شرایط کنونی صدمه می خورد.

البته شورای محترم نگهبان در دوره قبل در ظرف 31 روز تمام حوزه ها را تایید یا ابطال و یا متوقف کرد ولی در این دوره که وضع هم حساستر است تا به حال که 6 روز از انتخابات می گذرد شما از 16 حوزه فقط 45 حوزه را تایید کردید. اگر در تهران به عقیده شما اختلاف بود رسیدگی به شمارش آرای شهرستان ها که ممکن بود. باید سعی شود حقی از بین نرود. شما هم تمام تلاش خود را بنمایید تا لاقط تکلیف انتخابات مرحله دوم از دوره سوم را روشن کنید.

قابل ذکر است که نماینده این جانب و دو نماینده شورای محترم نگهبان که از طرف آقایان برای رسیدگی به وضع انتخابات تهران تعیین شده بودند چند روز قبل نزد این جانب آمدند و به صحت و سلامت انتخابات تهران شهادت دادند. انشاءالله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 390

۱۳۰۱/۱۲/۲۲

کتاب (۱۳۰۱)

کتاب مراد سرشت در برکت امیر به تامل

کتاب مراد سرشت است به برکتی ازین برکت برادر ازین برکت ازین برکت ازین برکت ازین برکت  
 گشت و نظیر این است. کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 و نیز در کتب دیگر در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 است که کتاب در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 است کتاب در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 تمام آورید کتاب در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 در این کتاب در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 کتاب است بر این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 بر این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 همین در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب  
 ختم بر این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب بهر کتب نیز در این کتاب

۱۳۰۱/۱۲/۲۲  
 ۶۶۱۸۲۲

## نامه به آقای موسوی (نخست وزیر) در خصوص کتابخانه عمومی حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای موسوی نخست وزیر محترم ایده الله تعالی

کتابخانه حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی \_ دامت برکاته \_ از کتابخانه های کم نظیر و شاید بتوان گفت بی نظیر ایران است . کتب نفیس اعظم شیعه و کتاب های منحصر به فرد و خطی آن از ذخائر فرهنگ غنی اسلام و ایران می باشد .

از قرار اطلاع مرکز حفاظت آنها به گونه ای نیست که کتاب ها مصون از خطر باشد و محیط مطالعه برای مشتاقان کتاب بسیار کوچک است .

جناب عالی موظف می باشید آنچه را که آن کتابخانه احتیاج دارد به بهترین وجه فراهم آورید . جناب حجت الاسلام آقای حاج سید محمود مرعشی نجفی که خود از خبرگان و شایستگان در امر کتاب شناسی و کتاب و شناخت محیطی مناسب برای حفظ کتاب است بهترین فردی است که می تواند شما را در این امر یاری دهد . انشاءالله هر چه زودتر با ساخته شدن بنایی در خور اسلام و انقلاب و حوزه علمیه قم قدمی مفید در راه رشد تعالیم اسلام برداشته شود . روشن است آنچه در این زمینه ساخته می شود اختیارش با حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی و یا فردی است که ایشان تعیین نمایند . توفیق جناب عالی را از خداوند متعال خواستارم .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 392



بسم الله الرحمن الرحيم

صفت محمد اکبر سلام بر ناصر همدرد است افغانه

۱-

بروز ستم و شر از زلفت صفت به لایک بریزت از لکایان . صفت به لایک بر

ایمان چون لوتی که رخصت داد در همدردی و از آنی که سر از طرفه ایانب ما نوزن

می باشد سعی کنید در ایام آرزوی ستم گاه در ستمت س در ستمت دست سر در دست

و تائید صفت به لایک را از نوزد در ستمت

و صلوات بر محمد و آله  
۶۲/۱۲۷

## نامه به حجت الاسلام آقای فاضل هرنندی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای فاضل هرنندی دامت افاضاته

پس از سلام و تشکر از زحمات جناب عالی و سایر دست اندرکاران جناب عالی و سایر آقایان چون گذشته به کار خود ادامه دهید و از این پس از طرف این جانب مأذون می باشید . سعی کنید در اجرای هر چه بهتر کارها و رعایت مسایل شرعیه دقت شود . توفیق و تایید جناب عالی را از خداوند متعال خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 394

تاریخ : 9/2/1368

## **پاسخ به نامه اعضای ستاد مرکزی هیات های واگذاری زمین در مورد تعیین نماینده ولی امر در این ستاد**

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای فاضل هرندی از این پس نماینده من در ستاد مذکور می باشند .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 395



## فهرست آیات و روایات

- اجتنب الغيبة فانها ادم كلاب النار - ثم قال - يانوف كذب  
من زعم انه ولد من حلال وهو ياكل لحوم الناس بالغيبة
- بحار الانوار ٢٤٨/٧٢ ٣٤٩
- أَحَطَّتْ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ
- سورة نمل، آية ٢٢ ٣٤٣
- آخر الدواء الكي
- روایت سید محمد باقر ٨
- اذ اظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل  
فعليه لعنة الله
- ٢٠
- اذا فسد العالم فسد العالم
- ٧
- اشد الناس حسرة
- روایت سید محمد باقر ٣
- أَقْلًا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا
- سورة محمد (ص) آية ٢٤ ٣٤٤
- أَلَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
- سورة نور، آية ٣٥ ٣٤٢
- ٣٤٥
- الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانسر ابصار قلوبنا بضياء  
نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل
- مناجات شعبانیه ٣٤٣

الى معدن العظمة و تصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهى  
واجعلنى ممن ناديت فاجابك ولا حظته فصعق لجلالك  
فناجيت سر

۳۶۳ اثنوا وَاَنْظُرُوا وَاَنْظُرُوا وَ مَا قَدَّمْت

تلاوة في صلاة

۱۰۹ اِنَّا اِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى اليه لآحقون

أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالُوا وَلَا إِلَى مَنْ قَالَ لِيَوْمَ نُنْفِثُ السُّحُبَ لِيَكُنَّ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ  
فصل في الحكمة ۳۴۶ حديث ۱۱ - في بيان هذا الحديث

أَنْظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ يَا رَبِّ

۱۴ انما يحتاج الى الظلم الضعيف  
اِنَّهُ لَفَرَّانٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْتُوبٍ لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ  
سورة واقعه آيات ۳۴۴

آيات ۷۷-۷۹ بقوله تعالى في آيات ۳۴۴

هذا قوله عليه

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ  
و ۶ سورة حمد، آيات ۷ ۳۴۵

۳۶۱ يَاكَ نُعْبِدُ وَيَاكَ نَسْتَعِينُ  
سورة حمد، آية ۵ ۳۶۱

۳۴۵

تَطْلُعُ عَلَى الْأَقْتَدَى  
سورة همزة، آية ۶ و ۳۴۷

۷

ثُمَّ دَنَى فَنَدَلَى  
سورة نجم، آية ۸ ۳۴۲

جزنا وهى خامده  
روايت، علم اليقين ۳۴۶

۹۷۱/۲

حب الدنيا راس كل خطيئه	حديث	٩
حَسْبِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ	سورة حج، آية ١١	٦
«ربك يصلي» «الله نور السموات والارض»	اصول كافي ج ٢ ص	٣٢٩
	سورة نوره آيه ٣٥	٣٧٣
رزقنا الله واياك		٣٤٣
رزقنا الله واياكم		٣٤٢
السامع احد المغتائبين	روايت	٦
شَيْطَانِي أَمَنَ يَدَي	روايت، علم اليقين	٣٤٨
	٢٨٢/١	
صانها الله عن الحدثنان		٥٩
ضربة على يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين	بحار الانوار ٢/٣٩	٣٤٦
طوبى للمسجونين والمحرومين والعاقة للمتقين فاصبر كما صبر اولوا العزم		٧١
عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ	بقره ٢١٦	٤٦
العلم نور يقذفه الله في قلب من يشاء	المحجة البيضاء	٣٤٣
	٤٥/٥	
العلم هو الحجاب الاكبر		٣٤٣

٣٤٤	سورة ص، آيه ٨٢	فَيَعِزُّنَكَ لِأَعْيُنِهِمْ أَجْمَعِينَ
٣٤٨	سورة بقره، آيه ٣٧	فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ
٣٤٢	سورة روم، آيه ٣٠	فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ
٣٦١	سورة حشر آيه ١٨	فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ
٣٤٩	سورة اعراف، آيه ٢٢	فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ
٣٤٧	دعای کمیل	فهبني يا الهی وسیدی ومولای وربی صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک
٣٤٣	سورة نعل، آيه ١٨	قَالَتْ نَمَلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
٣٥٩	سورة سبا، آيه ٤٦	قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى
٣٤٤	سورة اعراف، آيه ١٧٩ - سورة فرقان، آيه ٤٤	كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ
٣٤٢	سورة روم، آيه ٣٠	لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ
١١٧	سورة انفال، آيه ٤٢	لَارَادَ لِقْضَائِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَفِي عِلْمِ الْعَالَمِينَ
٧٥	سورة انفال، آيه ٤٢	لِيُهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِهِ وَيُحْيِي مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِهِ
٩		مادئبان ضاريسان... غنم هذا من الاوله وهذا من الاخر
٣٤٢	مرآة العقول ١٤٦/٨	ماعرناک
٣٦٢	علم اليقين	مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَمَعَهُ وَعَدُهُ
٣٤٥	سورة مجادله، آيه ٧	مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ...
٣٤٦	سورة جمعه، آيه ٥	مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا الثَّوْبَةَ ثُمَّ لَمْ يُحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ
٣٤٤		



٣٥٩	مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ	
٣٨٠	مِنْكُمْ مَنْ يُرُدُّ إِلَى أَرْضِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمِ شَيْئًا	سورة نحل، آيه ٧٠
٣٤٤	أَلْتَأْسُ نِيَامٌ وَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُو	
٣٦٤	وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَى وَأَخْرَأَ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَاللهِ الْإِطْهَارِ	
	وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ	
٧٩	وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	سورة عصر
	وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ	
٣٤٨	وَأَلْقَى إِلَيْهِ كَلِمَاتٍ	
٢٨	وَاللهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ	سورة يوسف، آيه ٢١
٨٩	وَاللهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ	سورة بروج، آيه ٢٠
٨١	وَالى الله التكلان	
٣٤٤	وَأَنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ	سورة عنكبوت، آيه ٥٤
٢٢٦	وَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحَ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ	سورة اسراء، آيه ٤٤
٣٤٢		
٣٤٣		
٣٧٣		
٣٦٢	وَجَهَنَّمَ وَجْهَيْهَا لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ	سورة انعام، آيه ٧٩
٣٨٠	وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ وَلَا تَفْنَأُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً	سورة زمر، آيه ٥٣
٣٧٢	وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ	سورة بقره، آيه ١٩٣
٣٧٢	وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَإِيَّاكَ تَعْبُدُونَ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ	سورة اسراء، آيه ٢٣
	سورة حمده، آيه ٥	
٣٦٤	ولا تكرر في تجليه جلا وعلا	

ولا تكونوا كالذين نسوا الله فأنسيهم أنفسهم أولئك هم الفاسقون  
سورة حشر، آية ١٩، ٣٦٣

ولا يقرب بعضكم بعضاً أيحب أحدكم أن يأكل لحم أخيه ميتاً  
سورة حجرات، آية ١٢، ٣٤٩

ومكروا ومكر الله والله خير الماكرين  
سورة آل عمران، آية ٥٤، ٢٩٨

وهل يكب الناس في النار يوم القيامة إلا حصائد ألسنتهم  
حديث، ٣٤٩

هو الأول والأخر والظاهر والباطن  
سورة حديد، آية ٣، ٣٧١

يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغدو اتقوا الله إن الله خبير بما تعملون  
سورة حشر، آية ١٨، ٣٦٠

يشيب بن آدم ويشب فيه خصلتان: الحرص وطول الأمل  
سورة الفرقان، آية ١٢٩، ٣٥٩

يلبثون فيه احقاباً  
روایت، ٨



اروپا ۱۳۰	اعتاب مقدسه ۵۲، ۳۰
استبداد عمال اجانب ۹۸	اعتصابات سیاسی ۱۳۶
استعمار ۹۸، ۷۸؛	اعتصاب شرکت نفت ۱۳۶، ۱۷
— چپ و راست ۹۸	اعتصاب مدارس ۱۳۶
استعمارگران شرق و غرب ۲۶۷	اعتصاب هواپیمایی ۱۳۶
استفناات ۸۵	افکار عمومی ۱۷۶
استقلال ۱۲۹؛	اقتصاد کشور ۲۷، ۱۶۰؛
— سیاسی ۱۷۱؛	شکست — ۱۹۷؛
— مملکت ۲۷	عقب ماندگی — ۱۳۰
اسد، حافظ ۲۷۲	اقلیت‌های مذهبی ۲۶
اسرائیل ۱۷، ۱۸، ۷۸، ۸۹، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۵۱،	اقلید ۲۵۷
۱۵۲؛	الجزایر ۲۷۱
قطع رابطه با — ۱۶۰	امامی، محمد (حجت الاسلام) ۲۴۴، ۳۹۰
اسلام ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۰، ۵۰، ۱۱۴، ۱۲۸،	امریکا ۷۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۶، ۱۷۰، ۱۹۴،
۱۴۱؛	۲۶۶؛
آتیه — ۹؛	پایگاه برای — ۱۳۰ — ۱۳۲، ۱۹۶؛
تاریخ — ۱۱۴، ۱۲۸؛	جنگ اقتصادی و سیاسی — و ایران
جانبازان — ۲۸۸؛	۲۵۹؛
دشمنان — ۱۱۴؛	طرد — از ایران ۲۶۴؛
صیانت — ۶۰؛	قطع روابط با — ۲۶۰؛
کشور — ۴۸؛	لانه جاسوسی — ۲۶۶؛
کویدن — ۷۹؛	محکوم کردن دخالت — در ایران ۱۷۱؛
مخالفت — با رژیم سلطنتی ۱۴۹؛	میانجیگری بین — و ایران ۲۶۵
مخالفت — با سرمایه‌داری و کمونیسم	انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا ۱۱۴
۲۹۲؛	انجمن‌های ایالتی و ولایتی ۲۷، ۲۹، ۳۰
مصالح — ۱۳۴	انزایی، محمد حسین (ثقة الاسلام) ۵۰
اسلامبول ۴۴	انقلاب اسلامی، علت پیروزی ۱۹۳
اصفهان ۶۰، ۲۴۴، ۲۵۶	انقلاب در تمام زمینه‌های اقتصادی ۱۶۳
اصلاحات ارضی ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۵۲،	انقلاب سفید ۱۵۲
۱۶۹، ۱۵۳	انگلیس ۱۴۵، ۱۴۹؛

ملکه — ۱۹۷	بلوک شرق ۱۴۶
انگیزه الهی ۳۴۶	بن جدید، شاذلی ۲۷۱
انواری، محی‌الدین (حجت الاسلام) ۲۰۵	بنیاد پهلوی ۱۳۳
اویک ۱۷۰	بنی‌امیه ۹۸
اهداف اسلامی ۱۱۴	بنی‌صدر، (آیت‌الله) ۵۶
ایران ۱۲، ۱۸، ۲۷، ۳۴، ۴۰، ۴۲، ۵۰، ۵۲	بورسا ۴۴، ۴۲، ۳۹
آباد کردن خرابی‌های — ۲۶۸	بهای، حزب ۲۷
تاریخ — ۱۲۸	بهشت ۳۴۵، ۳۴۶
تأسف از اوضاع — ۷۹	بی‌اعتنایی به تشریفات ۱۰۳
ایمان قلبی ۳۶۰، ۳۶۱	بی‌برقی ۱۳۳
— عامه ۳۶۰	
	<b>ب</b>
	باب ۴
باختران ۲۴۶	پاسبان ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰
باریک بین، هادی (حجت‌الاسلام) ۲۹۶	پاکستان ۳۱۸
بازار ۱۳۵ — ۱۳۷، ۱۴۰	پالایشگاه تهران ۲۶۸
بستن — ۱۳۵، ۱۳۶	پانزده خرداد، جنایات ۹۸، ۲۶۸
قبضه نمودن — توسط اسرائیل ۱۱۵	پایداری برابر ناملایمات ۸۳
بازار تهران ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۸۰، ۱۹۴	پهلوی (سلسله) ۱۲۹
بازار شیراز ۱۳۷	پیامبران و انگیزه بعثت آنان ۳۴۴
بازار قم ۱۳۷	پیروزی حقیقی ۲۰۹
بازرگان، مهدی ۲۱۵، ۲۸۴	
بت نفس ۳۴۸	<b>ت</b>
بختیار و دولت غیرقانونی او ۱۵۹ — ۱۶۱	تاریخ اسلام ۱۱۴
۱۶۸، ۱۸۱، ۱۹۵	تاسوعا ۱۸
بدعت ۲۰	تبریز ۲۵۸
برنامه‌های دولتی و حزبی ۲۹	تبلیغات بر ضد رژیم پهلوی ۱۳۴
بصره ۱۹۳	تبلیغات ضد انسانی ۶۳
بغداد ۱۹۳	تحصیل ۱۰۳
بلدیه (شهرداری) ۳۰	تحکیم مبانی دیانت مقدسه ۱۰۳





دولت موقت ۱۹۵	۳۶۱	ز	۳۶۳ (۱۳۳۳)
دولت‌های اسلامی ۱۲۳:۱۷	۳۶۳	ز	۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۳ (۱۳۳۳)
مشکل - با ملت‌ها ۲۴۸:	۳۶۳	زبان سرخ، آفات ۳۴۹	۳۴۹
مشکل - بایکدیگر ۲۴۸	۳۶۳	زراعت ۱۳۱	۳۶۳
دولت‌های عربی ۱۲۳:	۳۶۳	زردتشت ۲۶	۳۶۳
رابطه با - ۱۴۸	۳۶۳	زنان ۲۹، ۲۱۹:	۳۶۳
دولت‌های غربی، ترس از قیام ایران ۱۶۱:	۳۶۳	آزادی - ۱۵۳:	۳۶۳
دیکتاتوری ۱۳۷	۳۶۳	انتخاب - ۲۷، ۳۰	۳۶۳
رابطه با غرب و شرق ۱۷۰، ۱۷۱:	۳۶۳	ژاندارمری - قوای انتظامی:	۳۶۳
رادیو ۱۴، ۱۳۶:	۳۶۳	س	۳۶۳
رادیوهای خارجی ۱۳۶	۳۶۳	سازش با ظالم ۷۹	۳۶۳
ربانی شیرازی، عبدالرحیم (حجت‌الاسلام) - ۲۸۱	۳۶۳	سازمان آزادیبخش فلسطین ۲۶۵	۳۶۳
رحمانپور، (؟) ۲۰۷:	۳۶۳	سازمان الفتح ۲۴۸	۳۶۳
رحمانی، حسین ۲۴۷	۳۶۳	سازمان ملل ۶۷، ۲۶۵	۳۶۳
رژیم ۲۵۰۰ ساله ۱۳۷	۳۶۳	ساواک، انحلال ۱۷۱	۳۶۳
رشد علمی ۳۴۴	۳۶۳	سرمایه‌داری، غیرشرعی بودن ۲۹۲، ۲۹۳	۳۶۳
رضاخان ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۸۰:	۳۶۳	سعیدی، محمدرضا (ثقة الاسلام) ۸۳، ۷۱، ۱۴	۳۶۳
۳۵۸	۳۶۳	سلطان ظل‌الله ۱۳۷، ۱۳۸	۳۶۳
رضوانی، حسین ۲۰۰	۳۶۳	سلطنت ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶	۳۶۳
رفراندوم عمومی ۱۷۵	۳۶۳	سنجایی، کریم ۱۴۳	۳۶۳
روحانیت ایران ۷۸	۳۶۳	سوریه ۱۲۷، ۱۹۳، ۲۷۲	۳۶۳
روحانیت و اسلام ۶۷	۳۶۳	سهم امام - وجوه شرعیه ۳۶۳، ۸۲۱، ۳۶۳	۳۶۳
روحانیون ۱۶۸، ۱۷۳:	۳۶۳	سیرجان ۱۱، ۸۷	۳۶۳
مسأله ثروتمند بودن - ۱۷۶	۳۶۳	سیفیان، محمدکاظم ۲۸۶	۳۶۳
روزنامه‌ها ۱۳۶	۳۶۳	سینما ۱۷۶	۳۶۳
روش مسالمت‌آمیز، مخالفت با ۱۵۲	۳۶۳	ریاکاری ۷	۳۶۳



ش	شاه مخلوع ۱۷، ۲۰، ۷۸، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۹	صفدری (ثقة الاسلام) ۲۵۷
۱۳۰ - ۱۳۲، ۱۳۷ - ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۷	صهیونیست ۲۶، ۲۷	ضیایی، عبدالله (ثقة الاسلام) ۲۲۲، ۲۳۰
۱۶۸، ۱۵۰ - ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۶۹		
ط		
۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۹۳ - ۱۹۶، ۲۵۹	طالقانی، محمود (آیت الله) ۸۳، ۲۰۴	
۲۶۲ - ۲۶۵	طاهری ؟ (حجت الاسلام) ۲۵۶	
۲۷۴	طاهری خرم آبادی، حسن (حجت الاسلام)	
شقیق، حبیب الله ۲۰۳	۳۱۸	
شورای امنیت ع سازمان ملل	طباطبایی، (؟) ۲۵۸	
شورای سلطنت ۱۵۷، ۱۵۹	طب، عقب ماندگی ۱۳۰	
شورای نگهبان ۳۹۰	طرخانی، علی ۲۰۳	
شوروی ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۹۴		
عدم وابستگی به - ۲۶۴		
شهادت ۳۲۹	عاشوری، ؟ (ثقة الاسلام) ۱۶۴	
- در راه اسلام ۲۶۸	عدالت ۱۳۱	
شهادت طلبی ملت ۱۴۰	اجتماعی ۱۴۱	
شهربانی ع قوای انتظامی	عدل، دفاع از ۲۶۵	
شهرداری ها ۲۷، ۳۰	عراق ۶۵، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۷۰	
شیرازی، عبدالله (آیت الله) ۲۳۴، ۲۷۵، ۲۷۹	عرفان ۳۴۷	
۳۰۱، ۳۰۶، ۳۱۳	فطری ۳۴۲	
ص	عسکراولادی، حبیب الله ۱۹۰، ۲۰۳، ۳۰۱	
صض	علم، اسدالله ۲۰، ۲۶، ۳۰	
صانعی، یوسف (حجت الاسلام) ۳۱۱	علم الهدی اهوازی ۶۷	
صبر برشداید و مشکلات ۷۵، ۷۸	علم، عقب ماندگی ۱۳۰	
صبر و انتظار فرج ۷۱	عمرین عبدود ۱۳۸	
صحیفه سجادیه ۳۲		
صدا و سیما، تعیین نماینده برای ۳۲۶	غ	
صدرالمناهلین ۳۴۸	غاصبین و استعمارگران ۱۸	
صدوقی، محمدعلی (حجت الاسلام) ۲۹۷	غریبزدگی ۲۶۳	

غروی، جواد (حجت الاسلام) ۲۲۰	اصل دوم متمم — ۲۸، ۳۰:
غیبت — آفات زبان	تعدیل — با شریعت اسلام ۱۴۹
	قدوسی، علی (حجت الاسلام) ۲۹۸
ف	قرآن ۳، ۷، ۲۰، ۲۱، ۲۶؛ ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴
فارس ۲۸۱	تدبر در — ۳۴۴؛ ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳
فارسی، جلال‌الدین ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۲۷	زبان — ۳۴۵
۱۵۸	قزوین ۲۹۶
فاصله طبقاتی ۱۳۳	قسم ۳، ۱۲، ۲۰، ۲۶، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۹، ۶۰
فاضل هرندی، محی‌الدین ۳۹۴، ۳۹۵	۱۳۵، ۱۳۸
فرانسه ۱۳۱، ۱۵۹، ۱۹۳، ۲۶۰	قوانین اسلام ۲۷، ۱۴۲، ۱۷۰
پیغام رئیس‌جمهور — ۱۹۵	قوای انتظامی ۲۴۲، ۲۴۳
سرمایه‌گذاری‌های — در ایران ۱۵۹	قوای ثلاثه ۱۸۰
علت سفر به — ۱۹۳	قیام‌الله ۳۵۹
فردوسی پور، اسماعیل (حجت الاسلام) ۲۵۵	
۳۶۸	ک
فرهنگ ۱۳۰	کارتر، جیمی ۱۳۲، ۲۵۹، ۲۶۰
فطرت انسان ۳۴۶	کارشناس خارجی ۱۳۰
فکوری، جواد ۲۹۹	کارگران ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸
فلسطین ۱۸، ۱۵۱	کازرون ۲۰۸
توطئه ابرقدرت‌ها در مورد — ۱۲۳	کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی ۳۹۲
حمایت از مبارزین — ۱۵۳	کرد ۲۵۰
غصب — بدست اسرائیل ۱۵۱	کردستان، غائله ۲۴۹ — ۲۵۱
مجاهدین — ۱۲۳	کرمانشاه (باختران) ۲۴۶
فلسفه، موضوع ۳۴۷	کریمی، محمد (حجت الاسلام) ۲۱۵
فنا از فنا ۳۷۱	کروبی، مهدی (حجت الاسلام) ۲۸۵
فنا در هو مطلق ۳۶۳	کشاورزی، عقب‌ماندگی ۱۳۰، ۱۶۹، ۱۹۷
فنای مطلق ۳۷۱	و نیز نگاه کنید به اصلاحات ارضی
ق	کفر، مراتب ۳۴۴
قانون ۲۷	کلارک، رمزی ۲۶۵
قانون اساسی ۲۰، ۲۱، ۲۷، ۳۰	کمال مطلق و ناقص ۳۴۲

کمونیسیم ۱۴۶	— جعفری ۲۸؛
کمیل، دعا ۳۴۷	خضوع مقابل — ۲۷؛
کودتای نظامی ۱۷۱، ۱۷۲	کوشش برای ایفای نقش — ۱۱۵
کویت ۱۹۲	مراغه ۱۳۱
کیش (جزیره) ۲۰۰	ملی کردن — ۱۹۷
	مراجع فتوا ۳۰
	مرجع، مسایل مربوط به تعیین ۹۵
گ	مرعشی نجفی، شهاب‌الدین (آیت الله) ۲۷۳،
گروگان‌های امریکایی ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۶	۲۷۸، ۲۹۸، ۳۹۲
گلیایگانی، محمدرضا (آیت الله) ۱۸۳، ۲۸۹	مستشاران امریکایی ۱۲۹
۳۱۲	مستشاران نظامی ۱۷۰
گیلان ۳۲۰	مسجد ارک ۱۱۹
	مسجد اقصیٰ ۱۷، ۸۹
لیانی، محسن ۱۹۰	مسجد امام موسی بن جعفر (ع) ۹۳
لبنان ۱۸، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۲۷	مسؤولیت انسانی ۳۵۹
لرستان ۳۲۷	مشکین شهر ۲۴۵
لواسانی ۴۴	مشکینی، علی (حجت الاسلام) ۲۱۴
مارک سیاسی ۱۳۹	مشهد مقدس ۲۵۵
مارکسیسم ۱۴۶	مصالح مسلمین ۶۰، ۶۵
متفقین ۱۲۹	مصباح الشریعه ۳۴۷
مجلسین ۲۷، ۲۸، ۳۰	مصباحی، مجدالدین (نقّه الاسلام) ۵۲
محتشمی، علی اکبر (حجت الاسلام) ۳۶۶	مصدق، محمد ۱۵۱
۳۸۴، ۳۸۷	مطبوعات ۲۷، ۶۳
محلّات ۳	مطهری، مرتضیٰ (حجت الاسلام) ۱۰۹
محلّاتی، فضل الله (حجت الاسلام) ۱۹۰	مفاتیح ۳۲
محمدبن عبدالله (ص) ۱۹۷	مقامات صالحین و عارفین ۳۴۷، ۳۴۸
محمدی میانجی، عبدالستار ۲۵۳	مقدم، علی (نقّه الاسلام) ۲۰۰
مخازن کشور، چپاول ۱۱۵	مکاسب ۳۲، ۳۹
مدرنیزه کردن مملکت ۱۴۳	مکه معظمه ۴۴، ۱۰۹، ۱۹۷
مدنی، اسدالله (حجت الاسلام) ۲۵۸	ملت ایران ۵۹، ۷۸، ۹۸، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۲۹
مذهب ۲۷، ۱۱۵؛	

نهضت اسلامی ۲۵۰	۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۷۰، ۱۹۴
وابستگی به خارج ۷۸	۲۴۳، ۲۴۲
واشنگتن ۴	ممالک اسلامی ۶۳، ۶۵
واعظ طبسی، عباس (حجت الاسلام) ۲۷۷	منابع ثروت مملکت ۱۳۱، ۱۳۲
والدهایم، کورت ۲۶۵	مناجات شعبانیه ۳۴۳
وجدان ۷۳	منازل السائرین ۳۴۷
وجوه شرعیه ۲۳، ۲۵، ۳۹، ۵۸، ۶۹، ۹۳	منافقین ۱۱۴، ۳۸۴
۱۰۱، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۶۷، ۲۹۳، ۳۶۸	مستظری، حسینعلی (آیت الله) ۱۰۵، ۲۳۹
وحدت کلمه ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۸۱، ۲۰۹، ۲۴۳	۲۸۹، ۳۰۲، ۳۰۴
وحی ۱۳۸	موسوی اردبیلی، عبدالکریم (حجت الاسلام)
وسایل ارتباط جمعی ۱۵۲	۲۴۵
وسیله (کتاب) ۴۰، ۴۲	موسوی، میرحسین ۳۹۲
ولی امر ۵۹، ۶۹، ۲۴۲	میانه ۲۵۳
	ن و
ه ی	ناطق نوری، علی اکبر (حجت الاسلام) ۳۰۸
هارون الرشید ۸	۳۶۶
هاشمی، محمد ۳۲۶	نجف آباد ۶۵
هدایت ۸	نجف اشرف ۱، ۲، ۵، ۷، ۱۹۲، ۲۷۰
همدان ۲۵۸	نظام زاده، محمدعلی ۲۰۰
هوای نفس ۴، ۷	نفت ۱۸، ۱۳۱ - ۱۳۳، ۲۶۸
هیأت وزیران ۲۶	خرید اسلحه در مقابل - ۱۳۰، ۱۳۱
یأس ۷۱، ۷۵	۱۹۶
یزدانی، هزبر ۲۰۳	خرید هواپیما در مقابل - ۱۳۱، ۱۳۲
یزدی، محمد (آیت الله) ۸۱، ۸۷، ۱۰۷	صادرات - ۱۴۶
۲۱۷	قیمت عادلانه - ۱۶۱
یهود ۲۶، ۲۷، ۱۱۵	حجاز ۱۳۲
یهودیان اروپایی و امریکایی ۱۸	شرق ۱۳۲
یهودیان ایرانی ۱۸	نقده ۲۵۰
	نوری، حسین (حجت الاسلام) ۲۳۷
	نهضت آزادی ۳۸۴

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

